



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



1

دورهنامه مهارت‌افزایی

مختص دوره‌های کوتاه‌مدت
از وزارت آموزش عالی

مجلس شورای عالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه مهدویت

نویسنده:

خدا مراد سلیمیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	درسنامه مهدویت جلد ۱
۱۶	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۲۱	مقدمه ناشر
۲۳	فهرست مطالب
۳۹	پیشگفتار
۴۳	درس اول: اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی
۴۳	اشاره
۴۷	۱. اندیشه موعود در آیین یهود
۴۷	اشاره
۴۹	۱. کتاب دانیال پیامبر
۴۹	۲. کتاب حُگی
۴۹	۳. کتاب صفیاه پیامبر
۵۰	۴. کتاب اِسْغیای پیامبر
۵۰	۵. کتاب زبور داود علیه السلام
۵۱	۲. اندیشه موعود در آیین مسیحیت
۵۱	اشاره
۵۱	۱. انجیل متی
۵۲	۲. انجیل لوقا
۵۲	۳. انجیل مَرَقس
۵۲	۴. مکاشفات یوحنا
۵۳	خودآزمایی
۵۴	درس دوم: مهدویت در قرآن

۵۴ اشاره
۵۶ ۱. تفسیر
۵۷ ۲. تأویل
۵۸ ۳. تطبیق
۵۸ اشاره
۵۸ آیه اول
۶۲ آیه دوم
۶۳ آیه سوم
۶۸ آیه چهارم
۶۹ آیه پنجم
۷۰ آیه ششم
۷۳ خودآزمایی
۷۵ درس سوم: مهدویت در منابع روایی شیعه
۷۵ اشاره
۷۷ شیعه و احادیث مهدویت
۷۷ اشاره
۷۸ یک. کتاب سلیم بن قیس هلالی
۸۰ دو. المحاسن
۸۱ سه. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام
۸۲ چهار. کتاب التفسیر معروف به (تفسیر العیاشی)
۸۳ پنج. تفسیر القمی
۸۵ شش. الکافی
۸۶ هفت. الغیبه
۸۷ هشت. کمال الدین و تمام النعمه
۸۹ نه. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد
۹۰ ده. کتاب الغیبه للحجه

۹۳	خودآزمایی
۹۴	درس چهارم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۱)
۹۴	اشاره
۹۷	یک. کتاب های عمومی
۹۷	اشاره
۹۷	۱۱. المصنف عبد الرزاق
۹۸	۱۲. کتاب الفتن
۹۸	۳ ۱. المصنف فی الاحادیث و الآثار
۹۸	۱۴. مسند احمد
۹۹	۱۵. سنن ابن ماجه
۹۹	۱۶. سنن ابو داود
۱۰۰	۱۷. الجامع الصحیح
۱۰۰	۱۸. المستدرک علی الصحیحین
۱۰۱	۱۹. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال
۱۰۱	دو. کتاب های حدیثی ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۰۱	اشاره
۱۰۱	۲۱. اربعون حدیث
۱۰۲	۲۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام
۱۰۴	۲۳. عقد الدرر فی اخبار المنتظر
۱۰۷	۲۴. العرف الوردی فی الاخبار المهدی علیه السلام
۱۰۸	۲۵. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان
۱۰۸	سه. صحت احادیث مهدوی علیه السلام
۱۱۰	چهار. تواتر احادیث مهدی
۱۱۳	خودآزمایی
۱۱۴	درس پنجم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۲)
۱۱۴	اشاره

- مشترکات اهل سنت و شیعه در «مهدویت» ۱۱۶
- اشاره ۱۱۶
۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۱۶
۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۱۶
- اشاره ۱۱۶
۲۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت و فرزندان رسول خدا ۱۱۷
۲۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل حضرت علی علیه السلام ۱۱۷
۲۳. حضرت مهدی از نسل فاطمه علیها السلام ۱۱۸
۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۱۸
- اشاره ۱۱۸
۳۱. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور ۱۱۸
۳۲. چهره نورانی ۱۲۰
۳۳. پیشانی بلند و بینی کشیده ۱۲۰
۳۴. خال بر گونه ۱۲۰
۳۵. ظهور در سن چهل سالگی ۱۲۰
۴. هم نام بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۱۲۲
۵. زمینه های ظهور ۱۲۲
- اشاره ۱۲۲
۵۱. نا امیدی کامل مردم ۱۲۲
۵۲. فراگیر شدن ستم ۱۲۳
۶. نشانه های ظهور ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
۶۱. ندای آسمانی ۱۲۳
۶۲. سفیانی ۱۲۳
۶۳. خسف در بیداء ۱۲۴
۶۴. قتل نفس زکیه ۱۲۴

۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۵
۷۱. اصلاح امر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب ۱۲۵
۷۲. محل ظهور ۱۲۵
۷۳. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۵
۷۴. نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۵
۷۵. نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۷
۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۷
۸۱. عدالت گستری ۱۲۷
۸۲. رفاه و آسایش عمومی ۱۲۸
۸۳. رضایت همگانی از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۸
۸۴. امنیت همه جانبه و عمومی ۱۲۸
۸۵. احساس بی نیازی در مردم ۱۲۸
۸۶. غلبه اسلام بر سایر ادیان ۱۲۹
۸۷. جهانی بودن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۹
- خود آزمایی ۱۳۰
- درس ششم: انحراف در مهدویت، پیش از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۳۱
- اشاره ۱۳۱
- مدعیان مهدویت ۱۳۳
- اشاره ۱۳۳
۱. کیسانیه ۱۳۴
۲. زیدیه ۱۳۷
۳. باقریه ۱۳۸
۴. نفس زکیه ۱۴۰
۵. ناووسیه ۱۴۱
۶. اسماعیلیه ۱۴۲
۷. موسویه یا موسائیه ۱۴۴

۸. محمدیه ۱۴۵
۹. عسکریه ۱۴۵
- سه گروه مدعی مهدویت ۱۴۵
- خود آزمایی ۱۴۷
- درس هفتم: شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۸
- اشاره ۱۴۸
- از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۵۰
- راههای شناخت امام علیه السلام ۱۵۲
- اشاره ۱۵۲
۱. نص ۱۵۲
۲. کرامت ۱۵۳
۳. سیره عملی ۱۵۳
- آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۵۴
۱. محبت و دوستی امام ۱۵۴
۲. نجات از مرگ جاهلی ۱۵۶
- مهدی شخصی و مهدی نوعی ۱۵۸
- خود آزمایی ۱۶۲
- درس هشتم: نسب پدری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۶۴
- اشاره ۱۶۴
۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان عبد المطلب» ۱۶۶
۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۶۷
- اشاره ۱۶۷
۲۱. «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۶۷
۲۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۶۸
۲۳. «ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۷۰
۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۷۰

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام» - - - - - ۱۷۱
۴. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام» - - - - - ۱۷۲
۵. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام» - - - - - ۱۷۳
۶. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان امام حسین علیه السلام» - - - - - ۱۷۶
۷. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان امام محمد باقر علیه السلام» - - - - - ۱۷۸
۸. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان امام صادق علیه السلام» - - - - - ۱۷۸
۹. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام» - - - - - ۱۷۹
۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان امام رضا علیه السلام» - - - - - ۱۷۹
۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام» - - - - - ۱۸۰
۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، از «فرزندان امام هادی علیه السلام» - - - - - ۱۸۰
- خودآزمایی - - - - - ۱۸۲
- درس نهم: پدر حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف - - - - - ۱۸۴
- اشاره - - - - - ۱۸۴
- جلوه‌هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام - - - - - ۱۸۷
- اشاره - - - - - ۱۸۷
۱. کوشش علمی در دفاع از اسلام و ردّ شبهات - - - - - ۱۸۷
۲. ایجاد حلقه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان - - - - - ۱۸۸
۳. فعالیت‌های سیاسی سزّی - - - - - ۱۸۹
۴. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان - - - - - ۱۸۹
۵. آگاهی بخشی سیاسی به چهرهای برجسته شیعه - - - - - ۱۹۰
۶. بهره‌گیری از دانش غیبی برای ارشاد دیگران - - - - - ۱۹۰
۷. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین - - - - - ۱۹۱
۸. آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالى فرجه الشريف - - - - - ۱۹۱
- حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام - - - - - ۱۹۳
- اشاره - - - - - ۱۹۳
۱. بازجویی از خانه آن حضرت - - - - - ۱۹۳

۲. برخورد جعفر کذاب با مادر امام عسکری علیه السلام بر سر میراث ۱۹۳
۳. بازجویی از خانه‌ها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۹۳
۴. ترور، حبس، تهدید و اذیت و آزار شیعیان ۱۹۳
۵. اختلاف و چند دستگی بین شیعیان ۱۹۳
- پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنت ۱۹۵
- خود آزمایی ۱۹۹
- درس دهم: مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۰۱
- اشاره ۲۰۱
- نام‌های مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۰۳
- سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۰۴
- سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۱۲
- خود آزمایی ۲۱۴
- درس یازدهم: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۱۵
- اشاره ۲۱۵
۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۱۷
- اشاره ۲۱۷
- پنهانی بودن ولادت ۲۲۰
- فلسفه مخفی بودن ولادت ۲۲۱
۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۲۳
- اشاره ۲۲۳
- الف. نوید امام عسکری علیه السلام به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۲۳
- ب. خیر دادن امام عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۲۳
- ج. خبر حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت ۲۲۴
- د. خبر نسیم و ماریه (خادمان بیت امامت) ۲۲۴
- ه. گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه ۲۲۵
- و. گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت از ولادت آن حضرت ۲۲۶

- ۲۲۷ زمان ولادت
- ۲۳۰ پاسخ به برخی پرسش‌ها و شبهات
- ۲۳۴ خود آزمایی
- ۲۳۵ درس دوازدهم: نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۳۵ اشاره
- ۲۳۸ انواع روایات درباره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص (محم د)
- ۲۳۸ یک. روایات عدم جواز به صورت مطلق
- ۲۴۰ دو. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور
- ۲۴۱ سه. روایات جواز بدون بیم خطر
- ۲۴۲ چهار. روایات جواز نام بردن
- ۲۴۶ نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه
- ۲۴۸ نام حضرت در دعاها
- ۲۴۹ نام حضرت در گفتار اهل سنت
- ۲۵۱ نکته پایانی
- ۲۵۲ خود آزمایی
- ۲۵۳ درس سیزدهم: القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۵۳ اشاره
- ۲۵۶ ۱. بقیه الله
- ۲۵۸ ۲. حجّت
- ۲۶۰ ۳. خاتم الاوصیاء
- ۲۶۱ ۴. شریّد
- ۲۶۱ ۵. صاحب الامر
- ۲۶۲ ۶. صاحب الدار
- ۲۶۲ ۷. صاحب الزّمان
- ۲۶۳ ۸. صاحب السّیف
- ۲۶۵ ۹. صاحبُ العیبه

۱۰. غریم ۲۶۵
۱۱. غلام ۲۶۶
۱۲. فرید ۲۶۶
۱۳. قائم ۲۶۷
- اشاره ۲۶۷
- ۱۳-۱. «لِقَائِهِمْ مِنْ وَوَلْدِي» (قیام کننده از فرزندانم) ۲۶۸
- ۱۳-۲. «قَائِمِهِمْ» (قائم آنان) ۲۶۸
- ۱۳-۳. «قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا» (قیام کننده برای حق از ما) ۲۶۸
- ۱۳-۴. «قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (قائم ما اهل بیت) ۲۶۹
- ۱۳-۵. «قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ» (قیام کننده از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۶۹
۱۴. مُضْطَّر ۲۶۹
۱۵. مُتَنَزَّر ۲۷۰
۱۶. مُنْتَقِم ۲۷۱
۱۷. منصور ۲۷۱
۱۸. مهدی ۲۷۲
- خود آزمایی ۲۷۴
- درس چهاردهم: شمایل و ویژگیهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۷۶
- اشاره ۲۷۶
۱. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی ۲۷۹
۲. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت ۲۸۰
۳. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور ۲۸۱
- برخی ویژگیهای خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۸۲
۱. مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۸۲
۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت ۲۸۲
۳. روشن شدن چراغی در بیت الحمد، از ولادت تا هنگام ظهور ۲۸۳
۴. خاتم الاوصیا بودن ایشان ۲۸۳

- ۲۸۴ ۵. پنهان زیستی ایشان -
- ۲۸۴ ۶. میراث انبیا نزد ایشان -
- ۲۸۷ ۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان -
- ۲۸۸ ۸. طول عمر آن حضرت -
- ۲۸۸ ۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت -
- ۲۸۹ ۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف -
- ۲۹۰ ۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی -
- ۲۹۱ ۱۲. آکنده کردن زمین از عدل و داد -
- ۲۹۳ خود آزمایی -
- ۲۹۴ درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۱) -
- ۲۹۴ اشاره -
- ۲۹۶ ۱. خورشید مغرب -
- ۲۹۷ ۲. عصر زندگی -
- ۲۹۸ ۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف -
- ۳۰۰ ۴. دادگستر جهان -
- ۳۰۱ ۵. در فجر ساحل -
- ۳۰۲ ۶. راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف -
- ۳۰۳ ۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف -
- ۳۰۴ ۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب -
- ۳۰۶ ۹. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور -
- ۳۰۷ ۱۰. رهبری بر فراز قرون -
- ۳۱۰ منابع و مأخذ -
- ۳۳۹ درباره مرکز -

سرشناسه : سلیمیان، خدامراد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور : درسنامه مهدویت / خدامراد سلیمیان.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری : ۴ ج.

شابک : دوره ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۱-۵ : ؛ ۲۵۰۰۰ ریال : ج. ۱ : ۹۶۴-۷۴-۲۸-۳۲-۴ : ؛ ۲۵۵۰۰ ریال : ج. ۱، چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲-۸۳۲-۳ : ؛ ۳۵۰۰۰ ریال : ج. ۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۲-۲ : ؛ ۲۵۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ اول) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ پنجم) ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ ششم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال : ج. ۴ : ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۹۱-۸ :

یادداشت : ج. ۱ (چاپ پنجم : ۱۳۸۸).

یادداشت : ج. ۱ (چاپ سوم: زمستان ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۲ (چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۲ (چاپ پنجم: زمستان ۱۳۸۷).

یادداشت : ج. ۲ (چاپ ششم: ۱۳۸۸).

یادداشت : ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲).

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج. ۱. حضرت مهدی (عج) از ولادت تا امامت. - ج. ۲. حضرت مهدی (عج) و دوران غیبت. - ج. ۴. حضرت مهدی (عج) و حکومت جهانی

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/س ۴۵۸۷۳ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۶۲۴۹

ص: ۱

اشاره

ص: ۳

درسنامه مهدویّت (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از ولادت تا امامت

خدایمیراد سلیمیان

ص: ۴

درسنامه مهدویت (۱)

مؤلف / خدامراد سلیمیان

صفحه آراء / رضا فریدی

قطع / وزیری

چاپ / پارسانگار

نوبت چاپ / سوم، زمستان ۸۶

قیمت / ۲۵۵۰ تومان

تیراژ / ۳۰۰۰ جلد

مراکز پخش:

م: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهداء (صفائیه) / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص.پ. ۱۱۹-۳۷۱۳۵ م تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰ م فاکس: ۷۷۳۷۸۰۱

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف /

م.ص.پ. ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

شابک دوره: ISBN: ۵-۴۱-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

شابک ج ۱: ISBN: ۴-۳۲-۲۸-۷۴-۹۶۴

مقدمه ناشر

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری حضرت امام خمینی قدس سرّه طوفانی را در اندیشه ها و نگرش های عصر حاضر بوجود آورد. این انقلاب که ریشه هایی در گذشته و انقلاب عاشورا و نگاهی به آینده و انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشت، مکتب های بشری را با نیرومندی تمام به چالش کشید و آرمانهای تازه ای را در برابر دیدگان قرار داد.

از پیامدهای این چالش، توجه جدی در سطح بین المللی به موضوع مهدویت و آموزه های دینی اسلام و دیگر ادیان توحیدی در این زمینه بود. این توجه، بیش از پیش، ضرورت تبیین و بازشناسی این اندیشه را پدیدار ساخته است.

اگرچه دانشوران سترگ مکتب اهل بیت علیهم السلام در این عرصه از نهایت ظرفیت خود بهره برده و آثار فاخر و قابل تقدیری را تقدیم شیفتگان نموده اند، ولی هم چنان این عرصه نیازمند بازشناسی های روزآمد و نوین است.

البته بحث به اقتضای ماهیت خود دارای افق های مبهمی است که برخی تا هنگامه آن قیام جهانی باقی خواهد ماند. و این بدان معنا است که آنچه امروز در دست است، تمام بحث های مورد نیاز نیست.

اندیشه مهدویت باورستری است که ریشه در اعماق تاریخ دارد، جریان خروشان این تفکر در بستر ادیان و مذاهب و فرهنگ بشری، انبوهی از آگاهی ها، آرمان ها، افسانه ها و تخیلات را فراهم آورده است. در این معرکه تشخیص حق از باطل، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در راستای برنامه های خود در عرصه ترویج مهدویت و پیرایش آن از خرافه ها و پیرایه ها، و تحکیم بنیان های رفیع آن اصل اساسی اسلام، در کنار برنامه های دیگر، به انتشار کتاب های ارزنده و مورد نیاز در این زمینه دست یازیده است.

با توجه به گسترش مباحث مربوط به مهدویت در سطح جهان و فقدان متن مناسب آموزشی برای این مهم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف گام نخست را در این زمینه به پژوهشگر ارجمند، جناب حجت الاسلام والمسلمین سلیمیان واگذار کرد، ایشان با توجه به سوابق پژوهشی و نیز مشاوره با اساتید مرکز تخصصی مهدویت به انجام این مهم همت گماشت و بخش نخست «درسنامه مهدویت» را آماده کرد.

امید است در آینده نزدیک بخش های بعدی نیز آماده و به علاقه مندان تقدیم گردد.

بدون تردید این مجموعه به عنوان نخستین متن آموزشی مهدویت کاستی هایی دارد، امید است اندیشوران دلسوز علاوه بر آن که به دیده اغماض می نگرند، تذکرات لازم را جهت اصلاح به این مرکز منعکس نمایند.

در پایان ضمن تقدیر و سپاس از نویسندگان و همه اساتیدی که ما را در انجام این مهم، مساعدت کردند برای آنان از درگاه خداوند توفیق بیشتر خواستاریم.

امید است تلاش همه آن عزیزان مورد قبول و نظر حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداه قرار گیرد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

مرکز تخصصی مهدویت

فهرست مطالب

پیشگفتار. ۱۵

درس اول: اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی... ۱۹

۱. اندیشه موعود در آیین یهود. ۲۳

۱. کتاب دانیال پیامبر. ۲۴

۲. کتاب حگی.. ۲۴

۳. کتاب صفیناه پیامبر. ۲۴

۴. کتاب اشغیای پیامبر. ۲۵

۵. کتاب زبور داود علیه السلام. ۲۵

۲. اندیشه موعود در آیین مسیحیت... ۲۶

۱. انجیل متی.. ۲۶

۲. انجیل لوقا ۲۷

۳. انجیل مرقس.... ۲۷

۴. مکاشفات یوحنا ۲۷

خودآزمایی.. ۲۸

درس دوم: مهدویت در قرآن.. ۲۹

۱. تفسیر. ۳۱

٢. تأويل .. ٣٢

٣. تطبيق .. ٣٣

آيه اول «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ...» ٣٣

آيه دوم «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا...» ٣٦

آيه سوم «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا...» ٣٧

آيه چهارم «وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا...» ٤٢

آيه پنجم «بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ...» ٤٣

آیه ششم « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى ... » ۴۴

خودآزمایی.. ۴۷

درس سوم: مهدویت در منابع روایی شیعه. ۴۹

شیعه و احادیث مهدویت... ۵۱

یک. کتاب سلیم بن قیس هلالی.. ۵۲

دو. المحاسن.. ۵۳

سه. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام. ۵۴

چهار. کتاب التفسیر معروف به (تفسیر العیاشی) ۵۵

پنج. تفسیر القمی.. ۵۶

شش. الکافی.. ۵۸

هفت. الغیبه. ۵۹

هشت. کمال الدین و تمام النعمه. ۶۰

نه. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۶۲

ده. کتاب الغیبه للحجه. ۶۳

خودآزمایی.. ۶۶

درس چهارم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۱) ۶۷

یک. کتاب های عمومی.. ۷۰

۱۱. المصنف عبد الرزاق.. ۷۰

۱۲. کتاب الفتن.. ۷۱

٣١. المصنف فى الاحاديث و الآثار. ٧١

١٤. مسند احمد.. ٧١

١٥. سنن ابن ماجه. ٧٢

١٦. سنن ابو داود. ٧٢

١٧. الجامع الصحيح.. ٧٣

١٨. المستدرک على الصحيحين.. ٧٣

١٩. كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال.. ٧٤

دو. كتاب هاى حديثى ويژه حضرت مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف... ٧٤

٢١. اربعون حديث... ٧٤

٢٢. البيان فى اخبار صاحب الزمان عليه السلام. ٧٥

٢٣. عقد الدرر فى اخبار المنتظر. ٧٦

٢٤. العرف الوردى فى الاخبار المهدي عليه السلام. ٧٨

٢٥. البرهان فى علامات مهدي آخر الزمان.. ٧٩

سه. صحت احادیث مهدوی علیه السلام. ۷۹

چهار. تواتر احادیث مهدی... ۸۱

خودآزمایی.. ۸۴

درس پنجم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۲) ۸۵

مشترکات اهل سنت و شیعه در «مهدویت» ۸۷

۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۸۷

۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۸۷

۲۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت و فرزندان رسول خدا ۸۸

۲۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل حضرت علی علیه السلام ۸۸

۲۳. حضرت مهدی از نسل فاطمه علیها السلام. ۸۹

۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۸۹

۳۱. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور. ۸۹

۳۲. چهره نورانی.. ۹۰

۳۳. پیشانی بلند و بینی کشیده ۹۰

۳۴. خال بر گونه. ۹۰

۳۵. ظهور در سن چهل سالگی.. ۹۰

۴. هم نام بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۹۱

۵. زمینه های ظهور. ۹۱

۵۱. ناامیدی کامل مردم. ۹۱

۵۲. فراگیر شدن ستم.. ۹۲

۶. نشانه های ظهور. ۹۲

۶۱. ندای آسمانی.. ۹۲

۶۲. سفیانی.. ۹۲

۶۳. خسف در بیداء. ۹۳

۶۴. قتل نفس زکیه. ۹۳

۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۴

۷۱. اصلاح امر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب.... ۹۴

۷۲. محل ظهور. ۹۴

۷۳. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۴

۷۴. نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۴

۷۵. نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۵

۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۵

۸۱. عدالت گستری... ۹۵

۸۲. رفاه و آسایش عمومی.. ۹۶

۸۳. رضایت همگانی از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۶

۸۴. امنیت همه جانبه و عمومی.. ۹۶

۸۵. احساس بی نیازی در مردم. ۹۶

۸۶. غلبه اسلام بر سایر ادیان.. ۹۷

۸۷. جهانی بودن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۷

خود آزمایی.. ۹۸

درس ششم: انحراف در مهدویت، پیش از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۹

مدعیان مهدویت.... ۱۰۱

۱. کیسانیه. ۱۰۲

۲. زیدیه. ۱۰۴

۳. باقریه. ۱۰۵

۴. نفس زکیه. ۱۰۷

۵. ناووسیه. ۱۰۸

۶. اسماعیلیه. ۱۰۹

۷. موسویه یا موسائیه. ۱۱۱

۸. محمدیه. ۱۱۲

۹. عسکریه. ۱۱۲

سه گروه مدعی مهدویت.... ۱۱۲

خود آزمایی.. ۱۱۴

درس هفتم: شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۱۵

از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۱۷

راههای شناخت امام علیه السلام. ۱۱۹

۱. نص..... ۱۱۹

۲. کرامت.... ۱۲۰

۳. سیره عملی.. ۱۲۰

آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۲۱

۱. محبت و دوستی امام. ۱۲۱

۲. نجات از مرگ جاهلی.. ۱۲۳

مهدی شخصی و مهدی نوعی.. ۱۲۵

خود آزمایی.. ۱۲۹

درس هشتم: نسب پدری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۳۱

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان عبد المطلب» ۱۳۳

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۳۴

۲۱. «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۳۴

۲۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۳۵

۲۳. «ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۳۷

۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۳۷

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام» ۱۳۸

۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام» ۱۳۹

۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام» ۱۴۰

۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسین علیه السلام» ۱۴۳

۷. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد باقر علیه السلام» ۱۴۵

۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام صادق علیه السلام» ۱۴۵

۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام» ۱۴۶

۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام رضا علیه السلام» ۱۴۶

۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام» ۱۴۷

۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام هادی علیه السلام» ۱۴۷

خودآزمایی.. ۱۴۹

درس نهم: پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۵۱

جلوه هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام. ۱۵۴

۱. کوشش علمی در دفاع از اسلام و ردّ شبهات... ۱۵۴

۲. ایجاد حلقه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان.. ۱۵۵

۳. فعالیتهای سیاسی سرّی... ۱۵۶

۴. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان.. ۱۵۶

۵. آگاهی بخشی سیاسی به چهرهای برجسته شیعه. ۱۵۷

۶. بهره گیری از دانش غیبی برای ارشاد دیگران.. ۱۵۷

۷. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین.. ۱۵۸

۸. آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۵۸

حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام. ۱۵۹

۱. بازجویی از خانه آن حضرت؛ ۱۵۹

۲. برخورد جعفر کذاب با مادر امام عسکری علیه السلام بر سر میراث؛ ۱۵۹

۳. بازجویی از خانها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۱۵۹

۴. ترور، حبس، تهدید و اذیت و آزار شیعیان؛ ۱۵۹

۵. اختلاف و چند دستگی بین شیعیان؛ ۱۵۹

پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنت... ۱۶۰

خود آزمایی.. ۱۶۴

درس دهم: مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۶۵

نامه‌های مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۶۷

سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۶۸

سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۷۶

خود آزمایی.. ۱۷۸

درس یازدهم: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۷۹

۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۸۱

پنهانی بودن ولادت... ۱۸۴

فلسفه مخفی بودن ولادت... ۱۸۵

۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۸۷

الف. نوید امام عسکری علیه السلام به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۸۷

ب. خبر دادن امام عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۸۷

ج. خبر حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت... ۱۸۸

د. خبر نسیم و ماریه (خادمان بیت امامت) ۱۸۸

ه. گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه. ۱۸۹

و. گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت از ولادت آن حضرت... ۱۹۰

زمان ولادت... ۱۹۱

پاسخ به برخی پرسش ها و شبهات... ۱۹۴

خود آزمایی.. ۱۹۸

درس دوازدهم: نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۹۹

انواع روایات درباره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص (محم د) ۲۰۲

یک. روایات عدم جواز به صورت مطلق.. ۲۰۲

دو. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور. ۲۰۴

سه. روایات جواز بدون بیم خطر. ۲۰۵

چهار. روایات جواز نام بردن.. ۲۰۶

نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه. ۲۱۰

نام حضرت در دعاها ۲۱۲

نام حضرت در گفتار اهل سنت.... ۲۱۳

نکته پایانی.. ۲۱۵

خود آزمایی.. ۲۱۶

درس سیزدهم: القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۱۷

۱. بَقِيَّةُ اللَّهِ. ۲۱۹

۲. حَجَّتْ... ۲۲۱

۳. خاتم الاوصياء. ۲۲۳

۴. شريد.. ۲۲۴

۵. صاحب الامر. ۲۲۴

۶. صاحب الدار. ۲۲۵

۷. صاحب الزمان.. ۲۲۵

۸. صاحب السيف.... ۲۲۶

۹. صاحب الغيبه. ۲۲۸

۱۰. غريم.. ۲۲۸

۱۱. غلام. ۲۲۹

۱۲. فرید.. ۲۲۹

۱۳. قائم.. ۲۳۰

۱۳-۱. «القَائِمُ مِنْ وُلْدِي» (قیام کننده از فرزندانم) ۲۳۱

۱۳-۲. «قَائِمِهِمْ» (قائم آنان) ۲۳۱

۱۳-۳. «قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا» (قیام کننده برای حق از ما) ۲۳۱

۱۳-۴. «قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (قائم ما اهل بیت) ۲۳۲

۱۳-۵. «قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ» (قیام کننده از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۳۲

۱۴. مُضَطَّر. ۲۳۲

۱۵. مَنَظَّر. ۲۳۳

۱۶. مُنْتَقِم.. ۲۳۴

۱۷. منصور. ۲۳۴

۱۸. مهدی... ۲۳۵

خود آزمایی.. ۲۳۷

۲۳۹ درس چهاردهم: شمایل و ویژگیهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی.. ۲۴۱

۲. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت.... ۲۴۲

۳. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور. ۲۴۳

برخی ویژگیهای خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۴۴

۱. مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۴۴

۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت... ۲۴۴

۳. روشن شدن چراغی در بیت الحمد، از ولادت تا هنگام ظهور. ۲۴۵

۴. خاتم الاوصیا بودن ایشان.. ۲۴۵
۵. پنهان زیستی ایشان.. ۲۴۶
۶. میراث انبیا نزد ایشان.. ۲۴۶
۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان.. ۲۴۸
۸. طول عمر آن حضرت... ۲۴۹
۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت... ۲۴۹
۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۵۰
۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی.. ۲۵۱
۱۲. آکنده کردن زمین از عدل و داد. ۲۵۲
- خود آزمایی.. ۲۵۴
- درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۱) ۲۵۵
۱. خورشید مغرب... ۲۵۷
۲. عصر زندگی.. ۲۵۸
۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۵۹
۴. داد گستر جهان.. ۲۶۱
۵. در فجر ساحل.. ۲۶۲
۶. راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۶۳
۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۶۴
۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب.... ۲۶۵

۹. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور. ۲۶۷

۱۰. رهبری بر فراز قرون.. ۲۶۸

منابع و مآخذ.. ۲۷۱

پیشگفتار

کشتی ای را در دریایی طوفانی در نظر بگیرید. در یک فرض ممکن است افراد این کشتی باور کنند که اطرافشان تا هزاران فرسنگ، هیچ ساحل نجاتی وجود ندارد و توشه اندکی همراه دارند؛ به راستی آنان چه خواهند کرد؟ آیا هیچ تصوّر می شود که حرکتی کنند؟ نه؛ چون پذیرفته اند که مرگشان حتمی است!!

فرض دیگر این است که افراد آن کشتی، به یقین بدانند که در نزدیکی شان، ساحل امن و نجاتی وجود دارد. این افراد چه می کنند؟ قطعاً اینها تلاش می کنند تا خود را به ساحل برسانند.

همین قدر که امید در دل انسان به وجود آمد، مرگ سایه خود را جمع می کند و کنار می رود. امید موجب می شود، انسان تلاش و حرکت کند، پیش برود، مبارزه کند و زنده بماند.

مَثَلِ بشریت، در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مَثَلِ همان سرنشینان کشتی طوفان زده است که همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان، ستمگران و حکمرانان بوده است. دسته‌ای نجات را آرزویی دست نیافتنی تلقی کرده و گروهی با استفاده از آموزه های دینی، آن را وعده ای الهی و تخلف ناپذیر انگاشته اند. گروهی در راه برون رفت از آن مجاهدت کرده و عده ای سر تسلیم فرود آورده اند

باورداشت موعود و منجی که در آموزه های اسلام با عنوان «مهدویت» مطرح شده همان اعتقاد به وجود ساحل نجاتی است که انسان های گرفتار را به آینده ای روشن و سرشار از

آرامش و آسایش نوید می دهد.

ایمان به مهدویت، باورداشت و ایمان به ذخیره آخرین هستی، ثمره تمامی رسالت ها، منبع همه کمالات، سرچشمه همه خیرات و جلوه گاه تمامی نیکی ها و زیبایی ها است.

پذیرش مهدویت، گشودن چشم اندازی زیبا، به جهان آینده، امیدی لذت بخش، به آینده روزگار و رویکردی جدی و نوید بخش به انسان و آینده انسان است.

اعتقاد به مهدویت، امید را در دل ها زنده کرده، مانع تسلیم شدن در برابر ستم می شود.

ملت های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می کنند، از حضور او امید و نشاط می گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می کنند.

با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملت بزرگ ایران، به رهبری بنیان گذار جمهوری اسلامی امام خمینی قدس سره، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.

آرزوی همگان آمدن چنین شخصیت گران قدری است تا عقده های فروخورده انسان ها در طول تاریخ با تجلیات ظهورش گشوده شود و چشم های منتظر، با روشنای طلوعش، روشنایی گیرند و تار و پود ظلم و ستم نابود گردد.

به باور پیروان بیشتر ادیان و مذاهب، روزی فرا خواهد رسید که دست توانمند پروردگار، در برهه ای از تاریخ، از آستین انسانی برتر، معجزه گری خواهد کرد و برگ های فرجامین کتاب زندگی بشری را با نجات از ستم و بیداد به سرانجام خواهد رساند.

همه فرقه های اسلامی، معتقدند: آن دست معجزه گر، کسی نیست، مگر رادمردی از سلاله پاک آخرین فرستاده خداوند، پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، که روزی آشکار خواهد شد و جهان را به نور عدل و داد آکنده خواهد ساخت.

البته شیعه بر خلاف گروه های دیگر این شخص بزرگ و دست قدرت خداوندی را به خوبی می شناسد و با تاریخ ولادت و نام مقدس او و پدر و مادر عزیزش آشنا است؛ در حالی که دیگران اینها را نمی دانند.

این شناخت و اعتقاد علاوه بر ابعاد منطقی، فکری و استدلالی دارای جنبه های عاطفی، معنوی و ایمانی عمیق و بسیار مهمی است که همواره سرمایه عظیم حرکت های بزرگ در جوامع اسلامی و به ویژه شیعی شده است.

توجه به این نکته بایسته است که عصر انتظار، عصر آزمایش های بزرگ است. در این دوران انسان ها به شکل های مختلف امتحان می شوند و تنها کسانی از این میدان سربلند بیرون می آیند که ایمان خود را حفظ کرده، در مقام عمل، گوی سبقت از دیگران برآیند.

به لطف الهی اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیعه را تا امروز از تمامی موانعی که بر سر راهش قرار داشته، به خوبی عبور داده است و امروزه عزت و سربلندی اسلام و قرآن، میراث گران بهایی است که در پرتو این باور سترگ به دست آمده است.

البته دشمنانِ تفکر و اعتقاد به مهدویت، همواره تلاش کرده اند تا با القای یأس و ناامیدی در دل مردم و یا پراکندن شبهات، آن را از ذهن ها پاک سازند و یا مفاهیم اعتقاد به مهدویت را تحریف کنند!! از این رو لازم است در برابر این تلاش دشمنان، با استواری در جهت اعتقاد و تبیین حقیقت «مهدویت» حرکت کنیم ... به یقین جامعه ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه ای است که همه پیامبران بزرگ الهی علیهم السلام، برای تهیه مقدمات آن مبعوث شده اند؛ یعنی، ایجاد جامعه ای که بشریت در آن، بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد و از تمامی قید و بندها رهایی یابد و امام گام نهایی را در ایجاد جامعه موعود بر می دارد.

نگارنده با توجه به این مسائل، بر آن شد تا به حول و قوه الهی، به آرزوی دیرینه خود تدوین درس‌نامه مهدویت جامه عمل بپوشاند. به ویژه آنکه با توفیق الهی و عنایات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مساعدت دوستان، مجموعه ای را با نام فرهنگ نامه مهدویت آماده نموده و به وسیله بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ و منتشر ساخت.

اما آنچه پیش روی شما خواننده محترم قرار دارد، اولین بخش از مجموعه ای چهار جلدی با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا امامت است. در این جلد به بحث و بررسی درباره موضوع مهدویت از ابتدای شکل‌گیری، تا آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته شده است. در جلد دوم با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیبت مباحث مربوط به پنهان‌زیستی آن امام بیان خواهد شد. در جلد سوم با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا قیام به بررسی موضوعات مربوط به ظهور و مسائلی که تا قبل از قیام حضرت رخ می‌نماید، اشاره خواهد شد. بالاخره در جلد چهارم حکومت جهانی ایشان با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی بررسی خواهد شد.

نگارنده افتخار دارد مدتی از عمر خود را به مطالعه و پژوهش در باره مهدویت سپری نموده و بیش از ۲۵۰۰ روایت نورانی را از حدود یکصد منبع اولیه شیعه و سنی مورد بررسی و کنکاش قرار داده و صدها کتاب مربوط به این موضوع مهم را مطالعه کرده است.

بر این اساس این مجموعه را به عنوان قدمی کوچک در راه ترویج فرهنگ متعالی مهدویت تقدیم می‌دارد و با اعتراف به نقص‌ها، امیدوار است با تلاش دیگر ارادتمندان به ساحت مقدس مهدوی، هر روز شاهد کارهای بهتری در این زمینه باشیم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از تمامی دست‌اندرکاران بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت به ویژه از حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی به جهت تلاش‌های خالصانه‌شان جهت چاپ و نشر این مجموعه و نیز اساتید محترمی که با راهنمایی و نظرهای خود این حقیر را یاری فرمودند، کمال سپاس و امتنان را داشته باشم.

و توفیق از خداوند است

خدایم‌راد سلیمیان

درس اول: اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی اجمالی اندیشه موعود در:

آیین یهودیت

آیین مسیحیت

امید به آمدن «مصلح بزرگ آسمانی»، در آینده‌ای روشن و استقرار عدالت و صلح فراگیر و همگانی، امری فطری است. این انگاره با وجود آدمی، آمیخته شده است و محصور در زمان و مکان و ویژه قوم و ملتی خاص نیست.

همه افراد، طبق فطرت ذاتی خود، منتظرند جهان در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم و ستم نجات یافته، از نابسامانی‌ها، ناامنی‌ها و تیره روزی‌ها خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه، نایل آیند.

در بیشتر ادیان و مذاهب جهان، از مصلحی سخن به میان آمده که در آخرالزمان ظهور کرده و به جنایت‌ها و خیانت‌ها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی، بنیان خواهد نهاد. تمامی پیامبران و سفیران الهی نیز در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویدهایی داده اند.

پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، درباره نام آن بزرگوار با هم اختلاف نظر دارند. مسلمانان با ارائه کامل‌ترین تصویر، او را با نام «مهدی موعود» می‌شناسند.

عقیده به ظهور «نجات دهنده» و امید به یک «آینده ای روشن» که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها مرتفع گردد و تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده و ریشه ظلم و جهل و تباهی برکنده شود یک اعتقاد عمومی است که همواره بین بیشتر ملت‌ها وجود داشته است.

یکی از نویسندگان از این باور با عنوان «فوتوریسم» یاد کرده، می‌نویسد:

«فوتوریسم (۱)؛ یعنی، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و

بزرگ، از جمله مسائلی است که در اصول عقاید ما، جای مهمی را اشغال کرده است. فوتوریسم عقیده ای است که در کیش های آسمانی زوراستریانیسم (مذهب زردشت) و جودائیسیم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت (کاتولیک، پروتستان و ارتودکس) و به طور کلی در میان مدعیان نبوت، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی به اتفاق، بشارت ظهور همچو مصلحی را داده اند...»^(۱).

«فوتوریسم» یکی از مسائلی است که در بحث های تئولوژیک تمام مذاهب آسمانی، از آن بحث شده است.

دار مستتر در یکی از کنفرانس هایی که به مناسبت ظهور «مهدی متمدی» در سودان در فوریه سال ۱۸۸۵ میلادی برگزار گردید، می گوید:

«می دانید که محمد صلی الله علیه و آله و سلم چگونه شریعت خود را بنیان نهاد؟ وقتی که او ظهور کرد، در عربستان علاوه بر شرک ملی باستانی، سه دیانت بیگانه موجود بود: آیین یهود، دیانت عیسوی، کیش زردشت ... نکته مشترکی که در این سه دیانت یافت می شد، عبارت از اعتقاد به یک وجود فوق الطبیعه بود که بایستی در آخرالزمان ظهور کند و نظم و عدالت رفته را به جهان باز آورد و مقدمه خلود و سعادت دائم انسان را فراهم سازد»^(۲).

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسائل اسلامی، این عقیده پیوسته در میان بیشتر ملت ها و پیروان ادیان بزرگ وجود داشته و حتی اقوام مختلف جهان چون اسلاوها، ژرمن ها، اسن ها و سلت ها نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخرالزمان ظهور کند و بی عدالتی ها را از بین ببرد و حکومت واحد جهانی تشکیل داده، در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

در این درس با توجه به اهمیت موضوع، تنها به دو دیدگاه (یهود و مسیحیت) خواهیم پرداخت و دیدگاه های دیگر ادیان و مذاهب را مطرح نخواهیم کرد؛ به دلیل اینکه: بیشتر متون در دست، غیر قابل استناد قطعی به پیامبران این ادیان است و در نسبت دادن آنها به صاحبان این شریعت ها، تردیدهای جدی وجود دارد.

بیشتر این نوشته ها به صورت کنایه، استعاره و همراه با ابهام های فراوانی است که برداشت

۱- سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، ص ۵۵.

۲- همان، به نقل از: دار مستتر، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سیزده قرن، ترجمه محسن جهان سوز.

قطعی از این سخنان را غیر ممکن می سازد. اگر چه عده ای بر این مطلب پای می فشردند که قسمت‌های فراوانی از این نوشته ها، مربوط به «مهدوئیت» است!

پاره‌ای از متون این ادیان نگرش های پیروان آن ادیان است و استفاده صریح از آن متون را در باره «مهدوئیت» دور از دسترس می نماید.

در برخی از موارد، اصل کتاب هایی که در بحث «مهدوئیت در ادیان» بدان اشاره می شود، در دست نیست و تنها به نقل هایی از این کتاب ها بسنده شده، که این نیز مشکلی بر مشکلات یاد شده افزوده است.

اگر چه موارد یاد شده تا حدودی در باره متون کتاب مقدس نیز وجود دارد؛ اما نزدیکی صدور آنها به زمان ما و تا حدودی صراحت آنها در مباحث موعود و منجی، مقداری از دشواری کار می کاهد.

بنابراین در این موضوع تنها به دو کتاب تورات و انجیل بسنده می کنیم. علاقه مندان را به کتاب‌های مفصل توصیه می نمایم.

۱. اندیشه موعود در آیین یهود

اشاره

یهودیان که خود را پیروان حضرت موسی علیه السلام می دانند منتظر موعودند. در آثار دینی یهود و سفرهای تورات و دیگر کتاب های انبیای آنان، همواره به موعود اشاره شده است.

از آنجایی که یهودیان، به حضرت مسیح علیه السلام ایمان نیاوردند، بالطبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. اگر در آثار مقدس یهودی تأمل شود، چهره سه موعود، در آنها ترسیم می گردد:

۱. حضرت مسیح علیه السلام ،

۲. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ،

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

با این حساب، انتظار، در یهودیت کیفیتی ویژه می یابد و چون این قوم، نه به حضرت مسیح علیه السلام و نه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، نگرویدند، باید در برابر مسأله موعود و انتظار، بسیار حساس و نگران باشند و از این همه اشاره‌ها و بشارت‌های موجود در کتاب‌هایشان، به سادگی و غفلت نگذرند. آنان باید از دیگران منتظرتر باشند و بیشتر به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر کنند.

البته تکاپوی آشکار یهودیان، در دوران حاضر و فعالیت‌های آنها در بازسازی هیکل سلیمان و

آماده ساختن بیت المقدس برای آمدن منجی، می تواند دلیلی بر این مدعا باشد؛ هر چند این دیدگاه دارای انحرافی آشکار است!!

اینک نام چند کتاب از کتاب‌های یهودیت و عهد عتیق که در آنها سخنانی درباره موعود آمده است همراه با بخش‌های مورد نظر ذکر می شود: (۱)

۱. کتاب دانیال پیامبر

«در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوایف تا به این زمان نبوده است، واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو هر کسی که در کتاب مکتوب شده است نجات خواهد یافت و از خوابندگان در خاک، زمین بسیاری بیدار خواهند شد. بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی...» (۲)

۲. کتاب حگی

«خداوند لشکرها چنین می فرماید: هنوز وقت خیلی است که من آسمان‌ها و زمین و بحر و خشکی را به هیجان می آورم؛ بلکه تمامی طوایف را به هیجان می آورم و مرغوب تمامی طوایف خواهد آمد و خداوند لشکرها می فرماید: این خانه را مملو از جلال خواهیم کرد...» (۳)

۳. کتاب صفیناه پیامبر

«خداوند در اندرون آن عادل است، بی انصافی نمی کند. هر صبح بی نقصان حکم خود را به روشنایی بر می آورد؛ اما عاصی انفعال را نمی داند. طوایف را منقطع نمودم، برج‌های ایشان ویرانند. کوچه‌های ایشان را خراب کردم، به حدی که عبور کننده نیست و شهرهای ایشان بدون آدمی و ساکنی ویرانند و گفتم که شاید از من ترسیده، تأدیب را قبول کنی تا آنکه مسکن ایشان منقطع نشود. اما هر قدر که ایشان را عقوبت کردم، ایشان سحر خیزی نموده، تمامی اعمال خویشتن را فاسد گردانیدند...» (۴)

۱- نقل‌های کتاب مقدس، مستقیم از کتاب مزبور و بدون هیچ کم و کاستی نقل شده است.

۲- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب دانیال، ص ۱۵۶۷، فصل دوازدهم، بندهای ۱۳.

۳- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب حگی، ص ۱۶۳۲، فصل دوم، بند های ۸۶.

۴- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب صفینای نبی، ص ۱۶۲۹، فصل سوم، بندهای ۸۵.

۴. کتاب اشعای پیامبر

«و نهالی از تنه یشی بر آمده، شاخه از ریشه هایش قد خواهد کشید و روح خدا که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خداوند است بر آن خواهد آرمید و او را در خشیت خداوند تیز هوش گردانیده، موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش هایش تنبیه نخواهد فرمود؛ بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لب هایش شیر را خواهد کشت...» (۱).

۵. کتاب زبور داود علیه السلام

در این کتاب نیز مطالبی ذکر شده است؛ چنان که قرآن کریم، به نقل از زبور از غلبه صالحان سخن گفته است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (۲)

«و در حقیقت، در زبور پس از ذکر [تورات] نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

با مراجعه به زبور، می توان به رغم تحریف های صورت گرفته، این بشارت را چنین یافت:

«زیرا که شریران منقطع می شوند؛ اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد؛ اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد...» (۳).

پس از حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام آمد و دین موسی علیه السلام را نسخ کرد. اکنون دین یهود، دین منسوخ و شریعت باطله است. پس از حضرت عیسی علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مبعوث شده و دین مسیح را نسخ کرد. اکنون دین مسیح، دین منسوخ و شریعت باطل است. (۴) از زمان طلوع اسلام تا کنون و تا قیامت، تنها دین به حق در روی زمین که مبتنی بر وحی و پیامبری است دین مقدس اسلام است و کتاب خدا، در میان خلق همواره، قرآن است. بر این اساس

۱- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب اشعای نبی، ص ۱۲۲۰، فصل یازده، بند ۱۱۰.

۲- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۶.

۳- کتاب مقدس، مزامیر داود، مزموور سی و هفتم، بندهای ۳۷۹.

۴- این تعبیر چنان که پیدا است به این معنا نیست که شریعت موسای کلیم علیه السلام، یا شریعت عیسای مسیح علیه السلام، در زمان خود نیز باطل بوده است. این دو دین، هر یک در عهد خود و در دور زمانی خاص خود و نیز به دور از تحریف ها و تصرف ها، دین آسمانی و بر حق بوده است.

«موعود» همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و بشارت ها و اشارت هایی که از پیامبران و دیگر بزرگان رسیده است، در حق او صادق است و به ظهور او اشاره دارد.

۲. اندیشه موعود در آیین مسیحیت

اشاره

دین مسیحیت به ویژه از دیدگاه مسائل معرفتی و شناختی ادامه دین یهود است. منبع اصلی دینی و فرهنگی آن، عهد عتیق است که همان کتاب مقدس یهودیان است. بنا براین هر چه درباره دین یهود گفته شود، تقریباً در باره دین مسیحیت نیز صدق می کند.

افزون بر آنچه در متون یهودی مورد اشاره قرار گرفت، در کتاب های ویژه مسیحیت نیز، بشارت های بیشتر و روشن تری، در باره موعود آخرالزمان، نقل شده است؛ زیرا:

یکم. با ظهور حضرت مسیح علیه السلام، زمان در مقیاس کلی، به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر شده است.

دوم. تحریف کمتری در این آثار پدید آمده است؛ زیرا از دوره نزول آثار مقدس یهود، زمان بسیار بیشتری می گذرد، تا دوره نزول کتاب مقدس مسیحیت. این امر باعث شده، تا دست تحریف و پوشیده داری، در این آثار، به اندازه آثار یهود فرصت کار نیابد؛ اگر چه دانشمندان مسیحی نیز در این باره کوشش بسیار کردند و در تأیید یا ردّ انجیل ها، به این مسائل نیز توجه داشتند و انجیل برنابا را کمتر تأیید می کردند.^(۱)

در اینجا، به چند کتاب که در آنها بشارت هایی در باره ظهور منجی آمده است اشاراتی می شود:

۱. انجیل متی

« و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد؛ با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت. همه قبایل نزد وی جمع خواهند شد و آنها را از همدیگر جدا خواهد کرد؛ چنان که شبانی میش ها را از بزها جدا کند...».^(۲)

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، صص ۵۲ ۵۸. (با تصرف)

۲- کتاب مقدس، انجیل متی، باب بیست و پنجم، ص ۶۰، بند های ۳۱۳۳.

۲. انجیل لوقا

«پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و افروخته باشد چراغ های شما و خود باشید مانند آن کسانی که انتظار می کشند آقای خود را که کی از عروسی باز آید که چون آید و در زند، دفعتاً در را گشایند. خوشا به حال آن نوکران که چون آقا آید، بیدار یابد آنها را و من به شما می گویم که به درستی کمر خود را بسته آنها را نشانید و نزدشان آمده آنان را خدمت خواهد نمود».^(۱)

۳. انجیل مرقس

«و بر حقیقت آن روز و آن ساعت سوای پدر نه ملائکه آسمان و نه فرزند، هیچ کس مطلع نیست. احتیاط نمایید که با حذر باشید و دعا نمایید؛ زیرا از هنگام رسیدن آن زمان مطلع نیستید؛ چنانچه شخصی به سفر بعیدی رفته و خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را قدرت داده و هر کس را به شغل خاص مقرر فرموده و دربان را به بیدار بودن امر فرموده است. پس بیدار باشید از آنجا که نمی دانید بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد. در شام یا نصف شب یا وقت بانگ خروس یا صبح؛ مبادا که ناگاه آمده، شما را در خواب یابد و آنچه من به شما می گویم، به همه می گویم بیدار باشید».^(۲)

۴. مکاشفات یوحنا

«چنانچه پدر در ذات خود زندگانی دارد، به پسر نیز داده است که او در ذات خود زندگانی داشته باشد و قدرت به او داده است که هم حکم رانی بکند، به علت آنکه فرزند انسان است».^(۳)

۱- کتاب مقدس، انجیل لوقا، ص ۱۵۴، باب دوازدهم، بند های ۳۵۳۷.

۲- کتاب مقدس، انجیل مرقس، باب سیزدهم، بندهای ۳۲ ۳۷.

۳- کتاب مقدس، انجیل یوحنا، باب پنجم، بندهای ۲۶ ۲۸.

خودآزمایی

۱. مهم‌ترین ویژگی مشترک میان همه انسان‌ها در باره اعتقاد به منجی چیست؟
۲. فوتوریسم به چه معنا است و چه ارتباطی به بحث مهدویت دارد؟
۳. به چه دلایلی نمی‌توان به طور کامل، به منابع در دست ادیان پیش از اسلام اعتماد کرد؟
۴. در آیین یهود سه موعود مورد اشاره قرار گرفته است؛ آنها چه کسانی‌اند؟ کتاب‌های این آیین را که سخن در باره موعود آورده، نام ببرید.
۵. به دو نمونه از نقل‌های انجیل درباره منجی اشاره فرمایید.
۶. علاوه بر مواردی که در درس مورد اشاره قرار گرفته، به دو مورد از بشارت‌های کتاب مقدس درباره منجی اشاره کنید.

===

منابع برای پژوهش

۱. سید اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ ه. ش).
۲. علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، (مؤسسه انتشارات رسالت، چاپ نهم، قم، ۱۴۱۸ ه. ق).
۳. محمد بهشتی، ادیان و مهدویت، (انتشارات مرآتی، بی تا).
۴. حسین توفیقی، هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت، (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ه. ش).
۵. محمد صادقی تهرانی، بشارت عهدین، (انتشارات امید فردا، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲ ه. ش).
۶. محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ دوم، تهران، ۱۳۸۱ ه. ش).

درس دوم: مهدویت در قرآن

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی برخی از آیات مهدویت:

آیه اول:

« وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ... »

آیه دوم:

« وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا... »

آیه سوم:

« وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ... »

آیه چهارم:

« وَ لِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ... »

آیه پنجم:

« بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ... »

آیه ششم:

« هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ... »

اندیشه «مهدویت»، در اسلام ریشه قرآنی دارد و این کتاب آسمانی، با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی «حق» بر «باطل» را به تمامی انسان ها نوید داده است. قرآن در باره ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت کلی بحث کرده و بشارت به تشکیل حکومت عدل جهانی و پیروزی صالحان داده است. مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت، این گونه آیات را به استناد روایات اهل بیت علیهم السلام و نظرات دانشمندان اسلامی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند.

در این درس از مجموع آیات قرآنی که ناظر به این موضوع است و صراحت بیشتری دارد تنها چند آیه نقل و بررسی می شود.

این درس در باره آیاتی از قرآن مجید است که با استفاده از سخنان گهربار معصومین علیهم السلام، در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تفسیر، تأویل و یا تطبیق شده است.

ابتدا تعریف و مفهوم این سه واژه به صورت مختصر بیان می گردد:

۱. تفسیر

«تفسیر» از واژه «فَسَّرَ»، به معنای روشن کردن و آشکار ساختن است و در «اصطلاح» عبارت است از: «زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است». ماده «فَسَّرَ»، در باب «تفعیل» بیانگر مبالغه در دستیابی به معنا است. از این رو تفسیر، تنها کنار زدن نقاب از چهره لفظ مشکل و نارسا نیست؛ بلکه شامل زدودن ابهام موجود در دلالت کلام، نیز می شود.

تفسیر، در جایی است که گونه ای ابهام، در لفظ وجود دارد و این موجب ابهام در معنا و

دلالت کلام می شود و برای زدودن آن، کوشش فراوانی لازم است. (۱)

از آنجایی که فهم پاره ای از آیات قرآن، بر عموم مردم پوشیده است، ناگزیر نیازمند بیان و پرده برداری است و این مهم بر عهده کسانی است که صلاحیت و توانایی چنین امری را دارند و مورد تأیید خداوند متعال اند.

۲. تأویل

تفسیر و تأویل، در گذشته دو لفظ مترادف بود؛ لذا طبری در تفسیر جامع البیان آن دو را به یک معنا گرفته و در موقع تفسیر آیات گفته است: «القول فی تأویل الایه». در اصطلاح متأخران، «تأویل» به معنای مغایر با تفسیر و شاید اخص از آن به کار رفته است.

تأویل از «أول»، به معنای باز گشت به اصل است. تأویل یک چیز؛ یعنی، برگرداندن آن به مکان و مصدر اصلی خودش و تأویل لفظ متشابه؛ یعنی، توجیه ظاهر آن، به طوری که به معنای واقعی و اصیل خودش باز گردد. (۲)

این واژه در قرآن به سه معنا آمده است:

۲۱. توجیه ظاهر لفظ یا عمل متشابه؛ به گونه ای صحیح که مورد قبول عقل و مطابق با نقل باشد. (۳)

۲۲. تعبیر خواب؛ تأویل به این معنا، هشت بار در سوره یوسف آمده است.

۲۳. فرجام و حاصل کار؛ بر این اساس تأویل یک موضوع؛ یعنی، آنچه که آن موضوع، بدان منتهی می شود. (۴)

معنای چهارم که در قرآن نیامده، ولی در کلام پیشینیان هست عبارت است از: انتزاع مفهوم عام و گسترده، از آیه ای که در مورد خاصی نازل شده است... از تأویل به این معنا، گاهی به «بطن»؛ یعنی، معنای ثانوی و پوشیده ای که از ظاهر آیه به دست نمی آید، هم تعبیر شده است. در مقابل «ظهر»؛ یعنی، معنای اولیه ای که ظاهر آیه بر حسب وضع و کاربرد، آن

۱- رک: محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۸.

۲- رک: محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۲۲ و ۲۳.

۳- آل عمران (۳)، آیه ۷.

۴- کهف (۱۸)، آیه ۷۸.

معنا را می فهماند.

این معنا دارای دامنه ای گسترده و ضامن عمومیت قرآن است و موجب می شود قرآن شامل تمام زمان ها و دوران ها باشد؛ زیرا اگر مفاهیم فراگیر، برگرفته شده از موارد خاص، نباشد؛ بسیاری از آیات قرآن بی ثمر می شود و فایده ای جز ثواب تلاوت و ترتیل آن نخواهد داشت. (۱)

بی گمان در قرآن، آیات متشابهی وجود دارد که باید تأویل گردد؛ ولی جز خداوند و راسخان در علم، کسی آن را نمی داند. (۲) تأویل دارای شرایط و ملاک هایی است که در کتاب های مربوط بیان شده است.

۳. تطبیق

اشاره

در آیات قرآن، مطالب فراوانی به لفظ عام بیان شده که در هر زمان، بر عده ای قابل انطباق است. گاهی نیز لفظ آیه ای «خاص» است؛ ولی معنای آن «عمومیت» دارد و شامل کسانی نیز می شود که شبیه آن عمل از آنان صادر شده است.

با توجه به نکات یاد شده، برخی از آیات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انقلاب جهانی آن حضرت بدین شرح است:

آیه اول

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (۳)

«وهمانا، در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من، به ارث خواهند برد».

در این آیه به یکی از روشن ترین پاداش های دنیوی صالحان (حکومت روی زمین)، اشاره شده است. در روایاتی چند، این رویداد مهم، در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته شده است.

واژگان آیه

«زبور» داود (یا به تعبیر کتاب های عهد قدیم مزامیر داود) عبارت است از: «مجموعه ای

۱- محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۷.

۳- انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

از مناجات‌ها و نیایش‌ها و اندرزهای داود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم».

«ذکر»، در اصل به معنای چیزی است که مایه تذکر و یادآوری باشد؛ ولی در این آیه به قرینه معرفی آن قبل از زبور به کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام، (تورات) تفسیر شده است.

«ارض»، به مجموع کره زمین گفته می‌شود؛ مگر اینکه قرینه خاصی در کار باشد.

«ارث»؛ یعنی، چیزی که بدون معامله و داد و ستد، به کسی انتقال می‌یابد. در قرآن کریم گاهی به معنای تسلط و پیروزی یک قوم صالح، بر قوم ناشایست و در اختیار گرفتن موهبت‌ها و امکانات آنها گفته شده است. (۱)

با توجه به اضافه شدن «بندگان» به «خدا»، ایمان و توحید آنان روشن می‌شود و با توجه به کلمه «صالحون»، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت، و تدبیر و نظم و درک اجتماعی.

هنگامی که بندگان با ایمان، این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز یاری می‌کند تا آنان بر مستکبران غلبه یابند، دست‌های آلوده‌شان را از حکومت بر روی زمین کوتاه کنند و دارنده میراث‌های آنها گردند.

بنا بر این، تنها «استضعاف» دلیل بر پیروزی بر دشمنان و حکومت بر روی زمین نیست؛ بلکه وجود ایمان و کسب شایستگی‌ها بایسته است و مستضعفان جهان تا زمانی که این دو اصل را زنده نکنند، به حکومت روی زمین نخواهند رسید.

نکته‌ها

۱. آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

در تفسیر آیه شریفه از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «هُم آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛ (۲) «این بندگان صالح، همانا آل محمد هستند که خداوند، مهدی

۱- ر. ک: اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

آنان را پس از کوشش ایشان مبعوث می کند. پس ایشان را عزّت داده، دشمنانشان را ذلیل خواهد کرد».

روشن است مفهوم این روایت، انحصار نیست؛ بلکه بیان یک مصداق عالی و آشکار است و این تفسیرها، هرگز عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی کند. بنا براین در هر زمان و در هر جا بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد.

۲. بشارت حکومت صالحان در مزامیر داود

در مزامیر داود تعبیر یاد شده و یا مشابه آن، در چند مورد دیده می شود و نشان می دهد با تمام تحریفات موجود در این کتاب ها، این قسمت همچنان از دستبرد مصون مانده است.

۲۱. «... شرّیران منقطع می شوند و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد و حال اندک است که شریر نیست می شود؛ هر چند مکانش را استفسار نمایی، ناپیدا خواهد شد» (۱).

۲۲. «اما متواضعانه وارث زمین شده، از کثرت سلامتی شاد کام خواهند شد» (۲).

۲۳. «متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی منقطع خواهند شد...» (۳).

۲۴. «صدیقان وارث زمین شده، همیشه در آن ساکن خواهند بود» (۴).

۲۵. «خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد» (۵).

در این عبارت ها، عنوان «صالحان» که در قرآن آمده، با همان تعبیر در مزامیر داود به چشم می خورد. علاوه بر این تعبیرات دیگری نیز مانند صدیقان، متوکلان، متبرکان و متواضعان، در جمله های دیگر ذکر شده است. این تعبیرها، دلیل بر عمومیت حکومت «صالحان» است و با احادیث قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می کند.

۳. حکومت صالحان یکی از قوانین آفرینش

باید دانست تمام این حکومت ها، بر خلاف جهت آفرینش و قوانین جهان خلقت است و آنچه با آن هماهنگ است، همان حکومت صالحان با ایمان است. نظام آفرینش، دلیل روشنی

۱- مزامیر داود، ۳۷، بند ۹.

۲- مزامیر داود، ۳۷، بند ۱۱.

۳- مزامیر داود، ۳۷، بند ۲۷.

۴- مزامير داود، ۳۷، بند ۲۹.

۵- مزامير داود، ۳۷، بند ۱۸.

بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده است و این همان چیزی است که از آیه یاد شده و احادیث مربوط به قیام مصلح بزرگ جهانی استفاده می شود (۱).

آیه دوم

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ (۲)

«وخواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم».

این آیه طبق فرمایش امام علی علیه السلام، در نهج البلاغه و روایاتی چند از دیگر امامان علیهم السلام، ناظر به پیروزی مستضعفان بر مستکبران است و اینکه سرانجام، جهان از آن شایستگان خواهد شد.

آیه یاد شده، هرگز از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل سخن نمی گوید؛ بلکه بیانگر یک قانون کلی برای همه عصرها و قرن‌ها است. این بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر است. نمونه کامل تر آن، حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یاران آن حضرت بعد از ظهور اسلام بود.

گسترده ترین نمونه آن نیز، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی، بشارت به «ظهور» چنین حکومتی می دهد؛ از این رو اهل بیت علیهم السلام، در تفسیر آن به این ظهور بزرگ اشاره کرده اند. از امام علی علیه السلام در نهج البلاغه آمده است:

«لَتُعْطَيْنَ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبِ ذَلِكَ» «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ

۱- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، صص ۵۱۵-۵۲۴.

۲- قصص (۲۸)، آیه ۵.

نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ» (۱)؛

«دنیای پس از چموشی و سرکشی همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد به ما روی می آورد ... سپس آیه و «نرید ان نمن...» را تلاوت فرمود» .

در حدیث دیگری می فرماید:

«هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ» (۲)؛ «این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و به ایشان عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند».

آیه سوم

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (۳)

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند».

در آیات پیش از این آیه، سخن از اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و

۱- سید رضی ۵، نهج البلاغه، ص ۵۰۶.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

۳- نور (۲۴)، آیه ۵۵.

در این آیه، بحث ادامه یافته و نتیجه این اطاعت که همان حکومت جهانی است بیان شده است. بر اساس آن، خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، به طور ریشه دار و پا بر جا در صفحه زمین مستقر خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را، به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد. مردم تنها خدا را پرستیده و چیزی را شریک او قرار نخواهند داد.

بعد از این برتری و فراگیری حکومت توحید و استقرار آیین الهی و از میان رفتن هر گونه اضطراب، ناامنی و شرک، کسانی که بعد از آن کفر بورزند، به یقین فاسق واقعی خواهند بود!

به هر حال مجموع آیه نشانگر این است که خداوند به گروهی از مسلمانان صالح و مؤمن، سه نوید داده است:

۱. جانشینی و حکومت روی زمین؛

۲. نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه ای در جهان؛

۳. از میان رفتن اسباب ترس و ناامنی .

نتیجه آنکه مردم در این دوران با نهایت آزادی، خدا را می پرستند، فرمان های او را گردن می نهند، هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نمی شوند و توحید خالص را در همه جا می گسترانند.

نکته ها

۱. بر اساس این آیه، افرادی قبل از مسلمانان دارای خلافت روی زمین بودند؛ حال اینان چه کسانی اند؟ برخی از مفسران آن را اشاره به آدم و داود و سلیمان دانسته اند؛ چرا که قرآن درباره آدم می فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛^(۱) «من در زمین خلیفه ای قرار می دهم». درباره داود فرموده است: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»؛^(۲) «ای داود ما تو را خلیفه در روی زمین قرار دادیم». سلیمان نیز به مقتضای آیه

۱- بقره (۲)، آیه ۳۰.

۲- ص (۳۷)، آیه ۲۶.

شانزده سوره «نمل» وارث حکومت داود بود و خلیفه در روی زمین شد .

اما برخی دیگر مانند علامه طباطبائی رحمه الله این معنا را بعید شمرده‌اند؛ زیرا تعبیر «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» را متناسب انبیا ندانسته... اند. به نظر ایشان در قرآن، این تعبیر در مورد پیامبران به کار نرفته است؛ از این رو اشاره به امت‌های پیشین است که دارای ایمان و عمل صالح بوده، در روی زمین حکومت یافتند.

جمعی دیگر معتقدند: این آیه اشاره به «بنی اسرائیل» است؛ زیرا آنها با ظهور موسی علیه السلام و در هم شکسته شدن قدرت فرعون، مالک حکومت روی زمین شدند؛ چنان که در آیه‌ای آمده است:

«وَأَوْزَتْهَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَشْتَصِفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا»؛ [\(۱\)](#) «ما آن جمعیت مستضعف (مؤمنان بنی اسرائیل) را وارث مشارق و مغارب زمینی را که پر برکت کردیم قرار دادیم».

و نیز درباره همان‌ها می فرماید:

«وَتُمْكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ «ما اراده کرده ایم که قوم مستضعف (مؤمنان بنی اسرائیل) را در روی زمین تمکین دهیم (و صاحب نفوذ و مسلط سازیم)».

۲. این وعده الهی از آن کیست ؟

در این آیه خداوند وعده حکومت روی زمین، برتری دین و آیین و امنیت کامل را به گروهی از مؤمنان و صالحان داده است. اما در اینکه منظور از این گروه چه کسانی‌اند؛ میان مفسران گفت و گو است.

برخی آن را اشاره به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانند که شرق و غرب جهان، در زیر لوای حکومت آن حضرت قرار می گیرد، آیین حق در همه جا نفوذ می کند، ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین بر چیده می شود و عبادت خالی از شرک، برای جهانیان تحقق می یابد. [\(۲\)](#)

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

۲- ر.ک: محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۸.

بدون شك آیه، هم شامل مسلمانان نخستین و هم حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود. طبق عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن آن حضرت سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌کند و او مصداق کامل این آیه است؛ ولی با این حال منعی از عمومیت و گستردگی مفهوم آن نیست.

اینکه برخی می‌گویند: کلمه «ارض» مطلق است و تمام روی زمین را شامل می‌شود و این منحصراً مربوط به حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، با جمله «كما استخلف...» سازگار نیست؛ زیرا خلافت و حکومت پیشینیان به یقین در تمام پهنه زمین نبود.

به علاوه شأن نزول آیه نیز نشان می‌دهد که حداقل نمونه‌ای از این حکومت در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای مسلمانان (هر چند در اواخر عمر آن حضرت)، حاصل شده است.

گفتنی است ثمره تمامی کوشش‌های پیامبران و تبلیغات مستمر و پی‌گیر آنان و نمونه کامل حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت، در زمانی تحقق می‌یابد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند^(۱).

همان‌گونه که گفته شد این تفسیرها، به معنای انحصار مصداق آیه نیست؛ بلکه بیان مصداق کامل است. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: آن حضرت ذیل آیه شریفه چنین فرمود: «نزلت فی القَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ»^(۲) «[این آیه] در باره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب ایشان نازل شده است».

علامه طباطبایی رحمه الله در این باره می‌نویسد: «... این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث به رسالت گشته، تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن حضرت وارد شده، از تشکیل چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد. البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه مجتمع صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۵۳۰-۵۳۲.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۷۳؛ نعمانی رحمه الله، الغیبه، ص ۲۴۰، ح ۳۵.

آن گاه ایشان ادامه می‌دهد: «خواهید گفت: طبق این نظریه چه معنا دارد که روی سخن را در زمان نزول آیه به «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» کند، در حالی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن روز نبود (نه خودش بود و نه یکی از اهل زمانش)؟

در پاسخ می‌گوییم: این سؤال ناشی از این است که پرسش‌کننده، میان خطاب‌های فردی با خطاب‌های اجتماعی خلط کرده است؛ چون خطاب ممکن است دو جور متوجه اشخاص شود: یکی اینکه اشخاصی را مورد خطاب قرار دهند؛ بدین جهت که خصوصیات خود آنان مورد نظر است. به طور دیگر اینکه همان اشخاص را مورد خطاب قرار دهند نه از این جهت که شخص خود آنان مورد نظر باشد، بلکه از این جهت که جمعیتی هستند دارای صفاتی معین. در صورت اول، خطاب از مخاطبان به غیر مخاطبان متوجه نمی‌شود و شامل آنها نمی‌گردد نه وعده‌اش، نه وعیدش و نه هیچ چیز دیگرش و در قسم دوم اصلاً اشخاص دخالتی ندارند و خطاب متوجه دارندگان صفات کذایی است که در این صورت به دیگران نیز متوجه می‌شود.

در آیه شریفه، خطاب از قبیل خطاب‌های دوم است که بیانش گذشت و اغلب خطاب‌های قرآنی که یا مؤمنان را مخاطب کرده و یا کفار را از این قبیل است» (۱).

در مجمع البیان در ذیل آیه «وَعَيَّدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ ...» آمده است: مفسران در اینکه «الذین آمنوا منکم» چه کسانی‌اند، اختلاف دارند و از اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده که منظور، مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

عیاشی به سند خود از علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است: وقتی این آیه را تلاوت کرد، فرمود: به خدا سوگند! ایشان شیعیان ما اهل بیت‌اند که خدا این وعده خود را در حق ایشان، به وسیله مردی از ما تحقق می‌بخشد و او مهدی این امت است. او کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره اش فرمود: اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از عترتم قیام کند که هم نام من است. او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آن چنان که از ظلم و جور آکنده شده باشد. نظیر این روایت از ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام

نقل شده است.

علامه طباطبایی در جمع بندی مباحث می نویسد: «از ائمه اهل بیت علیهم السلام در این باره اخباری روایت شده است. در گذشته هم بیان انطباق آیه بر مضمون این روایات گذشت و نیز در مجمع البیان بعد از نقل روایت بالا آمده است: بنا بر این مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام است»^(۱).

آیه چهارم

«وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^(۲)

«و برای هر کسی قبله ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می گرداند؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد؛ در حقیقت، خدا بر همه چیز توانا است».

نکته ها

۱. روز جمع شدن یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام، عبارت «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»، به جمع شدن یاران و اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هنگام ظهور تفسیر شده است. امام باقر علیه السلام در باره این آیه فرمود:

«يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثَ مِائَةٍ وَالْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَ هُمْ وَ اللَّهُ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَ اللَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَزِعَ كَقَرَعِ الْخَرِيفِ»^(۳)

«منظور اصحاب امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که سیصد و چند نفرند. به خدا سوگند! منظور از «امت

۱- محمد حسین طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۵.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۱۳.

معدوده» آنان هستند. به خدا سوگند! در یک ساعت همگی جمع می شوند؛ همچون پاره های ابر پاییزی که بر اثر تند باد، جمع و متراکم می گردد».

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز می فرماید: «وَذَلِكَ وَاللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شَيْعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ»؛ (۱) «به خدا سوگند! هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، خداوند پیروان ما را از تمام شهرها گرد او جمع می کند».

این تفسیر از مفاهیم بطون آیه است؛ چرا که طبق روایات، آیات قرآن گاهی معانی متعددی دارد که یک معنا ظاهری و عمومی است و دیگری مفهوم درونی و به اصطلاح بطن آیه است که جز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام و کسانی که خدا بخواهد، از آن آگاه نیستند.

از منظر این روایات، خدایی که قدرت دارد ذرات پراکنده خاک انسانها را در قیامت، از نقاط مختلف جهان جمع آوری کند؛ به آسانی می تواند یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در یک روز و یک ساعت، برای افروختن نخستین جرقه های انقلاب و تأسیس حکومت عدل جهانی و پایان دادن به ظلم و ستم، گرد آورد.

علامه طباطبایی قدس سره در ذیل آیه می نویسد: «در اخبار فراوانی از طریق شیعه، نقل شده است: این آیه درباره اصحاب قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف است و از بعضی استفاده می شود: این از باب تطبیق و جری است» (۲).

آیه پنجم

«بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»؛ (۳)

«اگر مؤمن باشید، باقی مانده خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم».

در روایات گوناگونی آمده است: «بقیه الله» تفسیر به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا برخی دیگر از امامان علیهم السلام شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

«وَأَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ «بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ثُمَّ

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۷.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۶۷.

۳- هود (۱۱)، آیه ۸۶.

يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»؛ (۱) «نخستین سخنی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از قیام خود می گوید، این آیه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ سپس می فرماید: «منم بقیه الله بر روی زمین».

درست است که در آیه مورد بحث، مخاطب قوم شعیب بوده و منظور از «بقیه الله»، سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است؛ ولی هر موجودی نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد «بقیه الله» محسوب می شود. بر این اساس تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ بقیه اللهاند. تمام رهبران راستین نیز که پس از مبارزه با یک دشمن سرسخت برای یک قوم و ملت باقی می مانند، از این نظر بقیه اللهاند. سربازانی که پس از پیروزی از میدان جنگ باز می گردند، آنان نیز بقیه اللهاند.

از آنجایی که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی پس از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از روشن ترین مصادیق «بقیه الله» و شایسته ترین فرد به این لقب است؛ به خصوص که تنها باقی مانده بعد از پیامبران و امامان است.

آیه ششم

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (۲)

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

آیه شریفه، با همین الفاظ در سوره «صف»، آمده و با تفاوت مختصری در «سوره فتح»، تکرار شده است و خبر از رویدادی مهم می دهد. این اهمیت موجب تکرار آن شده است و از

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۳، ح ۱۶.

۲- توبه (۹)، آیه ۳۳.

جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین بر روی زمین خبر می دهد.

برخی از مفسران پیروزی مورد بحث آیه را به معنای پیروزی منطقه ای و محدود گرفته اند که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا زمان‌های بعد از آن برای اسلام و مسلمین صورت پذیرفت ولی با توجه به اینکه در آیه هیچ گونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنای آن را محدود کنیم. مفهوم آن پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است؛ یعنی، سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا گرفته، بر همه جهان چیره خواهد گشت.

شکی نیست در حال حاضر، این موضوع تحقق نیافته؛ ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. طبق روایات تکامل این برنامه، هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد.

شیخ صدوق رحمه الله، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه نقل می کند:

«وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعِيدٌ وَ لَمَّا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرِهِ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرْزِي وَ أَقْتَلِي»؛ (۱) «به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آنکه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند. وقتی او ظهور کرد، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی ماند؛ مگر اینکه از خروج آن حضرت ناراحت می شود! حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود، آن سنگ می گوید: ای مؤمن! در دل من کافری پنهان شده، مرا بشکن و او را بیرون بیاور و به قتل برسان».

علامه طباطبایی رحمه الله پس از ذکر این حدیث در ذیل آیه شریفه می نویسد: نظیر این روایت را عیاشی از ابی مقدم، از ابی جعفر علیه السلام و نیز از سماعه از امام صادق علیه السلام نقل و طبرسی مثل آن را از ابی جعفر علیه السلام روایت کرده است.

در تفسیر قمی آمده است: این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و اینکه درباره آن

حضرت نازل شده، بدین معنا است که خروج او تأویل این آیه است. از روایت صدوق هم این برداشت استفاده می شد.

در الدر المنثور نقل شده است: سعید بن منصور، ابن منذر و بیهقی در سنن خود از جابر روایت کرده اند که او در تفسیر آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» گفته است: معنای این آیه، صورت وقوع به خود نمی گیرد؛ مگر وقتی که هیچ یهودی و مسیحی و صاحب ملتی نماند جز اسلام. و نیز صورت نمی گیرد، مگر وقتی که گرگ و گوسفند، شیر و گاو و انسان و مار با هم زندگی کنند و از یکدیگر ایمن شوند. همچنین واقع نمی شود، مگر وقتی که هیچ موشی انبانی را سوراخ نکند و واقع نمی شود، مگر وقتی که جزیه به کلی لغو شود و صلیب ها شکسته و خوک ها کشته شوند و این وقتی است که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید.

علامه طباطبایی پس از نقل این مطلب، در توضیح آن می نویسد: «منظور از لغو جزیه به قرینه صدر روایت این است که موضوعی برای جزیه باقی نمی ماند. و دلالت این روایت بر اینکه در آن روز کفر و شرکی در روی زمین باقی نمی ماند؛ معنایی است که روایت های دیگر نیز بر آن دلالت دارند».^(۱)

پیش از این نیز اشاره شد که برخی از دانشمندان شیعه، شمار آیات مربوط به «مهدویت» را افزون بر ۱۲۰ ذکر کرده اند که می توان به کتاب های مفصل در این زمینه مراجعه کرد.^(۲)

۱- تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۹۲.

۲- ر. ک: سید هاشم بحرانی، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی.

خودآزمایی

۱. واژه های تفسیر، تأویل، تطبیق را به صورت مختصر توضیح دهید.
۲. چگونه از آیه ۱۰۵ سوره «انبیاء» بحث مهدویت استفاده می شود؟
۳. در آیه ۵۵ سوره «نور» سه نوید داده شده است؛ آنها کدامند؟
۴. با استفاده از روایات، کدام آیه منطبق بر جمع شدن یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور می ... شود؟
۵. اولین آیه ای که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور تلاوت می کند، کدام است؟ توضیح دهید.
۶. علاوه بر آیه های یادشده دو آیه را بررسی کرده، دلالت آن را بر مهدویت توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیست جلد، چ یازدهم، (دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ ه. ش).
۲. سید هاشم بحرانی، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، چ سوم، (نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶ ه. ش).
۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، چ چهارم، (دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ش، ذیل آیات فوق).
۴. علی صفایی کاشانی، اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، (مفید، تهران، ۱۳۷۶ ه. ش).
۵. محمود شریعت زاده خراسانی، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه قرآن و عترت، (دارالصادقین، چ سوم، ۱۳۷۹ ه. ش).
۶. محمد جواد مولوی نیا، سیمای مهدویت در قرآن، (امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۱ ه. ش).

درس سوم: مهدویت در منابع روایی شیعه

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب‌های:

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی رحمه الله .
۲. المحاسن، اثر احمد بن محمد بن خالد برقی .
۳. بصائر الدرجات، اثر محمد بن حسن بن صفار رحمه الله .
۴. کتاب التفسیر، اثر محمد بن مسعود عیاشی رحمه الله .
۵. تفسیر القمی، اثر علی بن ابراهیم بن هاشم قمی.
۶. الکافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله .
۷. الغیبه، تألیف محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی رحمه الله.
۸. کمال الدین و تمام النعمه، اثر شیخ صدوق رحمه الله .
۹. الارشاد، اثر شیخ مفید رحمه الله .
۱۰. کتاب الغیبه للحجه، اثر شیخ طوسی رحمه الله

در میان آموزه‌های اسلام، کمتر موضوعی به اندازه «مهدویت» مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که در هیچ یک از موضوعات بنیادین، به این اندازه سخن از معصومین علیهم السلام و بزرگان دین نرسیده است و کمتر کتابی هست که در آن، به این مهم نپرداخته باشد.

شناخت این منابع ارزشمند و سیر تدوین آنها، می‌تواند ما را به آگاهی بیشتر نسبت به این مسأله مهم و اساسی رهنمون شود.

به علت اختصار، در این درس، تنها به بررسی بعضی از کتاب‌های مهم درباره «مهدویت» اشاره می‌شود.

شیعه و احادیث مهدویت

اشاره

«مهدویت» در فرهنگ شیعه، از جمله آموزه‌های اعتقادی و بلکه از ضروریات مذهب به شمار می‌آید. احادیث مربوط به این موضوع، چنان فراوان و گسترده است که جای هیچ شک و تردیدی را باقی نمی‌گذارد. با مروری کوتاه در منابع حدیثی شیعه، به خوبی در می‌یابیم که موضوع ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی حکومت عدل جهانی به دست ایشان، جزو موضوعات کاملاً متواتر و مورد قبول تمام مسلمانان به خصوص شیعه دوازده امامی است.

ده‌ها تن از اصحاب ائمه علیهم السلام، پیش از تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، با استفاده از بیانات نورانی معصومین علیهم السلام، کتاب‌های مستقلی در رابطه با ولادت، غیبت، ظهور و نشانه‌های ظهور آن حضرت تألیف کرده‌اند که اسامی تعدادی از آنها بدین قرار است: (۱)

۱- به نقل از: علی اکبر مهدی پور، برگزیده آثار در قرون و اعصار، (مشعل جاوید)، ص ۱۷۱.

۱. ابواسحاق ابراهیم بن صالح انماطی، از اصحاب امام باقر علیه السلام، صاحب کتاب الغیبه. (۱)
 ۲. ابوالفضل عباس بن هشام ناشری، مشهور به «عیس» از اصحاب امام رضا علیه السلام (م ۲۲۰ق)، مؤلف کتاب الغیبه. (۲)
 ۳. علی بن حسن بن علی بن فضال، از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام، صاحب کتاب های الغیبه و الملاحم. (۳)
 ۴. ابوالحسن علی بن حسن بن محمد طائی جرمی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام و صاحب کتاب الغیبه. (۴)
 ۵. ابوالحسن علی بن محمد بن علی سواق از سران واقفیه و صاحب کتاب الغیبه. (۵)
 ۶. ابوالحسن علی بن عمر اعرج، از اصحاب امام کاظم علیه السلام و صاحب کتاب الغیبه. (۶)
 ۷. ابو علی حسن بن محمد بن سماعه، از اصحاب امام کاظم علیه السلام، (م ۲۶۳ ق) و صاحب کتاب الغیبه. (۷)
 ۸. حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، از اصحاب امام کاظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و صاحب کتاب های: الغیبه، الرجعه، القائم و الملاحم. (۸)
- با مطالعه این تألیف ها و سایر کتاب های اختصاصی و عمومی حدیثی، روشن می شود که کمتر کتاب روایی شیعه است که به موضوع حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته باشد. در اینجا بعضی از این منابع روایی، به اجمال معرفی می شود.

یک. کتاب سلیم بن قیس هلالی

این کتاب از «ابو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی رحمه الله» (م ۸۰ ق) است و از لحاظ تاریخی اولین کتاب حدیثی موجود می باشد. مؤلف آن از شخصیت های برجسته و از خواص

- ۱- محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۱۰۴؛ فهرست، ص ۳۰؛ نجاشی، رجال، ص ۳۲.
- ۲- نجاشی، رجال، ص ۲۸۰؛ محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۳۸۴.
- ۳- محمد بن حسن طوسی، فهرست، ص ۱۲۲؛ نجاشی، رجال، ص ۲۵۷؛ محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۴۱۹ و ۴۳۳.
- ۴- محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۳۵۷؛ نجاشی، رجال، ص ۲۵۵.
- ۵- نجاشی، رجال، ص ۲۵۹.
- ۶- نجاشی، رجال، ص ۲۵۶.
- ۷- محمد بن حسن طوسی، فهرست، ص ۸۱؛ نجاشی، رجال، ص ۴۱.

اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام، امام حسن، حسین و سجاد علیهم السلام است و امام باقر علیه السلام را نیز درک کرده است. سلیم در نزد معصومین علیهم السلام، مورد وثوق بوده و از علوم سرشار آنان بهره مند شده است. وی همواره مورد تأیید ائمه علیهم السلام قرار گرفته، نزد آنان از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده پس از آنکه کتاب سلیم برای آن حضرت خوانده شد فرمود: «صَدَقَ سَلِيمٌ رَحِمَهُ اللَّهُ»؛^(۱) «راست گفت سلیم. خدایش بیامرزد».

در این کتاب احادیثی چند درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که به لحاظ اهمیت کتاب، قابل توجه است.^(۲)

گفتنی است درباره کتاب سلیم بن قیس و صحت روایات آن، تردید هایی وجود دارد که در محل خود به آنها پاسخ های مناسب داده شده است.^(۳)

علامه شوشتری درباره کتاب سلیم می گوید: «[قول] صواب [و درست] در باره کتاب سلیم بن قیس این است که اصل کتاب صحیح بوده و سه استاد بزرگ ما، نعمانی، صفار و دیگران، از آن روایت کرده اند؛ ولی اصل کتاب [در مواردی بسیار اندک] از جانب دشمنان دچار تحریف گشته است (همان گونه که شیخ مفید بر این باور است)، و این گونه نیست که ابن غضائری پنداشته و تمام کتاب را به جهت روایت «نصیحت» محمد بن ابوبکر به پدرش در هنگام مرگ، جعلی دانسته است... ما جز روایت «نصیحت»، به روایت دروغی که محققاً ثابت شده باشد، برخورد نکردیم.^(۴)

دو. المحاسن

این کتاب نوشته ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) است. وی از

۱- ر. ک: کشی، رجال، ۱۰۴؛ محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۹۴.

۲- ر. ک: سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس، ص ۵۶۵، ح ۱؛ ص ۶۲۴، ح ۱۰؛ ص ۸۵۶، ح ۴۵؛ ص ۷۷۵، ح ۲۵؛ ص ۹۰۹، ح ۶۲؛ ص ۹۴۰، ح ۷۷؛ ص ۹۵۷، ح ۹۱.

۳- در این باره خوشبختانه شیخ محمد باقر انصاری ما را از پاسخ بی نیاز کرده است؛ چرا که ایشان دوازده سال از عمر خویش را صرف تحقیق در باره کتاب سلیم نموده و آن را در سه جلد، به تفصیل به چاپ رسانده و همه جوانب تحقیق را انجام داده است.

۴- سید سامی البدری، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ترجمه ناصر ربیعی، ص ۷۵.

بزرگان شیعه به حساب می آید و بخشی از دوره امامت حضرت رضا علیه السلام و نیز دوران امامت امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام را درک کرده و مدتی نیز در دوره غیبت صغرا حیات داشته است.

این کتاب یکی از بهترین کتاب های روایی شیعه به شمار می آید و برخی اهمیت و اعتبار آن را ردیف «کتب اربعه» (۱) دانسته اند. کتاب محاسن یکی از منابع مهم کتاب کافی، نوشته کلینی قدس سرّه است و وی فراوان به این کتاب استناد و از آن روایت نقل کرده است. شیخ صدوق رحمه الله نیز به آن اعتماد کرده و آن را از جمله کتاب های مرجع من لایحضره الفقیه قرار داده است. (۲)

علامه مجلسی رحمه الله گفته است: محاسن برقی از اصول معتبر است که کلینی و متأخران وی، از این کتاب حدیث نقل کرده اند. (۳)

در کتاب محاسن فصل و باب خاصی به عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گشوده نشده؛ ولی در باب ۳۸ بیشتر این روایات ذکر شده است. نکته قابل توجه اینکه در هیچ روایتی در این کتاب، اشاره به کلمه «مهدی» نشده و از آن حضرت با عنوان قائم و یا مشتقات آن یاد شده است.

سه. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام

مؤلف این کتاب ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ صفّار قمی (م ۲۹۰ ق) یکی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و از چهره های سرشناس یاران ائمه علیهم السلام و راویان حدیث است. بصائر الدرجات، درباره فضایل و مقامات امامان علیهم السلام به رشته تحریر درآمده و جزو قدیمی ترین کتاب های حدیثی و معتبرترین اصول قدمای شیعه محسوب می شود. از زمان نگارش آن تاکنون، پیوسته مورد توجه دانشمندان، فقیهان و بزرگان شیعه بوده و در کتاب های ایشان فراوان به آن استناد شده است.

۱- این کتاب ها عبارتند از: کافی اثر مرحوم کلینی؛ تهذیب الاحکام و استبصار اثر ابو جعفر محمد بن حسن طوسی و من ... لایحضره الفقیه، تألیف شیخ صدوق.

۲- ر. ک: صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵.

۳- ر. ک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶.

شیخ حر عاملی رحمه الله در مقدمه وسائل الشیعه می نویسد: «کتاب بصائر الدرجات نوشته شیخ ثقه و مورد اطمینان محمد بن حسن صفار می باشد که دارای دو نسخه کوچک و بزرگ است».

علامه مجلسی رحمه الله در مقدمه بحار الانوار می نویسد: «کتاب بصائر الدرجات از اصول معتبره‌ای است که شخصیت‌هایی مانند کلینی و دیگر علما از آن روایت کرده‌اند»^(۱).

البته با وجود این اعتماد، برخی نیز بر آن خرده گرفته‌اند^(۲).

این کتاب دارای ده بخش است که هر بخش شامل حدود بیست باب است.

در این کتاب موضوعات گوناگونی، بیان شده و بیشتر در باره ائمه معصومین علیهم السلام است؛ از این رو روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مورد توجه قرار گرفته است. در اغلب این روایت‌ها، به ویژگی‌های آن حضرت و یا مسائل مربوط به قیام و حکومت جهانی آن حضرت اشاره شده است.

چهار. کتاب التفسیر معروف به (تفسیر العیاشی)

این کتاب اثر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی رحمه الله، معروف به «عیاشی» فقیه بزرگوار و عالم وارسته‌ای است که در رشته‌های فقه، ادب، حدیث و تفسیر تبحر فراوان داشته است. او از برجسته‌ترین دانشمندان و از بزرگان فقهای شیعه، در دوران غیبت صغرا و استاد کلینی بوده است.

وی در آغاز با توجه به محیط زندگی خود که حدود سمرقند و بخارا بوده و بیشتر ساکنان آن از اهل سنت بودند پیرو مکتب فقهی آنان بود؛ اما در اثر مطالعه و بررسی در کتاب‌های شیعه، مکتب پر فیض جعفری را پذیرفت و تمامی میراث پدر را (بالغ بر سیصد هزار دینار) در راه علم و نشر حدیث، انفاق و خرج کرد. گفته شده: خانه او بسان مسجد، پر از قاری، محدث، عالم، دانشجو و مفسر بود^(۳).

۱- ر. ک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶.

۲- ر. ک: مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳- ر. ک: مقدمه تفسیر، محمد حسین طباطبایی رحمه الله .

آقا بزرگ تهرانی رحمه الله درباره او می‌نویسد: «صاحب تفسیر عیاشی بالغ بر دویست جلد کتاب در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی نگاشته است. او از مشایخ و اساتید روایت کشی، صاحب رجال معروف و از هم دوره‌های ثقه الاسلام کلینی می‌باشد و فرزندش جعفر، از کتاب‌های او روایت می‌کند که یکی از آنها همین تفسیر موجود است».^(۱)

تفسیر عیاشی از برجسته‌ترین و معتبرترین تفاسیر کهن روایی شیعه بوده و در میان دانشمندان، از جایگاه خاصی برخوردار است. از نویسندگان آن در بیشتر کتاب‌های رجال و تراجم، به عظمت، جلالت، فضل و دانش یاد شده است.

این تفسیر در اصل در دو جلد بوده که دانشمندان و علمای تفسیر از آن روایت می‌کرده‌اند؛ اما متأسفانه در قرن‌های بعدی، قسمت دوم این کتاب مفقود می‌شود و لذا کتاب موجود (در دو مجلد) فقط تا آخر سوره کهف است. نسخه موجود نیز، بدون اسناد راویان آن است؛ ظاهراً یکی از نسخه برداران کتاب، برای سهولت و آسانی مطالعه و استنساخ، اسنادش را حذف کرده^(۲) و زبانی جبران ناپذیر بر آن وارد ساخته است.

علامه طباطبایی رحمه الله، مقدمه‌ای بر این تفسیر نگاشته و اهمیت و جایگاه این تفسیر را بیان کرده است. ایشان می‌نویسد: «قسم به جانم! می‌توانم بگویم این کتاب بهترین اثری است که در زمان خود تألیف یافته است و اطمینان آمیزترین مجموعه‌ای است که از پیشینیان ما در زمینه کتب تفسیری مأثور به ارث رسیده است».

این تفسیر روایی در ذیل ده‌ها آیه از قرآن، به موضوع «مهدوئیت» و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته و روایاتی را در این زمینه نقل کرده است. نوع این احادیث، تطبیق و تأویل آیات بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی آن حضرت است.

پنج. تفسیر القمی

این تفسیر اثر ابو الحسن، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (م قرن ۴ ق) از راویان بزرگ

۱- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱، ص ۱۲۱؛ ج ۲، ص ۴۷۸؛ ج ۳، ص ۱۱۲.

۲- سید محمد علی ایازی، شناخت نامه تفاسیر، ص ۹۹.

شیعه و از یاران امام حسن عسکری علیه السلام است. وی از مشایخ معتبر شیخ کلینی است و وی بسیاری از روایات کافی را از او نقل کرده است.

این تفسیر از قدیمی ترین تفاسیری است که پرده از روی آیاتی که در شأن ائمه علیهم السلام نازل شده است، بر می دارد. از این رو در میان مفسران شیعه، از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که آنان، اعتبار دیگر کتب «تفسیر روایی» را با این کتاب می‌سنجند.

نجاشی رحمه الله درباره او می‌گوید: «علی بن ابراهیم از بزرگ ترین راویان شیعه است که در عصر امام حسن عسکری علیه السلام زندگی می‌کرده و محمد بن یعقوب کلینی، در کتاب کافی بسیار از او روایت نقل می‌کند».

از ویژگی‌های این تفسیر، آن است که مؤلف همه روایات را، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده است. درباره مؤلف و شیوه تألیف و پاره‌ای مباحث مربوط به شناسنامه کتاب، بحث‌های مفصل و گسترده‌ای شده و برخی انتساب آن را به او مورد تردید قرار داده‌اند؛^(۱) اما اصل کتاب به عنوان یکی از کتاب‌های حدیثی مرجع، مورد توجه بوده و هست. البته دقت در روایات آن خالی از فایده نیست.

دلایل و شواهد بر اینکه حداقل بخش‌هایی از این کتاب، از علی بن ابراهیم نیست، فراوان است؛ به عنوان نمونه مقدمه این کتاب، به گونه‌ای مباحث را طرح می‌کند که گویی شخص دیگری، سخن می‌گوید و گاه، حتی از علی بن ابراهیم نقل قول می‌کند. افزون بر آنکه این مقدمه، مشتمل بر انحرافات و عقاید نادرستی (مانند تحریف قرآن) است. در حقیقت این کتاب، مجموعه‌ای است از چند تفسیر: تفسیر علی بن ابراهیم، تفسیر ابوالجارود و نقلیات ابوالفضل عباس بن محمد بن قاسم.^(۲)

کتاب یاد شده مشتمل بر سی روایت در رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مضامین مختلفی در آن وجود دارد که عمدتاً به صورت تطبیق آیات بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- ر. ک: آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۴، ص ۳۰۲.

۲- سید محمد علی ایازی، شناخت نامه تفاسیر، ص ۹۸.

ش.ش. الکافی

این کتاب ارزشمند، اثری گران سنگ از شیخ ابوجعفر، محمد بن یعقوب کلینی رازی رحمه الله (م ۳۲۹ ق)، از برجسته ترین علمای شیعه در نیمه دوم قرن سوم و آغاز قرن چهارم هجری است.

کلینی با سفر به شهرها و سرزمین های اسلامی و ارتباط با روایان احادیث و دستیابی به اصول چهارصد گانه شیعه (۱) و ارتباط با نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مجموعه ای ارزشمند و کتابی معتبر و جامع به نگارش در آورده است.

محمد بن یعقوب کلینی نام آورترین و بلند آوازه ترین اندیشمند عصر خود بود؛ دورانی که اوج تلاش محدثان و دانشمندان بزرگ و حتی نواب خاص حضرت بود. با اینکه این چهار تن از فقها و محدثان بزرگ شیعه بودند و شیعیان آنها را به جلالت قدر می شناختند؛ اما کلینی مشهورترین شخصیتی بود که در آن زمان، میان شیعه و سنی با احترام می زیست و به طور آشکار، به ترویج مذهب حق و نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام همت می گماشت.

کتاب کافی از قدیمی ترین و معتبرترین کتاب های روایی شیعه و نگاشته شده در عصر غیبت صغرا است. این کتاب در طول بیش از هزار سال، پیوسته مورد توجه و عنایت خاص دانشمندان و فقهای شیعه قرار داشته است و آنان در منابع مهم روایی و تألیفات ارزشمند خود، به آن استناد کرده اند.

شیخ مفید رحمه الله کافی را چنین معرفی کرده است: «الکافی هو من اجل کتب الشیعه و اکثرها فائده»؛ (۲) «کافی از برجسته ترین کتاب های شیعه و پر فایده ترین آنها است».

شهید اول، محمد مکی درباره این کتاب نوشته است: «کتاب کافی، کتابی روایی است که تاکنون اصحاب و علمای شیعه مانند آن را نگاشته اند» (۳).

۱- این مجموعه به اصول اربعمائه شهرت دارد، یعنی چهارصد اصل. اصول نوعی کتاب است جامع مقداری حدیث از معصومین علیهم السلام و علمای حدیث که نوعاً می گویند «له اصل»، یعنی احادیث کتاب را مؤلف از امام علیه السلام شنیده است یا اینکه از راوی امام استماع کرده است و از آن جهت چنین کتابی را اصل می گویند که از کتاب دیگر گرفته نشده است. ظاهراً اصول تا زمان امام عسکری علیه السلام نوشته شده و گر چه تاریخ تصنیف این کتب به طور قطع مسلم نیست ولی تالیف بیشتر آنها در زمان امام صادق علیه السلام بوده است.

۲- شیخ مفید رحمه الله، تصحیح الاعتقاد، ص ۶۸.

۳- علامه مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۸۸.

از ویژگی‌های مهم این کتاب، هم عصر بودن مؤلف آن، با نایبان چهارگانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دسترسی وی به آنان است. به خصوص که آنان در بغداد بودند و کلینی قدس سرّه نیز مدتی در آن شهر زندگی می‌کرده و سال وفات وی، مصادف با سال وفات آخرین سفیر امام عصر علیه السلام علی بن محمد سمری بوده است.

مؤلف در کتاب کافی، مقید به ذکر سند روایات تا معصوم علیه السلام است و این خود ارزش و اعتبار خاصی به آن بخشیده است. این کتاب شامل بیش از شانزده هزار روایت است. اگر چه روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مجموعه این کتاب، به نوعی پراکنده است؛ اما در باب‌هایی ویژه، روایات بیشتری نقل شده است.

به عنوان نمونه در قسمت اصول و در «کتاب الحجّه»، مؤلف احادیثی را در بخش «فی الاشاره و النص الی صاحب الدار»، ذکر کرده و در ادامه همین باب، عناوین دیگری همانند «فی التسمیه من رآه»، «باب فی النهی عن الاسم»، «باب نادر فی الغیبه و باب فی کراهیه التوقیت» ذکر و در هر عنوان، چند حدیث را نقل کرده است. مجموع این احادیث در این قسمت، نزدیک به شصت حدیث می‌رسد. همچنین در باب «مولد الصاحب» بیش از سی روایت در باره ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث مربوط به آن است.

هفت. الغیبه

این کتاب اثر ارزشمند ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی رحمه الله، مشهور به ابن زینب (ابن ابی زینب)، از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم هجری است. وی نزد محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله دانش حدیث را فرا گرفت و کاتب استادش شد و به همین جهت نیز عنوان «کاتب» پیدا کرد. او از شهرت، احترام و اعتبار خاصی در نزد دانشمندان و فقهای شیعه بهره‌مند است.

نعمانی علاوه بر اینکه نویسنده ای خوش نظر و دارای قدرت استنباط بود، از اطلاعات وسیعی در باره رجال و احادیث برخوردار بود.

کتاب الغیبه به یقین جزو یکی از بهترین کتاب‌ها در زمینه احادیث مربوط به خصوصیات

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت و عصر ظهور و ویژگی‌های آن دوران است. تمام احادیث، برخوردار از سند بوده و نوع اسناد هم، کوتاه و در بسیاری از موارد، اسناد خوب و مورد پسند اهل فن است.

مؤلف در آغاز کتاب، درباره انگیزه تألیف آن نگاشته است: «من در جامعه می‌دیدم شیعیان و علاقه‌مندان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، به گروه‌های مختلفی تقسیم شده و نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ولّی امر و حجت پروردگار خود سرگردان گشته‌اند. پس از بررسی، دلیل آن را غیبت آن حضرت یافتم؛ چنان که رسول خدا و حضرت علی و ائمه معصومین علیهم السلام نیز به آن اشاره کرده‌اند؛ لذا به یاری خداوند بر آن شدم تا روایاتی را که مشایخ روایی بزرگ از امیرمؤمنان و ائمه معصومین علیهم السلام در باره غیبت امام عصر علیه السلام نقل کرده‌اند، جمع آوری کنم.

بسیاری از روایاتی که هم اکنون در اختیار من است، علمای اهل سنت نیز روایت کرده‌اند. البته روایات آنان در این باره، بسیار گسترده‌تر از روایاتی است که هم اکنون در اختیار من است» (۱).

کتاب الغیبه شامل ۴۷۸ روایت در ۲۶ باب است. از موضوعات کتاب می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: وجوب حفظ اسرار آل محمد علیهم السلام، الهی بودن مسأله امامت، تعداد امامان علیهم السلام، کسی که به دروغ ادعای امامت کند، روایات درباره غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، صبر و انتظار فرج، امتحان، صفات امام منتظر، صفات لشکر آن حضرت و... .

هشت. کمال الدین و تمام النعمه

نویسنده این کتاب ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، مشهور به «شیخ صدوق» رحمه الله، از بزرگ‌ترین شخصیت‌های جهان اسلام و از برجسته‌ترین چهره‌های درخشان علم و فضیلت است. در این کتاب به صورت ویژه احادیث مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده و در واقع یکی از کتاب‌های مرجع و عمده در حوزه مباحث مهدویت است. کمتر نوشته و اثری در دوره‌های بعد، یافت می‌شود که به نوعی از این مجموعه، بهره نبرده باشد.

شیخ صدوق قدس سرّه نزدیک به عصر ائمه علیهم السلام می زیست و با جمع آوری روایات اهل بیت علیهم السلام و تألیف کتاب‌های نفیس و با ارزش، خدمت ارزنده و کم نظیری به اسلام و تشیع کرد. تألیفات فراوان وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گنجینه‌ای پایان ناپذیر است که هم اکنون نیز با گذشت بیش از یک هزار سال از تاریخ تألیف آنها، روز به روز بر ارزش و اعتبار آن افزوده شده و جایگاهی بس بلند و والا یافته است و در صدر قفسه کتابخانه‌ها و در سینه دانشمندان جای دارد.

شیخ صدوق رحمه الله در مقدمه کتاب، انگیزه تألیف را چنین ذکر کرده است: «... چون آرزوی زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام برآورده شد، به نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت گزیدم. دیدم بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می کردند، در امر غیبت حیران اند و درباره امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شبهه دارند و از راه درست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده اند... تا اینکه شیخی از اهل فضل و علم و شرف که از دانشمندان قم بود از بخارا بر ما وارد شد... و از من درخواست کرد که در این موضوع (غیبت) کتابی برایش تألیف کنم. من نیز درخواست او را پذیرفتم و به او وعده دادم هرگاه خداوند وسایل مراجعتم را به وطنم فراهم کند، آنچه را خواسته است، گرد آورم.

در این میان، شبی در باره آنچه جا گذاشته‌ام از خانواده و فرزندان و برادران و دیگر نعمت‌ها اندیشه می کردم که ناگاه خواب بر من غلبه کرد و در خواب دیدم گویی در مکه هستم و به گرد بیت الله الحرام طواف می کنم. در شوط هفتم، به حجر الاسود رسیدم. آن را استلام کرده، این دعا را خواندم... آن گاه مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده و من با دلی مشغول و حالی پریشان، به ایشان نزدیک شدم... بر او سلام کردم و او پاسخ داد و سپس فرمود: چرا در باب غیبت، کتابی تألیف نمی کنی تا اندوهت زایل شود؟ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! درباره غیبت پیش تر رساله‌هایی را تألیف کرده‌ام. فرمود: نه به آن طریق، اکنون تو را امر می کنم که درباره غیبت، کتابی تألیف کنی و غیبت انبیا را در آن بازگو کنی...» (۱)

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم شده است:

بخش اول، شامل مباحث کلی و احادیث جامعی در باره غیبت در امت‌های پیشین و اثبات این موضوع است که غیبت حضرت مهدی علیه السلام امری تازه نیست؛ بلکه غیبت دارای سابقه

۱- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه، صص ۴-۶.

طولانی بوده است.

در بخش دوم موضوعاتی مانند: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امامت او، غیبت، دلایل آن، افرادی که وی را دیده‌اند، توقیعات صادر شده از سوی آن حضرت، مسأله انتظار فرج، نشانه‌های ظهور و ... بیان شده است.

این کتاب به جهت اهمیتی که دارد، بارها تجدید چاپ و نیز به دست افراد مختلفی، به فارسی برگردان شده است.

نه. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد

این کتاب، اثر گران سنگ شیخ ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، معروف به شیخ مفید رحمه الله (م ۴۱۳ ق) است. او این کتاب را در سال ۴۱۱ هجری؛ یعنی، دو سال قبل از وفات و در اوج شهرت علمی، تدوین کرده که این خود بر ارزش کتاب می افزاید.

آوازه و شهرت علمی شیخ مفید رحمه الله، جهان اسلام را فرا گرفته است و از او چهره های بسیار درخشان شیعه به شمار می ... آید. وی در این کتاب سعی وافری به کار برده تا روایاتی را در جهت معرفی معصومین علیهم السلام ارائه کند و در آخرین بخش آن اخبار مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (حدود نود روایت) را ذکر کرده است. (۱)

الارشاد از معتبرترین منابع روایی شیعه، در باره زندگانی ائمه علیهم السلام به شمار می آید و بسیاری از منابع مهم شیعه این کتاب را مستند خود قرار داده اند.

ایشان در پایان کتاب شش باب را به شرح زیر به حضرت مهدی علیه السلام و موضوعات مربوط به آن حضرت اختصاص داده است:

۱. باب ذکر الامام القائم بعد ابي محمد علیه السلام و تاریخ مولده و دلائل امامته و ذکر طرف من أخباره و غیبت و سیرته عند قیامه و مده دولته

۲. باب ذکر طرف من الدلائل علی امامه القائم بالحق محمد بن الحسن علیهما السلام

۱- شیخ مفید رحمه الله، الارشاد، ج ۲، ص ۴۷۴، فصل ۳۵.

۳. باب ما جاء من النص على إمامه صاحب الزمان الثاني عشر من الأئمة عليهم السلام في مجمل ومفصل على البيان

۴. باب ذكر من رأى الامام الثاني عشر عجل الله تعالى فرجه الشريف و طرف من دلائله و بيناته

۵. باب طرف من دلائل صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف و بيناته و آياته

۶. باب ذكر علامات قيام القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف و مده أيام ظهوره و شرح سيرته و...

باب پایانی کتاب در ضمن پنج فصل ارائه شده که موضوعات این پنج فصل عبارت است از: ویژگی های جسمانی، وقت ظهور، چگونگی آغاز ظهور، روش حکومت و مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام.

شیخ مفید قدس سرّه در سال ۴۱۳ در بغداد و پس از ۷۵ سال تلاش و خدمت ارزنده دار فانی را وداع گفت و مورد تجلیل فراوان مردم و اهل علم قرار گرفت.

شیخ طوسی رحمه الله که خود در تشیع پیکر مطهر او حضور داشت می گوید: روز وفات او از کثرت دوست و دشمن برای ادای نماز و گریستن بر او، همانند و نظیر نداشته است. هشتاد هزار تن از شیعیان او را تشیع کردند و سید مرتضی علم الهدی قدس سرّه بر او نماز گزارد و در حرم مطهر امام جواد علیه السلام، پایین پای آن حضرت، نزدیک قبر استادش ابن قولویه، مدفون گردید.

ده. کتاب الغیبه للحجه

این کتاب ارزشمند تألیف شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی رحمه الله (م ۴۶۰ق)، از برجسته ترین چهره های علمی جهان تشیع و شخصیت مورد اعتماد شیعه در قرن پنجم هجری است.

او در فقه و اصول، حدیث، تفسیر، کلام و رجال، تألیفات فراوانی از خود به یادگار گذاشته است. مدت پنج سال نزد شیخ مفید رحمه الله درس خوانده و سالیانی دراز از محضر سید مرتضی قدس سرّه، بهره مند شده است.

بعد از رحلت سید مرتضی علم الهدی رحمه الله، رهبری و پرچم داری شیعه به شیخ طوسی رسید. در این هنگام منزل شیخ در محله کرخ بغداد، پناهگاه مسلمانان بود. جهت درک محضر او، دانشمندان فراوانی از سراسر سرزمین اسلامی، قصد بغداد می کردند تا از خرمن دانش و فضیلت آن عالم بزرگوار توشه بگیرند.

شیخ طوسی رحمه الله مؤلف دو کتاب از کتاب‌های چهارگانه شیعه تهذیب الاحکام و الاستبصار است که هر دو در زمینه روایات و احادیثی است که جنبه فقهی و حکمی دارند. از دیگر تألیفات ارزنده این دانشمند بزرگ کتاب الغیبه است.

بی‌گمان کتاب الغیبه از بهترین، مهم‌ترین و کامل‌ترین منابع شیعه در مورد «غیبت» حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این کتاب به علت و انگیزه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکمت الهی که موجب آن گردیده، اشاره شده است.

شیخ طوسی رحمه الله در نگارش این اثر ارزشمند و گران بها، شیوه‌ای نو و ابتکاری به کار گرفته و به جوانب مختلف غیبت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است. همچنین با استدلال به قرآن و روایات معصومین علیهم السلام و حکم عقل، به پاسخ‌گویی به شبهات و اشکالات مخالفان پرداخته است.

این کتاب شامل فضایل امام عصر علیه السلام و سیره و روش آن حضرت در زمان غیبت و هنگام ظهور است و بسیاری از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ذکر کرده است. از زمان نگارش آن تا کنون پیوسته مورد توجه علما و فقهای شیعه بوده و آنان در تألیفات خود، بسیار به آن استناد کرده اند.

آقا بزرگ طهرانی رحمه الله در مقدمه‌ای بر کتاب الغیبه نوشته است: «کتاب الغیبه نوشته شیخ طوسی از کتاب‌های قدیمی است که بر بسیاری از کتاب‌های دیگر برتری دارد. این کتاب در بردارنده بهترین حجّت‌ها و محکم‌ترین برهان‌های عقلی و نقلی بر وجود امام دوازدهم، محمد بن الحسن، صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت آن حضرت در این زمان و ظهور شان در آخر الزمان است»^(۱).

شیخ طوسی قدس سرّه در مقدمه کتاب در باره انگیزه خود از نگارش این کتاب نوشته است: «من این کتاب را به درخواست شیخ بزرگوار که خداوند عمر ایشان را طولانی گرداند نگاشتم. ایشان در خواست فرمود تا کتابی در باره غیبت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف املا نمایم و در آن سبب غیبت آن حضرت و علت طول کشیدن آن و ... را بیان کنم و اینکه چرا آن حضرت ظهور نمی‌کند؟ آیا مانعی در کار هست؟ آن مانع چیست و چرا ما نیازمند به آن حضرت هستیم؟ من هم در خواست او را اجابت و امر ایشان را اطاعت کردم...»

کتاب الغیبه (با حدود پانصد روایت) مشتمل بر هشت فصل است:

۱. الکلام فی الغیبه

در این فصل مؤلف به مباحث ذیل پرداخته است: دلیل بر وجوب عصمت امام، و دلیل بر فساد قول کیسانیه، ناووسیه، واقفه و سایر فرقه های منحرف در باب مهدویت.

۲. ولادت حضرت حجت علیه السلام

۳. مشاهده کنندگان حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغرا

۴. بیان پاره ای از کرامات آن حضرت

۵. برخی از موانع ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۶. روایات مربوط به بحث نیابت و وکالت

در این بخش هم، درباره نواب و وکلای ممدوح و هم درباره نواب و وکلای مذموم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن به میان آمده است. همچنین به برخی از توقیعات آن حضرت اشاره شده است.

۷. عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام

در ضمن آن اشاره ای به وقت ظهور و پاره ای از نشانه های ظهور شده است.

۸. برخی فضایل و صفات و سیره آن حضرت

شیخ طوسی رحمه الله در شب دوشنبه ۲۲ محرم سال ۴۶۰ ه به رحمت ایزدی پیوست و در نجف اشرف در خانه خویش به خاک سپرده شد.

خودآزمایی

۱. اولین منبع روایی شیعه که می توان در آن احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دست آورد، چه نام دارد و به وسیله چه کسی تألیف شده است؟
۲. دو تفسیر روایی شیعی را که روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز ذیل آیات ذکر کرده اند، نام برده، توضیح دهید.
۳. مهم ترین کتاب روایی موجود شیعه چه نام دارد؟ در باره آن توضیح دهید.
۴. برای دو کتاب الغیبه اثر نعمانی و شیخ طوسی توضیح مختصری ارائه فرمایید.
۵. یکی از مهم ترین کتاب های روایی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را که به دستور آن حضرت تدوین شده نام برده، در باره آن توضیح دهید.
۶. علاوه بر منابع یاد شده، درباره دو منبع روایی شیعه را _ که در باره مهدویت روایاتی نقل کرده اند _ توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، دو جلد، (دار احیاء التراث العربی، بیروت).
۲. علی بن موسی التبریزی، مرآه الکتب، (مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۱۴ ه. ق).
۳. مجمع الفکر الاسلامی، موسوعه مؤلفی الامامیه، (مجمع الفکر الاسلامی، دو جلد، قم، ۱۴۲۰ ه. ق).
۴. سید اعجاز حسین النیسابوری، کشف الحجب الاستار عن اسماء الکتب و المنقار، (مکتبه آیت الله المرعشی، قم، ۱۴۰۹ ه. ق).
۵. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۲۶ جلد، چ دوم، (دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق).

درس چهارم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۱)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با:

۱. جایگاه مهدویت در نگاه اهل سنت

۲. احادیث مهدویت در متون اهل سنت

الف. کتاب های عمومی

ب. کتاب های ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳. صحت احادیث مهدوی علیه السلام

۴. تواتر احادیث حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

باورداشت «مهدویّت» و اندیشه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر خلاف تصوّر عده ای نه تنها اختصاص به شیعه ندارد؛ بلکه بخش مهمّی از عقاید اسلامی به حساب می آید که بر اساس بشارت های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، میان تمامی فرقه ها و مذاهب اسلامی شکل گرفته است.

در حوزه اعتقادات اسلامی، کمتر موضوعی را می توان یافت که تا این حد به آن اهمیت داده شده و در اصل اعتقاد به ظهور منجی، نوعی اتفاق نظر و وحدت فکر، شکل گرفته باشد.

احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در بسیاری از کتاب های معروف اهل سنّت نیز آمده است. در بیشتر این کتاب ها، از اوصاف و زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نشانه های ظهور، محل ظهور و بیعت، تعداد یاران و دیگر موضوعات سخن به میان آمده است.

مشهور میان مسلمانان در طول تاریخ، این است که در آخرالزمان، مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور کرده، عدالت را آشکار می کند. مسلمانان از او پیروی می کنند و او بر کشورهای اسلامی چیره می شود. نام او «مهدی» است. (۱)

البته عده کم شماری، از پذیرفتن اصل «مهدویّت» سر باز زده، با دلایلی سست و واهی، به انکار آن پرداخته و آن را فکری شیعی معرفی کرده اند!!

با مروری بر کتاب های روایی اهل سنّت روشن می شود که موضوع مهدویّت در این منابع

نیز به فراوانی مورد اشاره قرار گرفته است. (۱) علاوه بر روایات فراوانی که در منابع اهل سنت به صورت پراکنده به چشم می خورد، تدوین و تألیف کتاب های حدیثی مختص به حضرت مهدی علیه السلام، به وسیله دانشمندان اهل سنت، گویای جایگاه والای «مهدویت» نزد آنان است.

متون روایی اهل سنت را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

یک. کتاب های عمومی:

بی گمان روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در اغلب منابع روایی اهل سنت ذکر شده است. البته در پاره ای از این منابع، به روشنی به حضرت مهدی علیه السلام اشاره نشده؛ ولی در همان منابع نیز روایاتی وجود دارد که بر او قابل انطباق است.

دو. کتاب های ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف :

در بین منابع روایی اهل سنت کتاب هایی چند ویژه موضوعات مربوط به آن حضرت نگارش یافته است.

یک. کتاب های عمومی

اشاره

در این کتاب ها به موضوع «مهدویت» مانند بسیاری از مسائل دیگر به تناسب اشاره شده است. از جمله موضوعاتی که در این روایات آمده، می توان به این موارد اشاره کرد: بودن حضرت مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، خصایص حضرت مهدی علیه السلام، زندگی و سیرت آن حضرت، چگونگی ظهور و حکومت ایشان و ...

اما بعضی از کتاب هایی که بیشتر روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در آنها نقل شده، عبارت است از:

۱۱. المصنف عبد الرزاق

این کتاب اثر ابوبکر عبد الرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ق) است. وی در این کتاب

۱- لازم به یادآوری است که در تدوین بخش هایی از این درس و درس آینده از تحقیقات و مطالب ارزشمند استاد مهدی اکبر نژاد بهره فراوانی برده ام. با تشکر از ایشان.

فصلی را با عنوان «باب المهدی» گشوده و در آن بیش از ده حدیث نقل کرده است. این احادیث از شماره ۲۰۷۶۹ آغاز و تا شماره ۲۰۷۷۹ ادامه دارد. وی پس از این باب، با عنوان باب «اشراط الساعه» به برخی موضوعات دیگر اشاره کرده است. این اولین کتابی از اهل سنت است که احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شکلی منظم، گرد آورده است.

۱۲. کتاب الفتن

حافظ ابو عبد الله نعیم بن حماد المروزی (م ۲۲۹ ق) در کتاب الفتن احادیث فراوانی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و صفات، ویژگی‌ها و حوادث عصر او، روایت کرده است. مصنف در مجموع ده بخش را با عناوین مختلف به موضوعات مربوط به فتنه‌های آخرالزمان اختصاص داده است. چهار بخش نخست آن، درباره حوادث و فتنه‌هایی است که در روایات بدان‌ها اشاره شده است. عمده روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بخش پنج و بعد از آن ذکر شده است.

۳۱. المصنف فی الاحادیث و الآثار

حافظ عبد الله بن محمد بن ابی شیبہ الکوفی (م ۲۳۵ ق)، مؤلف کتاب یاد شده، در فصل ۳۷ آن، بخشی را با عنوان «الفتن» قرار داده است. او در این بخش احادیثی را در رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث مربوط به او ذکر کرده است (حدیث ۳۷۶۳۷ تا حدیث ۳۷۶۵۳). در بعضی از این احادیث به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح شده است. از موضوعاتی که در این روایات مورد اشاره قرار گرفته، می‌توان به ویژگی‌های نسبی و اخلاقی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدت حکومت و عمر آن حضرت، شرایط پیش از ظهور، نشانه‌های ظهور و ویژگی‌های دوران ظهور ایشان اشاره کرد.

۱۴. مسند احمد

احمد بن حنبل ابو عبد الله الشیبانی (م ۲۴۱ ق)، از پیشوایان چهار گانه اهل سنت است. وی در کتاب مسند احادیث مختلف و متعددی را درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده است. (۱) این

۱- این کتاب که از گسترده‌ترین جوامع حدیثی کهن اهل سنت است، در چاپ جدید با فهارس در پنجاه مجلد به چاپ رسیده است.

احادیث به ضمیمه کتاب البیان فی الاخبار صاحب الزمان و در مجموعه‌ای با نام احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل به چاپ رسیده است. (۱)

در این مجموعه، ۱۳۶ حدیث از مسند احمد استخراج و در موضوعات زیر تنظیم شده است: ۳۵ حدیث با عنوان «الخلفاء الاثنا عشر»؛ ۳۵ حدیث در بیان «علامات الظهور»؛ ۲۶ حدیث با عنوان «ظهور المهدی»؛ شش حدیث با عنوان «المهدی من عتره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم»، چهار حدیث با عنوان «یواطء اسمہ اسم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛ چهارده حدیث با عنوان «نزول عیسی و الامام هو المهدی» و چهل حدیث هم با عنوان «لاتزال طائفه یقاتلون علی الحق الی ان یاتی امر الله».

در میان کتاب های نخستین حدیثی، مسند احمد بیشترین حدیث را در این موضوع ذکر کرده است.

۱۵. سنن ابن ماجه

محمد بن یزید ابو عبدالله القزوینی (م ۲۷۵ ق) از حدیث شناسان و محدثان معروف و زبردست اهل سنت بوده و سنن وی در زمره صحاح ششگانه قرار گرفته است. وی در کتاب الفتن این مجموعه، بخشی را به بیان احادیث مهدی با عنوان «باب خروج المهدی» اختصاص داده است. نسب حضرت مهدی علیه السلام، شرایط قبل از ظهور، زمینه سازان ظهور، یاران وی، مدت حکومت او و بالاخره ویژگی های اقتصادی و اجتماعی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله موضوعات این روایات است. نکته قابل توجه اینکه در شش حدیث از مجموع هفت حدیث، به نام امام مهدی علیه السلام تصریح شده است.

۱۶. سنن ابو داود

این کتاب نیز یکی از صحاح شش گانه اهل سنت بوده و به وسیله سلیمان بن الاشعث ابو داود السجستانی (م ۲۷۵ ق) نگارش یافته است. وی در این مجموعه بخشی را با عنوان

۱- ر. ک: سید محمد جواد حسینی جلالی، احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، (انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم).

«کتاب المهدی»^(۱) به صورت مستقل ذکر کرده که با حدیث ۴۲۷۹ آغاز می‌شود.

بعضی از موضوعاتی که در این روایات مورد اشاره قرار گرفته، عبارت است از: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، ویژگی‌های نسبی وی، ویژگی‌های جسمی ایشان، شرایط قبل از ظهور، حتمی بودن ظهور، اوضاع اجتماعی اقتصادی عصر ظهور و بالاخره جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام.

احادیث سنن ابو داود یکی از منابع قابل ملاحظه، در باره «مهدوئیت» نزد اهل سنت است.

۱۷. الجامع الصحیح

این کتاب از جمله صحاح شش گانه اهل سنت است که به وسیله محمد بن عیسی ابو عیسی ترمذی سلمی (م ۲۷۹ ق) به رشته تحریر در آمده است. وی در فصل «ما جاء فی المهدی»، سه حدیث به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است. در دو حدیث اول این باب، به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریحی نشده و صرفاً مسأله منجی و حتمی بودن حاکمیت شخصی از اهل بیت علیهم السلام و هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیان شده است. ترمذی در مورد حدیث اول گفته است: «هذا حدیث حسن صحیح» و درباره حدیث سوم گفته است: «هذا حدیث حسن».

هرچند در این مجموعه حدیثی، تعداد احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بسیار اندک است؛ ولی با توجه به اسناد خوب آنها، این احادیث مهم و قابل توجه دارای اطلاعات جامعی در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند.

۱۸. المستدرک علی الصحیحین

محمد بن عبدالله ابو عبد الله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)، احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در فصلی خاص، در کتاب الفتن و الملاحم و در برخی قسمت‌های دیگر به صورت پراکنده ذکر کرده است. وی در این احادیث به برخی موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعم از نسب، ویژگی‌های جسمانی، شرایط قبل از ظهور، اصل ظهور و مسائل

۱- سلیمان ابن الاشعث، سنن ابی داود، ص ۷۱۲.

مختلف دیگر پرداخته است.

۱۹. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال

علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی (م ۹۷۵ ق) با تالیف کتابی چون کنز العمال شهرت به سزایی دارد. این جامع حدیثی از جمله معروف ترین مجموعه های حدیثی موجود اهل سنت است. مؤلف که جداگانه تألیفی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان البرهان فی علامات مهدی الآخر الزمان دارد در مجموعه حدیثی کنز العمال علاوه بر روایات پراکنده (۱)، فصلی را با عنوان «خروج المهدی» گشوده و در آن ده ها حدیث را از منابع مختلف نقل کرده است. این احادیث از شماره ۳۸۶۵۱ آغاز شده و تا روایت ۳۸۷۰۸ ادامه یافته است.

در این مجموعه، ابعاد مختلف مهدویت از جمله شرایط قبل از ظهور، یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران حکومت وی، حوادث و جریانات عصر ظهور، شرایط حاکم اقتصادی در آن زمان و ویژگی های جسمی آن حضرت بیان شده است.

دو. کتاب های حدیثی ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

دانشمندان اهل سنت همانند عالمان شیعه تنها به وجود روایات مهدویت در کتاب های مختلف بسنده نکرده، کتاب هایی چند، ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تألیف کرده اند. بعضی از این آثار ارزشمند بدین قرار است:

۲۱. اربعون حدیث

ابونعیم اصفهانی (م ۴۲۰ ق)، از دانشمندان بنام اهل سنت، آثار و تألیفات فراوانی دارد. کتاب اربعون حدیث اکنون در دسترس نیست و اربلی در کتاب کشف الغمه فی المعرفه الائمه آن را آورده است. وی قبل از ذکر احادیث چنین گفته است: «من چهل حدیثی را که ابو نعیم اصفهانی آنها را درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع آوری کرده، به طور کامل همان گونه که وی ذکر

۱- ایشان در بخشی با عنوان «جامع الاشراف الکبری» ده ها روایت دیگر را در باره موضوعات مهدویت ذکر کرده است. این روایات از شماره ۳۹۶۵۶ به بعد می باشد.

کرده آوردم و به راوی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اکتفا کردم (۱)» (۲).

۲۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام

ابوعبد الله محمد گنجی شافعی (م ۶۵۸)، احادیث مربوط به مهدی و خصایص و ویژگی های او را با ترتیب خاص و در ابواب منسجم، در این کتاب ذکر کرده است. وی در مقدمه کتابش برای ردّ اتهام شیعی بودن عقیده مهدویت و اثبات آن به عنوان یک موضوع اسلامی اذعان می کند که در این کتاب، تنها احادیثی را آورده که از طریق اهل سنت، روایت شده و از ذکر روایات شیعی پرهیز کرده است. (۳)

او مجموع این احادیث را (هفتاد حدیث) در ۲۵ باب منظم کرده و حتی به بعضی از جزئیات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام نیز اشاره نموده است.

عناوین باب های این کتاب عبارت است:

۱. فی ذکر خروجه فی آخر الزمان

۲. فی قوله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی من عترتی من ولد فاطمه

۳. فی ذکر المهدی من سادات اهل الجنه

۴. فی امر النبی صلی الله علیه و آله و سلم بمبايعه المهدی

۵. فی ذکر نصره اهل المشرق للمهدی

۶. فی مقدار ملكه بعد ظهوره

۷. فی بیان انه یصلی بعیسی علیه السلام

۸. فی تحلیه النبی صلی الله علیه و آله و سلم المهدی علیه السلام

۹. فی تصریح النبی بانّ المهدی من ولد الحسین علیه السلام

۱۰. فی ذکر کرم المهدی علیه السلام

نکته قابل توجه اینکه وی به رغم انکار ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طرف بیشتر علمای

- ۱- سند را تا راوی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حذف کرده است.
- ۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۲۵۵.
- ۳- ابو عبد الله محمد کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، ۱۹.

اهل سنت آخرین باب را چنین نامیده است: «فی الدلاله علی جواز بقاء المهدی حیا». بر این اساس وی نه تنها ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پذیرفته؛ بلکه هر گونه استبعاد در مورد طول عمر آن حضرت را منتفی دانسته است.

گنجی شافعی در آغاز این باب می نویسد: «هیچ امتناعی در بقای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود ندارد؛ به دلیل اینکه عیسی، الیاس و خضر که از اولیای خداوند می باشند زنده هستند و دجال و ابلیس که از دشمنان خداوند می باشند نیز زنده هستند و زنده بودن اینها، به وسیله قرآن و سنت اثبات شده است. آن گاه که بر این موضوع اتفاق کرده اند، زنده بودن مهدی را انکار نموده اند... پس به سخن هیچ عاقلی بعد از این توجه نمی شود، در اینکه باقی بودن مهدی را انکار کند» (۱).

به باور تاریخ نگاران، نویسنده کتاب، در سال ۶۵۸ هـ در جامع اموی دمشق، به دست گروهی از عوام و به جهت تمایل وی به شیعه، مظلومانه کشته شد. (۲)

آیت الله حسن زاده آملی در وصف این کتاب می نویسد: «کتاب بیان در عین حال که صغیر الحجم است، بسیار عظیم النفع است. این کتاب موجز حائز فوایدی گران قدر و ارزشمند است و هر چند هر یک از ابواب آن را در امر صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف اهمیتی به سزا است؛ لکن بعضی از ابواب به خصوص باب های دوم و هفتم و نهم و سیزدهم و بیست و چهارم و بیست و پنجم را شأنی دیگر و در خور دقت بیشتر و بهتر است» (۳).

۲۳. عقد الدرر فی اخبار المنتظر

این کتاب تألیف یوسف بن یحیی بن علی بن عبد العزیز مقدسی شافعی (م بعد ۶۵۸) است. عقد الدرر به لحاظ جامع بودن و گستردگی، در نوع خود کم نظیر و منبع مهمی برای کتاب های بعدی بوده است. مؤلف در مقدمه کتاب، انگیزه تألیف را چنین بیان می کند: «فساد زمان و مشکلات و گرفتاری مردم و مأیوس شدن آنها از اصلاح اوضاع و وجود کینه ها بین

۱- ابو عبد الله محمد گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، ص ۹۷.

۲- ابو عبد الله محمد گنجی شافعی، مقدمه التحقيق، ص ۱۲.

۳- حسن حسن زاده آملی، نهج الولاية، ص ۹۳.

آنان تا قیامت استمرار ندارد و از بین رفتن این مشکلات، با ظهور و خروج مهدی حاصل می‌گردد... برخی این مسأله را به طور کلی رد می‌کنند و برخی دیگر نیز گمان می‌کنند جز عیسی، مهدی‌ای وجود ندارد» (۱). مؤلف به تفصیل این دو دیدگاه را مردود دانسته، با شواهد کافی این را غیر قابل پذیرش می‌شمارد و برای تدوین کتاب، احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بدون ذکر اسناد آن نقل و منابع اصلی آن را بیان می‌کند. در بیشتر احادیث از اظهار نظر درباره ضعیف یا صحیح بودن حدیث خودداری و فقط به ذکر آن بسنده کرده است.

مؤلف پس از مقدمه‌ای قابل توجه، مباحث مهدویت را در ابواب دوازده گانه تنظیم کرده است:

۱. فی بیان آنّه من ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و عترته

در این باب به روایاتی در باره نسب آن حضرت اشاره شده است.

۲. فی اسم و خلقه و کنیت

مطالبی درباره نام آن حضرت، خصلت‌ها و کنیه آن حضرت در این باب گردآوری شده است.

۳. فی عدله و حلیته

در این باب به ویژگی‌های جسمانی آن حضرت و نیز عدالت گستره ایشان اشاره شده است.

۴. فی ما یظهر من الفتن الداله علی ولایت

این باب دارای چهار فصل در باره رخدادها و حوادث مربوط به ظهور ایشان است.

۵. فی أنّ الله تعالی یبعث من یوطیء له قبل امارته

در این باب به زمینه سازان و زمینه سازی حکومت مهدی علیه السلام اشاره شده است.

۶. فی ما یظهر له من الکرامات فی مده خلافته

این باب در باره آثار و کرامت‌های آن حضرت در دوران دولت ایشان است.

۷. فی شرفه و عظیم منزلته

۸. فی کرمه و فتوته

١- حسن حسن زاده آملی، نهج الولاية، ص ٩٧.

۹. فی فتوحاته و سیرته

۱۰. فی أنّ عیسی بن مریم علیه السلام یصلی خلفه و یبایعه و ینزل فی نصرته

۱۱. فی اختلاف الروایات فی مده اقامته

۱۲. فی ما یجری من الفتن فی ایامه و بعد انقضاء مدته

در این باب پس از ذکر یک مقدمه، مطالب را در ضمن هشت فصل و یک خاتمه تنظیم شده است.

۲۴. العرف الوردی فی الاخبار المهدی علیه السلام

جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ ق) احادیث امام مهدی علیه السلام را در این کتاب به شکلی مبسوط و گسترده جمع آوری کرده است. این کتاب در ضمن مجموعه رساله هایی به نام الرسائل العشر در مجموعه ای بزرگ تر با عنوان الحاوی للفتاوی به چاپ رسیده است.

وی در ابتدای این رساله می نویسد: «این بخشی است که احادیث و آثار وارد شده راجع به مهدی را در آن جمع کردم و چهل حدیثی که حافظ ابو نعیم آنها را ذکر کرده، به صورت خلاصه آوردم و آنچه او نیاورده بر آن افزودم و به صورت (ک) آن را رمزگذاری کردم»^(۱)

مجموع احادیثی که در این کتاب جمع آوری شده چه آنچه را از ابونعیم آورده و چه آنچه خودش بر آن افزوده بالغ بر دویست حدیث است. وی در پایان احادیث با عنوان تنبیهات، چهار نکته مهم را یاد آور شده است:

۱. مهدی علیه السلام یکی از خلفای دوازده گانه است که در حدیث جابر بن سمره ذکر شده است.

۲. مهدی علیه السلام نمی تواند از فرزندان عباس بن مطلب باشد.

۳. سند حدیث «لا مهدی الا عیسی بن مریم» ضعیف است؛ چون با نقل متواتر که گویای ظهور مهدی علیه السلام و اینکه او از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و عیسی پشت سر او نماز

می خواند- متعارض است.

۴. آنچه نقل شده که مهدی از مغرب ظهور خواهد کرد، هیچ گونه دلیل و پایه‌ای ندارد. (۱)

۲۵. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان

این کتاب از جمله کتاب‌های حدیثی مفصل در باب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بیش از ۲۷۰ حدیث را در بر گرفته و به وسیله علاء الدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵ ق) نوشته شده است.

ابواب کتاب در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوعات مربوط به ایشان، به شرح زیر است:

۱. فی الکرامات

۲. فی نسب المهدی علیه السلام

۳. فی حلیه المهدی علیه السلام

۴. فی احوال تقع قبل خروج المهدی علیه السلام

۵. فی جامع العلامات و ...

در باب‌های بعد به چگونگی بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یاران، فتوحات، مدت حکومت و نازل شدن عیسی علیه السلام برای یاری آن حضرت اشاره شده است. مؤلف درباره کتاب خود می گوید: چون کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی تألیف جلال الدین سیوطی را مشاهده کردم، از آنجایی که آن کتاب دارای باب بندی و نظم لازم نبود، آن را باب بندی نمودم و برخی احادیث دیگر بر آن افزودم. (۲)

سه. صحت احادیث مهدوی علیه السلام

نکته قابل توجه در باره روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در منابع اهل سنت، این است که بزرگان فراوانی از ایشان، تصریح به صحت آنها کرده اند؛ از جمله:

۱. ترمذی (م ۲۹۷) درباره سه حدیث مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: «این حدیث نیکو و صحیح

۱- سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۱۰۲.

۲- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۰.

است» (۱) در باره چهارمین حدیث نیز می گوید: «این حدیثی نیکو است» (۲).

۲. حاکم نیشابوری (م ۴۰۵) در باره هر یک از چهار حدیث چنین می گوید: «اسناد این حدیث صحیح است؛ ولی بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند» (۳) در مورد سه حدیث دیگر می گوید: «اسناد این حدیث صحیح است با شرط مسلم؛ ولی بخاری و مسلم نقل نکرده اند» (۴) نظرش در باره هشت حدیث دیگر این چنین است: «این حدیث صحیحی است با شرط شیخین (مسلم و بخاری)، ولی آن را نقل نکرده اند» (۵).

۳. بیهقی (م ۴۵۸) گوید: «حدیث های مربوط به خروج مهدی، صحیح ترین اسناد را دارد» (۶).

۴. بغوی (م ۵۱۰ یا ۵۱۶) در کتابش مصابیح السنه در فصل «الصحاح» یک حدیث و در فصل «الحسان» پنج حدیث نقل کرده است.

۵. قرطبی مالکی (م ۶۷۱) از معتقدان به متواتر بودن حدیث های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است. نکته مهم، اینکه وی ذیل حدیث ابن ماجه در مورد مهدی گوید: «اسنادش صحیح است» و تصریح می کند: حدیث «مهدی از عترت من، از فرزندان فاطمه است»، از حدیث محمد بن خالد الجندی صحیح تر است (۷).

علاوه بر موارد یاد شده، دانشمندان فراوانی از اهل سنت به صحیح بودن روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده اند (۸).

۱- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۲۲۳۰ و ۲۲۳۱ و ۲۲۳۳.

۲- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۲۲۳۲.

۳- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۲۹ و ۴۶۵ و ۵۵۳ و ۵۵۸.

۴- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۵۰ و ۵۵۷ و ۵۵۸.

۵- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۲۹ و ۴۴۲ و ۴۵۷ و ۴۶۴ و ۵۰۲ و ۵۲۰ و ۵۵۴ و ۵۵۷.

۶- الاعتقاد و الهدایه الی سبیل الرشاد، ص ۱۲۷.

۷- کتاب التذکره، ص ۷۰۴.

۸- ر.ک: مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، صص ۵۴، ۶۰.

چهار. تواتر احادیث مهدی

چهار. تواتر (۱) احادیث مهدی

احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در باره حضرت مهدی علیه السلام، در کتاب های مذاهب اسلامی، به اندازه ای فراوان است که کمتر در باره موضوعی به این میزان، حدیث رسیده است. همین واقعیت باعث شده، تا دانشمندان علم حدیث، در موارد فراوانی، به «متواتر» بودن احادیث مهدی، تصریح کنند.

احمد بن محمد بن صدیق، ابو الفیض غماری حسنی شافعی مغربی، در کتاب ارزشمند ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون متواتر بودن حدیث های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شیوه ای بی نظیر و بی سابقه ثابت می کند و بی اساس بودن تضعیف های ابن خلدون را در باره این حدیث ها به خوبی نشان می دهد. در برابر، افرادی چون احمد امین مصری، محمد فرید وجدی و امثال آنها، اظهار نظرهای ابن خلدون را مستندی برای گفته های ناصحیح خود برگزیده اند!!

غماری مغربی، به تفصیل حدیث های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با تحقیق گسترده از کتاب های اهل سنت، استخراج و روایت کرده، راویان آنها را به ترتیب برشمرده است: نخست اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، سپس تابعین و تابعین و بالاخره محدثان.

ابوالفیض در بخشی از کتابش گوید: «بر کسی پوشیده نیست که به طور طبیعی و معمولی، غیرممکن است گروهی بیش از سی نفر از طبقات مختلف اجتماعی و بدون آشنایی با یکدیگر بر یک سخن متفق شوند. البته این تعدادی است که تا امروز توانسته ایم از آن آگاه شویم. ما روایات مربوط به حضرت مهدی را از برخی صحابه روایت می کنیم؛ مانند: ابو سعید خدری، عبدالله بن مسعود، علی بن ابیطالب علیه السلام، ام سلمه، ثوبان عبد الله بن جزء بن حارث زبیدی، ابوهریره، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، قره بن ایاس مزنی، ابن عباس، ام حبیبه، ابوامامه، عبد الله بن عمرو بن عاص، عمار بن یاسر، عباس بن عبد المطلب، حسین بن علی علیهما السلام، تمیم داری، عبد الرحمن بن عوف، عبد الله بن عمر بن الخطاب، طلحه، علی

۱- «حدیث یا متواتر است یا آحاد. متواتر، در لغت، آمدن یکی پس از دیگری بلافاصله است و در اصطلاح علم الحدیث، منظور خبر جماعتی است که فی حد نفسه، نه به ضمیمه قرائن، اتفاق آنان بر دروغ محال، و در نتیجه، موجب علم به مضمون خبر باشد»: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث، ص ۱۴۴.

هلالی، عمران بن حصین، عمرو بن مَرّه جهنی، معاذ بن جبل و مرسله شهر بن حوشب. البته خبرش مرفوعه است، نه موقوفه و مقطوعه؛ هر چند که احادیث موقوفه و مقطوعه در این مبحث بسان احادیث مرفوع به شمار می آیند و با پی گیری می توانیم تعداد بسیاری از آنها را ذکر کنیم؛ ولی معتقدیم که حدیث های مرفوع، ما و شما را بسنده باشد» (۱).

ابوالفیض غماری شافعی، حدیث های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را از بیش از سی صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت و سلسله راویان و محدثان آنها را با دقت و تفصیل بیان کرده است (۲).

برخی دیگر از کسانی که به تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی تصریح کرده اند، بدین قرارند:

۱. حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی (م ۶۵۸ ق)، در کتاب البیان، می نویسد: «تَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ وَ اشْتَفَاصَتْ بِكَثْرَةِ رُؤَاتِهَا عَنِ الْمُصْطَفَى فِي أَمْرِ الْمَهْدِيِّ»؛ «احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره مهدی به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است».

۲. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) که او را «حافظ عصر» خوانده اند، در کتاب فتح الباری در شرح صحیح بخاری می گوید: «تَوَاتَرَتْ الْأَخْبَارُ بِأَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيُنزَلُ وَ يَصِلِي خَلْفَهُ»؛ (۳) «اخبار متواتر رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی فرود خواهد آمد و پشت سر او نماز خواهد خواند».

۳. ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ق) درباره این احادیث گفته است: «احادیثی که در آنها مهدی ذکر شده است، فراوان و متواتر می باشند» (۴) به جز موارد یاد شده، دانشمندان دیگری نیز به متواتر بودن روایات حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده اند (۵).

۱- ابراز الوهم المکنون، ص ۴۳۷.

۲- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۵۰.

۳- فتح الباری، ۵، ص ۳۶۲.

۴- الاشاعه فی اشراط الساعه، ص ۸۷.

۵- ر. ک: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵، پانوش؛ و نیز ر. ک: مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، صص ۶۰ ۶۷.

در پایان ذکر نکاتی درباره کتاب‌های یاد شده، خالی از فایده نیست:

یکم. کتاب‌هایی که که ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگارش یافته و یا فصل‌هایی که در دیگر کتاب‌ها، درباره آن حضرت آمده، بر اساس احادیث نبوی است.

دوم. در این کتاب‌ها، احادیث بسیار جالب، در باره مسائل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روایت شده است.

سوم. در برخی از اینها، آیاتی از «قرآن کریم»، در باره آن حضرت مطرح گشته است.

چهارم. در میان این کتاب‌ها، بعضی پیش از میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برخی نیز در عصر غیبت صغرا و بعد از آن تألیف یافته است.

پنجم. در میان آنها از معتبرترین کتاب‌های اهل سنت نیز وجود دارد؛ مانند: صحاح شش گانه، مسند احمد بن حنبل و ...

ششم. بسیاری از این کتاب‌ها و چه بسا نوع آنها در محیط‌هایی فارغ از هر گونه وابستگی به شیعه، تألیف یافته است.

هفتم. در این کتاب‌ها، مسائل گوناگون و حقایق بسیاری در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است. همچنین تأییدات و سخنانی مفید از خود عالمان، محدثان و مفسران اهل سنت در این باره ذکر شده است. (۱)

خودآزمایی

۱. جایگاه مهدویت نزد اهل سنت را به استناد دو سخن از بزرگان ایشان بیان کنید.
۲. در میان کتاب‌های اولیه اهل سنت، کدام کتاب است که بیشترین احادیث مهدویت در آن ذکر شده است؟ در باره آن توضیح دهید.
۳. دو کتاب از کتاب‌های روایی اهل سنت که ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگاشته شده، نام برده، در باره هر کدام توضیح مختصری ارائه فرمایید.
۴. دو نفر از دانشمندان اهل سنت که روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را صحیح دانسته‌اند، نام برده سخن ایشان را نقل فرمایید.
۵. تواتر به چه معنا است؟ برخی از کسانی که روایات مهدویت را متواتر دانسته‌اند، نام ببرید.
۶. دیدگاه دو تن از دانشمندان معاصر اهل سنت را (پس از تحقیق) توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. سید اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰، ه. ش.).
۲. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه، محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰، ه. ش.).
۳. سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، چاپ دوم، (انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴ ه. ش.).
۴. علی دوانی، دانشمندان عامه و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۱ ه. ش.).
۵. مهدی فقیه ایمانی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، چاپ دوم، (مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ ه. ش.).

درس پنجم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۲)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مشترکات اهل سنت و شیعه در مهدویت:

۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۱. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۲۲. مهدی علیه السلام از فرزندان علی علیه السلام
۲۳. مهدی علیه السلام از نسل فاطمه علیها السلام
۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴. همنام بودن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۵. زمینه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶. نشانه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

همان گونه که در درس گذشته گفته شد، اهل سنت در روایات فراوانی به حقیقت «اندیشه مهدویت» اشاره کرده اند. اگر چه در پاره ای موارد تفاوت هایی با اعتقاد شیعه به چشم می خورد؛ اما موارد مشترک فراوانی نیز وجود دارد.

مشترکات اهل سنت و شیعه در «مهدویت»

اشاره

مشترکات اهل سنت و شیعه در «مهدویت»^(۱)

۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اولین مسأله ای که بین شیعه و اهل سنت مورد اتفاق است، حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این موضوع یکی از مسلمات اعتقادی این دو گروه است؛ به گونه ای که دهها و بلکه صدها روایت در این زمینه، در منابع روایی آنها وجود دارد.

۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

یکی از مواردی که بین شیعه و سنی تا حدودی اتفاق نظر وجود دارد، تبار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. شیعه این نسب را تا پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به روشنی تمام، مشخص

۱- از آنجایی که دسترسی به روایات شیعه برای مهدی پژوهان آسان تر است، تلاش شده تا در این درس به روایات اهل سنت بیشتر اشاره شود.

و معرفی کرده است، اما اهل سنت در موارد معینی، بدان اشاره کرده (۱) که از این قرار است:

۲۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت و فرزندان رسول خدا

ابن ماجه در سنن خود نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَصْلِحُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي لَيْلِهِ»؛ (۲) «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند یک شبه امر او را به سامان می آورد».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ يَكُونُ عَطَاؤُهُ حَثِيًّا»؛ (۳) « هنگام پایان زمان و آشکار شدن فتنه ها، مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد که بخشش او بسیار است».

صنعانی در المصنف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده است: «... فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ...»؛ (۴) «... پس خداوند مردی از عترت و اهل بیت مرا برانگیزد ...»؛ (۵)

۲۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل حضرت علی علیه السلام

از دیگر موارد اتفاق روایات بین شیعه و سنی، این است که آن حضرت از نسل امام علی علیه السلام است. سیوطی در عرف الوردی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «سَيُخْرِجُ مِنْ صَلْبِ هَذَا فَتَى يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ (۶) «از نسل این شخص، به زودی جوانی خروج خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد می کند...».

جوینی شافعی در فرائد السمطين از ابن عباس نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُتَنَطَّرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ

۱- اگر چه در درس «نسب حضرت مهدی علیه السلام»، به موارد فراوانی اشاره خواهد شد، اما به تناسب در این درس نیز به پاره‌ای از موارد اشاره می شود.

۲- ابن ماجه، سنن، ج ۲، ح ۴۰۸۵؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۷؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۷.

۳- ابن ابی شیبیه، الكتاب المصنف، ح ۳۷۶۳۹؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۴- صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۰؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۱۰، ح ۱۰۲۱۳.

۵- و نیز: ر. ک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۳۶.

۶- جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، کتاب: العرف الوردی، ص ۷۴ و ص ۸۸.

الارض عدلا و قسطا كَمَا مُلِّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا...»^(۱) «همانا علی بن ابی طالب امام امت من و جانشین من بر آنان بعد از من است. از فرزندان او، قائم منتظر است که خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گونه که پر از ستم و بیداد شده باشد...».

شیخ صدوق رحمه الله از حضرت باقر علیه السلام چنین آورده است: «امیرمؤمنان علی علیه السلام هنگام بازگشت از نهروان در کوفه خطبه می خواند، در این میان خیر رسید که معاویه از او بدگویی می کند و بر او نفرین می فرستد و یارانش را می کشد، حضرت بلند شد و خطبه ای خواند تا بدان جا که فرمود: از فرزندان من است مهدی این امت.»^(۲)

۲۳. حضرت مهدی از نسل فاطمه علیها السلام

در روایات فراوانی از اهل سنت، به این مطلب تصریح شده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان فاطمه علیها السلام است: ابن ماجه از ام سلمه نقل کرده که وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین شنید: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»^(۳) «مهدی از فرزندان فاطمه است.»^(۴)

شیخ طوسی قدس سره نیز از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «مهدی مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است.»^(۵)

۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

در باره ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، روایات فراوانی در کتاب های شیعه و اهل سنت آمده است. بعضی از این ویژگی ها بدین قرار است:

۳۱. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور

در روایاتی تأکید شده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور دارای بدنی بسیار قدرتمند است.^(۶)

۱- جوینی شافعی، فرائد السمطين، ج ۲، ۳۲۷، ح ۵۸۹؛ شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷، باب ۲۵، ح ۷.

۲- شیخ صدوق رحمه الله، معانی الاخبار، ص ۶۱.

۳- سنن ابن ماجه، ح ۴۰۸۶؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴، ح ۴۲۸۴؛ نعیم بن حماد، الفتن، ص ۳۷۵؛ حاکم، المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۷.

۴- و نیز: ر. ک: کنجی شافعی، الیبيان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۳۰؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۳۵؛ جلال الدین

سيوطي، الحاوي للفتاوى، ص ٦٩.

٥- محمد بن حسن طوسي رحمه الله ، كتاب الغيبة، ص ١٨٧.

٦- البيان في اخبار صاحب الزمان، ص ٧٨؛ الحاوي للفتاوى، ص ٧٩.

۳۲. چهره نورانی

جوینی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي ... كَأَنَّ وَجْهَهُ كَوْكَبٌ دُرِّي...»؛^(۱) «مهدی از فرزندان من است ... چهره اش همانند ستاره ای درخشان است».

۳۳. پیشانی بلند و بینی کشیده

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیشانی بلند و بینی کشیده، توصیف شده و این تعبیر فراوان در احادیث اسلامی آمده است. صنعانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «ان المهدي اقبى اجلى»؛^(۲) «مهدی بینی کشیده (با انحنای وسط) و بلند پیشانی است».

این مضمون در کتاب های اهل سنت، مورد اشاره قرار گرفته است. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که به امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود: «خداوند از نسل این، کسی را به وجود خواهد آورد که هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد... او مردی است پیشانی بلند و کشیده بینی...».^(۳)

۳۴. خال بر گونه

شیخ صدوق رحمه الله نقل کرده است: «بر گونه راست آن حضرت خالی است...».^(۴) در منابع اهل سنت نیز بدان اشاره شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... بر گونه راست مهدی، خالی مشکی وجود دارد...».^(۵)

۳۵. ظهور در سن چهل سالگی

۳۵. ظهور در سن چهل سالگی^(۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... مهدی از فرزندان من است، در سن چهل سالگی بر انگیخته خواهد شد...».^(۷)

۱- جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ح ۵۶۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲- صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابی داود، ج ۴، ح ۲۴۸۵.

۳- نعمانی، الغیبه، ۲۱۴، ح ۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ۲۵۹ و محمدبن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۸.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ح ۴۴۵، ج ۲، ح ۱۹.

۵- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، باب ۸، ح ۵۱.

۶- البته تفاوت شیعه با اهل سنت در این است که شیعه ظهور حضرت مهدی را در سن پیری و هیئت چهل سالگی می داند،

ولی اهل سنت در سنّ چهل سالگی.

۷- جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ح ۵۶۵، ح ۵۶۵؛ نیز ر. ک: الحاوی للفتاوی، ص ۷۸، عقد الدرر، ص ۶۱.

قطب راوندی نیز نقل کرده است: «نشانه قائم ما هنگام خروج این است که از لحاظ سن، کهنسال؛ ولی از نظر چهره، جوان است. تماشاگر وی گمان می برد که او چهل ساله یا نزدیک به آن است...» (۱). در برخی از روایات نیز بدون اشاره به سن حضرت هنگام ظهور، تنها به جوان بودن ایشان اشاره شده است. (۲).

۴. هم نام بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

اهل سنت و شیعه اتفاق نظر دارند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. (۳) حتی در روایاتی تصریح به نام آن حضرت شده؛ چنان که ابن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «اسم المهدی محمد». (۴).

۵. زمینه های ظهور

اشاره

بعضی از تحولات اجتماعی پیش از ظهور، هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است:

۵.۱. ناامیدی کامل مردم

داود ابن کثیر الرقی می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: این موضوع (ظهور) برای ما طولانی شد تا بدان جا که سینه های ما تنگ شده است... حضرت علیه السلام فرمود: «هنگامی که ناامیدی از فرج ما بیش از همه چیز شد... منادی از آسمان به اسم قائم ندا خواهد داد...» (۵).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی! ظهور مهدی هنگامی خواهد بود که شهرها دگرگون شده، بندگان خدا ضعیف و از فرج و ظهور مهدی مأیوس گردند؛ در این هنگام مهدی قائم از فرزندان من ظاهر گردد». (۶).

۱- راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ۱۱۷۰؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ۳۱۵، ح ۲.

۲- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۸۴، ح ۵۳؛ الحاوی للفتاوی، ص ۸۸؛ عقد الدرر، ص ۶۵.

۳- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۴۵، ص ۵۵.

۴- جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۸۸.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۶، ح ۲۹.

۶- قندوزی، ینابیع الموده، ص ۵۲۸؛ و نیز ر. ک: البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۴۲، ح ۲۱؛ الحاوی للفتاوی، ص ۹۲.

۵۲. فراگیر شدن ستم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرموده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا...»؛^(۱) «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از اهل بیتم بر انگیخته شود و زمین را آکنده از عدل و قسط کند؛ آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

۶. نشانه های ظهور

اشاره

در منابع روایی شیعه از پاره ای از حوادث آینده با عنوان نشانه های ظهور یاد شده است. این نشانه ها به دو دسته حتمی و غیرحتمی تقسیم شده و بعضی از آنها در منابع اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است:

۶۱. ندای آسمانی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در ماه محرم بانگی از آسمان برآید، بدین مضمون که: برگزیده خداوند فلان (مهدی) است؛ پس سخنش را بشنوید و از او پیروی کنید».^(۲)

امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز فرمود: «هنگامی که بانگ برآورنده از آسمان، بانگی برآورد که حق در آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؛ در این هنگام مهدی ظهور خواهد کرد...».^(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: «النِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُمِ...»؛^(۴) «ندا [ی آسمانی] از نشانه های حتمی است».

۶۲. سفیانی

یکی دیگر از نشانه های ظهور مهدی موعود، قیام شخصی با عنوان سفیانی است. در احادیث شیعه

۱- ابی داود، سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲.

۲- نعیم بن حماد، الفتن، ص ۹۳؛ مقدسی شافعی، عقدالدرر فی اخبار المنتظر، ص ۷۹، ص ۸۳، ص ۹۹؛ ر. ک: فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۶؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۳.

۳- جعفر بن محمد ابن المنادی، الملاحم، ص ۱۹۶، ح ۱۴۳.

۴- نعمانی، الغیبه، ح ۱۱.

در روایات فراوانی بر حتمی بودن آن تاکید شده است. (۱) در برخی از احادیث اهل سنت نیز با صراحت از آن به عنوان یکی از نشانه های خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. (۲)

گفتنی است روایات شیعه در این باره، به حدی است که برخی برای آن ادعای تواتر کرده اند. (۳)

۶۳. خسف در بیداء

واژه «خسف»، به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است.

منظور از این نشانه این است که سفیانی با لشکری عظیم، به قصد جنگ با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عازم مکه می شود. آنان در بین مکه و مدینه و در محلی معروف به «بیداء»، به گونه ای معجزه آسا در زمین فرو می روند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمود: «... فَيَنْعَثُ إِلَيْهِ جَيْشٌ مِنَ الشَّامِ حَيْثُ إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسْفًا بِهِمْ...» (۴) «گروهی از شام به سوی او برانگیخته می شوند؛ چون به منطقه بیداء می رسند، به زمین فرو برده می شوند». (۵)

۶۴. قتل نفس زکیه

یکی از نشانه هایی که از آن به عنوان نشانه حتمی یاد شده و در برخی از منابع اهل سنت نیز بدان اشاره گشته است؛ کشته شدن انسانی پاک و بی گناه در آستانه قیام حضرت مهدی علیه السلام بین رکن و مقام است. (۶)

۱- ر. ک: نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۷، ح ۱۵ و ص ۲۶۴، ح ۲۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۵؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۵.

۲- الحاوی للفتاوی، ص ۸۰؛ عقد الدرر، ص ۷۶؛ و نیز ر. ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۳.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۶، ص ۵۶۸.

۴- صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۳۷۱.

۵- و نیز ر. ک: طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۷، ح ۳۱۵۱۳؛ البیان، ص ۴۴، ح ۲۳؛ عقد الدرر، ص ۸۰؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۱.

۶- ابن ابی شیبه، المصنف ج ۸، ص ۶۷۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۷؛ جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۷۸.

۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۷۱. اصلاح امر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب

از روایاتی استفاده می‌شود که امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در یک شب اصلاح و مهیّا می‌گردد. این مطلب نیز از اموری است که هم شیعه و هم اهل سنت بدان اشاره کرده‌اند. (۱)

۷۲. محل ظهور

درباره نقطه آغاز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیوستن یاران خاص به او، احادیث فراوانی ذکر شده است. وجه اشتراک این روایات، این است که ظهور آن حضرت از مکه (۲) و بر اساس روایات فراوانی از کنار کعبه آغاز خواهد شد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دسته‌هایی از عراق و بزرگانی از شام، به سوی مهدی می‌آیند و با او میان رکن و مقام بیعت می‌کنند...» (۳) و نیز فرمود: «... با مهدی بین رکن و مقام بیعت می‌شود.» (۴)

البته روایات فراوانی به بیعت آن حضرت با یارانش در میان رکن و مقام اشاره کرده است. (۵)

۷۳. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از موضوعاتی که در منابع شیعی و سنی مورد توجه قرار گرفته، بیعت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان در طلوع ظهور است. (۶) همچنین در باره محل بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایات مشترکی نقل شده است. (۷)

۷۴. نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از جمله موضوعات مشترک، بین شیعه و سنی، نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۳۱، ح ۱۱؛ الحاوی للفتاوی، ص ۶۹؛ عقد الدرر، ص ۲۱۰.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۳، ح ۴ و ۳۱۵، ح ۹؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۲، ص ۵۶.

۳- نعیم بن حماد، الفتن، بخش چهارم، ص ۲۴۲، ح ۹۵۰.

۴- مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۲، ص ۵۶.

۵- ر. ک: صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۳۷۱؛ ابن حبان، صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۱۵۹؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۲۳،

ص ۲۹۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۵.

- ٦- كنجى شافعى، البيان فى اخبار صاحب الزمان، ص ٣٥، ح ١٥؛ الحاوى للفتاوى، ص ٨٣؛ عقد الدرر، ص ٨٨؛ فرائد السمطين، ج ٢، ص ٣١٥، ح ٥٦٩.
- ٧- البيان، ص ٤٤، ح ٢٣، عقد الدرر، ص ٥٦.

هنگام ظهور است. (۱)

۷۵. نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از حوادث بسیار مهم در عصر ظهور بازگشت حضرت عیسی علیه السلام است. این رخداد در روایات بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يلتفت المهدى و قد نزل عيسى بن مريم كانما يقطر من شعره الماء، فيقول المهدى: تقدم، و صلِّ بالناس فيقول عيسى بن مريم: انما اقيمت الصَّلاه لك فيصلى عيسى خلف رجل من ولدى...»؛ (۲) «مهدی می بیند که عیسی فرود آمده و گویا آب از موهایش می چکد. پس به او می گوید: جلو برو و به نماز بایست؛ عیسی پاسخ می دهد: نماز برای تو، به پا شده و آن گاه پشت سر مهدی به نماز می ایستد...».

همچنین فرموده است: «... جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! خداوند متعال از بنی هاشم هفت چیز را برگزید... و از شما است قائمی که عیسی بن مریم پشت سر وی به نماز می ایستد...»؛ (۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: «... وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَصِلُ إِلَى خَلْفَتِهِ...»؛ (۴) «... و روح الله عیسی بن مریم فرود آمده، پشت سر او به نماز خواهد ایستاد...».

۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۸.۱. عدالت گستری

بر اساس روایات فراوانی عدل و قسط از مهم ترین اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این مهم علاوه بر روایات شیعه، در انبوه روایات اهل سنت نیز مورد اشاره قرار گرفته است. (۵)

۱- عقد الدرر، ص ۴۶، صص ۱۱۷، ص ۱۸۵؛ الحاوی للفتاوی، ص ۸۸؛ البیان، ص ۸۴، ح ۵۳.

۲- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۹۲؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۷۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۰.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۵- مصنف ابن ابی شیبہ، ح ۱۹۴۸۴؛ سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ح ۱۰۲۱۹ و ح ۱۰۲۲۰.

۸۲. رفاه و آسایش عمومی

از دیگر ویژگی های حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رفاه عمومی است. این ویژگی نیز در روایات شیعه و سنی ذکر شده است (۱). رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یکون فی امتی المهدی... تعیش امتی فی زمانه عیشاً لم تعشه قبل ذلک» (۲)؛ «مهدی در امت من خواهد بود... مردم در زمان او چنان زندگی خواهند کرد که هرگز قبل از آن نکرده بودند».

و نیز فرمود: «يُكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ ... يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ»؛ (۳) «مهدی در امت من خواهد بود ... مردم در آن دوره به چنان نعمتی دست یابند که در هیچ دوره ای چنین متنعم نشده باشند».

۸۳. رضایت همگانی از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تمامی مردم پس از ظهور و در دوران حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از حاکمیت آن حضرت رضایت کامل خواهند داشت. این مهم هم در روایات شیعه و هم در روایات اهل سنت ذکر شده است. (۴)

۸۴. امنیت همه جانبه و عمومی

از ویژگی های مهم جامعه عصر ظهور، امنیت فرا گیر و همگانی در کل کره زمین است. (۵) امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «به خدا سوگند! یاران مهدی [آن اندازه می جنگند، تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نورزند تا آنجا که پیرزنی سالخورده و ناتوان، از این سوی جهان به آن سوی جهان رهسپار می شود و کسی متعرض او نمی گردد». (۶)

۸۵. احساس بی نیازی در مردم

یکی از خصلت های مردم در عصر ظهور احساس بی نیازی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

۱- البیان، ص ۴۳، ح ۲۲؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۱، عقد الدرر، ص ۱۹۵.

۲- ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۷، ح ۱۹۴۸۴.

۳- ابن ماجه قزوینی، سنن، ح ۴۰۸۳؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۲۵۷.

۴- صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۰، البیان، ص ۴۲، ح ۲۱؛ الحاوی للفتاوی، ص ۶۹؛ عقد الدرر، ص ۷۳؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۵۶۱.

۵- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۰۷.

۶- طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۹.

«أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ ... وَ يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّه مُحَمَّدٍ غَنِي ...» (۱)؛ «شما را به مهدی بشارت می دهم... [به هنگام ظهور او] خداوند دل های امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را سرشار از بی نیازی می کند...» (۲).

۸۶. غلبه اسلام بر سایر ادیان

از دیگر موضوعات مشترک بین شیعه و اهل سنت، غلبه اسلام بر دیگر ادیان، در عصر ظهور است. (۳).

۸۷. جهانی بودن حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شمار زیادی از احادیث اسلامی بر فراگیری حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... بیایع له الناس بين الركن و المقام، یرد الله به الدین و یفتح له فتوحاً، فلا یبقی علی وجه الارض الا من یقول: لا اله الا الله»؛ (۴) «...مردم در میانه رکن و مقام [با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] بیعت می کنند؛ خداوند به واسطه او، دین را برمی گرداند و پیروزی هایی برای او به وجود می آورد تا بدان جا که هیچ کس بر زمین باقی نمی ماند، مگر آنکه «لا اله الا الله» را می گوید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودَى فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»؛ (۵) «هنگامی قائم قیام نماید هیچ زمینی نخواهد ماند، مگر آنکه در آن ندای شهادتین (اشهد أن لا إله إلا الله و أن محمدًا رسول الله) سر داده خواهد شد».

۱- احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۷؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، باب ۸، ص ۲۱۹.

۲- و نیز: ر. ک: البیان، ص ۶۱، ح ۳۸؛ الحاوی للفتاوی، ۷۶.

۳- عقد الدرر، ص ۹۵.

۴- مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب دوم، یک حدیث به آخر.

۵- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۸۱.

خود آزمایی

۱. برخی از موارد مشترک بین شیعه و سنی در باره نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نام برده به سه روایت اشاره فرمایید.
۲. حتمی بودن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به چه معنا است؟ روایت مشترک بین شیعه و سنی را شرح دهید.
۳. در روایات شیعه و اهل سنت کدام یک از نشانه های ظهور به صورت مشترک ذکر شده است؟ به سه مورد اشاره فرمایید.
۴. ویژگی های حکومت مهدی علیه السلام در روایات شیعه و سنی کدام است؟
۵. از جمله مشترکات شیعه و سنی نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدای ایشان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این باره توضیح دهید.
۶. پس از تحقیق به دو مورد دیگر از مشترکات بین شیعه و اهل سنت در موضوع مهدویت اشاره نمایید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. هاشم العمیدی، سید ثامر، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ ه. ش).
۲. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، (موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه. ش).
۳. مهدی فقیه ایمانی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، چاپ دوم، (مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ ه. ش).
۴. سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، چاپ دوم، (انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴ ه. ش).
۵. مهدی فقیه ایمانی، اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل سنت (نویسنده، قم، ۱۴۱۸ ه. ش).

درس ششم: انحراف در مهدویت، پیش از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

برخی از فرقه ها و افراد مدعی مهدویت:

۱. کیسانیه

۲. زیدیه

۳. باقریه

۴. نفس زکیه

۵. ناووسیه

۶. اسماعیلیه

۷. موسویه

۸. محمدیه

۹. عسکریه

«مهدویت» و آموزه‌های آن، سابقه‌ای بس طولانی در اسلام دارد و نقش تأثیرگذار آن بر کسی پوشیده نیست و از طرفی مسلمانان به خصوص شیعیان به این امر بنیادین، اعتقاد راسخ دارند و آن را یکی از باورهای اصولی و اصیل خویش بر می‌شمرند. روشن است، هر چه باوری، واقعی و اصیل بوده و در قلوب توده‌های مردم رسوخ کرده و برای آنان با اهمیت باشد؛ چشم طمع افراد سودانگار و منحرف، بیشتر متوجه آن شده، در صدد سوء استفاده بر خواهند آمد. مهدویت به جهت ویژگی‌های اصیل و پرجاذبه آن برای مسلمانان، بیشتر در معرض بهره‌جویی و استفاده افراد منحرف قرار گرفته است. پیشینه طولانی فرقه‌های منحرف که به قرن نخست باز می‌گردد دلیلی بر این مدعا است؛ زیرا تا باوری اصیل و واقعی وجود نداشته باشد، باورهای دروغین و غیر واقعی بی‌معنا و لغو خواهد بود.

پس گروه‌های منحرف و کثرت آنها دو چیز را در مورد مهدویت آشکار می‌کند :

۱. وجود اصل مهدویت به عنوان یکی از باورهای اصیل مسلمانان؛

۲. مهم بودن اعتقاد به مهدویت در اذهان و قلوب آنان.

مدعیان مهدویت

اشاره

«مهدویت» برای جامعه اسلامی، یک مسأله قرآنی و روایی شناخته شده و قطعی است. به جهت استواری این واقعیت عقیدتی دینی، در تاریخ اسلام با شخصیت‌هایی روبه‌رو می‌شویم که بر اثر انگیزه‌های جاه‌طلبانه، وسوسه قدرت، شهرت و دنیا طلبی و ... به دروغ ادعای مهدویت نموده و

خویش را همان مهدی نجات بخش که قرآن و روایات نوید آمدن او را داده است معرفی کرده اند و یا طرفداران افراطی آنان، برای پیشرفت دنیوی و سیاست خویش، آنان را به عنوان مهدی نجات بخش مطرح ساخته‌اند!!

این افراد به چهار دسته قابل تقسیم اند:

۱. گروهی که از نظر نسب، هویت، هدف و مذهب ناشناخته اند.

۲. جمعی که با کارهای جنون آمیز خویش، خود را از نظرها ساقط کردند.

۳. برخی نام و نشان و دعوت و پیروانشان از صفحه روزگار، به گونه ای محو شده که نشانی از آنها نیست.

۴. عده ای نیز اگر چه مرده اند؛ اما نام و یادی از آنان هست.

در اینجا تنها به برخی از مهم ترین فرقه های و افراد منحرف در موضوع مهدویت قبل از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره خواهد شد:

۱. کیسانیه

۱. کیسانیه (۱)

یکی از فرقه ها و شاید اولین فرقه ای که در مهدویت دچار انحراف شد «کیسانیه» است. درباره علت نام گذاری این فرقه به کیسانیه، اختلاف نظر هست؛ برخی نوشته اند: اینان پیروان کیسان آزاد شده امیرمؤمنان علیه السلام بودند. کیسان شاگرد محمد بن حنفیه بود؛ ولی از امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز علوم مختلف از جمله علم تأویل و باطن و علم آفاق و انفس آموخت. سپس به امامت محمد قائل شد و برای او مراتب و درجاتی دانست که خارج از حد وی بود. (۲)

برخی نوشته اند: کیسانیه پیروان مختار بن ابی عیبه ثقفی بودند؛ زیرا او ملقب به کیسان بود، از این رو کیسانیه خوانده شدند.

شماری هم نوشته اند: فرمانده پلیس (شرطه) مختار، کیسان نام داشت و کنیه اش ابو عمران بود. او

۱- لازم به یادآوری است که برخی از محققان معاصر، اساساً کیسانیه را انگاره ای عاری از حقیقت دانسته و آن را بسان قصه های هزار و یک شب بافته خیالات و اوهام و ساخته جاعلان سیاست بازی، ذکر کرده اند، که بدون سند و مدرک معتبر از کتابی به کتاب دیگر راه یافته است؟! ایشان بر این باورند که بیشترین مسؤلیت متوجه تاریخ نگارانی است که بی تعهدی نشان داده و در مسیر اغراض سیاسی و حکومتی، جاده صاف کن جاه طلبان و تشنگان ریاست گشته اند. ر. ک: مجله تخصصی کلام، شماره ۱۹-۲۴، مقاله کیسانیه افسانه یا حقیقت؟ اثر سید ابراهیم سید علوی.

۲- شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷.

در اعمال خود بسیار افراط می کرد و محمد را وصی حضرت علی علیه السلام می دانست و مختار را نایب او معرفی می کرد! (۱)

در هر حال این گروه قائل به امامت محمد بن حنفیه بودند. مختار، نخست برای پیشرفت کار خود دعوت به علی بن الحسین علیه السلام و سپس دعوت به محمد حنفیه می کرد. البته کار او مبتنی بر اعتقاد وی به اهل بیت علیهم السلام نبود؛ بلکه می خواست از آن بهره برداری سیاسی کند و چون کارش بالا گرفت، خود دعوی دریافت وحی از خداوند کرد و عباراتی مسجع و با قافیه، به تقلید از قرآن به زبان راند. محمد حنفیه از وی بیزاری جست و وقتی مختار وی را به کوفه دعوت کرد، او نپذیرفت.

کیسانیه پنداشته‌اند: محمد حنفیه پس از کشته شدن برادرش حسین بن علی علیهما السلام، مختار را بر عراقین فرمانروایی داد و از او خواست از قاتلان آن حضرت، خونخواهی کند. کیسانیه شش سال بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، قیام کرده، قائل به امامت محمد حنفیه شدند. آنان معتقد بودند: وی اسرار دین و علم تأویل و علوم باطنی را از دو برادرش حسن و حسین علیهما السلام فرا گرفته است. برخی از کیسانیه ارکان شریعت (مانند نماز و روزه) را تأویل کرده و قائل به تناسخ و حلول بودند. (۲)

عقاید مشترک کیسانیه:

تمام فرق کیسانیه، دارای بعضی عقاید مشترک هستند؛ از جمله:

الف. اعتقاد به امامت محمد بن حنفیه فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام؛

ب. عقیده به مسأله بدا؛

ج. اعتقاد به تناسخ و حلول؛

د. اعتقاد به رجعت (با بیان خاص به خود)؛

ه. اعتقاد به نوعی غلو در حق ائمه و پیشوایان خویش.

غیر از اینها هر یک از این فرقه‌ها، دارای اعتقادی خاص نیز هستند که در کتاب‌های مربوط، ذیل هر فرقه به آن اشاره شده است. کیسانیه پس از درگذشت محمد بن حنفیه، به دو شعبه تقسیم شدند: دسته ای مرگ محمد را انکار کرده، گفتند: وی نمرده و نمی میرد و زنده است؛ امّا غایب شده و در «کوه رضوی» پنهان است تا روزی که به او امر شود و ظهور کند. این دسته وی را همان امام منتظر

۱- نوبختی، فرق الشیعہ، ص ۲۳ و ۲۴.

۲- محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۷۳.

می دانند؛ از این رو هیچ کس را پس از وی امام نمی دانند!

گروه دیگر مرگ محمّد را باور کرده، پس از وی ابوهاشم عبدالله بن محمّد را به امامت برگزیدند و به حلول روح محمّد در ابوهاشم اعتقاد یافتند. شماری از کیسانیه نیز پس از مرگ محمّد بن حنفیه، به امامت راستین اعتقاد یافته، مستبصر شدند. (۱)

از جمله اینان می توان سید اسماعیل حمیری را نام برد که نخست کیسانی مذهب بود، تا آنکه به دیدار امام صادق علیه السلام نایل آمد و نشانه های امامت و وصایت را در او دید و از ایشان از امر غیبت پرسش کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: آن حق است ولیکن غیبت در دوازدهمین امام واقع می شود. آن گاه سید را از مرگ محمد بن حنفیه آگاه فرمود و اینکه پدرش امام باقر علیه السلام شاهد به خاک سپردن او بوده است. حق بر سید روشن شد و از آن عقیده برگشت و استغفار کرد. پس به حق گرایید و به مذهب امامی در آمد. (۲)

در مجموع درباره فرقه کیسانیه گفته شده است:

یکم. محمّد بن حنفیه اصلاً ادعای مهدویّت نداشته است.

دوم. مختار ثقفی هم مدعی مهدویّت محمّد بن حنفیه نبود. این اتهامی است که عباسیان و برخی از دشمنان، با انگیزه های مختلف، به آن دامن زده اند.

سوم. این فرقه منقرض شده است و کسی در عصر حاضر، اعتقاد به امامت محمّد بن حنفیه ندارد. (۳)

«کیسانیه» بعد از محمد حنفیه دوازده فرقه شدند که نام ایشان، در کتاب های ملل و نحل ذکر شده است.

۲. زبیده

از فرقه های معروف شیعه و پیرو زید بن علی بن حسین بن علی علیهما السلام هستند. این گروه به روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تمسک کرده اند که فرمود: «مهدی از فرزندان حسین علیه السلام است و او با شمشیر به پا می خیزد و

۱- ر. ک: مقالات الاسلامیین، ص ۲۳.

۲- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

۳- ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، فصل ۱، الدلیل علی فساد قول کیسانیه.

مادرش بهترین کنیزان خواهد بود». پس زمانی که زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب قیام خود را علیه امویان آغاز کرد؛ گفتند: چون او از نسل حسین علیه السلام است و قیام به سیف علیه ظالمان کرده و از سویی فرزند اسیر است، پس او مهدی موعود می باشد! (۱)

زید بن علی خود از بزرگان بود و خلفای اموی را بر حق نمی دانست. او علیه آنان قیام کرد و به طرف کوفه رفت و به همراهی چهار هزار نفر، با حاکم عراق (یوسف بن عمر)، به جنگ برخاست. کار زید در کوفه ده ماه طول کشید تا اینکه در سال ۱۲۲ هـ به دستور هشام بن عبدالملک اموی، به دار آویخته شد. سرش را به دمشق نزد هشام و از آنجا به مدینه بردند. امام باقر علیه السلام درباره زید می فرمود: «خدایا! پشت مرا به زید محکم فرما». آن حضرت با مشاهده زید، آیه (یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله...) (۲) را تلاوت می کرد و می فرمود: «ای زید! تو نمونه عمل به این آیه هستی». (۳)

پیروان زید اطراف یحیی و فرزندش را گرفتند. یحیی در خراسان قیام کرد (۱۲۵ هـ) و در جوزجان کشته شد. پیروان او به فرقه های مختلف (رافضیه، جارودیه، عجلیه، بتریه، صالحیه و زیدیه)، تقسیم و قائل به مهدویت زید و منتظر ظهور او شدند. (۴) زید از حیث علم، زهد، ورع، شجاعت و دیانت، از بزرگان اهل بیت علیهم السلام به شمار می رود. اینکه خود زید ادعای امامت یا مهدویت داشته باشد، در منابع یافت نشده است؛ بلکه روایتی از خود او، مؤید عقیده صحیحش در امر مهدویت است. ایشان می فرماید: پدرم علی بن حسین علیهما السلام از پدرش حسین بن علی علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «ای حسین! تو امامی و نه تن از فرزندان تو امینان و امامان معصومانند و نهمین آنان، مهدی ایشان است». (۵)

۳. باقریه

«باقریه» به گروهی از شیعیان گفته می شود که معتقد به رجعت امام محمد باقر علیه السلام بودند. آنان

۱- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۵۶۸.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۳۵.

۳- علامه امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۷۰.

۴- شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۴.

۵- علی بن محمد خزاز رازی قمی، کفایه الاثر فی النصوص علی الائمة الاثنی عشر، ص ۳۲۷.

رشته «امامت» را از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام به نواده او امام باقر علیه السلام کشانیده و او را «مهدی منتظر» می دانستند.

به نظر آنان جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرموده است: «انک سَتُدْرِکُ رَجُلًا مِنْ اَهْلِ بَيْتِي اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ يُكْنَى اَبَا جَعْفَرٍ فَاَقْرَبُهُ مِنْي السَّلَامُ»؛^(۱) «همانا تو مردی از اهل بیت مرا که نام او محمد بن علی و کنیه اش اباجعفر است خواهی دید و چون او را دیدی سلام مرا به وی برسان».

جابر آخرین کس، از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که در سن پیری و نایبایی در گذشت. وی به دنبال امام محمدباقر علیه السلام که در آن وقت کودک بود در کوچه های مدینه می گشت و می گفت: «یا باقر! متی القاک؟» یعنی، ای باقر! من کی تو را دیدار خواهم کرد؟

روزی در یکی از کوچه های مدینه، به آن حضرت برخورد و او را به سینه خود چسبانید. سر و دستش را بوسید و گفت: «يَا بَنِي! حَيْدُكَ رَسُولُ اللَّهِ يَفْرَتُكَ السَّلَامُ»؛^(۲) یعنی، ای فرزند من! جدت رسول خدا به تو سلام می رساند. گویند: جابر در همان شب پس از دیدار آن حضرت، در گذشت.

«باقریه» گویند: از آنجایی که جابر مأمور رسانیدن سلام از طرف جدش به وی بود، پس آن حضرت «مهدی منتظر» است!^(۳) البته این استدلالی بسیار سست و واهی است.

بر خلاف این توهم، روایات فراوانی حتی از خود امام باقر علیه السلام این ادعا را باطل می داند. ابوبصیر نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود: «بعد از حسین علیه السلام نه امام می آیند، نه همین از آنان قائم ایشان است».^(۴)

در روایت دیگر، ابراهیم بن عمر کناسی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «همانا برای صاحب این امر دو غیبت خواهد بود؛ قائم، قیام می کند، در حالی که بیعت کسی

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲- ر.ک: بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۸۵.

۳- فرهنگ فرق اسلامی، ص ۹۶.

۴- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۰.

بر گردنش نیست» (۱).

۴. نفس زکیه

او محمّد بن عبدالله، معروف به نفس زکیه، است. مادرش هند، دختر ابو عبیده بن عبدالله (۲) بود. برخی از خاندان او و فرقه جارودیه، وی را مهدی موعود (۳) دانسته اند. او در سال ۱۴۵هـ (۴) ادعای مهدویت نمود و به وسیله منصور دوانیقی کشته شد! جالب اینکه پدر او نیز با پسرش به عنوان مهدی بیعت کرده است (۵).

نفس زکیه اولین کسی از علویان است که در روزگار عباسیان، قیام کرد و معاصر امام صادق (۶) علیه السلام بود. وی از بیعت با منصور خودداری کرد.

نام گذاری به نفس زکیه

علما و دانشمندان آل ابی طالب او را نفس زکیه و مقتول «أحجار الزّیت» می دانند. محدث قمی در تمه المنتهی می گوید: «محمّد را از جهت کثرت زهد و عبادت، نفس زکیه لقب دادند».

محمّد در میان خاندان خویش، از همه برتر و نسبت به علم و دانش کتاب خدا، از همگان داناتر بود. شجاعت، بخشش، صلابت و سایر مزایای او از همگان بیشتر بود؛ از این رو پیروانش شک نداشتند که او همان مهدی موعود است.

امام صادق علیه السلام خطاب به عبدالله بن حسن فرمود: «گمان می بری که پسر همان مهدی است؟! چنین نیست و وقت آن نرسیده است». عبدالله به خشم آمد و گفت: من خلاف آنچه تو می گویی، می دانم. والله! خداوند تو را بر غیب خویش آگاه نکرده است. حسد بر پسر من، تو را به این بیان واداشت. حضرت فرمود: «به خدا سوگند! حسد مرا وادار نکرد؛ ولی این مرد و برادران و فرزندانشان، برابر شما هستند (آنها به خلافت می رسند، نه شما)». پس دست بر شانه عبدالله بن حسن زد و فرمود:

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۳.

۲- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۲۲۱.

۳- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۲۲۲.

۴- ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، ص ۳۸۵.

۵- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۵۷۰.

۶- حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۱۲۶.

«این خلافت به شما نخواهد رسید و به زودی هر دو پسر کشته می شوند».

۵. ناوسیه

«ناوسیه» برگرفته از اسم شخصی با نام «ناوس» از اهالی بصره است (۱). برخی گفتند: او عبدالله ابن ناوس یا عجلان بن ناوس نام داشت. وی می گفت: حضرت علی علیه السلام برترین فرد امت اسلام بود و هر که او را تفضیل ندهد، کافر است. آنان امامت را در حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام متوقف می دانند و معروف به «صارمیه» هستند.

ناوسیه می گفتند: جعفر بن محمد علیهما السلام زنده است و نمی میرد. او مهدی آخرالزمان است. آشکار می شود و بر مردمان فرمانروایی می کند. آنان می پنداشتند: از وی روایت شده است: «اگر کسی بر شما فراز آید و بگوید که مرا بیمار یافته و مرده مرا شسته است؛ باور نکنید و بدانید که من سرور شما و دارنده شمشیر هستم». به جهت کلمه «شمشیر» این طایفه را «صارمیه» نیز خوانده اند. (۲)

این ادعا نسبت به امام صادق علیه السلام درست نیست؛ چرا که آن حضرت به شهادت رسیده و این امر در تاریخ ثبت شده است. (۳) اگر شک در شهادت حضرت بکنیم؛ باید شک در شهادت پدران و اجداد بزرگوارش هم بکنیم؛ و آن وقت است که باید مانند غالیان و مَفْوضه، منکر شهادت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام شویم!

امام صادق علیه السلام خود می فرماید: «هنگامی که سه اسم محمد، علی و حسن علیهم السلام، به طور متوالی در امامان علیهم السلام جمع شد، چهارمین آنان قائم است».

مفضل بن عمر گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای آقای من! کاش جانشین خودت را به ما معرفی می کردی. فرمود: «ای مفضل! امام بعد از من فرزندانم موسی است و امام خلف و موعود منتظر (محمد)، فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است». (۴)

این گروه پس از چندی از بین رفتند و الآن وجود خارجی ندارند. (۵)

۱- شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲- ر. ک: الفرق بین الفرق، ص ۳۳؛ فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۳۶.

۳- ر. ک: شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴.

۵- ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، فصل ۱، الدلیل علی فساد قول الناوسیه.

۶. اسماعیلیه

«اسماعیلیه» به امامت شش امام اول شیعیان اثنی عشری معتقد بودند؛ اما پس از امام صادق علیه السلام بزرگ‌ترین فرزند او اسماعیل، یا فرزند او محمد را به امامت پذیرفتند. اسماعیل بزرگ‌ترین فرزند امام صادق علیه السلام و مورد علاقه آن حضرت بود.

اگر چه از بعضی روایات، خلاف این به دست می‌آید؛ ولی دانشمندان شیعه او را بزرگ داشته و از وی به نیکی یاد کرده‌اند. به نظر شیخ طوسی رحمه الله او جزو رجال امام صادق علیه السلام و اصحاب ایشان است. با توجه به علاقه امام صادق علیه السلام به اسماعیل، او مردی جلیل‌القدر بوده است.

ریشه پیدایش اسماعیلیه، شاید در این نکته نهفته باشد که اسماعیل فرزند ارشد امام صادق علیه السلام، مورد احترام آن حضرت بود؛ به همین دلیل برخی می‌پنداشتند پس از امام صادق علیه السلام او به امامت خواهد رسید. اما اسماعیل در زمان حیات امام ششم، از دنیا رفت و آن حضرت شیعیان را بر مرگ پسر گواه گرفت و جنازه او را به صورت آشکار تشییع و دفن کرد.

پس از شهادت امام صادق علیه السلام گروهی از اسماعیلیه، مرگ اسماعیل را در زمان آن حضرت انکار کرده و او را امام قائم دانستند که روزی رجعت خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر خواهد ساخت. اینان مراسم تشییع جنازه اسماعیل از طرف پدر را برای حفظ جان او تفسیر کردند. نوبختی این گروه را «اسماعیلیه خالصه» می‌نامد. (۱)

شیخ مفید قدس سرّه درباره او می‌گوید: اسماعیل بزرگ‌ترین پسر امام صادق علیه السلام بود و امام او را بسیار دوست داشت و نسبت به او بیش از دیگران نیکی و محبت می‌کرد؛ ولی اسماعیل در زمان حیات پدر در «عُریض» (دره ای در نزدیکی مدینه) از دنیا رفت. مردم جنازه اش را به مدینه نزد امام صادق علیه السلام آوردند و در قبرستان بقیع دفن کردند. روایت شده است: حضرت در مرگ او بسیار بی‌تابی می‌کرد؛ به گونه ای که با پای برهنه و بی ردا، به دنبال تابوت او می‌رفت. همچنین دستور فرمود: تابوت او را پیش از دفن، چندین بار به زمین نهادند و هر بار حضرت می‌آمد و پارچه از روی صورتش بر می‌داشت و در روی او نگاه می‌کرد. مقصود امام علیه السلام از این کار این بود که مرگ او را پیش چشم آنان که گمان امامت و جانشینی او را داشتند - قطعی کند و شبهه آنان را درباره زنده بودنش، برطرف سازد و به آنها

بفهماند که اسماعیل از دنیا رفته است.

افرادی از اصحاب که او را پس از حضرت صادق علیه السلام امام می پنداشتند، از این عقیده بازگشتند؛ گروهی اندک از مردمان بی خبر که نه در زمره نزدیکان امام بودند و نه از روایان حدیث آن بزرگوار گفتند: اسماعیل زنده و امام پس از پدرش است و بر این عقیده باقی ماندند! (۱) گروهی از شاخه اسماعیلیه (فرقه مبارکیه) هم محمد بن اسماعیل را مهدی و امام زنده غایب می دانند. (۲)

قرامطه (از گروه اسماعیلیه)، محمد بن اسماعیل را مهدی موعود می دانستند و عقیده داشتند که وی زنده است و در بلاد روم زندگی می کند. آنان در طول تاریخ بدنامی های بسیاری را برای شیعه به ارمغان آورده اند و هنوز هم رسوبات آن، در ذهن بسیاری از مخالفان شیعه مانده است؛ به گونه ای که عقاید قرامطیان را به شیعه نسبت می دهند!!

آنان در بحرین قدرت یافته و تشکیل دولت دادند و به شدت با عباسیان مخالفت کردند. قرامطه، قائم را کسی می دانند که با رسالت و شریعت جدیدی مبعوث می شود و شریعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را منسوخ می کند! البته این فرقه سیاسی بودند، نه مذهبی و به دنبال اهداف خاص و منافع خود بودند.

طرفداران ابوالخطاب (متوفی ۱۳۸ هـ) قائل به الوهیت امام صادق علیه السلام بودند و ابوالخطاب را فرستاده امام صادق علیه السلام می دانستند! حتی برخی از آنان ابوالخطاب را قائم دانسته، گفتند: وی نمرده است! گروهی از پیروان وی، پس از مرگ اسماعیل، فرزندش محمد را امام دانستند و در هواداری او و فرزندانش، استوار ماندند.

تمام این گروه‌ها از طرف امام صادق علیه السلام مورد طرد و انکار قرار گرفتند. حتی روشن نیست خود محمد بن اسماعیل، ادعای امامت و مهدویت داشته باشد.

از آنجایی که طرح مسأله مهدویت، نوید برپایی حکومت عدل و داد و جایگزینی آن با حاکمیت فاسد و ستمگر عباسیان و حکومت های خشن و بیدادگر تابع آنان بود؛ قشرهای محروم در شهرها و روستاها را متوجه داعیان اسماعیلی می ساخت. آنان مردم را به سوی امامان مستور، که در نهان می زیستند، فرا می خواندند.

۱- شیخ مفید، الارشاد، ص ۵۵۳-۵۵۴.

۲- محدث نوری، نجم الثاقب، ص ۲۱۵.

۷. موسویه یا موسائیه

یکی از فرقه های منحرف در باب مهدویت، «موسویه» یا «موسائیه» هستند. آنان طرفدار امامت موسی بن جعفر علیهما السلام و منتظر رجعت او بودند. این گروه را واقفه نیز می گویند. (۱)

از دیدگاه این گروه: امام موسی بن جعفر علیهما السلام نمرده و زنده است تا اینکه شرق و غرب عالم از آن او گردد و جهان را پر از عدل و داد کند و او مهدی قائم است. آنان می گفتند: هارون الرشید و یاران او، به دروغ بر مردم وانمود کردند که آن حضرت مرده است! حال آنکه وی زنده و روی از مردم نهفته است. روایتی از پدرش حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام درباره «مهدویت» او آورده اند که: «هُوَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ فَإِنْ يَدْهِيهِ رَأْسُهُ عَلَيْكُمْ مِنْ جَبَلٍ فَلَا تُصَدِّقُوا فَإِنَّهُ الْقَائِمُ»؛ (۲) «او مهدی قائم است و اگر ببینید سر او غلتان غلتان از کوهی فرود می آید، باور نکنید و بدانید که او زنده و مهدی قائم آل محمد است».

گروهی گفتند: او امام قائم است و از دنیا رفته است. هیچ امامی جز وی نباشد؛ او پس از مرگ بازگشته و رجعت می کند و در جایی پنهان می شود. یاران او با وی دیدار می کنند و او به ایشان امر و نهی می کند و در این باره روایتی از پدرش آورده اند که گفت: «سُمِّي الْقَائِمُ قَائِمًا لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَا يَمُوتُ»؛ (۳) «بدان جهت قائم را قائم خوانند که پس از مرگ بر می خیزد».

عده ای گفتند: او مرده است؛ ولی دیگر باره بر می خیزد و رجعت می کند. او همانند عیسی بن مریم است؛ جز اینکه عیسی باز نگشت. او به هنگام خود باز می گردد و با قیام خود، گیتی را پر از داد می کند؛ زیرا پدرش درباره وی فرمود: او مانند عیسی بن مریم است و به دست بنی عباس کشته می شود و چنان که گفته بود، به دست ایشان کشته شد!!

گروهی دیگر گفتند: وی کشته نشده و خداوند او را به نزد خود به آسمان برده است و در هنگام قیامش، دیگر بار او را باز می گرداند.

گروهی دیگر که «بشیریه» و پیروان محمد بن بشیر کوفی بودند گفتند: موسی بن جعفر نمرده و هرگز به زندان نرفته است و او مهدی قائم است.

۱- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، الکلام علی الواقفه.

۲- ر. ک: الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳- ر. ک: کتاب الغیبه، ص ۸۳ و ص ۲۱۸ و ص ۴۷۱.

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب الغیبه در ضمن بیان ده ها روایت از این دست، به همه آنها پاسخ داده است. (۱)

۸. محمدیه

آنان طرفداران امامت محمد بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام بودند. وی از سادات جلیل القدر علوی بود که در زمان حیات پدرش، در گذشت و قبرش (امام زاده سید محمد) امروز در نزدیکی «بلد» در دو فرسنگی سامرا و زیارتگاه است. گویند: محمد را نه پسر بود که چهار تن ایشان به خوی و سلماس در آذربایجان مسافرت کرده و کشته شدند و پنج تن دیگر به لار رفته و در آنجا به قتل رسیدند. طرفداران امامت او گفتند: وی نمرده و زنده است؛ زیرا پدرش او را به امامت نامزد کرد و یارانش را به امامت وی پس از خود آگاه ساخت. از آنجایی که نسبت دروغ بر امام جایز نیست و نیز نمی توان گفت که بدا رخ داده، پس او جانشین پدر است. البته در دیده و چشم مردمان نمودار گشت که او در گذشت؛ ولی او نمرده است و پدرش علی بن محمد از ترس مردم او را غایب ساخت و او مهدی قائم است. (۲)

۹. عسکریه

فرقه‌ای از شیعیان امامیه بودند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را مهدی موعود پنداشته، به غیبت او قائل شدند. شیخ صدوق رحمه الله از اینها با عنوان واقفیه یاد کرده، می نویسد: واقفیه ادعا کردند که امام حسن عسکری علیه السلام غیبت اختیار کرده است؛ ایشان نیز امر غیبت را صحیح می دانستند. اما در وقوع آن در حضرت عسکری علیه السلام اشتباه نموده، گمان کردند: قائم مهدی، امام یازدهم است! اما چون وفات آن حضرت ثابت شده، گفتار ایشان در این باب باطل است. (۳)

سه گروه مدعی مهدویت

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت، کسانی که در تاریخ بدین عنوان شهرت یافته اند، به اعتباری بر سه گروه قابل تقسیم اند:

۱. کسانی که دیگران روی انگیزه های خاصی، آنان را «مهدی» نجات بخش خواندند.

۱- ر. ک: کتاب الغیبه، ص ۸۳ و ص ۲۱۸ و ص ۴۷۱.

۲- کتاب الغیبه، ص ۳۹۴.

۳- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

۲. کسانی که به انگیزه جاه طلبی و قدرت خواهی، چنین ادعای دروغینی داشتند.

۳. کسانی که طبق نقشه استعمار و به اشاره بیدادگران، به چنین فریبی دست یازیدند و خود را مهدی نجات بخش، معرفی کردند.

گروه اول: این واقعیت از تاریخ به دست می آید که برخی از کسانی که ادعای مهدویت به آنها نسبت داده شده، نه از سوی خود آنان سرچشمه گرفته است و نه خود بدان راضی بوده اند؛ بلکه یاران و پیروانشان چنین ادعایی را به آنها نسبت داده و این اندیشه را گسترش دادند! البته می بایست خود آنان، چنین ادعاهای دروغین و نسبت های نادرست را به شدت نفی می کردند؛ اما روشن نیست چرا خود آنان در برابر این عنوان ساختگی، فریاد اعتراض بلند نکردند و پیروانشان کوشیدند تا برخی علایم و نشانه های حضرت مهدی را به این چهره ها تطبیق و تفسیر نمایند!!

برای نمونه از این گروه می توان بدین چهره ها اشاره کرد: ۱. محمد حنفیه، ۲. زید فرزند امام سجاد علیه السلام، ۳. محمد بن عبدالله محض.

گروه دوم: اینان کسانی بودند که به انگیزه های فریبکارانه و جاه طلبانه، ادعای مهدویت نمودند و برای جلب عواطف و به دست آوردن قدرت، به دروغ، خود را مهدی نجات بخش معرفی کردند!

از جمله این گروه، «مهدی عباسی» است. پدرش منصور دوانیقی ادعا کرد: پسرش «مهدی عباسی»، همان مهدی موعود است! این در حالی است که خود او پیش از این ادعا، به محمد بن عبدالله محض به عنوان مهدی نجات بخش است دست بیعت داده بود و او را مهدی نجات بخش می دانست!

گروه سوم: اینان عناصری بودند که بر اساس نقشه و خواست استعمارگران، ادعای مهدویت نمودند! استعمار پلید برای درهم کوبیدن اسلام و ایجاد اختلاف و کینه توزی در جامعه اسلامی، نقشه های خائنانانه بسیاری کشید تا به هدف خویش برسد و جهان اسلام را ببلعد! از جمله نقشه های شیطانی آن در این میدان، ساختن مرام ها و مسلک های رنگارنگ در میان مسلمانان و بازی با مفاهیم و اعتقادات دینی آنان بود تا بدین وسیله، بی ایمانی و سست باوری و تزلزل دل ها را در جامعه اسلامی، پدید آورد! از چیزهایی که از آن در این میدان سوء استفاده کرد، اندیشه و عقیده به مهدی موعود بود. در این راه برخی عناصر را به دلخواه خویش تربیت کرد و به آنان دستور داد تا ادعای مهدویت کنند و با همه امکانات آنان را در این راه یاری رسانند!!(۱)

خود آزمایی

۱. به وجود آمدن گروه های منحرف دو اصل را ثابت می کند؛ آن دو را توضیح دهید.
۲. در باره انحراف کیسانیه در موضوع مهدویت توضیح دهید.
۳. انحراف ناوسیه را در موضوع مهدویت بیان نمایید.
۴. دیدگاه اسماعیلیه را در باره امامت شرح داده، انحراف آنان در موضوع مهدویت را توضیح دهید.
۵. مدعیان مهدویت به اعتباری به سه دسته تقسیم می شوند؛ در این رابطه توضیح دهید.
۶. به دو گروه دیگر غیر از آنچه در درس ذکر شد از مدعیان مهدویت اشاره کرده، توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، (بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه. ش).
۲. ، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، چ ششم، (انتشارات اشراقی).
۳. شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ جلد، (دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ه. ش).
۴. شیخ طوسی رحمه الله ، کتاب الغیبه، (موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه. ش).
۵. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام ، (مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۷۲ ه. ش).

درس هفتم: شناخت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

راه های شناخت امام علیه السلام

آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

محبت به امام عجل الله تعالى فرجه الشريف

نجات از مرگ جاهلیت

مهدی شخصی و مهدی نوعی

در درس پیش روشن شد: عده ای به دلایلی، در موضوع مهدویت دچار انحرافات جدی شدند. بر این اساس یکی از وظایف مهم در برابر این نوع کژروی ها، شناخت واقعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوعات مربوط به ایشان است. از این رو این درس به موضوع شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص دارد. در پایان نیز به مناسبت در باره «مهدی شخصی» و «مهدی نوعی» بحثی کوتاه ارائه خواهد شد.

از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

هدف از آفرینش، بندگی خداوند متعال است (۱) و اساس و پایه بندگی، شناخت او است. (۲) عالی ترین تبلور این معرفت، شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای او است. بی گمان یکی از وظایف مهم بندگان در مقابل پروردگار، شناخت آن وجود مقدس است. این معرفت زمانی به کمال می رسد که پیامبران خداوند به ویژه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم را به خوبی شناخته باشند. این مهم نیز حاصل نمی گردد؛ مگر با شناخت اوصیای او به خصوص آخرین حجّت الهی.

امام حسین بن علی علیهما السلام به اصحاب خود فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ حَيَّلَ ذِكْرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ»؛ «ای مردم! همانا خداوند متعال بندگان را نیافرید، مگر برای آنکه او را بشناسند. پس در آن هنگام که او را شناختند، بندگی او را خواهند کرد. و آن هنگام که او را بندگی کردند، با عبادت او از عبادت غیر او بی نیاز می گردند». شخصی

۱- آیه: (و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون)؛ ذاریات (۱۵)، آیه ۵۶.

۲- «اول عبادة الله معرفته». شیخ صدوق، توحید، ص ۳۴؛ شیخ طوسی، امالی، ص ۲۲.

پرسید: «ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت، معنای شناخت خدا چیست؟» سالار شهیدان علیه السلام در پاسخ فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامِهِمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»؛ (۱) «معرفت خدا عبارت است از اینکه اهل هر زمان امامی را که اطاعتش بر آنان واجب است، بشناسد».

بنابراین به روشنی معلوم می شود که شناخت امام، از معرفت خداوند جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است. در دعایی صادر شده از ناحیه مقدسه آمده است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛ (۲) «خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی شناسم. خدایا! رسول خود را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجت تو را نمی شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می شوم».

امامت نقش اساسی در حفظ نظام و کمال بشر و حرکت او به سوی خدا و اجرای احکام الهی دارد و اطاعت امر امام، از نظر شرع و عقل واجب است. از این رو در وجوب شناخت امام بر حسب حکم عقل و شرع جای هیچ گونه تردید و شبهه ای نیست؛ زیرا هم مقدمه اطاعت است و بدون وجوب آن، اطاعت و نصب امام بیهوده خواهد بود، و هم بر حسب آنچه در روایات استفاده می شود، بالخصوص واجب است. (۳)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود: «... وَ إِنَّمَا الْإِئِمَّةُ قُورَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ»؛ (۴) «پیشوایان، مدیران الهی بر مردمند و رؤسای بندگان او هستند. هیچ کس مگر شخصی که آنها را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند وارد بهشت نخواهد شد. و کسی جز آنکه آنها را انکار کند و آنان نیز او را انکار کنند داخل دوزخ نگردد».

اگر برای کسی این معرفت به دست آمد، هرگز تقدیم یا تأخیر ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام گرد

۱- شیخ صدوق رحمه الله، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام علیه السلام، ص ۶۹.

۴- نهج البلاغه، ص ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

ملال بر خاطرش نشانند.

وقتی ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید: آیا برای من افتخار حضور در محضر قائم آل محمد علیهم السلام حاصل می‌شود؟ آن حضرت فرمود: «أَلَسْتَ تَعْرِفُ إِمَامَكَ؟» «آیا امام خود را نمی‌شناسی؟» عرض کرد: می‌شناسم؛ به خدا سوگند! شما هستید.

پس آن حضرت فرمود: «وَاللَّهِ مَا تُبَيِّنُ يَا أَبَا بَصِيرٍ أَلَا- تَكُونُ مُحْتَبِياً بِسَيِّفِكَ فِي ظِلِّ رِوَاقِ الْقَائِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ»؛ (۱) «به خداوند سوگند! [در این صورت] هیچ جای نگرانی نیست! اگر این توفیق را نیابی که به همراه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، شمشیر به دست گرفته باشی»؛ یعنی، با این شناخت به درجه کسی رسیده ای که در جوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در راه خدا به جهاد بر می‌خیزد.

امام همچنین می‌فرماید: «...اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ كَانَ قَاعِداً فِي عَسِيكِرِهِ لَا بَلْ بِمَنْزِلِهِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِوَائِهِ...»؛ (۲) «امام خود را بشناس! پس همانا هنگامی که امام خود را شناختی، هیچ آسیبی به تو نخواهد رسید؛ از اینکه امر ظهور جلو بیفتد و یا اینکه عقب بیفتد. هر کس که امام خویش را شناخت و آن گاه پیش از آنکه صاحب الامر قیام فرماید از دنیا رفت، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت حضور پیدا کرده است. نه، بلکه بسان کسی است که زیر پرچم ایشان حاضر شده باشد...».

راه‌های شناخت امام علیه السلام

اشاره

عمده راه‌هایی که در شناخت امام می‌توان از آن استفاده کرد، سه راه است:

۱. نص

نص؛ یعنی، تعیین و تصریح پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که مفادش خبر دادن از نصب الهی و یا نصب امام به امر الهی است. در نوع اول نصب بدون واسطه انجام شده و فعل الهی است و نص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، مثل خبر دادن از آن است. در نوع دوم فعل الهی، با واسطه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است که به امر خدا انجام

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۹، ح ۲؛ کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

می‌شود و استناد آن به او، مانند استناد افعال ملائکه به خداوند است.

۲. کرامت

ظهور کرامت به دست کسی که مدعی امامت باشد، دلیل بر صدق ادعای او است و به بیان برخی از بزرگان، دلیل بر نص و نصب او از جانب خداوند است. در این مسأله دو دیدگاه هست: یکی اینکه کرامت مستقلاً دلیل بر امامت است و دیگری اینکه دلیل اصلی، نصب و نص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم یا امام سابق است و کرامت، دلیل بر نصب است. اگر نص مفقود باشد و کرامت باشد، کرامت، دلالت می‌کند که نص بر صاحب کرامت بوده و به دست ما نرسیده است.

۳. سیره عملی

اخلاق و رفتار، وضع زندگی و علم و دانش یکی از راه‌های شناخت امام، برای کسانی است که اهلیت تشخیص را داشته باشند و بتوانند از اخلاق، سلوک، گفتار و برخوردهای گوناگون، صاحب این مقام را بشناسند. (۱)

امروزه با توجه به انبوه روایات معتبر، راه برای شناخت امام زمان علیه السلام باز است. هشتمین پیشوای شیعیان امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید: «...الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الدَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ غَيْظُ الْمُتَافِقِينَ وَ بَوَازُ الْكَافِرِينَ الْإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرُهُ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالَمٌ وَ لَا يُوجِدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لَا لَهُ مِثْلٌ وَ لَا نَظِيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلُّهُ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اِكْتِسَابٍ بَلِ اِخْتِصَاصٍ مِنَ الْمُفْضَلِ الْوَهَّابِ...»؛ (۲)

«امام امانت دار الهی در میان خلقش، حجت او بر بندگانش، خلیفه او در سرزمین هایش، دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام پاک از گناه و به دور از عیب‌ها است. دانش‌ها به او اختصاص دارد و او به بردباری شناخته می‌شود. امام نظام دهنده به دین و باعث سربلندی

۱- ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام علیه السلام، صص ۷۷-۷۸.

۲- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

مسلمانان و خشم منافقان و از بین رفتن کافران است. امام یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی شود و هیچ دانشمندی با او برابری نمی کند و جایگزینی برای او پیدا نمی شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت ها مخصوص او است، بدون آنکه آنها را طلب کرده باشد. این امتیازی از طرف فضل کننده بسیار بخشنده، برای امام است...» (۱).

به راستی با شناخت همین چند ویژگی، قدم بلندی در راه شناخت امام برداشته می شود و آن گاه نوبت به اطاعت و فرمان برداری می رسد. (۲)

آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. محبت و دوستی امام

یکی از وظایف مهم شیعیان، محبت و دوستی امام است و حتی از برجسته ترین آثار معرفت او، محبت به آن وجود مقدس است. این شناخت به هر میزان بیشتر باشد، محبت آنان فزون تر می شود و هر قدر محبت بیشتر شد، نشان از وجود سنخیت با آن انوار مقدس است. این هم سنخی نیز هر قدر افزایش یابد، نشان از تقرب به ذات اقدس الهی است و این والاترین کمال است.

از آنجایی که خود پیشوایان معصوم علیهم السلام به مقام والای امام و امامت شناختی کامل دارند؛ وقتی سخن از یک امام پیش می آید، در نهایت بزرگداشت از او یاد می کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن گاه که سخن از آخرین وصی خود به میان می آورد، در نهایت احترام از زیباترین واژگان محبت بهره برده، می فرماید: «بِأَبِي وَ أُمِّي سَيِّمِي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّور...»؛ (۳) «پدر و مادرم فدایش باد که او هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نور هایی احاطه دارد...».

امام علی بن ابیطالب علیه السلام نیز می فرماید: «فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا، وَإِنْ

۱- این روایت مفصل است که علاقه مندان می توانند به متن کامل آن مراجعه می کنند.

۲- یکی از راه های شناخت امام مراجعه به متن ارزشمند «زیارت جامعه» است که به حق اوصاف بلندی از امام در آن ذکر شده است.

۳- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۱۵۶.

اِسْتَنْصِرُوكُمْ فَانصُرُوهُمْ، فَلْيَمْرَجَنَّ اللَّهُ [الْفِتْنَةَ] بِرَجُلٍ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ. بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْأَمَاءِ؛^(۱) «شما همواره به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید؛ اگر آنان ساکت شدند و در خانه نشستند، شما نیز سکوت کرده، به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند، به یاری آنان بشتابید. خدای متعال به دست مردی از ما اهل بیت، ناگهان فرج عنایت خواهد کرد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است».

حضرت حسین بن علی علیهما السلام نقل کرده است: مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید. ایشان وقتی صفات او را ذکر کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی، به سینه خود اشاره کرده، آهی کشید و از شدت اشتیاق به ایشان، به سینه خود اشاره فرمود (وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ).^(۲)

ابوحمره ثمالی می گوید: «روزی نزد امام باقر علیه السلام بودم که فرمود: «ای اباحمره! یکی از امور یقینی که خداوند آن را حتمی ساخته است قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آنچه که می گویم تردید کند، خداوند را در حالی ملاقات خواهد کرد که به او کافر شده و انکار کننده او است. سپس فرمود: پدر و مادرم فدای او که هم نام من و هم کنیه من است و هفتمین فرد پس از من می باشد».^(۳)

خلاد بن صفار می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا قائم به دنیا آمده است؟ حضرت فرمود: «لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛^(۴) «خیر! اگر او را درک کردم، در ایام زندگانی ام خدمت گزار او خواهم بود».

آن حضرت در روایتی دیگر فرموده است: «...أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»؛^(۵) «به درستی اگر من آن روز را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امر نگه می داشتم».

امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمود: «بِأَبِي وَ أُمِّي! سَمِيَ جَدِّي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهُ مُوسَى

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۸ ا و ج ۴۱، ص ۳۵۳ و ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۲، ح ۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۸۶.

۴- نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۵، ح ۲۳.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۳، ح ۵۰.

بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشِعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ...»؛^(۱) «پدر و مادرم فدای تو که هم نام جَدَم و شبیه من و شبیه موسی بن عمرانی...».

۲. نجات از مرگ جاهلی

در روایات فراوانی وارد شده است: «هر کس از دنیا برود و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است». این روایت در مورد شناخت و معرفت تمامی ائمه علیهم السلام صادق است؛ ولی در خصوص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز روایاتی وارد شده است.

معاویه بن وهب گوید: «شنیدم از امام صادق علیه السلام می فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^(۲) «هر کس بمیرد در حالی که امام خودش را نمی شناسد، به مرگ جاهلی مرده است».

محمد بن عثمان عمری گوید: از پدرم شنیدم که می گفت: من در حضور ابومحمد حسن بن علی علیهما السلام بودم. از آن حضرت درباره این خبر که زمین تا روز قیامت از حجت خداوند بر خلقش خالی نیست و هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است پرسیده شد؛ فرمود: «إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ»؛ «به راستی این درست است؛ چنان که روز درست است». به او عرض شد: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: «ابْنِي مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمْرًا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَخَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ»؛^(۳) «پسر من محمد؛ او امام و حجت بعد از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. آگاه باشید برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان می شوند و اهل باطل در آن هلاک می گردند و کسانی که برای آن، وقت معین کنند، دروغ می گویند. سپس خروج می کند و گویا به پرچم های سپیدی می نگرم که بر بالای سر او در نجف کوفه در اهتزاز است».

۱- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷، باب ۳۵، ح ۳.

۲- الغیبه، ص ۱۲۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۸۱، ح ۸.

مرگ جاهلی؛ یعنی، مردن بدون شناخت خدا و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم. کسی که امام زمان خود را نشناسد، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت که خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را نمی‌شناختند خارج نشده است. بنابراین، اگر معرفت خدا و رسول او، به معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی نشود، فایده‌ای برای انسان نخواهد داشت و او را دین دار نمی‌کند.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: منظور از جاهلیت، جهل مطلق و نسبت به همه چیز است یا فقط نشناختن امام است؟ آن حضرت فرمود: «جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ وَ ضَلَالٌ»؛ (۱) «منظور، جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است».

پس نتیجه عدم شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کفر و نفاق و گمراهی است. البته ممکن است نشناختن، در اثر عدم معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی خدا باشد (بدون کوتاهی خود شخص). این حالت «ضلال» نامیده می‌شود و مرادف با «استضعاف» است. در این حالت، شخص مقصر نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دین داری محروم گشته است. حالت کفر و نفاق مربوط به شخصی است که برایش معرفی الهی صورت گرفته؛ ولی او در پذیرفتن آن کوتاهی کرده است. این دو حالت دارد: یا انکار و عدم تسلیم خود را به صراحت ابراز می‌دارد که کفر نامیده می‌شود و یا آن را مخفی می‌دارد که «نفاق» است. در هر سه صورت، شخص از مسیر عبودیت خداوند، دور افتاده و عاقبت به خیر نیست.

پس شناخت و پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، نه از باب تعبد؛ بلکه به حکم عقل انسان است. چرا که انسان خداشناس راهی به سوی خدا ندارد؛ مگر از طریقیتی که خود خداوند قرار داده است. جز از این راه، نمی‌تواند از رضا و خشم الهی آگاه شود. مراجعه مردم به ائمه اطهار علیهم السلام، از باب مراجعه نادان به دانا است. این یک حکم عقلی است؛ همچنان که عاقل در امور مادی و دنیوی خود، به دانا و متخصص آن مراجعه می‌کند، در امور معنوی و غیر مادی نیز عقل همین گونه حکم می‌کند. (۲)

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ۱، ص ۳۷۷.

۲- سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر علیه السلام، ص ۱۱۱.

مهدی شخصی و مهدی نوعی

مهدی شخصی و مهدی نوعی (۱)

بحث درباره مهدی شخصی و نوعی، ارتباط مستقیمی با موضوع شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. لفظ «مهدی» مفهوم عامی دارد و به کار بردن آن به هر فردی که خدا او را هدایت کرده باشد، جایز است. با این مفهوم همه پیامبران و اوصیا علیهم السلام، مهدی هستند و به کار بردن آن در حق شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان و سایر امامان علیهم السلام جایز است؛ زیرا همه مهدی و هدایت شده اند. حتی به کار بردن این واژه درباره افراد دیگری که در مکتب آن بزرگواران تربیت و هدایت یافته‌اند، جایز است. با این حال روشن است که مقصود از مهدی که بر زبان مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم جاری شده یک عنوان خاص و لقب شخصی معین و عزیز است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ظهور او بشارت داده و مسلمانان را فراخوانده است که در ردیف منتظران ظهور او باشند.

بر حسب اخبار معتبر، «مهدی» لقب موعود آخرالزمان است که حتی تبار و اوصاف او در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته است. این ویژگی‌ها بر هیچ کس، جز امام دوازدهم فرزند امام حسن عسکری علیه السلام قابل تطبیق نیست. لقب «مهدی» به این معنا (مورد هدایت خدا و احیا کننده اسلام و پرکننده جهان از عدل و داد و...) نخستین بار در مورد آن حضرت به کار رفت و این در عصر خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام گرفت و مهدی به عنوان منجی و رهایی بخش معرفی شد.

مهدویت به مفهوم نوعی از هیچ یک از روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام قابل استفاده نیست. بر اساس این برداشت، او فردی نامعین است که در زمانی مناسب، زاده خواهد شد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

از نظر منطق و برهان، «نوعی بودن مهدی» باطل و نادرست است؛ چرا که نقض غرض می‌شود! مقصود از قیام او، پرکردن جهان از عدل و داد است؛ ولی نوعی بودن مهدی، جهان را از ظلم و ستم پر خواهد کرد. در این صورت هر قدرتمند دروغ‌گویی، می‌تواند ادعا کند که مهدی است و به نام عدالت‌گستری، به جهان‌گیری پردازد!! پس مدعیان مهدویت بسیار خواهند شد و در هر زمان و مکانی، ممکن است چند تن، ادعای مهدی بودن کنند و عده‌ای ساده‌دل و نادان، گرد ایشان جمع شوند و به ظلم و ستم پردازند!! جنگ، سراسر زمین را فراگیرد و از خونریزی و فتنه و آشوب، آکنده گردد و... بنابراین، وجود مهدی نوعی، از نظر اجتماعی محال است.

در این صورت وعده‌های قرآن و پیامبران باطل و دروغ بوده و یا وجود مهدی پس از ظهور،

۱- اگر چه این اصطلاح در بعضی از کتاب‌های متأخرین به کار رفته؛ ولی در هیچ یک از آنها به روشنی تعریف نشده است؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد هر یک، آن را در معنایی به کار برده‌اند.

قابل انکار و تردید خواهد بود؛ چون دلیلی برای آنکه او مهدی موعود است، وجود ندارد!

در تاریخ اسلام، دیده شده که مدعیان مهدویت، بسیار آمدند و رفتند؛ اما چه خون‌ها که نریختند چه ظلم‌ها و ستم‌ها که نکردند! پس بایستی، مهدی، شخص معینی باشد که شناختش، برای خلق آسان باشد و اشتباهی در تشخیص او رخ ندهد.

آموزه «مهدی نوعی»، با اسلام منافات دارد؛ چون روایات متواتری وارد شده که آن منجی موعود، شخصی معین و زنده است. از طرفی این امر مستلزم آن است که سال‌ها زمین، خالی از حجت باشد و این هم بر خلاف اصول و مبانی اسلام است. با این حال، مدعیان مهدویت، همگی از میان مسلمانان برخاسته‌اند؛ کسانی که از اصول و مبانی اسلام خبر نداشته‌اند و یا حقیقت را به مسلمانان نگفته بودند! (۱).

یکی از دانشمندان شیعه در این باره نوشته است: موضوع مهدی نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه یک پیشگویی است که باید در انتظار مصداقش ماند؛ بلکه واقعیتی استوار و فردی مشخص است که خود نیز، در انتظار رسیدن هنگام فعالیتش به سر می‌برد. در میان ما با گوشت و خون خویش زندگی می‌کند؛ ما را می‌بیند و ما نیز او را می‌بینیم. در فضای دردها، رنج‌ها و آرزوهای ما است و در اندوه و شادی ما شریک است. شکنجه‌های آزرده‌گان و تیره‌روزی ناکامان زمین و بیداد ستمگران را از دور یا نزدیک می‌بیند و به انتظار لحظه‌ای است که فرا رسد و دست‌پرتوان خویش را به سوی همه رنج‌کشیدگان، محرومان و سیه‌روزان دراز کند و تومار ستمگران را بریده و درهم پیچید.

البته سرنوشت این رهبر موعود، این است که خود را آشکار نسازد و همراه با دیگران، لحظه موعود را انتظار کشد. ... در احادیث نیز، پیوسته، به «انتظار فرج» و درخواست ظهور مهدی، سفارش شده است تا مؤمنان همواره چشم به راه او باشند. این تشویق، تحقق همان همبستگی روحی و وابستگی وجدانی منتظران ظهور و رهبرشان است. این همبستگی و پیوند پدید نمی‌آید؛ مگر اینکه مهدی را هم اکنون انسانی تجسم یافته بشماریم. تجسم یافتن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحرک تازه‌ای به «فکر انتظار منجی» می‌بخشد و آن را از توانایی و آفرینندگی بیشتری برخوردار می‌کند. گذشته از آن، در انسانی که به طرد ستم‌ها پرداخته و رهبر منتظر خود را نیز هم درد، هم رنج، همسان و وابسته به خویش احساس می‌کند و نوعی مقاومت و شکیبایی در برابر دردهایی که در

۱- ر.ک: سید رضا صدر، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۶۳ و ۶۴.

اثر محرومیت به او رسیده ایجاد می شود. (۱)

یکی از دانشمندان معاصر، بحث «مهدی نوعی» را بر اساس دیدگاه صوفیه چنین شرح کرده است: «صوفیه اعتقاد به ولایت عامّه و مهدویّت نوعیه دارند و اولیا را منحصر به دوازده امام نمی دانند. امروز هم اغلب عقیده دارند که پیر آنها در زمان خود ولی است و هر قطبی منصب ولایت دارد. کسانی امثال بایزید بسطامی، منصور حلاج، محی الدین عربی، احمد غزالی و جنید بغدادی را «ولی» می دانند».

آن گاه با اظهار شگفتی از این نگرش، می نویسد: «عجب است که صوفیان شیعه با این عقیده که مخالف اساس معتقدات شیعه است باز دم از تشیع و لاف محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می زنند و سایر شیعیان و علمای ربانی را اهل ظاهر و قشری و خود را با انکار ضمنی ولی الله المطلق و مهدی موعود جهان که بعد از امام عسکری علیه السلام جز او ولی و قطب و امامی نیست اهل معنی و اهل بُب و «اهل حق» می دانند!!

گویا مولوی نیز در مثنوی چنین دیدگاه ناروایی را مطرح می کند:

پس به هر دوری ولیی قائم است پس امام حیّ قائم آن ولی است! مهدی و هادی وی است ای راه جو! او چه نور است و خرد جبریل اوست

تا قیامت آزمایش دائم است خواه از نسل عمر خواه از علی است! هم نهان و هم نشسته پیش رو! و آن ولی کم از او قنديل اوست (۲)

بنابراین شیعه با ردّ این انگاره، تنها به مهدی شخصی معتقد است. چنان که آیت الله حسن زاده آملی می نویسد: «امام زمان در عصر محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، انسان کاملی است که جز در نبوت تشریحی و دیگر مناصب مستأثره ختمی، حائز میراث خاتم به نحو اتم است و مشتمل بر علوم و احوال و مقامات او به طور اکمل است. او با بدن عنصری در عالم طبیعی و سلسله زمان موجود است؛ چنان که لقب شریف صاحب الزمان بدان مشعر است، هر چند احکام نفس کلیه الهیه وی بر احکام بدن طبیعی او، قاهر و نشأه عنصری او مقهور روح مجرّد کلی و لوی

۱- سید محمد باقر صدر، جستجو و گفتگو پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۶-۸.

۲- علامه مجلسی، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)، ترجمه علی دوانی، ص ۳۴۰، پاورقی.

او است. و از وی به قائم، حجه الله، خلیفه الله، قطب عالم امکان، واسطه فیض و به عناوین بسیار دیگر نیز تعبیر می شود.

این چنین انسان که نامش می برم

من زوصفش تا قیامت قاصر

چنین کسی در این زمان سرّ آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم امام مهدی هادی فاطمی هاشمی ابوالقاسم م ح م د نعم الخلف الصالح و دُرّ یک دانه امام حسن عسکری علیه السلام است. ان هذا لهو الحق اليقين. الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله»(۱).

۱- حسن حسن زاده آملی، نهج الولاية، ص ۷.

خود آزمایی

۱. امام حسین علیه السلام شناخت راستین خداوند را در چه دانسته است؟ توضیح دهید.
۲. مهم ترین راه های شناخت امام علیه السلام کدام است؟ توضیح دهید.
۳. بخشی از اظهار محبت معصومین علیهم السلام را درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کنید.
۴. دو اثر از آثار عدم شناخت و اعتقاد به امام زمان علیه السلام را توضیح دهید.
۵. مهدی شخصی و نوعی به چه معنا است؟ آن را توضیح دهید.
۶. دو راه دیگر از راه های شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه. ش).
۲. سید رضا صدر، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ه. ش).
۳. سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، (نیک معارف، چ ۳، ۱۳۸۳ ه. ش).
۴. لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام علیه السلام، (موسسه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم، ۱۳۷۵ ه. ش).
۵. (ش. ه).

درس هشتم: نسب پدری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از فرزندان «عبد المطلب»
۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با عنوان های
 ۲۱. «عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»
 ۲۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»
 ۲۳. «ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»
 ۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»
۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام»
۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام»
۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام مجتبی علیه السلام»
۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام حسین علیه السلام»
۷. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام باقر علیه السلام»
۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام صادق علیه السلام»
۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام کاظم علیه السلام»
۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام رضا علیه السلام»
۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام»
۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام هادی علیه السلام»

معصومین علیهم السلام پیش بینی می کردند که به لحاظ اهمیت موضوع «مهدویت»، افرادی شیاد پیدا شده و ادعاهای باطلی خواهند کرد. از طرفی موعود امت ها کسی نیست، جز آخرین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مردی از اهل بیت و عترت او، (از نسل دختر بزرگوار ایشان و از فرزندان امام حسین بن علی علیهما السلام) ... از این رو اهتمام ویژه‌ای داشتند تا آن منجی عالم بشریت را به روشنی برای جهانیان معرفی کنند.

ره آورد این اهتمام، صدها روایت نورانی است که به عنوان میراثی گران بها، رهبر آینده جهان را، فرا روی حقیقت جویان عالم نمایان کرده است.

البته در این میان دست های ناپاکی، به عناوین مختلف کار را دشوار کرده اند؛ از جعل روایاتی برای انکار اصل مهدویت گرفته تا روایاتی که او را از فرزندان عباس عموی پیامبر معرفی کرده است!! و نیز احادیثی که او را فرزند عبد الله نامی دانسته تا روایاتی که آن حضرت را از نسل امام مجتبی علیه السلام معرفی کرده است و...!

در یک نگاه کلی می توان روایاتی که در آنها به تبار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده، چنین دسته بندی کرد:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان عبد المطلب»

براساس روایات شیعه و سنی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از نسل عبد المطلب علیه السلام جد بزرگوار رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. ابن ماجه و دیگران با سندهایشان از آنس بن مالک نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «نَحْنُ وُلْدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنَا وَ حَمْرُهُ وَ عَلِيٌّ وَ

جَعْفَرُ وَ الْحَسَيْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ»^(۱) «ما فرزندان عبد المطلب، سروران اهل بهشتیم؛ من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی»^(۲).

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

این مضمون در گروه های متعددی از روایات به چشم می خورد که بعضی از آنها بدین قرار است:

۲۱. «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

«عترت» در لغت معانی متعددی دارد؛ از جمله نزدیکان شخص از طرف فرزندان و فرزندان آنها؛ اما در اینجا مقصود، ائمه اطهار علیهم السلام است.^(۳)

احادیث فراوانی با این مضمون که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عترت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، در منابع شیعی و سنی وجود دارد. شیخ طوسی رحمه الله با ذکر سند از ابوسعید خدری نقل کرده است: شنیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز منبر می فرمود: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ تَنْزِلُ لَهُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ تَخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ بَدْرَهَا فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَهَا الْقَوْمُ ظُلْمًا

۱- ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۷؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۳، ح ۴۹۴۰.

۲- ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۳؛ شیخ صدوق رحمه الله، الامالی، ص ۴۷۵.

۳- ر. ک: لسان العرب، ج ۴، ص ۵۳۸؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۹۶، ریشه عتر.

وَ جَوْرًا؛^(۱) «همانا مهدی از عترت و اهل بیت من است. در آخرالزمان خروج خواهد کرد. آسمان همه برکت هایش را برای او نازل خواهد کرد. و زمین آنچه در خود نهفته دارد، برای او بیرون خواهد ریخت. پس زمین را آکنده از عدل و قسط می کند، آن سان که مردم آن را پر از ستم و بیداد کرده اند.»

همچنین او از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «يقوم في آخرالزمان رجل من عترتي شاب حسن الوجه أجلى الجبين أفتى الأنف يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً...»؛^(۲) «در آخرالزمان مردی جوان، نیکو صورت، بلند پیشانی، دارای بینی باریک، از عترت من قیام خواهد کرد و زمین را سرشار از قسط و عدل خواهد نمود، آن گونه که از ظلم و جور آکنده شده باشد...».

همو از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود: «لا تقوم الساعة حتى تمتلأ الأرض ظلماً وعدواناً قال ثم يخرج رجل من عترتي و من أهل بيتي يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً»؛^(۳) «قیامت بر پا نمی شود، مگر آنکه دنیا مملو از ستم و دشمنی شود. سپس مردی از عترتم و اهل بیتم، خروج می کند و آن را سرشار از قسط و عدل می سازد، آن سان که از ظلم و دشمنی پر شده باشد.»

در تفسیر قرطبی، روایاتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان کرده، متواتر دانسته است: «تواترت علی أنّ المهدی من عتره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم...»؛ آن گاه با بررسی روایاتی که مهدی را همان عیسی علیه السلام دانسته است؛ بر احادیث مربوط به عترت بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صحه می گذارد: «والاحادیث التي قبله في التنصيص على خروج المهدی و فیها بیان کون المهدی من عتره رسول الله صلی الله علیه و سلم أصح إسناداً...»؛^(۴) یعنی، و احادیثی که نص بر خروج مهدی است و پیش از این مورد بررسی قرار گرفت که در آن بیان شده بود مهدی، از عترت پیامبر است از نظر سند صحیح تر است

۲۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

عبدالله بن مسعود می گوید: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا تذهب الدنيا حتى يلي أمّتي رجلٌ من أهل بيتي يقال له المهدی»؛^(۵) «دنیا به پایان نمی رسد؛ مگر اینکه امت مرا مردی

۱- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۰، ح ۲۵.

۲- السنن الواردة فی الفتن، ج ۵، ص ۱۰۳۸.

۳- مسند احمد، ح ۱۱۳۳۱، ح ۱۱۶۸۶، ح ۱۱۲۳۹.

۴- تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۲.

۵- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲، ح ۱۴۱.

رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود».

و از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْمَهْدِي مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَضِلُّهُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ»؛ (۱) «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند در یک شب به امر او را به سامان می آورد».

شیخ طوسی رحمه الله با ذکر سند از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ»؛ (۲) «دنیا به پایان نمی رسد؛ مگر اینکه امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود».

أَبُو سَعِيدٍ خُدْرِيٍّ نِيزَ از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده است: «الْمَهْدِي مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ (۳) «مهدی از ما اهل بیت است». امام باقر علیه السلام نیز در این رابطه از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا ادراک کند و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد. دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت از رفیقان و دوستان من و گرامی ترین امت من خواهد بود». (۴)

ابوداود با ذکر سند از حضرت علی علیه السلام آورده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَّبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَاهَا عَدْلًا...»؛ (۵) «اگر از عمر روزگار به جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا بر انگیزد که دنیا را پر از عدل کند...».

نعیم بن حماد از ابو سعید خدری نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هُوَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي»؛ (۶) «او مردی از اهل بیت من است».

۱- ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۵.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۳- ر. ک: مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

۴- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، باب ۲۵، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

۵- سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۳.

۶- نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۱۱.

۲۳. «ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

«ذریه»، در لغت عبارت است از نسل انسان که از طریق پسر و دختر، استمرار می یابد. ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در اصطلاح به نسل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته می شود که از طریق بانوی بزرگ اسلام، زهرا ی مرضیه علیها السلام استمرار یافته است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِي إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَهُ»؛ (۱) «از ذریه من مهدی است. آن هنگام که خروج کند، عیسی بن مریم علیهما السلام، برای یاری اش نازل می شود. پس [عیسی علیه السلام] او را جلو انداخته، و پشت سرش نماز می گزارد».

۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ نَقَلَ مِي كُنْد: اَزْ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ شَنِيدِمُ كِهْ چنين مي فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا»؛ «اگر از دنيا بيش از يك روز باقى نماند، خداوند عز و جل آن روز را چنان طولانى مي كند تا اينكه مردى از خاندانم خروج نمايد و [زمين را] پر از عدل و داد كند، آن گونه كه پر از ظلم و جور شده باشد». [آن گاه امام حسين عليه السلام فرمود]: «اين گونه از رسول اكرم صلي الله عليه و آله و سلم شنيدم». (۲)

امام صادق عليه السلام نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي»؛ (۳) «کسی که قائم از فرزندان مرا انکار کند، مرا انکار کرده است».

و نیز فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ (۴) «کسی که

۱- شيخ صدوق، الامالى، ص ۲۱۸، ح ۴.

۲- محمد بن حسن طوسى، كتاب الغيبة، ص ۴۲۵.

۳- كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ص ۴۱۲، ح ۸.

۴- كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ص ۴۱۲، ح ۱۲.

قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلی مرده است».

و فرمود: «الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ»؛ (۱) «مهدی، مردی از فرزندان من است؛ سیمای او چون ستاره درخشان است».

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «قائم از فرزندان من است؛ نامش نام من و کنیه اش کنیه من است. شمایل او شمایل من و روش او روش من است. مردم را بر آیین و دینم دعوت کند و آنها را به کتاب پروردگام فراخواند. کسی که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است...» (۲).

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه فرمود: «... فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ الْمَهْدِيِّ وَهُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ هَذَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ يَذْهَبُ الزَّمَانُ الْكَلْبَ بِهِ يَخْرُجُ ذُلُّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ»؛ (۳) «... مهدی، مردی از فرزندان این است و با دست مبارک خود به علی علیه السلام اشاره فرمود خداوند به وسیله او، دروغ را محو می کند و سختی روزگار را بر طرف می گرداند و طوق بندگی را از گردن های شما بیرون می آورد».

امیرمؤمنان علیه السلام نیز فرموده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنِّي»؛ (۴) «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از خاندانم برانگیخته شود».

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ص ۴۱۱، ح ۶.

۳- کتاب الغیبه؛ ص ۱۸۵.

۴- کتاب الغیبه، ص ۴۶. ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴.

و نیز آن حضرت فرمود: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ وُلْدِي»؛ (۱) «صاحب این امر، از فرزندان من است».

۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام»

در این دسته از روایات نیز موارد مشترک فراوانی بین شیعه و سنی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

ام سَیَلَمَه گوید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «الْمَهْدِي مِنْ عَثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛ (۲) «مهدی از عثرت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

نعیم بن حماد از کعب نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی من ولد فاطمه»؛ (۳) «مهدی از فرزندان فاطمه است». همچنین او شبیه این روایت را از «زهری» و «زر بن حبیش» نقل کرده است. (۴)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دختر بزرگوارش حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِكِ»؛ (۵) «مهدی از فرزندان تو است». امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرمود: «الْمَهْدِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛ (۶) «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

نعیم بن حماد در الفتن آورده است: قتاده به سعید بن مسیب گفت: «المهدی حق هو؟ قال: حق. قال قلت: ممن هو؟ قال: من قریش. قلت: من ای قریش؟ قال: من بنی هاشم. قلت: من ای بنی هاشم؟ قال: من بنی عبد المطلب. قلت: من ای عبد المطلب؟ قال: من

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۶، ح ۱۸.

۲- السنن الواردة فی الفتن، ج ۶، ص ۱۰۶۱، ح ۵۸۱.

۳- نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۱۲.

۴- ر. ک: نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۴ او ح ۱۱۱۷.

۵- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۸.

۶- کتاب الغیبه، ص ۱۸۷.

ولد فاطمه»؛^(۱) «آیا مهدی حق است؟ گفت: آری حق است. گفتم: او از کدامین تیره است؟ گفت: از قریش. گفتم: از کدام شاخه قریش؟ گفت: از گروه بنی هاشم. گفتم: از کدام گروه بنی هاشم؟ گفت: از فرزندان عبدالمطلب. گفتم: از کدام فرزند عبدالمطلب؟ گفت: از فرزندان فاطمه علیها السلام.»

۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام»

بر اساس روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور قطع از فرزندان حضرت زهرا و امام علی علیهما السلام است. اما از نسل کدامین فرزند؟ امام حسن علیه السلام یا امام حسین علیه السلام؟ در اینجا سه احتمال وجود دارد:

الف. از فرزندان امام حسن علیه السلام است.

ب. از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

ج. از تبار امام حسن و امام حسین علیه السلام هر دو می باشد.

با دقت در احادیث گذشته، دو احتمال الف و ب، قابل بررسی است و نیازی به قبول یا رد احتمال سوم نیست. همچنین فرض احتمال چهارم یعنی «مهدی از فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیست» باطل و غیر معقول است؛ چرا که بر اساس روایات صحیح و متواتر، مهدی از اهل بیت علیهم السلام و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

حال می توان گفت: هرگاه نادرستی یکی از دو احتمال الف یا ب ثابت شود، نیازی به اثبات دیگری نخواهد بود و خود به خود احتمال دیگر، یقینی شده و مطابق واقع خواهد بود.

در بررسی احتمال نخست^(۲)، به این نتیجه می رسیم که در کتاب های اهل سنت و در تأیید این دیدگاه، مهم ترین روایت حدیثی است که در سنن ابوداود سجستانی است.

راوی می گوید: از هارون بن مغیره برایم حدیث کردند که او گفت: عمر بن ابی قیس از شعیب بن خالد از ابواسحاق روایت کرد و گفت: علی علیه السلام درحالی که به فرزندش حسن نگاه می کرد گفت: به درستی که این فرزندم آقا و سرور است، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را چنین نامید. و

۱- نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۱۰۸۲.

۲- جای بسی تأسف است که به عنوان مؤید این دیدگاه نادرست برخی از اهل سنت گفته اند: «در اینکه مهدی از فرزندان حسن است، سری لطیف نهفته و آن اینکه چون او خلافت را به جهت رضای خداوند نادیده گرفت، پس خداوند نیز مهدی را از نسل او قرار داد تا به مقام خلافت برسد. بر خلاف حسین که به جهت کسب خلافت به جنگ و خونریزی دست زد...».

(ر.ک: محمد بن ابی بکر الحنبلی، المنار المنیف، ص ۱۵۱) [اعاذنا الله من شرور انفسنا]

از صلب او مردی متولد می شود که به نام پیامبرتان نامیده می شود و در اخلاق شبیه او است، ولی در خلقت شباهتی به او ندارد. سپس نقل کرد که: زمین را پر از عدل و داد می کند» (۱).

در مورد این حدیث، از دو طریق می توان بحث کرد: ۱. بررسی سند آن؛ ۲. مقایسه آن با روایات دیگر.

یکم. در بررسی متن و سند حدیث، می توان با دلایل زیر احتمال ساختگی بودن آن را بیان کرد:

۱-۱. اختلاف در نقل حدیث از ابو داود؛ جزری شافعی (م ۸۳۳ ه. ق) آن را از شخص ابو داود نقل کرده؛ ولی به جای «حسن»، «حسین» ثبت کرده است. (۲)

مقدسی شافعی در عقد الدرر، آن را با نام «حسن» روایت کرده؛ ولی پژوهشگر کتاب در حاشیه آن، به نسخه ای اشاره می کند که نام «حسین» در آن ثبت شده است. همچنین نقل سید صدر الدین صدر از عقد الدرر با نام «حسین»، نشانگر وجود چنین نسخه ای است. (۳)

برای رفع اختلاف در این حدیث، نمی توان بدون پشتوانه دیگر، یکی از دو نام را بر دیگری ترجیح داد. در مورد نام «حسن» چنین قرینه ای وجود ندارد؛ در حالی که برای ترجیح نام «حسین» قرینه های بسیاری وجود دارد.

۱-۲. سند حدیث ناپیوسته است؛ چون شخصی که از حضرت علی علیه السلام نقل کرده، ابو اسحاق سبعی است. درباره او ثابت نشده که حتی یک حدیث را خود از امام علی علیه السلام شنیده باشد و مندری در شرح حدیث به این مطلب تصریح کرده است. (۴) چون به گفته ابن حجر، او دو سال قبل از پایان خلافت عثمان متولد شده است. (۵) بنا بر این به هنگام شهادت علی علیه السلام هفت ساله بوده است.

۱-۳. سند حدیث مجهول است؛ چون ابو داود می گوید: «از هارون بن مغیره برایم حدیث شد» و معلوم نیست وی چه کسی بوده است؟ طبق مبانی محدثان اهل سنت، حدیثی که راوی مجهول دارد، قابل اطمینان نیست.

۱- سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۸، ح ۴۲۹۰؛ نعیم بن حماد، کتاب الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۱۳.

۲- ر.ک: جزری دمشقی شافعی، اسمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب، ص ۱۶۵، ۱۶۸، ح ۶۱.

۳- سید صدر الدین صدر، المهدی علیه السلام، ص ۶۸.

۴- مندری، مختصر سنن ابو داود، ج ۶، ص ۱۶۲، ح ۴۱۲۱.

۵- تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۵۶، ح ۱۰۰.

۴-۱. ابو صالح سلیلی یکی از بزرگان اهل سنت متن این حدیث را با اسناد خود، از امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام صادق علیه السلام، از علی بن الحسین علیهما السلام، از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده و در آن نام «حسین» آمده است؛ نه «حسن» (۱).

۵-۱. این حدیث با روایت های فراوان دیگر که اهل سنت آنها را نقل کرده اند تعارض دارد؛ چون در آنها تصریح شده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

۱۶. با دلایل بیان شده، احتمال ساختگی بودن حدیث قوی می نماید و ادعای مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن مثنی (فرزند امام حسن علیه السلام) این احتمال را تقویت می کند؛ هر چند او در سال ۱۴۵ ه. ق در دوران خلافت منصور عباسی کشته شد.

دوم. این حدیث به فرض صحت با روایات فراوان دیگر که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسین علیه السلام می داند تعارض ندارد و قابل جمع است؛ یعنی اینکه بگوییم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طرف پدر حسینی و از طرف مادر، حسنی است و این خود حقیقتی مسلم است؛ زیرا همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه دختر گرامی امام حسن مجتبی علیه السلام بود. از این رو امام باقر علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر، حسنی است. به دنبال آن دیگر امامان علیهم السلام واقعاً ذریه آن دو امام می باشند.

برخی روایات نیز این جمع را تأیید می کند؛ مانند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به دختر خود فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «...و الذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامة...»؛ (۲) «سوگند به کسی که مرا به حق مبعوث فرمود! به درستی که مهدی این امت از آن دو (حسن و حسین) است».

در حدیثی دیگر آن حضرت فرمود: «...ان الله اختار... من علی الحسن و الحسین و اختار منهما تسعة تاسعهم قائمهم...»؛ (۳) «خداوند... حسن و حسین را از علی، برگزید و از آن دو، نه حجت را انتخاب کرد که نهمین ایشان قائم باشد...».

۱- سید بن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۲۸۵، ص ۴۱۳، باب ۷۶.

۲- محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶؛ کشف الغمه فی معرفه الائمه؛ ج ۳، ص ۴۶۸، به نقل از: ابو نعیم اصفهانی.

۳- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۶۶.

بدین ترتیب و با جمع اخبار، می توان روایت ابوداود سجستانی را پذیرفت؛ هر چند شواهد مختلف، بر ضعف آن اقامه شده است. (۱)

۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسین علیه السلام»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله، ای رسول خدا! آن حضرت فرمود: هم اینک جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد قائمی که در آخر الزمان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده از نسل تو و از فرزندان حسین است». (۲)

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «دوازده مهدی از ما هستند؛ نخستین آنان، امیرمؤمنان علی علیه السلام و آخرین ایشان، نهمین فرزند من است. همو که به حق قیام می کند و خداوند به برکت وجود او، زمین مرده را زنده و آباد می سازد و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می گرداند؛ هر چند مشرکان کراحت داشته باشند...». (۳)

امام سجاد علیه السلام از پدر بزرگوار خود نقل کرده است: «فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِي سُنَّةٌ مِنْ يَوْسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ قَائِمٌ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَضِلُّحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرُهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةً»؛ (۴) «در نهمین فرزند من سنتی از یوسف علیه السلام و سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است. او قائم ما اهل بیت است که خدای تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح می فرماید».

سلمان فارسی رحمه الله می گوید: [روزی] بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدم؛ در حالی که حسین علیه السلام بر زانوی ایشان نشسته بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمان و لب های او را می بوسید و می فرمود: «أَنْتَ سَيِّدُ بَنِي سَيِّدِ أَنْتَ إِمَامُ بَنِي إِمَامِ أَبُو الْأَيْمَّةِ أَنْتَ حُجَّةُ بَنِي حُجَّةِ أَبُو حُجَّةٍ تَسَعُهُ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسَعُهُمْ

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، صص ۹۰، ۹۱، (با تغییر و تصرف).

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۵۷.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۰، ص ۳۱۷، ح ۳.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۰، ص ۳۱۶، ح ۱.

قائمهم»؛ (۱) «تو، آقا و فرزند آقایی. تو، امام و فرزند امامانی. تو، حجت و فرزند حجت و پدر نه حجت از صلب خود هستی. نهمین آنان قائم ایشان است».

و ابل می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام در حالی که به فرزند عزیز خود حسین علیه السلام نگاه می کرد، فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَيِّمَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَيِّدًا وَ سَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يَشْبَهُهُ فِي الْخَلْقِ وَ الْخَلْقِ يَخْرُجُ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنَ النَّاسِ...»؛ (۲) «همانا این فرزندم آقا است؛ همان گونه که پیامبر او را آقا نامید. به زودی خداوند از نسل او مردی با نام پیامبرتان به وجود می آورد که هم در خلق و هم در خلق شبیه او است. ظهور خواهد کرد در حالی که مردم در غفلت به سر می برند...».

ابی سعید عقیصاء می گوید: وقتی حسن بن علی علیهما السلام با معاویه مصالحه کرد، مردم به نزد او آمدند و برخی از آنها امام را به واسطه بیعتش، مورد سرزنش قرار دادند!

پس آن حضرت فرمود: «وای بر شما! می دانید چه کردم؟ به خدا سوگند! این عمل برای شیعیانم از آنچه که آفتاب بر آن بتابد و غروب کند، بهتر است. آیا نمی دانید که من امام مفترض الطاعه بر شما هستم و به نص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از دو سروران بهشتم؟ گفتند: آری،... فرمود: آیا می دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز آنکه بیعت سرکش زمانش بر گردن او است؛ مگر قائمی که روح الله عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند؟ خداوند ولادت او را مخفی می سازد و شخص او نهان می شود تا آن گاه که خروج کند. پس بیعت احدی بر گردن او نباشد. او نهمین از فرزندان برادرم حسین است و فرزند سرور کنیزان، خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می گرداند...»؛ (۳)

ابو سعید خُدَری گوید: «...رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در بیماری ای که به واسطه آن رحلت فرمود، وقتی بی تابی دختر خود فاطمه علیها السلام را مشاهده کرد، چنین فرمود: «...ای فاطمه! شش خصلت به ما اهل بیت داده شده که نه به احدی از اولین داده شده و نه احدی از آخرین آن را درک خواهد کرد: پیامبر ما بهترین پیامبران است و او پدر تو است. وصی ما بهترین اوصیا است و او همسر تو است».

۱- شیخ صدوق رحمه الله، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۷.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۴، ح ۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۹، ص ۳۱۵، ح ۲.

شهید ما بهترین شهیدان است و او حمزه عموی پدر تو است. دو سبط این امت از ما هستند و آن دو، پسران تو، هستند. مهدی این امت که پشت سر او عیسی نماز می خواند از ما است. آن گاه بر شانه حسین علیه السلام زد و فرمود: مهدی این امت از این است» (۱).

این حدیث را محمد بن حسن طوسی رحمه الله نیز در کتاب الغیبه بیان کرده است (۲).

۷. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد باقر علیه السلام»

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مُخَيَّرًا السَّابِعُ مِنْ وُلْدِي الْقَائِمُ»؛ (۳) «دوازده محدث از ما است؛ قائم هفتمین از فرزندان من است».

۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام صادق علیه السلام»

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «مَنْ أَقَرَّ بِالِائِمَّةِ مِنْ آبَائِي وَ وُلْدِي وَجَحَدَ الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تُبَوَّئُهُ»؛ «هر کس به امامان، از پدرانم و فرزندانم اقرار کند و امامت فرزندانم «مهدی» را منکر شود؛ مانند کسی است که به همه پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم عقیده داشته باشد و نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند».

عرض کردم: ای آقای من! مهدی کدام یک از فرزندان شما است؟ فرمود: «الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ»؛ (۴) «پنجمین از فرزندان امام هفتم (موسی بن جعفر) است که شخص او، از شما پنهان می شود و نام بردنش برایتان جایز نیست».

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۵۳؛ و نیز: ر.ک: مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، ص ۱۳۷، پاورقی.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۹۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۹۶، ح ۲۸.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۳۸، ح ۱۲.

۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام»

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا وَقَعَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْغِيَابِ جَارِيَةٌ فِي الْقَائِمِ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقَعْدَةَ بِالْقَعْدَةِ»؛ «سنت های پیامبران با غیبت هایی که بر آنان واقع شده است، در قائم ما اهل بیت، مو به مو و مورد به مورد پدیدار می شود».

ابوبصیر می گوید: عرض کردم: قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: «ای ابو بصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است. او فرزند بهترین کنیزان است و غیبتی کند که باطل جویان در آن شک کنند. پس خدای تعالی او را آشکار کند و به دست او، شرق و غرب عالم را بگشاید. روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن گردد و در آن بقعه ای نباشد که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود. همه دین از آن خدای تعالی گردد؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید».^(۱)

یونس بن عبدالرحمان از امام صادق علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟ آن حضرت فرمود: «من قائم به حق هستم؛ لیکن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک کند و آن را از عدل و داد آکنده سازد چنان که پر از ظلم و جور شده باشد او پنجمین از فرزندان من است و او را غیبتی طولانی است؛ زیرا بر جان خود می هراسد...»^(۲)

۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام رضا علیه السلام»

در روایتی آمده است: وقتی از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: قائم از شما کیست؟ آن حضرت فرمود: «الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدِهِ الْأَمَاءِ يَطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيَقْدُسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ...»^(۳) «چهارمین از فرزندان من، پسر سرور کنیزان است؛ خداوند به واسطه او زمین را از هر ستمی پاک گرداند...».

رِيَانِ بْنِ صَلْتٍ می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۳۸، ح ۳۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۱، ح ۵.

«من صاحب الامر هستم؛ اما آن کسی که زمین را از عدل آکنده می سازد همچنان که پر از جور شده باشد نیستم. چگونه او باشم؛ در حالی که ضعف بدن مرا می بینی! قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیام می کند. او نیرومند است. به گونه ای که اگر دستش را به بزرگ ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای بر می کند و اگر بین کوه ها فریاد بر آورد، صخره های آن فرو می پاشد. عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است. او چهارمین از فرزندان من است. خداوند او را در ستر خود نهان سازد؛ سپس او را ظاهر کند و به واسطه او، زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد» (۱).

۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام»

عَبْدُ الْعَظِيمِ حَسَنِي مِي گويد: بر آقاي خود امام جواد عليه السلام وارد شدم؛ مي خواستم از قائم پرسش كنم كه آيا مهدی او است يا غير او؟ امام آغاز سخن كرد و فرمود: «يا ابا القاسم انّ القائم منا هو المهدى الذي يجب ان ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره و هو الثالث من وُلدي...»؛ (۲) «ای ابو القاسم! قائم ما اهل بيت، همان مهدی [موعودی] است كه بايد در غيبتش، او را انتظار كشند و در ظهورش، او را فرمان برند. او سومين از فرزندان من است...».

۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام هادی علیه السلام»

صقر بن ابي دلف گويد: از امام جواد عليه السلام شنيدم كه مي فرمود: «امام پس از من، فرزندم علي است. دستور او دستور پدرش و سخن او سخن پدرش و اطاعت او اطاعت پدرش است». سپس سكوت كرد. گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام پس از حسن كيست؟ او به شدت گريست و سپس فرمود: «پس از حسن فرزندش قائم به حق امام منتظر است». گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می گویند؟ فرمود: «زیرا پس از آنکه يادش از بين برود و اكثر معتقدان به امامتش مرتد شوند، قیام می کند...» (۳).

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۱، ح ۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۶، ح ۱.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۷، ح ۳.

امام هادی علیه السلام نیز فرمود: «الْخَلْفُ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالُوا لَأَنَّا نَكُنُّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ نَذْكُرُهُ فَقَالُوا الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»؛ (۱) «جانشین پس از من پسر من حسن است و شما با جانشین پس از او چگونه خواهید بود؟ گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او بر شما روا نباشد. عرض کردم: پس چگونه او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل محمد علیهم السلام».

پس از این دسته روایات، روایت های فراوانی وجود دارد که پدر آن حضرت را به روشنی تمام معرفی کرده است و از آنجایی که بحث مفصلی را می طلبد، در درس بعد بیان خواهد شد.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۷، ص ۳۸۱، ح ۵ و باب ۵۶.

خودآزمایی

۱. چهار دسته از روایاتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مستقیماً به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده است، ذکر کنید و یک مورد آن را توضیح دهید.
۲. روایتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام دانسته است، چگونه پاسخ داده می‌شود؟
۳. به دو روایت که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسین علیه السلام معرفی کرده، اشاره کنید.
۴. روایتی که در آن از حضرت مهدی علیه السلام به عنوان نسلی از امام رضا علیه السلام یاد شده، کدام است؟ توضیح دهید.
۵. امام هادی علیه السلام به عنوان پدر بزرگ حضرت مهدی علیه السلام، در باره نسب آن حضرت چه فرموده است؟

===

منابع برای پژوهش:

۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ ه. ش).
۲. العمیدی، سید ثامر هاشم، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه، محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ ه. ش).
۳. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ ه. ش).
۴. محمد جواد طبسی، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ه. ش).

درس نهم: پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

جلوه هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام

۱. کوشش های علمی

۲. گسترش شبکه و کالت

۳. فعالیت های سرّی

۴. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان

۵. تقویت و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهم شیعه

۶. استفاده گسترده از آگاهی غیبی

۷. معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان جانشین

۸. آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت

حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنّت

امام حسن عسکری علیه السلام فرزند امام علی النقی علیه السلام، پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یازدهمین پیشوای شیعیان است. آن حضرت در ماه ربیع الاول یا ربیع الثانی سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ هـ در مدینه، چشم به جهان گشود. مادرش بانویی پارسا و شایسته به نام «حَدِیْثَه» علیها السلام، بود که برخی، از او به نام «سوسن» یاد کرده اند. (۱)

از آنجا که پیشوای یازدهم به دستور خلیفه عباسی در «سامرا»، در محله «عسکر» سکونت اجباری داشت، «عسکری» نامیده می شود. (۲) از مشهورترین القاب آن حضرت، «نقی»، «زکی»، «فاضل»، «امین» و کنیه اش «ابو محمد» است. او ۲۲ ساله بود که پدر ارجمندش به شهادت رسید. مدت امامتش شش سال و عمر شریفش ۲۸ سال بود. امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هـ در حالی که تنها پسر او به عنوان آخرین حجت الهی در سن پنج سالگی قرار داشت، به شهادت رسید و در خانه خود در سامرا در کنار مرقد پدرش به خاک سپرده شد. (۳)

درباره ویژگی‌های آن حضرت آورده اند: رنگش گندم گون، چشمانش درشت و سیاه، رویش زیبا، قامتش معتدل و اندامش متناسب بود و با آنکه جوان بود، بزرگان قریش و دانشمندان زمان خود را تحت تأثیر و نفوذ قرار می داد. دوست و دشمن به برتری او در علم، حلم، جود، زهد، تقوا و سایر مکارم اخلاقی اذعان داشتند. (۴)

مدت کوتاه عمر امام به سه دوره تقسیم می شود: تا چهار سال و چند ماهگی (و بنا به یک قول تا

۱- ر. ک: محمد بن یعقوب محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

۲- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، باب ۱۷۶، ص ۲۳۰.

۳- ر. ک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام، ص ۶۱۵.

۴- ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

سیزده سالگی)، در مدینه به سر برد. تا ۲۳ سالگی به اتفاق پدر بزرگوارش در سامرا می زیست و تا ۲۸ سالگی (شش سال و اندی پس از شهادت امام دهم)، در سامرا ولایت بر امور و پیشوایی شیعیان را بر عهده داشت.

امام عسکری علیه السلام در مدت کوتاه امامت خویش با سه تن از خلفای عباسی (المعتز بالله، المهتدی بالله، المعتمد بالله) که هر یک از دیگری ستمگرتز بودند؛ معاصر بود.

مشهور بین شیعه آن است که امام عسکری علیه السلام فرزندی جز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خود به یادگار نگذاشت. (۱) شیخ مفید در این باره تصریح کرده است: «... ولم یخلف ابوه ولداً ظاهراً ولا باطناً غیره...» (۲).

جلوه‌هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام

اشاره

روایات بسیاری از ناحیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام مبنی بر امامت پیشوایان دوازده گانه وارد شده و در آنها، به طور روشن، به نام مقدس ایشان از جمله امام حسن بن علی عسکری علیهما السلام اشاره شده است. اضافه بر آنکه در روایات نقل شده از پدر بزرگوارش، به امامت آن حضرت تصریح شده است.

جابر بن عبدالله انصاری، با اشاره به لوحی که در دستان مبارک حضرت زهرا علیها السلام مشاهده کرده بود؛ به امامت و نام امام عسکری علیه السلام تصریح کرده است. (۳)

آن حضرت، با همه فشارها و مراقبت‌های بی‌وقفه حکومت عباسی، یک سلسله فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی، در جهت حفظ اسلام و مبارزه با افکار ضد اسلامی انجام می داد. گوشه‌ای از این فعالیت‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع مهدویت دارد به شرح زیر است:

۱. کوشش علمی در دفاع از اسلام و ردّ شبهات

امام عسکری علیه السلام گرچه به جهت شرایط نامساعد و محدودیت‌های شدید حکومت عباسی، موفق

۱- برخی مدعی شده اند امام عسکری علیه السلام بجز امام مهدی علیه السلام دارای فرزندی یا فرزندان دیگری نیز بوده است.

ر. ک: محمد جواد طوسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۵۹ و ۶۰.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۸، ح ۱.

به گسترش دانش بی کران خود در تمام جامعه نشد؛ اما شاگردانی تربیت کرد که هر کدام در نشر معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان، نقش مؤثر و ارزنده‌ای داشتند.

شیخ طوسی رحمه الله تعداد شاگردان آن حضرت را افزون بر یک صد نفر ثبت کرده است.^(۱) در میان آنان چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته و وارسته‌ای به چشم می‌خورند؛ مانند: احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، ابو عمرو عثمان بن سعید عمّری، علی بن جعفر و محمد بن حسن صفّار.

۲. ایجاد حلقه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان

در پی تلاش‌های فراوان امامان پیشین علیهم السلام، در زمان امام عسکری علیه السلام تشیع در مناطق و شهرهای مختلف، گسترده شده و شیعیان در نقاط فراوانی زندگی می‌کردند.

گسترده‌گی و پراکنندگی مراکز تجمع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاب می‌کرد تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت و نیز ارتباط آنان را با هم دیگر برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی، رهبری و سازماندهی کند.

این نیاز، از زمان امام نهم علیه السلام احساس می‌شد و چنان‌که در سیره آن حضرت و امام دهم علیه السلام آمده، شبکه ارتباطی وکالت و نصب نمایندگان در مناطق گوناگون، از آن زمان وجود داشته است.

این برنامه در زمان امام عسکری علیه السلام نیز تعقیب گردید. بنا بر اسناد و شواهد تاریخی، آن حضرت نمایندگان از میان شخصیت‌های برجسته شیعیان، در مناطق متعدد منصوب کرده و با آنان در ارتباط بود و از این طریق، پیروان تشیع را در همه مناطق زیر نظر داشت.

یکی از نمایندگان امام «احمد بن اسحاق بن عبدالله قمی اشعری»، از یاران خاص امام و از شخصیت‌های بزرگ شیعی در قم بود. بعضی از دانشمندان علم رجال، از او به عنوان رابط بین قمی‌ها و امام و از جمله اصحاب خاص آن حضرت یاد کرده‌اند.^(۲) اما دانشمندان دیگر، او را وکیل و نماینده امام دانسته‌اند.^(۳) از روایتی در بحارالانوار استفاده می‌شود که او نماینده امام در موقوفات قم بوده است.

در رأس وکیلان امام، «محمد بن عثمان عمّری قدس سرّه» قرار داشت و وکلای دیگر، به وسیله او با امام در ارتباط بودند. آنان نوعاً اموال و وجوهات جمع‌آوری شده را به وی تحویل می‌دادند و او آنها را

۱- محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۴۲۷ به بعد.

۲- نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۶ - محمد بن حسن طوسی، الفهرست، ص ۲۳.

۳- طبسی، حیاه الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۳۳.

به محضر امام علیه السلام می‌رساند. (۱)

علاوه بر شبکه ارتباطی و کالت، امام از طریق اعزام پیک‌ها، با شیعیان و پیروان خود ارتباط برقرار می‌ساخت و مشکلات آنان را برطرف می‌کرد.

گذشته از پیک‌ها، امام از طریق مکاتبه با شیعیان، ارتباط داشت و آنان را در موقعیت‌های حساس راهنمایی می‌کرد. نامه‌ای که امام به «ابن بابویه» نوشته، نمونه‌ای از این نامه‌ها است. امام دو نامه نیز به شیعیان قم و آبه (آوه) نوشته که متن آنها در کتاب‌ها مضبوط است. (۲) بر اساس روایتی، امام عسکری علیه السلام بامداد روز هشتم ربیع الأول سال ۲۶۰ هـ اندکی پیش از رحلت، نامه‌های فراوانی به مردم مدینه نوشت.

۳. فعالیت‌های سیاسی سَری

امام عسکری علیه السلام با وجود تمامی محدودیت‌ها و کنترل‌های دستگاه خلافت، یک سلسله فعالیت‌های سیاسی سَری را رهبری می‌کرد که با گزینش شیوه‌های پنهان کاری، از چشم بیدار و مراقب جاسوسان دربار، به دور می‌ماند.

در این زمینه نمونه‌های فراوانی وجود دارد که به یک مورد آن اشاره می‌شود: عثمان بن سعید عَمَری از نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین یاران امام علیه السلام در پوشش روغن فروشی فعالیت می‌کرد. شیعیان و پیروان آن حضرت، اموال و وجوه خود را به او می‌رساندند و او آنها را در ظرف‌های روغن قرار داده، به حضور امام علیه السلام می‌رساند. (۳)

۴. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان

یکی دیگر از موضع‌گیری‌های امام عسکری علیه السلام، حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان به ویژه از یاران خاص و نزدیک آن حضرت بود. این اقدام امام، مانع از آن می‌شد که آنان زیر فشار مالی، جذب دستگاه حکومت عباسی شوند. (۴)

۱- محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۳۲، ح ۱۰۱۵.

۲- حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ص ۴۸۶.

۳- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۱۴.

۴- شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۴، ص ۴۳۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۴۲؛ سید محسن امین، اعیان الشیعه، ص ۴۰؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ط ۳، ص ۳۷۲؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۸.

۵. آگاهی بخشی سیاسی به چهرهای برجسته شیعه

از دیگر فعالیت‌های سیاسی امام عسکری علیه السلام، تقویت و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه، در برابر فشارها و سختی‌های مبارزات سیاسی، برای حمایت از آرمان‌های بلند تشیع بود. از آنجا که شخصیت‌های بزرگ شیعه در فشار بیشتری بودند، امام به تناسب مورد، آنان را راهنمایی می‌کرد و روحیه آنان را بالا می‌برد. همچنین می‌کوشید صبر و آگاهی آنان در برابر فشارها، تنگناها و تنگدستی‌ها فزونی یابد تا آنان بتوانند مسؤولیت بزرگ اجتماعی و سیاسی و وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهند.

۶. بهره‌گیری از دانش غیبی برای ارشاد دیگران

امامان علیهم السلام، در پرتو ارتباط با پروردگار جهان، از دانش غیبی برخوردار بودند و در مواردی که اساس حقانیت اسلام یا مصالح عالی امت اسلامی، در معرض خطر قرار می‌گرفت، از این آگاهی به صورت «ابزار هدایت» استفاده می‌کردند. پیشگویی‌ها و گزارش‌های غیبی آنان، بخش مهمی از زندگی ایشان را در بر می‌گیرد؛ با مطالعه در زندگی امام عسکری علیه السلام، چنین به نظر می‌رسد که: آن حضرت بیش از امامان دیگر، دانش غیبی خود را آشکار می‌ساخته است. (۱)

شاید علت این امر، شرایط نامساعد و جوّ پراختن‌گرا بود که امام یازدهم و پدرش امام هادی علیهما السلام، در آن زندگی می‌کردند؛ زیرا پس از انتقال امام هادی علیه السلام به سامرا، آن حضرت به شدت تحت مراقبت و کنترل بود. از این رو امکان معرفی فرزندش «امام حسن علیه السلام» به عموم شیعیان، به عنوان امام بعدی وجود نداشت و اصولاً این کار، حیات او را از ناحیه حکومت وقت، در معرض خطر جدی قرار می‌داد. به همین جهت کار معرفی امام عسکری علیه السلام به شیعیان و گواه گرفتن آنان در این باب، در ماه‌های پایانی عمر امام هادی علیه السلام صورت گرفت؛ (۲) به طوری که هنگام رحلت آن حضرت، عده‌ای از شیعیان از امامت حضرت «حسن عسکری علیه السلام» آگاهی نداشتند. (۳)

امام عسکری علیه السلام برای زدودن زنگار شک‌ها و تردیدها و نیز برای حفظ یاران خود از خطر و یا هدایت گمراهان، ناگزیر می‌شد پرده‌های حجاب را کنار زده، از آن سوی جهان ظاهر خبر دهد.

۱- محمد جواد طبسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۱۲۱.

۲- محمد جواد طبسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۱۷.

۳- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۳۴.

۷. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین

یکی از مسؤولیت های خطیر امام عسکری علیه السلام، معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین خود بود. این مهم زمانی سخت تر می شد که آن حضرت می بایست بنا به دلایلی، فرزند خود را در پرده «پنهان زیستی» نگه دارد تا از گزند بدخواهان در امان بماند.

با این حال در موارد فراوانی آن حضرت، به معرفی جانشین خود به افراد موثق پرداخته است. عمده تعابیری که امام یازدهم برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار برده، بدین قرار است:

«هذا صاحبکم بعدی...»؛ (۱) «این بعد از من صاحب شما است...».

«ان ابنی هو القائم من بعدی...»؛ (۲) «همانا فرزندم قائم بعد از من است...».

«هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم...»؛ (۳) «این پیشوای شما پس از من و جانشین من بر شما است...».

«ابنی محمد هو الامام الحجه بعدی...»؛ (۴) «فرزندم محمد همان امام و حجت پس از من است...».

و مواردی از این قبیل که در کتاب ها بدان اشاره شده است.

۸. آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آنجا که غایب شدن امام و رهبر هر جمعیتی، یک حادثه غیر طبیعی و نامأنوس است و باور کردن آن و نیز تحمل مشکلات ناشی از آن، برای نوع مردم دشوار است؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان پیشین علیهم السلام، به تدریج مردم را با این موضوع آشنا ساخته، افکار را برای پذیرش آن آماده می کردند.

این تلاش در عصر امام هادی و عسکری علیهما السلام، به صورت محسوس تری به چشم می خورد؛ چنان که امام هادی علیه السلام بعضی از اقدامات را به وسیله نمایندگان انجام می داد و خود کمتر با افراد تماس می گرفت. این امر در زمان امام عسکری علیه السلام، جلوه بیشتری یافت؛ زیرا با وجود تأکید بر تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، او را تنها به شیعیان خاص و بسیار نزدیک نشان می داد. از طرف دیگر تماس مستقیم شیعیان با خود آن حضرت نیز روز به روز محدودتر و کمتر می شد؛ به طوری که حتی در شهر

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۴.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۲.

٤- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٤٠٩، ح ٩.

سامرا از طریق نامه یا به وسیله نمایندگان خویش، به مردم پاسخ می داد. بدین ترتیب آنان را برای تحمل اوضاع و شرایط عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آماده می ساخت. این همان روشی است که امام دوازدهم علیه السلام در زمان غیبت صغرا در پیش گرفت و شیعیان را به تدریج برای دوران غیبت کبرا آماده ساخت. (۱)

حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

اشاره

متأسفانه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، اتفاقات ناگواری رخ داد که برخی از آنها بدین قرار است:

۱. بازجویی از خانه آن حضرت

لحظاتی از شهادت امام عسکری علیه السلام سپری نشده بود که دژخیمان، با سعایت افرادی، به خانه امام هجوم بردند تا شاید در این رهگذر به امام غایب دست یازند.

۲. برخورد جعفر کذاب با مادر امام عسکری علیه السلام بر سر میراث

۳. بازجویی از خانه‌ها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳. بازجویی از خانه‌ها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ (۲)

۴. ترور، حبس، تهدید و آزار شیعیان

شیخ مفید از تهدیدات علیه شیعه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، به عنوان یکی از تلخ ترین فرازهای تاریخ تشیع یاد کرده است. (۳)

۵. اختلاف و چند دستگی بین شیعیان

یکی از حوادث کمر شکن پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، تفرقه ای بود که در میان برخی از شیعیان رسوخ کرد و آنها را از یکپارچگی خارج نمود. البته این تفرق پیش از آن، از سوی امام عسکری علیه السلام پیش بینی شده بود. ابوغانم می گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: در سال ۲۶۰ پیروانم فرقه فرقه می شوند.

آن گاه در ادامه ابوغانم می گوید: در آن سال امام عسکری علیه السلام رحلت فرمود و پیروان و یارانش

۱- با استفاده از: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام، ص ۶۱۵ - ۶۶۲.

۲- ر. ک: کافی، ج ۱، ص ۵۰۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۳.

٣- شيخ مفيد، الارشاد، ص ٣٢٥؛ بحار الانوار، ج ٥٠، ص ٣٣٤.

متفرق شدند. دسته ای خود را منتسب به جعفر (پسر امام دهم) کردند، گروهی سرگردان شدند، عده‌ای به شک افتادند، دسته‌ای در حالت تحیر ایستادند و جمعی دیگر به توفیق خدای تعالی، بر دین خود ثابت ماندند.^(۱)

پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنت

یکی از موارد اختلاف بین شیعه و سنی در موضوع مهدویت، اختلاف در پدر حضرت مهدی علیه السلام است. شیعه با ارائه ادله فراوان ثابت کرده که پدر حضرت مهدی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام است، در حالی که اغلب اهل سنت، با بیان برخی روایات در این زمینه، بر این باورند که نام پدر حضرت مهدی علیه السلام عبدالله، هم نام پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

دانشمندان شیعه، اگر چه با حفظ امانت کامل، برخی از این احادیث را هر چند که صحیح نمی‌دانسته‌اند بدون کم و کاست از کتاب‌های اهل سنت نقل کرده‌اند؛ اما هرگز تردید در این موضوع به خود راه نداده‌اند.

بعضی از احادیثی که اهل سنت با استناد به آنها، چنین دیدگاهی را انتخاب کرده‌اند؛ بدین قرار است:

الف. ابن ابی شیبیه، طبرانی و حاکم، از عاصم بن ابی النجود، از زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا تذهب الدنيا حتى يبعث الله رجلا يواطئ اسمه اسمي، و اسم ابيه اسم ابي»؛^(۲) «دنيا از میان نمی‌رود، مگر اینکه خداوند مردی را بر می‌انگیزاند که نام او هم نام من و نام پدرش نام پدر من است».

ب. ابو عمرو دانی و خطیب بغدادی، از عاصم بن ابی النجود از زر بن حبیش، از عبدالله بن مسعود نقل کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا تقوم الساعة حتى يملك الناس رجل من اهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي و اسم ابيه اسم ابي»؛^(۳) «قیامت بر پا نمی‌شود؛ مگر آنکه مردی از خاندان من بر همه مردم پادشاهی کند، نام او هم نام من و نام پدرش نام پدر من است».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۶.

۲- ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۱۵، ص ۱۹۸، ح ۱۹۴۹۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۶۳، ح ۱۰۲۱۳ و ص ۱۶۶، ح ۱۰۲۲۲؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۲؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱.

۳- سنن ابو عمرو دانی، ص ۹۴ و ۹۵؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۷۰.

ج. نعیم بن حماد، خطیب و ابن حجر، همگی از عاصم، از زرّ بن حبیش از ابن مسعود روایت کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی یواطئ اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی»؛^(۱) «مهدی نامش هم نام من و نام پدرش نام پدر من است».

د. نعیم بن حماد به سند خودش از ابو الطفیل آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی»؛^(۲) «مهدی نامش نام من و نام پدرش، نام پدر من است».

هیچ یک از این احادیث، نمی تواند حجّت و دلیلی محکم، بر ادعای کسانی باشد که نام پدر مهدی علیه السلام را «عبدالله» دانسته اند. سند حدیث چهارم به اتفاق همه محدثان ضعیف است؛ زیرا یکی از راویان آن رشدین بن سعد است؛ یعنی همان «رشدین بن ابی رشدین» است که همه بزرگان اهل سنت در علم رجال بر ضعف او اتفاق دارند.^(۳) بدین ترتیب و بدون شک در چنین امر مهمی، نمی توان سخن این گونه افراد را پذیرفت.

سه حدیث نخستین، نیز نمی توانند حجّت و دلیل باشند؛ چون عبارت «نام پدرش نام پدر من است» را بزرگان و حافظان حدیث نقل نکرده اند و تنها جمله «نام او، نام من است» را همگان، بدون اضافه‌ای دیگر آورده‌اند.

برخی از پژوهشگران اهل سنت که روایت کنندگان از عاصم بن ابی النجود را مورد بررسی قرار داده اند به این مطلب تصریح کرده و گفته اند: این اضافه در اصل حدیث نیست.

از طرف دیگر، هر سه حدیث، فقط به ابن مسعود، ختم می شود و حال آنکه در مسند احمد در چند مورد، همین حدیث از ابن مسعود نقل شده که با جمله «نام او، نام من است»، پایان یافته است.^(۴)

ترمذی می گوید: حدیث از علی علیه السلام، ابو سعید خدری، ام سلمه و ابوهریره، فقط با لفظ «نام او، نام من است» روایت شده است. آن گاه بعد از نقل حدیث ابن مسعود با این لفظ می افزاید: «در این باب، از علی، ابوسعید، ام سلمه و ابوهریره روایت شده و این حدیث نیکو و صحیح است».^(۵)

طبرانی در المعجم الکبیر آن را از ابن مسعود، از چند طریق فقط با لفظ «نام او نام من است» در

۱- تاریخ بغداد، ص ۳۹۱؛ نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ح ۳۸۶۷۸ به نقل از ابن عساکر.

۲- نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۱۰۸۰.

۳- ر. ک: تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۱۹۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۴۰.

۴- احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۴۳۰ و ۴۴۸.

۵- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۲۲۳۰.

حدیث های ۱۰۲۱۴ به بعد، نقل کرده است.

حاکم نیز در مستدرک، حدیث را از ابن مسعود فقط با جمله «نام او نام من است»، نقل کرده و گفته است: «این حدیث با شرط شیخین صحیح است و آنان آن را نقل نکرده اند» (۱).

بغوی در مصابیح السنه حدیث را بدون اضافه نقل کرده و گوید: حدیث نیکو است (۲). مقدسی شافعی تصریح می کند: این افزوده را بزرگان حدیث روایت نکرده اند. پس از نقل حدیث بدون آن اضافه می نویسد: «گروهی از بزرگان حدیث، در کتاب های خود به همین گونه آورده اند؛ مانند: ابو عیسی ترمذی در جامع، ابی داود در سنن و حافظ ابو بکر بیهقی و شیخ ابو عمر دانی» (۳).

سپس حدیث های دیگری در تأیید درستی نقل خود از بزرگانی چند مانند طبری، احمد بن حنبل، ترمذی، ابو داود، حافظ ابو داود و بیهقی به نقل از عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر و حذیفه می آورد (۴).

همان گونه که اشاره شد، ترمذی این حدیث را از حضرت علی علیه السلام، ابوسعید خدری، ام سلمه و ابوهریره فقط با جمله «نام او، نام من است»، روایت کرده است. بنابراین اگر جمله «و نام پدرش، نام پدر من است» در متن اصلی روایت ابن مسعود می بود، قابل تصور نیست که همه این شخصیت های یاد شده، به اتفاق آن را حذف کرده باشند؛ هر چند آنان از عاصم بن ابی النجود هم روایت کرده باشند!

اما اینکه چگونه این افزوده به روایت ها راه یافته، احتمالاتی قابل طرح است:

۱. از سوی پیروان و یاران حسنی ها به منظور اثبات مهدویت محمد بن عبد الله بن حسن مثنی، اضافه شده است.
۲. از سوی طرفداران بنی عباس، جهت تأیید مهدویت محمد بن عبدالله (ابو جعفر) منصور عباسی، به حدیث ابن مسعود افزوده شده است. این احتمال، زمانی به واقعیت نزدیک می شود که بدانیم محمد بن عبد الله بن حسن مثنی، لکنت زبان داشته و لذا پیروانش دروغ دیگری به وایت ابوهریره افزوده و روایت را چنین نقل کرده اند: «به درستی که مهدی نامش محمد بن عبدالله است و در

۱- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۲.

۲- مصابیح السنه، ص ۴۹۲، ح ۴۲۱۰.

۳- عقد الدرر، ص ۵۱، باب ۲.

۴- عقد الدرر، ص ۵۱، ۵۶، باب ۲.

زبان‌ش‌گندی وجود دارد»^(۱).

بر این اساس هر سه حدیث نخستین، با نقل حافظان حدیث از عاصم مخالفت دارد. از این رو حافظ ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ه) در مناقب المهدی این حدیث را با ۳۳ سلسله راویان مختلف تا عاصم، نقل کرده است. در این نقل‌ها حتی یکی از آنها عبارت «و نام پدرش نام پدر من است» را ندارد و با عبارت «نام او نام من است» پایان یافته است.

گنجی شافعی (م ۶۳۸ ه) متن اصفهانی را نقل و اضافه می‌کند: «این حدیث را غیر از عاصم، دیگرانی هم مانند عمرو بن حره، از زرّ نقل کرده اند و همگی با «نام او نام من است»، آن را به پایان برده اند؛ جز روایتی که عبارت «و نام پدرش نام پدر من است» را دارد.

کوتاه سخن اینکه چنین اضافه ای پذیرفتنی نیست؛ به خصوص که: احمد بن حنبل «با دقتی که در ضبط حدیث دارد»، این حدیث را چند بار در مسندش با جمله «و نامش نام من است»، نقل کرده است»^(۲).

از بحث‌های گذشته روشن می‌شود که تبار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به امام حسین علیه السلام می‌رسد و دیگر احادیثی که خلاف این را می‌رسانند، ضعیف و بی اعتبار بوده هیچ قرینه ای بر صحت آنها در دست نیست. با توجه به نتیجه بحث‌های گذشته نیز به دست می‌آید: نقل متواتر نزد مسلمانان نیز، همین نتیجه را تأیید می‌کند.^(۳)

۱- ر. ک: مقاتل الطالین، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۸۲.

۳- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، صص ۱۰۷۹۲ (با تصرف).

خود آزمایی

۱. به سه جلوه از جلوه های زندگی امام عسکری علیه السلام اشاره کرده، آنها را شرح دهید.
۲. امام عسکری علیه السلام برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان جانشین خود از چه تعبیری استفاده فرمود؟
۳. امام عسکری علیه السلام چگونه مردم را برای تحمل دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می... کردند؟
۴. تفاوت دیدگاه شیعه و اهل سنت را در باره پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرح دهید.
۵. به روایاتی که پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند، چگونه می توان پاسخ داد؟
۶. علاوه بر آنچه در درس آمده، به دلیلی در ردّ روایات «نام پدر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است»، اشاره کنید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد جواد طبسی، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ه . ش).
۲. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ ه . ش).
۳. مسجد جمکران، آخرین خورشید پیدا، نگرشی کوتاه بر زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، (مسجد جمکران، ۱۴۱۵ ه . ش).
۴. باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، (کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، ۱۳۷۱ ه . ش).
۵. سید محمد تقی مدرسی، زندگانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، ترجمه محمد صادق شریعت، (محبان الحسین

عليه السلام، ١٣٧٩ هـ . ش).

درس دهم: مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نام های مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بررسی روایتی درباره مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آنجایی که امامان معصوم علیهم السلام دارای عظمتی خاص هستند، می‌بایست پدر و مادرشان نیز دارای کمالات فراوانی باشند و از رَجَم های پاک، به دور از هر گونه آلودگی، پای به عرصه عالم دنیا بگذارند. مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان کسی که آخرین حَبَّت الهی را به دنیا می‌آورد، باید از کمالات معنوی، بهره فراوانی داشته باشد.

متأسفانه به دلایلی شناخت ما از آن بانوی بزرگوار بسیار محدود و ناچیز است و در منابع روایی، سخن چندانی در باره ایشان وجود ندارد. با توجه به این نکته تلاش شده در این درس در حد امکان در باره آن بانوی بزرگ مطالبی ارائه شود.

نام‌های مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در کانون خانواده امام عسکری علیه السلام، آن بانوی گرامی را به نام های مختلفی از قبیل: «نرجس»، «سوسن»، «صقیل» (یا «صیقل»)، «حدیثه»، «حکیمه»، «ملیکه»، «ریحانه» و «خبط» صدا می‌زدند.

از دیدگاه یکی از پژوهشگران علت تعدد نام های آن بانو، می‌تواند چند چیز باشد:

۱. علاقه و محبت فراوان مالک او به وی، باعث شده بود با بهترین اسم ها و زیباترین نام ها، او را صدا بزنند. از این رو تمام نام های آن بانو، از اسامی گل ها و شکوفه ها است؛ چون مردم این صداها و نام های مختلف را شنیده بودند، می‌پنداشتند که تمام اینها اسامی آن بانوی بزرگوار است.

۲. این بانوی گرامی پس از اینکه وارد کانون خانواده امام علیه السلام شد، خط مشی و مسیر دیگری بر خلاف سایر کنیزان داشت؛ زیرا او مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. او فشار و ظلم

ستمگران و حکومت ها را می دید و می دانست مدتی باید در زندان به سر برد. او می دانست که باید برای حفظ خود و فرزند گرامی اش، نقشه هایی بیندیشد، تا حاکمان وقت، ندانند صاحب کدام نام را باید زندانی کنند و حامل نور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است. بر این اساس هر روز نامی تازه برای خود می نهاد و در خانواده امام علیه السلام او را به این نام ها می خواندند تا دشمنان خیال کنند که این نام های مختلف، مربوط به چند نفر است و نفهمند این اسامی، همه مربوط به یک نفر است. (۱)

سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اگر چه از سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن صریح و روشنی در دست نیست؛ اما طبق قول مشهور که از برخی روایات به دست می آید ایشان کنیزی بود که در جنگ اسیر شد و پس از آن به خانواده گرامی امام عسکری علیه السلام پیوست.

در مجموع می توان روایات مربوط به مادر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که آن بانوی بزرگوار را شاهزاده ای رومی معرفی کرده است.

۲. روایاتی که آن بانوی بزرگ را تربیت شده خانه حکیمه خاتون دانسته است.

۳. روایتی که علاوه بر تربیت ایشان، ولادت آن بانوی بزرگ را نیز در خانه حکیمه ذکر کرده است. (۲)

۴. روایاتی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بانویی سیاه پوست دانسته است.

بررسی روایات دسته نخست:

یکی از روایت های مشهور، حکایت از آن دارد که مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شاهزاده ای رومی است که اعجاز گونه، به بیت شریف امام عسکری علیه السلام راه یافته است. شیخ صدوق در داستان مفصلی، حکایت مادر حضرت مهدی علیه السلام را این گونه نقل کرده است:

بشر بن سلیمان نخاس گفت: من از فرزندان ابویوب انصاری و یکی از موالیان امام هادی

۱- پژوهشی در زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نگرشی به غیبت صغرا، ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۲- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۲.

و امام عسکری علیهما السلام و همسایه آنان در «سرّ من رای» بودم. مولای ما امام هادی علیه السلام مسائل «برده فروشی» را به من آموخت و من جز با اذن او، خرید و فروش نمی کردم. از این رو از موارد شبهه ناک پرهیز می کردم تا آنکه معرفتم در این باب کامل شد و فرق میان حلال و حرام را نیکو دانستم.

یک شب در «سرّ من رای» که در خانه خود بودم و پاسی از شب گذشته بود کسی در خانه را کوفت. شتابان به پشت در آمدم، دیدم کافور فرستاده امام هادی علیه السلام است که مرا به نزد آن حضرت فرا می خواند. لباس پوشیدم و بر ایشان وارد شدم. دیدم با فرزندش ابومحمد و خواهرش حکیمه خاتون از پس پرده گفت و گو می کند. وقتی نشستیم، فرمود: ای بشر! تو از فرزندان انصاری و ولایت ائمه علیهم السلام پشت در پشت، در میان شما بوده است و شما مورد اعتماد ما اهل بیت هستید. من می خواهم تو را مشرف به فضیلتی سازم که بدان بر سایر شیعیان در موالات ما سبقت بجویی. تو را از سرّی مطلع می کنم و برای خرید کنیزی گسیل می دارم. آن گاه نامه ای به خط و زبان رومی نوشت و آن را به هم پیچید و با خاتم خود مهر کرد. دستمال زرد رنگی را که در آن ۲۲۰ دینار بود بیرون آورد و فرمود: آن را بگیر و به بغداد برو و ظهر فلان روز، در معبر نهر فرات حاضر شو و چون زورق های اسیران آمدند، جمعی از و کیلان فرماندهان بنی عباس و خریداران و جوانان عراقی دور آنها را بگیرند.

وقتی چنین شد، شخصی به نام عمر بن یزید برده فروش را زیر نظر بگیر و چون کنیزی را که صفتش چنین و چنان است و دو تکه پارچه حریر در بر دارد، برای فروش عرضه بدارد و آن کنیز از گشودن رو و لمس کردن خریداران و اطاعت آنان سرباز زند، تو به او مهلت بده و تأملی کن. برده فروش آن کنیز را بزند و او به زبان رومی ناله و زاری کند و گوید: وای از هتک ستر من! یکی از خریداران گوید: من او را سیصد دینار خواهم خرید که عفاف او باعث فزونی رغبت من شده است و او به زبان عربی گوید: اگر در لباس سلیمان و کرسی سلطنت او جلوه کنی، در تو رغبتی ندارم، اموالت را بیهوده خرج مکن! برده فروش گوید: چاره چیست؟ گریزی از فروش تو نیست! آن کنیز گوید: چرا شتاب می کنی باید خریداری باشد که دلم به امانت و دیانت او اطمینان یابد. در این هنگام برخیز و به نزد عمر بن یزید برو و بگو: من نامه ای سر بسته از یکی از اشراف دارم که به زبان و خط رومی نوشته و کرامت و وفا و بزرگواری و سخاوت خود را در آن نوشته است.

نامه را به آن کنیز بده تا در خُلق و خوی صاحب خود تأمل کند. اگر بدو مایل شد و بدان رضایت داد، من وکیل آن شخص هستم تا این کنیز را برای وی خریداری کنم.

بشرین سلیمان گوید: همه دستورات مولای خود امام هادی را درباره خرید آن کنیز به جای آوردم و چون در نامه نگریست، به سختی گریست و به عمر بن یزید گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش! و سوگند اکید بر زبان جاری کرد که اگر او را به صاحب نامه نفروشد، خود را خواهد کشت. درباره بهای آن گفت و گو کردم تا آنکه بر همان مقداری که مولایم در دستمال زرد رنگ همراه کرده بود، توافق کردیم. دینارها را از من گرفت و من هم کنیز را خندان و شادان تحویل گرفتم و به حجره ای که در بغداد داشتم، آمدمیم. چون به حجره در آمد، نامه مولایم را از جیب خود در آورده، آن را می بوسید و به گونه ها و چشمان و بدن خود می نهاد و من از روی تعجب به او گفتم: آیا نامه کسی را می بوسی که او را نمی شناسی؟ گفت: ای درمانده و ای کسی که به مقام اولاد انبیا معرفت کمی داری! به سخن من گوش فرا دار و دل به من بسپار که من ملیکه دختر یسوعا، فرزند قیصر روم هستم. مادرم از فرزندان حواریون (شمعون وصی مسیح) است. برای تو داستان شگفتی نقل می کنم: جدّم قیصر روم می خواست مرا در سنّ سیزده سالگی، به عقد برادر زاده اش در آورد و در کاخش محفلی از افراد زیر تشکیل داد: سیصد تن از فرزندان حواریون و کشیشان، هفتصد تن از رجال و بزرگان و چهار هزار تن از امیران لشکری و کشوری. تخت زیبایی که با انواع جواهر آراسته شده بود، در پیشاپیش صحن کاخش و بر بالای چهل سکو قرار داد و چون برادر زاده اش بر بالای آن رفت و صلیب ها افراشته گردید و کشیش ها به دعا ایستادند و انجیل ها را گشودند؛ ناگهان صلیب ها به زمین سرنگون گردید. ستون ها فرو ریخت و به سمت میهمانان پرتاب شد. و آن که بر بالای تخت رفته بود، بیهوش بر زمین افتاد. رنگ از روی کشیشان پرید و پشتشان لرزید و بزرگ آنها به جدّم گفت: ما را از ملاقات این نحس ها - که دلالت بر زوال دین مسیحی دارد - معاف کن! جدّم از این حادثه فال بد زد و به کشیش ها گفت: این ستون ها را بر پا سازید و صلیب ها را بر افرازید و برادر این بخت برگشته بدبخت را بیاورید تا این دختر را به ازدواج او در آورم و نحوست او را به سعادت آن دیگری دفع سازم. چون دوباره مجلس جشن برپا شد، همان پیشامد اوّل برای دوّمی نیز تکرار گردید. مردم پراکنده شدند و جدّم قیصر اندوهناک گردید و به داخل کاخ خود در آمد و پرده ها افکنده شد.

در آن شب خواب دیدم که مسیح، شمعون و جمعی از حواریون، در کاخ جدّم گرد آمدند و در همان موضعی که او تخت را قرار داده بود، منبری نصب کردند. پس حضرت محمد به همراه جوانان و شماری از فرزندان او وارد شدند.

مسیح به استقبال او آمد و با او معانقه کرد. آن گاه حضرت محمد به او گفت: ای روح الله! من آمده ام تا از وصی تو شمعون، دخترش ملیکا را برای این پسرم خواستگاری کنم و با دست خود اشاره به ابومحمد صاحب این نامه کرد. مسیح به شمعون نگریست و گفت: شرافت نزد تو آمده است؛ با رسول خدا خویشاوندی کن. گفت: چنین کردم، آن گاه محمد بر فراز منبر رفت و خطبه خواند و مرا به پسرش تزویج کرد. مسیح و فرزندان محمد و حواریون همه گواه بودند و چون از خواب بیدار شدم، ترسیدم اگر این رؤیا را برای پدر و جدّم باز گو کنم، مرا بکشند. آن را در دلم نهان ساخته و برای دیگران باز گو نکردم.

سینه ام از عشق ابومحمد لبریز شد تا به غایتی که دست از خوردن و نوشیدن کشیدم و ضعیف و لاغر و سخت بیمار شدم. در شهرهای روم، طیبی نماند که جدّم او را بر بالین من نیاورد و درمان مرا از وی نخواست و چون نا امید شد، به من گفت: ای نور چشمم! آیا آرزویی در این دنیا داری تا آن را بر آورده سازم؟ گفتم: ای پدر بزرگ! همه درها به رویم بسته شده است، اگر شکنجه و زنجیر را از اسیران مسلمانی که در زندان هستند، بر داری و آنان را آزاد کنی، امیدوارم که مسیح و مادرش شفا و عافیت به من ارزانی کنند. چون پدر بزرگم چنین کرد، اظهار صحت و عافیت نمودم و اندکی غذا خوردم. پدر بزرگم بسیار خرسند شد و به عزّت و احترام اسیران پرداخت. پس از چهار شب دیگر حضرت فاطمه سرور زنان را در خواب دیدم که به همراهی مریم و هزار خدمتکار بهشتی، از من دیدار کردند. مریم به من گفت: این سرور زنان مادر شوهرت ابومحمد است. من به او در آویختم و گریستم و گلایه کردم که ابومحمد به دیدارم نمی آید، آن بانو فرمود: تا تو مشرک و به دین نصارا باشی، فرزندم ابومحمد به دیدار تو نمی آید! این خواهرم مریم است که از دین تو به خداوند تبرّی می جوید.

اگر تمایل به رضای خدای تعالی و خشنودی مسیح و مریم داری و می خواهی ابومحمد تو را دیدار کند، پس بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

چون این کلمات را گفتم، مرا در آغوش کشید و فرمود: اکنون در انتظار دیدار ابومحمد باش که او را نزد تو روانه می سازم. پس از خواب بیدار شدم و گفتم: خوشا از دیدار ابومحمد!

چون فردا شب فرا رسید، ابومحمد در خواب به دیدارم آمد. گویا به او گفتم: ای حبیب من! بعد از آنکه همه دل مرا به عشق خود مبتلا کردی، در حق من جفا نمودی! او فرمود: تأخیر من برای شرک تو بود. حال که اسلام آوردی، هر شب به دیدار تو می آیم تا آنکه خداوند وصال عیانی را میسر گرداند. از آن زمان تا کنون هرگز دیدار او از من قطع نشده است.

بشر گوید از او پرسیدم: چگونه در میان اسیران در آمدی؟ او پاسخ داد: یک شب ابومحمد به من گفت: پدربزرگت در فلان روز، لشکری به جنگ مسلمانان می فرستد و خود هم به دنبال آنان می رود. بر تو است که در لباس خدمت گزاران در آیی و به طور ناشناس از فلان راه بروی و من نیز چنان کردم. طلایه داران سپاه اسلام بر سر ما آمدند و کارم بدان جا رسید که مشاهده کردی. هیچ کس جز تو نمی داند که من دختر پادشاه رومم. آن مردی که من در سهم غنیمت او افتادم، نامم را پرسید و من آن را پنهان داشتم و گفتم: نامم نرجس است و او گفت: این نام کنیزان است.

گفتم: شکفتا! تو رومی هستی؛ امّا به زبان عربی سخن می گویی! گفت: پدربزرگم در آموختن ادبیات به من حریص بود و زن مترجمی را بر من گماشت. او هر صبح و شبانگاه به نزد من می آمد و به من عربی می آموخت تا آنکه زبانم بر آن عادت کرد.

بشر گوید: چون او را به «سیر من رای» رسانیدم و بر مولایمان امام هادی علیه السلام وارد شدم، بدو فرمود: چگونه خداوند عزّت اسلام و ذلّت نصرانیت و شرافت اهل بیت محمد را به تو نمایاند؟ گفت: ای فرزند رسول خدا! چیزی را که شما بهتر می دانید، چگونه بیان کنم؟ فرمود: من می خواهم تو را اکرام کنم، کدام را بیشتر دوست می داری: ده هزار درهم یا بشارتی که در آن شرافت ابدی است؟ گفت: بشارت را، فرمود: بشارت باد تو را به فرزندی که شرق و غرب عالم را مالک شود و زمین را آکنده از عدل و داد کند؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد. نرجس پرسید: از چه کسی؟ فرمود: از کسی که رسول خدا در فلان شب از فلان ماه سال رومی، تو را برای او خواستگاری کرد. پرسید: از مسیح و جانشین او؟ فرمود: پس مسیح و وصی او، تو را به چه کسی تزویج کردند؟ گفت: به پسر شما ابومحمد! فرمود: آیا او را می شناسی؟ گفت: از آن شب که به دست مادرش سیدهاالنساء اسلام آورده ام، شبی نیست که او را نبینم.

امام هادی علیه السلام فرمود: ای کافور! خواهرم حکیمه را فراخوان و چون حکیمه آمد... نرجس را

زمانی طولانی در آغوش کشید و به دیدار او مسرور شد. بعد از آن مولای ما فرمود: ای دختر رسول خدا! او را به منزل خود ببر و تکالیف دینی را به وی بیاموز که او زوجه ابومحمد و مادر قائم است. (۱)

این روایت، نخست از طریق شیخ صدوق، در کتاب کمال الدین و تمام النعمه نقل شده است. آن گاه محمدبن جریر طبری آن را با سندی متفاوت، در کتاب دلائل الامامه آورده و (۲) شیخ طوسی در کتاب الغیبه به نقل آن پرداخته است. (۳) ایشان، روایت را درست مانند آنچه در کمال الدین و تمام النعمه بود، آورده؛ اما سند وی با سند کتاب کمال الدین متفاوت است.

قتال نیشابوری در روضه الواعظین، ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب، (۴) عبدالکریم نیلی در منتخب الأنوار المضيئه (۵) و از متأخرین صاحب إثبات الهداه فی النصوص و المعجزات از جمله کسانی هستند که این حکایت را نقل کرده‌اند.

علامه مجلسی در بحارالانوار قضیه را، یک جا از کتاب الغیبه و در جای دیگر، از کمال الدین و تمام النعمه نقل کرده است. (۶)

ممکن است پرسیده شود: این قضیه پس از سال ۲۴۲هـ اتفاق افتاده است؛ در حالی که از سال ۲۴۲هـ به بعد، جنگ مهمی میان مسلمانان و رومیان، رخ نداده است تا نرجس خاتون اسیر مسلمانان شوند. (۷)

در پاسخ گفتنی است: در این دوران و پس از آن، درگیری و جنگ هایی میان آنان رخ داده است که در بسیاری از کتاب... های تاریخی، می توان نمونه هایی از این درگیری ها را یافت. (۸)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱.

۲- محمدبن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۶۲.

۳- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۸، ح ۱۷۸.

۴- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۴۰.

۵- عبدالکریم نیلی، منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۰۵.

۶- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶.

۷- جاسم حسین، تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص ۱۱۵.

۸- ر.ک: محمدبن جریر طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۹، ص ۲۰۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۸۰، ۸۱، ۸۵.

۹۳؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۰، ص ۳۲۳، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۷.

شواهد دیگری نیز وجود دارد که میان مسلمانان و روم، جنگ و درگیری واقع شده است. حال اگر منظور از جنگ بزرگ، این باشد که خود قیصر روم هم با برخی از اهل و خاندانش در آن شرکت کرده باشد، این امر ضرورتی ندارد؛ چون آنچه در این روایت آمده، این است که نرجس، به امر امام به صورت ناشناس و مخفیانه، با سپاهیان همراه شد و در پوشش کنیزان در آمد.

روایات دسته دوم

در بعضی از احادیث بدون اشاره به سرگذشت آن بانوی بزرگوار تنها به تربیت ایشان در بیت شریف حکیمه دختر امام جواد علیه السلام اشاره شده است.

محمد بن عبد الله طهوی، در بخشی از یک حکایت مفصل از زبان حکیمه نقل کرده است: «... آری، کنیزی داشتم که بدو نرجس می گفتند. برادرزاده ام به دیدارم آمد و به او نیک نظر کرد. بدو گفتم: ای آقای من! دوستش داری، او را به نزد بفرستم؟ فرمود: نه عمه جان! اما از او در شگفتم! گفتم: شگفتی شما از چیست؟ فرمود: به زودی فرزندی از وی پدید آید که نزد خدای تعالی، گرامی است و خداوند به واسطه او زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد. گفتم: ای آقای من! آیا او را به نزد شما بفرستم؟ فرمود: از پدرم در این باره کسب اجازه کن. گوید: جامه پوشیدم و به منزل امام هادی علیه السلام در آمدم. سلام کردم و نشستم. او خود آغاز سخن کرد و گفت: ای حکیمه! نرجس را نزد فرزندم ابی محمد بفرست. گوید: گفتم: ای آقای من! بدین منظور خدمت شما رسیدم که در این باره اجازه بگیرم. فرمود: ای مبارکه! خدای تعالی دوست دارد که تو را در پاداش این کار شریک کند و بهره ای از خیر برای تو قرار دهد. حکیمه گوید: بی درنگ به منزل برگشتم و نرجس را آراستم و در اختیار ابومحمد قرار دادم و پیوند آنها را در منزل خود برقرار کردم. چند روزی نزد من بود؛ سپس به نزد پدرش رفت و او را نیز همراهش روانه کردم... (۱).

عموم روایات این دسته با احادیث دسته نخست منافاتی ندارد؛ زیرا می توان روایات مربوط به نرجس خاتون را پس از ورود او به خانه آن بانوی بزرگ دانست.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۲.

مسعودی در اثبات الوصیه پس از نقل روایت قبلی، افزوده است: نرجس خاتون علاوه بر اینکه در بیت شریف عمه امام عسکری علیه السلام تربیت یافته بود؛ در همان بیت شریف نیز به دنیا آمده بود:

«روی لنا الثقات من مشایخنا أَنَّ بَعْضَ أَخَوَاتِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ كَانَتْ لَهَا جَارِيَةٌ وُلِدَتْ فِي بَيْتِهَا وَرَبَّتُهَا تُسَمِّي نَرْجِسَ فَلَمَّا كَبُرَتْ وَعَبِلَتْ دَخَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَاعْجَبَهُ فَقَالَتْ عَمَتُهُ أَرَاكَ تَنْظُرُ إِلَيْهَا فَقَالَ إِنِّي مَا نَظَرْتُ إِلَيْهَا إِلَّا مُتَعَجِّبًا أَمَا إِنَّ الْمَوْلُودَ الْكَرِيمَ عَلَى اللَّهِ يَكُونُ مِنْهَا ثُمَّ أَمَرَهَا أَنْ تَسْتَأْذِنَ أَيُّهَا الْحَسَنُ فِي دَفْعِهَا إِلَيْهِ فَفَعَلَتْ...»^(۱) «موثقین از بزرگان ما نقل کرده اند: یکی از خواهران امام هادی علیه السلام کنیزی داشت که در خانه او به دنیا آمده بود. آن بانو به تربیت او همت گماشت و او نرجس نامیده می شد. پس چون بزرگ شد و زمان شوهر دادنش فرا رسید؛ امام عسکری علیه السلام بدان خانه وارد شد و نگاهی از روی شگفتی به آن کنیز انداخت. پس عمه ایشان (حکیمه) گفت: می بینم به او توجه کردی؟! آن حضرت فرمود: نظر خاصی به او ندارم. اما از این در شگفتم آن مولود بزرگوار (موعود) از او به دنیا می آید. آن گاه به حکیمه امر فرمود با اجازه امام هادی علیه السلام، نرجس خاتون را به او بدهد و حکیمه نیز چنین کرد».

شیخ طوسی رحمه الله این روایت را ذکر کرده است؛ البته با این تفاوت که جمله «ولدت فی بیتها» را نقل نکرده است.^(۲)

در سه دسته روایت یاد شده، چند مطلب مورد اتفاق است:

الف. ایشان کنیز بوده است.

ب. او در خانه حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام بوده است.

ج. حکیمه در موضوع ازدواج امام عسکری علیه السلام، از این کنیز صحبت کرده است.

۱- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۲.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۴.

در این دسته بر خلاف روایات پیشین سخن از کنیزی سیاه پوست به میان آمده است و عده ای نیز با تمسک به این روایات، خواسته اند دیدگاه مشهور را خدشه دار سازند. طرفداران این دیدگاه به روایت زیر از کناسی (۱) استناد کرده اند:

او می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فِيهِ سَيِّئَةٌ مِنْ يَوْسُفَ ابْنِ أُمِّهِ سَوْدَاءَ يَصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةٍ»؛ (۲) «همانا در صاحب این امر سستی از یوسف علیه السلام است و آن اینکه او فرزند کنیزی سیاه است. خداوند امرش را در یک شب اصلاح می فرماید».

علامه مجلسی با بیان اینکه این روایت، با بسیاری از روایات در باره مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت دارد؛ (۳) راه حل را در این دانسته که مقصود از روایت، می تواند مادر با واسطه و یا مربی آن حضرت باشد. (۴)

سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در منابع معتبر هیچ گونه اشاره ای به سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت آن حضرت نشده است. البته سخنی که در این باره نقل شده این است که: «ابوعلی خزیزرانی، کنیزی داشت که او را به امام حسن عسکری علیه السلام اهدا کرد و چون جعفر کذاب خانه امام را غارت نمود؛ وی از دست جعفر گریخت و با ابوعلی ازدواج کرد. ابوعلی می گوید: او گفته است در ولادت سید حاضر بود و مادر او صقیل نام داشت. امام حسن عسکری علیه السلام صقیل را از آنچه بر سر خاندانش می آید، آگاه کرد و او از امام درخواست کرد که از خدای تعالی بخواهد تا مرگ

۱- قابل توجه این که این روایت در غیبت نعمانی از یزید کناسی و در کمال الدین و تمام النعمه از ضریس کناسی نقل شده است.

۲- ر. ک: نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۹، باب ۳۲، ح ۱۲.

۳- گفتنی است: روایات فراوانی از طرف مدعیان مهدویت و طرفداران آنها در طول تاریخ این بحث مهم، جعل و به امامان معصوم علیهم السلام نسبت داده شده است.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹، باب ۱۳.

وی را پیش از آن برساند. او در حیات امام حسن عسکری علیه السلام در گذشت و بر سر قبر وی لوحی است که بر آن نوشته اند: این قبر مادر محمد است»^(۱).

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۷.

خود آزمایی

۱. داستان مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را طبق نقل شیخ صدوق رحمه الله و شیخ طوسی رحمه الله بیان کنید.
۲. کتاب‌هایی که داستان مشهور مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ذکر کرده اند، نام ببرید (چهار مورد).
۳. وجه جمع روایات نخست و روایات دسته دوم را بیان کنید.
۴. در کدام کتاب ذکر شده که مادر حضرت مهدی علیه السلام، در خانه حکیمه خاتون به دنیا آمده است؟ علامه مجلسی چه پاسخی داده است؟
۵. درباره سرنوشت مادر حضرت مهدی علیه السلام توضیح دهید.
۶. افزون بر آنچه در درس آمده، داستان مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تحلیل نمایید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، (نیک معارف، تهران، ۱۳۷۱ ه. ش).
۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، (مکتبه الصدوق، تهران ۱۳۹۷ ه. ش).
۳. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، (موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه. ش).
۴. محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، دو جلد، (دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ه. ش).
۵. علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، (رسالت، قم، ۱۳۷۹ ه. ش).

درس یازدهم: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مخفی بودن ولادت

فلسفه مخفی بودن ولادت

۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

الف. نوید امام عسکری علیه السلام ، به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ب. خبر دادن امام حسن عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ج. خبر دادن حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت

د. خبر دادن نسیم و ماریه به عنوان خادمین بیت امامت

از ولادت آن حضرت

ه. گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه

از دیدن آن حضرت پس از ولادت و در کودکی

و. گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت از ولادت آن حضرت

۳. زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پاسخ به برخی شبهات در باره ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از حوادث مهم در تاریخ بشر، ولادت آخرین ذخیره الهی و موعود امت‌ها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است به گونه ای که اصل ولادت آن حضرت، جزو مسلمات تاریخ به شمار می آید و نه تنها ائمه معصومین علیهم السلام و دانشمندان و تاریخ نویسان شیعه به این مهم اشاره کرده‌اند؛ بلکه مورخان و محدثانی چند از اهل سنت نیز به این حادثه بزرگ تصریح نموده، آن را یک واقعیت دانسته‌اند. این ولادت نقطه عطفی در تاریخ زندگی بشر بر روی کره زمین است. و می‌رود تا پس از گذشت قرن‌ها با ظهور آن منجی موعود، امید انسان‌های مظلوم و حقیقت خواه، تحقق یابد.

۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولادت استثنایی داشته و این برای بسیاری سؤال انگیز بوده است. از این رو، ترسیم و تصویر مقدمات ولادت و برخورد مخالفان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام، در برابر این پدیده، ضروری می‌نماید.

جریان امامت پیشوایان معصوم علیهم السلام، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فراز و فرودهای فراوانی پیدا کرد. امامان معصوم علیهم السلام، با حفظ استراتژی کلی و خطوط اساسی امامت، در رابطه با حفظ مکتب و ارزش‌های آن، روش‌های گوناگونی را در برابر ستمگران، در پیش گرفتند. این فراز و نشیب‌ها، تا زمان امامت علی بن موسی الرضا علیهما السلام، استمرار داشت و ائمه علیهم السلام تا آن زمان، هر یک به تناسب زمان و مکان و ارزیابی شرایط سیاسی و اجتماعی، موضعی خاص انتخاب می‌کردند. پس از امام رضا علیه السلام، جریان امامت شکل دیگری یافت. امام جواد، هادی و

عسکری علیهم السلام، در برابر دستگاه حاکم و خلفای عباسی موضعی یگانه برگزیدند. (۱)

پس از اینکه دو قرن و اندی از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سپری شد و امامت به آنان رسید، اندک اندک در میان حکومتگرانِ مسلمین در مرکز خلافت، نگرانی هایی عمیق جان گرفت. این نگرانی ها مربوط به اخبار و احادیث بسیاری بود که در آنها آمده بود: از امام عسکری علیه السلام فرزندی تولد خواهد یافت که برهم زننده اساس حکومت ها است. این پیشگویی، هم در کتاب های پیشینیان آمده بود و به وسیله آگاهان در میان مسلمین نقل می شد و هم در اخبار اسلامی، به تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده بود. بر مبنای این بشارت ها، قرار بود از امام یازدهم فرزندی پدید آید که ویران کننده تخت ها و فرو افکننده تاج ها و پایمال کننده قدرت های ستمگرا باشد...

از این رو بر فشارها و سخت گیری ها نسبت به امام حسن عسکری علیه السلام افزوده شد تا شاید با نابودی ایشان، از تولد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تداوم امامت جلو گیری شود. اما بر خلاف برنامه ریزی ها و پیشگیری های دقیق و پی در پی دشمنان، مقدمات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده شد و توطئه های ستمگران، راه به جایی نبرد.

بدین علت دورانی که آن حضرت در شکم مادر بزرگوار خود بود و سپس تولدش، همه و همه، از مردم پنهان بود و جز چند تن از نزدیکان، شاگردان و اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام، کسی او را پس از ولادت نمی دید. آنان نیز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گاه گاه می دیدند؛ نه پیوسته و به صورت عادی (۲).

درباره چگونگی ولادت ایشان مشهورترین نظر، سخنان ارزشمند بانوی بزرگوار، حضرت حکیمه علیها السلام عمه امام عسکری علیه السلام است. شیخ صدوق رحمه الله، این حادثه بزرگ را از زبان او چنین آورده است:

امام حسن عسکری علیه السلام مرا به نزد خود فرا خواند و فرمود: ای عمه! امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خدای تعالی امشب حجت خود را که حجت او در روی زمین است ظاهر سازد. گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس. گفتم: فدایت شوم! اثری از حمل در

۱- جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۸.

۲- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، صص ۲۱۲۲. (با تصرف)

او نیست، فرمود: همین است که به تو می گویم.

گویید: آمدم و چون سلام کردم و نشستم؛ نرجس آمد و کفش مرا برداشت و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم! حالتان چگونه است؟

گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی، از کلام من ناخرسند شد و گفت: ای عمه جان! این چه فرمایشی است؟ بدو گفتم: ای دختر جان! خدای تعالی امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقا است. نرجس خجالت کشید و حیا نمود.

چون از نماز عشا فارغ شدم، افطار کردم و در بستر خود خوابیدم. در دل شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم؛ در حالی که نرجس خوابیده بود. برای تعقیبات نشستم و پس از آن نیز دراز کشیدم و هراسان بیدار شدم. او همچنان خواب بود، پس برخاست و نماز گزارد و خوابید.

حکیمه گوید: بیرون آمدم و در جست و جوی فجر به آسمان نگریستم و دیدم فجر اول دمیده است و او در خواب است. شک بر دلم عارض گردید، ناگاه ابومحمد از محل خود فریاد زد: ای عمه! شتاب مکن که اینجا کار نزدیک شده است. گوید: نشستم و به قرائت سوره های «الم سجده» و «یس» پرداختم. در این میان او هراسان بیدار شد و من به نزد او پریدم و بدو گفتم: نام خدا بر تو باد، آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: ای عمه! آری. گفتم: خودت را جمع کن و دلت را استوار دار که همان است که با تو گفتم. حکیمه گوید: من و نرجس را ضعفی فرا گرفت و به ندای سرورم به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و ناگهان سرور خود (فرزند نرجس) را دیدم که در حال سجده بوده و مواضع سجودش بر زمین است. او را در آغوش گرفتم، دیدم پاک و نظیف است. ابومحمد فرمود: ای عمه! فرزندم را به نزد من آور! او را نزد وی بردم و او دو کف دستش را گشود و فرزند را در میان آن قرار داد و دو پای او را به سینه خود نهاد. پس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید. سپس فرمود: ای فرزندم! سخن گوی. گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». سپس بر امیرمؤمنان و سایر امامان علیهم السلام درود فرستاد تا آنکه بر پدرش رسید و زبان در کشید». (۱)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱؛ همچنین ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۲۳۸؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۴۹.

پنهانی بودن ولادت

یکی از ویژگی های مهم ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مخفی بودن آن است. این امر در سخنان معصومین علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته و با تعبیر متفاوت و فراوانی به آن اشاره شده است.

امام سجّاد علیه السلام فرمود: «فِي الْقَائِمِ مِنَّا سِتْنٌ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ... وَ سُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ ... وَ أُمًّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اغْتِرَالُ النَّاسِ ...»؛ (۱) «در قائم ما سنت هایی از انبیا وجود دارد: ... و سنتی از ابراهیم ... و اما از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم...».

امام باقر علیه السلام فرمود: «انظروا مَنْ تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَ لِدَاتُهُ فَهُوَ صَاحِبُكُمْ»؛ (۲) «بنگرید آن کس که ولادتش بر مردم پنهان است، همو صاحب شما است».

امام باقر علیه السلام فرمود: «انظرو مَنْ لَا يَدْرِي النَّاسُ أَنَّهُ وُلِدَ أُمَّ لَا فَذَاكَ صَاحِبُكُمْ»؛ (۳) «بنگرید آن کس که مردم نمی دانند او متولد شده یا نه؛ پس همو صاحب شما است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «فِي الْقَائِمِ سِتْنَةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ وَ مَا سِتْنَةُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ قَالَ خَفَاءُ مَوْلِدِهِ...»؛ (۴) «در قائم سنتی از موسی بن عمران است، گفتم: سنت موسی بن عمران چه بود؟ فرمود: مخفی بودن ولادت او...».

امام صادق علیه السلام فرمود: «صِيَّاحِبٌ هَذَا الْأَمْرِ تَعْمَى وَ لِدَاتُهُ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ لئَلَّا يَكُونَ لَاحِدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ»؛ (۵) «ولادت صاحب الامر بر این خلق پوشیده است تا چون ظهور کند، بیعت کسی بر گردنش نباشد».

امام رضا علیه السلام فرمود: «...حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِّنَّا خَفِيَ الْمَوْلِدِ...»؛ (۶) «تا اینکه

۱- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۶۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۵، ح ۲.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۸.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۱۸.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۹، ح ۱.

۶- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

خداوند بر انگیزد جوانی از ما که دارای ولادتی پنهانی است...».

امام جواد علیه السلام در این باره فرمود: «...و لكن القائم الذي يطهر الله عز و جل به الارض من اهل الكفر و الجحود و يملاها عدلا و قسطا هو الذي تخفى على الناس ولادته...»؛^(۱) «اما قائمی که خدای تعالی به توسط او زمین را از اهل کفر و انکار پاک سازد و آن را پر از عدل و داد کند، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده...».

فلسفه مخفی بودن ولادت

از روایات استفاده می شود، مهم ترین فلسفه غیبت «مصون ماندن ایشان از خطر نابودی» است. به این بیان که خداوند متعال می دانست اگر امامان پیشین ظاهر شوند، از کشته شدن در امان خواهند بود؛ برخلاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که اگر ظاهر شود، کشته خواهد شد. اگر یکی از پدران مهدی کشته می شد، حکمت و تدبیر الهی اقتضا می کرد، دیگری به جای او نصب گردد؛ ولی اگر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته شود، مصلحت و تدبیر امور انسانها اقتضا نمی کرد که، امام دیگری به جای او نصب گردد.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ تَغِيبُ وَلَا دُتُّهُ عَنْ هَذَا الْخَلْقِ لِثَلَا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ وَ يَصِلُحُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْرُهُ فِي لَيْلِهِ»؛^(۲) «ولادت صاحب الامر بر این مردم نهان است تا چون خروج کند، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد و خدای تعالی امر وی را در یک شب به سامان رساند».

مخفی بودن ولادت، درباره برخی از بزرگان نقل شده که می توان از آن جمله به ولادت مخفیانه ابراهیم خلیل علیه السلام از ترس کشته شدن به دست پادشاه زمانش و نیز به ولادت پنهانی موسی بن عمران علیه السلام از ترس کشته شدن به دست فرعون اشاره کرد.

به همین جهت شیخ طوسی رحمه الله، ولادت پنهانی حضرت مهدی علیه السلام را امری عادی و معمولی دانسته، می نویسد: «این نخستین و آخرین حادثه نبوده و در طول تاریخ بشری، نمونه های فراوان داشته است».^(۳)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۰، باب ۴۴، ح ۵.

۳- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۷۷، ح ۱۰۵.

این حقیقت را صاحب منتخب الاثر این گونه بیان کرده است: «راز مخفی نگه داشتن ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این بود: خلفای بنی عباس، از طریق روایاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام نقل شده بود، می دانستند دوازدهمین امام، همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می کند و دژهای گمراهی و فساد را در هم می کوبد. دولت جباران را سرنگون می سازد و طاغوت را به قتل می رساند و خود، امیر مشرق و مغرب جهان می شود. چون این امر را می دانستند، در صدد بر آمدند تا این نور را خاموش کنند و او را به قتل رسانند. از این رو، جاسوسان و مراقبانی چند گماشتند؛ حتی قابله هایی را مأمور کردند تا داخل منزل امام عسکری علیه السلام را زیر نظر بگیرند. لیکن خداوند، در هر حال، نور هدایت را پاینده خواهد داشت. این بود که خدا به اراده خویش، دوران بارداری مادر او را پنهان ساخت. مورخان گفته اند: معتمد عباسی به قابله ها امر کرده بود تا وقت و بی وقت، سرزده، وارد خانه سادات شوند به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام و در درون خانه بگردند و تفتیش کنند و از حال همسر او باخبر گردند و گزارش دهند. اما آنان از هیچ چیز آگاه نگشتند. خداوند در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان کار را کرد که در باره موسی علیه السلام کرد؛ چنان که دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز، همان روش فرعونی و سیاست فرعونی را دنبال کردند.

فرعون دانست که زوال سلطنت او به دست مردی از بنی اسرائیل خواهد بود. این بود که بازرسانی گماشت تا زنان حامله بنی اسرائیل را زیر نظر گیرند و کودکانی را که متولد می شوند، تحت مراقبت شدید قرار دهند و اگر کودک پسر بود، او را بکشند. بدین گونه کودکان بسیاری را کشتند تا موسی پدید نیاید. چنان که در قرآن کریم ذکر شده است (۱) و با این همه خدای متعال، پیامبر خود موسی علیه السلام را حفظ کرد و ولادت او را مخفی داشت. سپس به مادر موسی امر فرمود: تا او را در صندوقی گذارد و به نیل سپارد. (۲) در احادیث بسیاری آمده است: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت... هایی به حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام دارد. (۳)

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۴.

۲- قصص (۲۸)، آیه ۷.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۵۳.

۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هر چند به دلایلی مخفیانه صورت گرفت و باعث شد تا عده‌ای آن را انکار کنند؛ اما شیعه برای اثبات ولادت آن حضرت، ادله فراوانی اقامه کرده است.

الف. نوید امام عسکری علیه السلام به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایتی آمده است: امام حسن عسکری علیه السلام گاهی، نوید مولودش را به یاران خاص می‌داد: «... سیرزقنی الله ولداً بمنه و لطفه»؛^(۱) «به زودی خداوند به من و کرمش، به من فرزندی ارزانی خواهد داشت».

و نیز: در نویدی به همسر بزرگوار خود حضرت نرجس علیها السلام چنین فرمود: «سَيَتَحْمِلِينَ وَلِداً وَ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي»؛^(۲) «در آینده ای نزدیک دارای فرزندی خواهی شد. نامش محمد است. او قائم از بعد من است».

ب. خبر دادن امام عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام حسن عسکری علیه السلام پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات فراوانی، برای یاران ویژه، به ولادت فرزند خود تصریح کرده است.

احمد بن اسحاق می‌گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خُلُقاً وَ خُلُقاً يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»؛^(۳) «سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول خدا است. خدای تعالی او را در غیبتش حفظ فرماید؛

۱- مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۳.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۴.

سپس او را آشکار کند. او زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که مملو از جور و ستم شده باشد».

ابوهاشم جعفری می گوید: به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: بزرگواری تان مانع از آن می شود تا از شما پرسش کنم؛ اجازه بفرمایید از شما چیزی بپرسم. آن حضرت فرمود: هر آنچه می خواهی بپرس. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: آری. پس گفتم اگر برای شما حادثه ای پیش آید، کجا به دنبال او باشیم؟ فرمود: «بِالْمَدِينَةِ» (در مدینه).

ابراهیم بن ادریس می گوید: امام عسکری علیه السلام گوسفندی به من داد و فرمود: «عُقَّةُ عَنِ ابْنِي فَلَانٍ وَ كُؤْلٌ وَ أَطْعِمُ أَهْلَكَ»؛ «این را برای فرزندم فلان عقیقه کن و خود و نزدیکانت از آن بخورید». سپس دو گوسفند داد و فرمود: «عُقَّ هَذَيْنِ الْكَبْشَيْنِ عَنْ مَوْلَاكَ وَ كُؤْلٌ هُنَّاكَ اللَّهُ وَ أَطْعِمُ إِخْوَانَكَ»؛ (۱) «این دو گوسفند را از مولای خود عقیقه کن؛ و بخور که خداوند بر تو گوارا نماید و به برادران دینی خود نیز از آن بده».

ج. خبر حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام، از زنان والا مقام نزد امامان علیهم السلام بوده است. وی به دستور مستقیم امام عسکری علیه السلام، در شب ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور داشت و بخش فراوانی از روایات ولادت آن حضرت، از سوی این بانوی بزرگوار نقل شده است.

ایشان تنها کسی بود که در جریان تمام رخدادهای شب ولادت آن حجت الهی قرار داشت و روایت تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق وی نقل شده است.

د. خبر نسیم و ماریه (خادمان بیت امامت)

ایشان دو تن از خدمتگزاران بیت شریف امامت بوده اند و از روایات استفاده می شود که آنان

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲؛ ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۲۴۵.

در شب ولادت در خانه امام عسکری علیه السلام حضور داشته اند. شیخ طوسی و شیخ صدوق با ذکر سند می نویسند:

نسیم و ماریه گویند: «أَنَّه لَمَّا سَقَطَ صَاحِبُ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ سَقَطَ جَائِئًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ عَطَسَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ زَعَمَتِ الظُّلَمَةُ أَنَّ حُجَّهَ اللَّهِ دَاحِضَهُ وَ لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ»؛ (۱) «چون صاحب الزمان از رحم مادر به دنیا آمد، دو زانو بر زمین نهاد و دو انگشت سبابه را به جانب آسمان بلند کرد. آن گاه عطسه کرد و فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ». ستمکاران پنداشته اند که حجت خدا از میان رفته است، اگر برای ما اذن در کلام بود، شک زایل می گردید».

همچنین نسیم خادم می گوید: پس از ده شب از ولادت صاحب الزمان علیه السلام بر ایشان وارد شدم؛ پس عطسه کردم. آن حضرت فرمود: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ»؛ از این فرمایش شادمان شدم. آن گاه ایشان فرمود: «أَلَا أُبَشِّرُكَ فِي الْعَطَاسِ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ»؛ (۲) «آیا تو را در باره عطسه کردن نوید ندهم؟ آن تا سه روز امان از مردن است».

۵. گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه

موارد فراوانی از سخنان شیعیان و اصحاب ائمه علیهم السلام در دست است که در آن، خبر از دیدن آن حضرت پس از ولادت به چشم می خورد.

«أَبُو الْأَدْيَانِ» یکی از خدمتکاران بیت شریف امام حسن عسکری علیه السلام بود که علامه بر حضور در بیت آن بزرگوار، متصدی امور نامه های آن حضرت و بردن آنها به شهرهای مختلف بود. او یکی از کسانی است که روایت شهادت امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن حضرت

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۵؛ همچنین ر.ک: الخرائج والجرائح، ج ۱۰، ص ۴۵۷، ح ۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۰، ح ۵.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر آن حضرت را ذکر کرده است. (۱)

و. گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت از ولادت آن حضرت

اغلب اهل سنت آن گونه که شیعه باور دارند اعتقادی به تولد مهدی موعود ندارند؛ اما دانشمندانی چند از ایشان علاوه بر تصریح و یا اشاره به ولادت آن حضرت در سال ۲۵۵هـ او را همان موعود مورد اشاره در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند.

افرادی که در نوشته‌های خود به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده‌اند، دو دسته هستند: (۲)

یک. کسانی که ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گزارش کرده؛ ولی نسبت به موعود بودن او ساکت مانده‌اند. (۳)

۱۱. ابن اثیر (م ۶۳۰هـ)، در کتاب الکامل فی التاریخ درباره حوادث سال ۲۶۰ چنین می نویسد: «در این سال، ابومحمد علوی عسکری وفات کرد. او یکی از دوازده امام مذهب امامیه و پدر محمد است که معتقدند او منتظر می باشد». (۴)

۱-۲. ابن خلکان (م ۶۸۱هـ) در کتاب وفيات الاعیان می گوید: «ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری، فرزند علی الهادی، فرزند محمد الجواد که پیشینیان او ذکر شد. بر اساس اعتقاد امامیه، دوازدهمین از دوازده امام و معروف به «الحجه» است... ولادتش در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵هـ بود». (۵)

۱۳. ذهبی (م ۷۴۸هـ) در کتاب العبر گوید: «در آن سال (یعنی ۲۵۶هـ) محمد فرزند

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۵؛ باب ۴۳، ح ۲۵. همچنین ر.ک: منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۵۷؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۰۱.

۲- در اینجا تنها به موارد اندکی اشاره شده است. برای تفصیل بیشتر ر. ک: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر؛ سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۵ تا ص ۲۰۰؛ همو، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق، مهدی عزیزاده، ص ۱۸۸ تا ۱۹۸.

۳- برخی از اهل سنت که ولادت حضرت مهدی علیه السلام را گزارش کرده‌اند، تنها آن را از دیدگاه شیعه بیان کرده‌اند، در حالی که عده ای گمان کرده‌اند کسانی که ولادت آن حضرت را نقل کرده‌اند بر این باور هستند که آن حضرت به دنیا آمده است.

۴- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۷۴ در پایان حوادث سال ۲۶۰هـ. ق.

۵- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۵۶۲.

حسن، فرزند علی الهادی، فرزند محمد الجواد، فرزند علی الرضا، فرزند موسی الکاظم، فرزند جعفر الصادق علوی حسینی، ابوالقاسم به دنیا آمد که رافضی ها او را «الخلف الحجه» و «مهدی منتظر» و «صاحب الزمان» لقب داده اند و او آخرین از دوازده امام است» (۱).

دو. کسانی که علاوه بر گزارش ولادت آن حضرت، تصریح به موعود بودن آن حضرت نموده اند (البته این دسته در نهایت اقلیت هستند):

۲۱. کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲هـ) در کتاب مطالب السؤل گوید: «ابوالقاسم محمد بن حسن خالص، پسر علی متوکل، پسر قانع، پسر علی الرضا، پسر موسی الکاظم، پسر جعفر الصادق، پسر محمد الباقر، پسر علی زین العابدین، پسر حسین الزکی، پسر علی المرتضی امیرالمؤمنین، پسر ابوطالب، مهدی، حجت، خلف، صالح، المنتظر علیهم السلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد» (۲).

۲۲. نور الدین علی بن محمد بن صباغ مالکی (م ۸۵۵هـ) فصل دوازدهم از کتاب الفصول المهمه را با این عنوان آورده است: «در شرح حال ابوالقاسم حجت، خلف صالح، پسر ابومحمد حسن خالص، او امام دوازدهم است»

در این فصل به گفته گنجی شافعی چنین احتجاج می کند: «از جمله چیزهایی که دلالت می کند مهدی از هنگام غیبتش تاکنون زنده و باقی است، کتاب و سنت است. در بقای او هیچ مانعی نیست؛ همانند باقی ماندن عیسی بن مریم و خضر و الیاس از اولیای خدا و دجال کور و ابلیس ملعون از دشمنان خدا».

سپس دلایل خود را از کتاب و سنت بیان می کند و تاریخ ولادت، دلایل امامت، گوشه‌هایی از اخبار زندگانی، غیبت، مدت دولت کریمه، کنیه، خاندان و مطالب دیگری از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به تفصیل ذکر می کند (۳).

زمان ولادت

مطابق روایت های بسیاری از شیعه و برخی از اهل سنت، میلاد خجسته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۵۶۲.

۲- مطالب السؤل، ج ۲، ص ۷۹، باب ۱۲.

۳- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۸۷.

شب نیمه شعبان ۲۵۵ هـ واقع و باعث مزید فضیلت این شب مبارک شده است. البته عده اندکی، زمان های دیگری را نیز نقل کرده اند. (۱)

عصام از کلینی از علی بن محمد نقل کرده است: «وُلِدَ الصَّاحِبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ سَيِّئَةَ خَمْسٍ وَ خَمْسِيْنَ وَ مَائَتَيْنِ»؛ (۲) «صاحب علیه السلام نیمه شعبان ۲۵۵ هـ به دنیا آمد».

درباره چگونگی زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران پدر بزرگوارشان، احتمالات مختلفی ذکر شده است؛ از جمله:

الف. او تا آخر عمر امام عسکری علیه السلام، در سامرا زندگی کرده است.

ب. مدتی پس از ولادت، برای حفاظت و رشد، به مدینه برده شد.

الف. دلایل احتمال نخست:

۱. روایاتی که بیانگر تهنیت شیعیان، بر امام عسکری علیه السلام است: ابو الفضل حسین بن حسن علوی گوید: «دخلت علی ابی محمد بسر من رأی فهنأته بسیدنا صاحب الزمان علیه السلام لما ولد»؛ (۳) «در سامرا، به منزل امام حسن علیه السلام رفتم و ولادت سرورمان، صاحب الزمان علیه السلام را به وی تبریک گفتم».

۲. روایاتی که از زبان حکیمه خاتون، بر دیدن آن حضرت در خانه امام حسن عسکری علیه السلام دلالت دارد.

۳. روایاتی که بیانگر دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی گروهی از اصحاب در منزل امام عسکری علیه السلام است.

ب. دلایل احتمال دوم:

بر اساس این احتمال، آن حضرت مدتی پس از ولادت، به جهت مسائل امنیتی به ناگزیر سامرا را ترک کرد و به مدینه منوره برده شد. برای تأیید این دیدگاه به روایات و گزارش های چندی اشاره شده است: ابوهاشم جعفری گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم:

۱- ر. ک: کافی، ج ۱، ص ۳۲۹؛ کتاب الغیبه، ص ۲۳۱.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۴؛ کتاب الغیبه، ص ۱۴۷.

۳- کتاب الغیبه، ص ۲۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۷.

بزرگواری شما مانع از آن است که من از شما پرسش کنم؛ اجازه می دهید چیزی پرسم! حضرت فرمود: بپرس؛ گفتم: آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: بله. گفتم: اگر اتفاق ناگواری برای شما رخ داد، در کجا او را جست و جو کنم؟ فرمود: «در مدینه».^(۱)

از این روایت استفاده می شود آن حضرت پس از ولادت، مدت نامعلومی در زادگاه خود سپری کرده است؛ آن گاه قبل از شهادت پدر خود به مدینه رفته است.

البته وجود روایت های مختلف، مبنی بر دیده شدن حضرت مهدی علیه السلام در زمان های مختلف در دوران حیات امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن ایشان بر پیکر مطهر پدر، این احتمال را ضعیف می نماید. علاوه بر اینکه، در این روایت اشاره شده است: پس از رخ دادن حادثه ای برای امام عسکری علیه السلام (شهادت آن حضرت)، از مهدی علیه السلام در مدینه جست و جو شود. مؤید این سخن، روایاتی است که جایگاه حضرت را در مدت غیبت، در مدینه منوره ذکر کرده اند.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبِهِ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبِهِ مِنْ عَزْلِهِ وَنِعْمِ الْمَنْزِلِ طَبِيبُهُ وَمَا بَثَلَاثِينَ مِنْ وَحْشِهِ»؛^(۲) «صاحب این امر ناگزیر از غیبتی است و در این مدت ناچار از گوشه گیری و کناره جویی از دیگران است و طیبیه (مدینه) خوش منزلی است و با وجود سی تن (یا به همراهی سی نفر) در آنجا وحشت و ترسی نیست».

بنابراین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در نهان می زیست و مردم به طور عموم از او خبر نداشتند. در این مدت جز تنی چند، کسی او را ندیده بود تا اینکه روز در گذشت امام یازدهم (روز هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ) فرا رسید. در این روز، چهار امر باعث شد تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خود را به گروهی از مردم بنمایاند و کسانی که برای مراسم تشییع و خاک سپاری امام یازدهم حاضر شده بودند، او را ببینند:

یکم. باید امام بر جنازه امام نماز گزارد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای رعایت این سنت الهی و سر ربانی، می بایست ظاهر شود و بر پیکر پدر نماز گزارد.

دوم. مانع این شود که کسی از سوی خلیفه بیاید و بر پیکر امام نماز بخواند و سپس جریان

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۳۲، ح ۱۹۹، کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ الغیبه، ص ۱۸۸، ح ۴۱؛ کتاب الغیبه، ص ۱۶۲، ح ۱۲۱.

امامت ختم شده اعلام گردد. در نهایت خلیفه ستمگر عباسی، وارث امامت شیعی معرفی شود!!

سوم. از روی دادن انحراف داخلی در جریان امامت جلو گیری شود؛ زیرا جعفر بن علی الهادی، معروف به جعفر کذاب (برادر امام عسکری علیه السلام)، در صدد ادعای امامت بود و می خواست بر پیکر آن حضرت نماز گزارد.

چهارم. ادامه جریان امامت و ولایت آن حضرت تثبیت شود و بر معتقدان معلوم گردد که پس از امام حسن عسکری علیه السلام، امام دوازدهم، حامل این وراثت معنوی و ولایت دینی و دنیایی است. او تولد یافته و موجود است.

بر این اساس مردمی که برای انجام مراسم آمده بودند، ناگاه کودکی خردسال را دیدند که در نهایت شکوه و حشمت همچون خورشیدی فروزان، از اندرون منزل خارج شد و عمویش جعفر را که آماده نماز گزاردن بر پیکر پیشوای یازدهم شده بود به یک سو زد و بر پیکر پدر نماز گزارد. (۱)

پاسخ به برخی پرسش ها و شبهات

از آنجایی که مخفی بودن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پرسش های فراوانی را در ذهن ها به وجود آورده، بسیار مناسب است به پاره ای از آنها (با توجه به دیدگاه دانشمندان بزرگ شیعه) پاسخ داده شود.

شیخ مفید رحمه الله در کتاب ارزشمند الفصول العشره با بیانی کوتاه و جامع، به برخی از این پرسش ها پاسخ داده است.

شبهه اول: پنهان بودن تولد مهدی پسر حسن بن علی علیهم السلام از افراد خانواده و سایر مردم و ادامه پنهان زیستی اش، بر خلاف عرف و عادت است.

پاسخ: این شبهه بسیار سست و بی اساس است؛ زیرا چنین کاری، خارج از متعارف و یا مخالف عادت نیست؛ بلکه عقل و برهان چنین عملی را در پاره ای از اوقات ضروری می داند و

تاریخ نظایر آن را در فرزندان «پادشاهان» و «دولت مردان» به خاطر پاره ای از مصالح حیاتی تأیید می کند. ... همان گونه که این امر درباره عده ای از پادشاهان «ایران»، «روم» و «هند» نقل شده است.

تمام تاریخ نویسان اسلامی و غیر اسلامی، نقل کرده اند که ولادت «ابراهیم خلیل» از ترس کشته شدن به دست پادشاه زمانش، به گونه ای بود که احدی از خویشان او بر آن آگاهی نیافت. ولادت «موسی بن عمران» نیز از ترس کشته شدن به دست «فرعون»، پنهانی انجام گرفت و قرآن به صراحت بیان می کند که «مادر موسی»، او را در میان صندوقی نهاده، به میان دریا انداخت. او از طریق وحی اطمینان یافته بود فرزندش سالم خواهد ماند و این کار را به جهت حفظ مصالح موسی انجام داد.

با توجه به این مطالب آیا می توان امکان پنهان ماندن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خویشاوندان و دوستان، انکار کرد و این کار را خلاف عقل و عادت دانست؟! حال اینکه عوامل پنهان کردن ولادت او، به مراتب بیشتر از عوامل پنهان شدن ولادت افراد یاد شده بوده است.

اما اینکه هیچ کس از وجود پسری برای «حسن بن علی» خبر نداده، مطلبی بسیار نادرست و مخالف با واقع است؛ بلکه اطمینان به وجود فرزندی به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای «حسن بن علی» بیشتر از اطمینانی است که درباره وجود سایر فرزندان افراد از راه های متعارف حاصل می گردد.

شبهه دوم: «جعفر بن علی» تولد فرزندی برای برادرش را به شدت انکار کرد و به همین جهت پس از مرگ وی، اموالش را تصاحب نمود ... و ریختن خون کسانی را که ادعای پسری برای برادرش می کردند، جایز شمرد!

پاسخ: این انتقاد نیز از چند جهت مردود است:

استدلال به عمل یک شخص، در صورتی صحیح و پذیرفتنی است که آن شخص از خطا و اشتباه به دور باشد و هرگز گناهی از او سر نزنند. همگان در این امر اتفاق دارند که «جعفر بن علی» این مقام را نداشت و وجود او به عنوان فرزند امام علیه السلام، این مقام (عصمت از گناه) را برای او ممکن نمی کرد. در گذشته نیز افراد فراوانی، فرزند پیامبران و صالحان بوده اند؛ اما گناهان بزرگی مرتکب شده اند!!

انکار «جعفر» نسبت به فرزند برادرش، بسیار طبیعی و بر طبق انتظار است؛ زیرا حسن بن علی علیهما السلام دارای اموال فراوانی بود که اگر به دست «جعفر» می‌رسید، می‌توانست به وسیله آن به تمام خواسته‌های نفسانی و آرزوهای مادی خود برسد.

از طرفی امام عسکری علیه السلام، در انظار شیعیان دارای آن چنان مقام ارجمند و والایی بود که شیعیان او را در همه امور، بر خود مقدم داشته و در برابر او مطیع و فرمانبردار بودند. خشنودی او را رضای خداوند و خشم او را غضب خداوند می‌دانستند.

آن حضرت در زمان خود مرجع و مسؤول امور مادی و معنوی شیعیان بود و آنان خمس و زکات اموال خود را به عنوان یک وظیفه دینی، به او یا به وکیلش تقدیم می‌کردند تا به افراد مستحق برساند. جعفر می‌دانست شیعیان این عمل را پس از «حسن بن علی» با جانشین او انجام خواهند داد.

حال آیا با وجود این همه انگیزه‌های مختلف برای انکار «مهدی»، باز هم می‌توان به انکار جعفر استدلال کرد و انکارش را شاهی بر درستی مدعای خود دانست؟!!

تاریخ نویسان گوشه‌ای از رفتارهای اخلاقی و عواملی را نقل کرده اند که موجب انکار جعفر نسبت به مهدی (ع) فرزند برادرش گردید و او را وادار کرد خلیفه وقت را نسبت به جانشین حسن و شیعیانش تحریک کند...

شبهه سوم: «حسن بن علی» در هنگام مرگ مادر خود «حدیث، ام الحسن» را وصی و سرپرست جمیع اوقاف و اموال خود قرار داد و اختیار تصرف در آنها را به او واگذار کرد. این خود دلیل بر آن است که آن حضرت فرزندی نداشته است.

پاسخ: این شبهه نیز سست و بی اساس است و نمی‌توان به آن در انکار فرزند حسن بن علی علیهما السلام اعتماد کرد. وصیت امام حسن علیه السلام به مادرش، مؤید این مطلب است که وی می‌خواست، ولادت و وجود فرزندش را پنهان نگه دارد و از ریختن خونش به دست حاکمان جور جلوگیری کند. اگر در وصیت، نامی از فرزند خود می‌برد و یا شخصاً به او وصیت می‌کرد، نقض غرض می‌شد و هدف نهایی (حفظ کردن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای زمان لازم و مناسب) به دست نمی‌آمد. به خصوص آنکه امام عسکری علیه السلام مجبور گردید، اسامی در باریان نزدیک خلیفه (مانند «واثق» و «محمد بن مأمون» و «فتح بن عبد ربه» و ...) را در وصیت نامه درج کند، تا این وصیت از نظر دولت عباسی، معتبر باشد و موجب حساسیت آنها نسبت به فرزندش

و سبب کوشش آنان برای پیدا کردنش نگردد. ضمناً شیعیان را از تهمت اعتقاد به وجود فرزندی برای خود و نیز از اعتقاد به امامتش برهاند. (۱) البته چنین حرکتی، قبلاً نیز به دلایلی از ائمه علیهم السلام صورت گرفته بود. (۲)

-
- ۱- شیخ مفید، فصول العشره فی الغیبه (۱۰ انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ترجمه محمد باقر خالصی، صص ۱۸ ۴۸. (با تصرف و تلخیص)
- ۲- ر. ک: داستان وصیت امام صادق علیه السلام.

خود آزمایی

۱. در باره چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.
۲. مهم ترین ویژگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است؟ در باره آن شرح دهید.
۳. از چه راه هایی می توان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات کرد؟ دو راه را توضیح دهید.
۴. در باره زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.
۵. مهم ترین علت برای مخفی بودن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است؟
۶. در باره دیدگاه اهل سنت نسبت به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ دوم، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ه. ش).
۲. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ ه. ش).
۳. شیخ مفید، فصول العشره فی الغیبه (۱۰ انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ترجمه محمد باقر خالصی، (انتشارات راه امام، تهران، بی تا).
۴. لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، (انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم، ۱۳۷۷ ه. ش).
۵. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ ه. ش).

درس دوازدهم: نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

انواع روایات در باره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص (محمد)

۱. روایات عدم جواز نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه حال

۲. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور

۳. روایت جواز در جایی که بیم خطری نیست

۴. روایات جواز نام بردن

نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه

نام حضرت در دعاها

نام حضرت در گفتار اهل سنت

در آموزه های اعتقادی شیعه، «مهدویت»، از پر رمز و رازترین معارف اعتقادی است. از ولادت پنهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرفته، تا پنهان زیستی او؛ از چگونگی زندگی آن حضرت گرفته تا عمر طولانی اش؛ از چگونگی غیبت ایشان گرفته تا ظهور، قیام و حکومت جهانی بر کره زمین و... اینها، اسراری است که بر عموم مردم، پوشیده مانده و برخی جزو اسرار الهی تلقی شده است.

یکی از این موارد، نام بردن آن حضرت به نام مخصوص (م ح م د) است. این بحث همواره مورد توجه دانشمندان و بزرگان شیعه بوده و در روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته است.

وجود روایات متعارض در این موضوع، باعث شده نظرات مختلفی ارائه گردد. گروهی با استناد به روایاتی که ناظر به تحریم می باشند، بردن نام خاص آن حضرت را، ممنوع و حرام دانسته اند. عده ای جواز را مفید به زمان غیر از تقیه و ترس دانسته و برخی نیز با استناد به روایاتی که در آنها نام آن حضرت به صراحت ذکر شده، قائل به جواز شده اند.

بنابر این می توان مستند روایی دیدگاه های فوق را چنین بیان کرد:

۱. روایاتی که حرمت را مربوط به هر زمان و هر مکان دانسته است؛

۲. روایاتی که حرمت را تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته است؛

۳. روایاتی که نام بردن را تنها در شرایط تقیه و ترس بر آن حضرت، جایز نمی داند؛

۴. روایاتی که بدون هیچ قیدی، نام بردن را جایز می داند و ائمه علیهم السلام و یارانشان نیز در آنها تصریح به نام آن حضرت کرده اند.

انواع روایات درباره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص (محم د)

یک. روایات عدم جواز به صورت مطلق

روایات دسته اول را می توان به گروه‌هایی چند تقسیم کرد:

۱۱. نام بردن حضرت با نام مخصوص برابر با کفر است:

محمد بن یعقوب کلینی در کافی با ذکر سند از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «صاحبُ هَذَا الْأَمْرِ لَا يَسْمِيهِ بِاسْمِهِ إِلَّا كَافِرٌ»؛ (۱) «صاحب این امر کسی است که جز کافر، نام او را به اسم خودش نبرد».

این حدیث را شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه (۲) و مسعودی در اثبات الوصیه (۳) نقل کرده اند و اگر در منابع بعدی نیز ذکر شده، عمدتاً از این منابع است.

این روایت صریح در حرمت است؛ اگر چه عده ای آن را حمل بر مبالغه کرده اند. برخی از شارحان کافی، درباره این حدیث گفته اند: شاید مراد از کافر در این روایت، کسی باشد که اوامر الهی را ترک و نواهی او را انجام می دهد؛ نه کسی که منکر پروردگار و یا مشرک به او است. شاید این مختص به زمان تقیه باشد؛ چرا که روایات فراوانی، به نام آن حضرت تصریح کرده است. (۴)

برخی دیگر از شارحان، همچنان بر استفاده حرمت، از این گونه روایات پافشاری کرده اند. (۵)

۱۲. نام بردن ایشان جایز نیست؛ همان گونه که ولادت ایشان، مخفی است:

صدوق رحمه الله در کمال الدین و تمام النعمه از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است: «...ذَلِكَ إِيْنُ

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۸، ح ۱.

۳- اثبات الوصیه، ص ۲۸۰.

۴- ر.ک: مولی صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۶، ص ۲۲۴.

۵- ر.ک: محمد باقر مجلسی، مرآه العقول، ج ۴، صص ۱۸، ۱۶.

سَيِّدَهُ الْإِمَاءِ الذِّي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ...»؛ (۱) «او فرزند سرور کنیزان است؛ کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنها روا نیست...».

در این دسته از روایات به دو چیز اشاره شده است: یکی مخفی بودن ولادت و دیگری حرمت نام بردن حضرت با نام خاص. اگرچه ولادت آن حضرت بر عموم مردم پوشیده بود؛ ولی عده ای از این امر آگاه بودند. بنابراین می توان احتمال داد، این عدم جواز، برای همه مردم نیست. از طرفی مرجع ضمیر در «وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ» به «الناس» برمی گردد؛ یعنی، بر کسانی که ولادت آن حضرت بر آنها پوشیده است؛ از این رو نام بردن، برای ایشان نیز جایز نیست. با وجود این احتمالات، نمی توان گفت که این روایت صریح در حرمت مطلق است.

۱۳. نام بردن آن حضرت جایز نیست؛ همان گونه که جسم ایشان دیدنی نیست:

داود بن قاسم جعفری گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود: «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي إِبْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ؟ فَقُلْتُ: وَلِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ فَقَالَ: لَأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ قُلْتُ فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ؟ قَالَ: قُولُوا: الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»؛ (۲) «جانشین پس از من فرزندم حسن است و شما با جانشین پس از جانشین من چگونه خواهید بود؟ گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او به اسمش بر شما روا نباشد، گفتم: پس چگونه او را یاد کنم؟ فرمود: بگوئید: حجت از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

امام صادق علیه السلام در جواب کسی که پرسید «مهدی از فرزندان کیست»؛ فرمود: «الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيْبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ، وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ»؛ (۳) «پنجمین امام از فرزندان امام هفتم که شخص او از دیدگان شما نماند و نام بردنش روا نباشد».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۱، ح ۵؛ کتاب الغیبه، ص ۲۰۲، ح ۱۶۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۸؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۲؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱۲.

در این دسته از روایات نیز به جهت وجود ضمائر مخاطب در «يَغِيبُ عَنْكُمْ» و «لَا يَحِلُّ لَكُمْ»، ممکن است گفته شود، حرمت تنها متوجه مخاطبان آن حضرت بود و این به دلیل فشارهایی است که از طرف ظالمان بر شیعیان به جهت نام بردن حضرت وارد می کردند. (۱)

همچنین «یغیب عنکم» به ملاقات‌های قطعی تخصیص خورده و این غیبت همگانی نیست؛ بر این اساس عدم جواز نام بردن نیز تخصیص خورده است. به علاوه روایاتی نیز وجود دارد که می گوید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوران غیبت می بینند.

بنابراین از این دسته روایات، به خاطر وجود احتمالات، نمی توان قطع به حرمت را برای همگان استفاده کرد.

۱۴. نام برنده آن حضرت بین مردم ملعون است:

با این مضمون توقیعی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است که می فرماید: «مَنْ سَيَّمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»؛ (۲) «لعنت خدا بر کسی که مرا در میان جمعی از مردم نام برد».

در این روایت نیز احتمالاتی وجود دارد: مقصود روایت، دوران غیبت صغرا است؛ یعنی، زمانی که آن حضرت در میان جمعی حضور می یافتند و اگر کسی نام او را افشا می کرد، موجب فاش شدن اسرار می شد و خطری متوجه آن حضرت می گردید؛ و گرنه صرف نام بردن بدون اشاره به وجود ظاهری ایشان مایه ضرر و زیانی نخواهد شد. احتمال دیگر اینکه مقصود از «فی مجمع من الناس» مخالفان و اهل سنت باشد.

دو. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور

محمد بن زیاد ازدی از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره امام غایب علیه السلام نقل کرده است: «...تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا دُنُوَّهُ وَلَا تَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يَظْهَرَهُ اللَّهُ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ

۱- ر. ک: مولى صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۶، ص ۲۲۴.

۲- مولى صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۳.

قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ (۱) «...کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنها روا نیست، تا آن گاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

عبدالعظیم حسنی گوید: ... امام هادی علیه السلام فرمود: «... وَ مِنْ بَعْدِي اِثْنِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لَانَّهُ لَا يَرَى شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا...»؛ (۲) «... و پس از من پسر من حسن است و مردم با جانشین او چگونه باشند؟ گفتم: فدای شما شوم برای چه؟ فرمود: زیرا شخص او را نمی بینند و بردن نام او روا نباشد؛ تا آنکه قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید...».

سه. روایات جواز بدون بیم خطر

در این دسته از روایات، به علت نام بردن حضرت اشاره شده است. در این صورت اگر آن علت وجود نداشته باشد، نهی نیز ساقط است.

امام باقر علیه السلام در جواب ابو خالد کابلی که از نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده بود فرمود: «...سَأَلْتَنِي وَاللَّهِ يَا اَبَا خَالِدٍ عَنْ سُؤَالٍ مُجْهِدٍ، وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ اَمْرِ مَا كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ اَحَدًا وَ لَوْ كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ اَحَدًا لَحَدَّثْتُكَ، وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ اَمْرِ لَوْ اَنَّ بَنِي فَاطِمَةَ عَرَفُوهُ حَرَصُوا عَلَيَّ اَنْ يَقَطَعُوهُ بَضْعَةً بَضْعَةً»؛ (۳) «به خدا سوگند ای اباخالد! پرسش سختی پرسیدی که مرا به تکلیف و زحمت می اندازد؛ همانا از امری سؤال کردی که [هرگز آن را به هیچ کس نگفته ام و] اگر آن را به کسی گفته بودم، مسلماً، به تو می گفتم. همانا تو از من چیزی را سؤال کردی که اگر بنی فاطمه او را بشناسند، حرص ورزند که او را قطعه قطعه کنند».

از روایت یاد شده استفاده می شود که اگر ضرر و خطری بر آن حضرت به وجود نیاید،

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، ص ۳۷۹، ح ۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۸، ح ۲ و نیز ر.ک: محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۳، ح ۲۸۸.

دانستن و نقل نام آن حضرت، بدون اشکال است.

از خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی آمده است: «...فَأَنَّهُمْ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ وَقَفُوا عَلَى الْمَكَانِ دَلُّوا عَلَيْهِ»؛^(۱) پس به درستی که آنان اگر اسم را بدانند، آن را رایج ساخته و اگر بر مکان آگاهی یابند، آن را نشان خواهند داد». شیخ حر عاملی رحمه الله ذیل این روایت نوشته است: این دلالت می کند بر اینکه نهی اختصاص به ترس و ترتب مفسده دارد.^(۲)

بنابراین، این دسته از روایات، دایر مدار ترس و تقیّه است و با منتفی شدن آن، حرمت نام بردن نیز منتفی خواهد شد.

چهار. روایات جواز نام بردن

بی گمان در روایات فراوانی وقتی سخن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به میان آمده، به نام آن حضرت تصریح شده است. در اینجا به بعضی از این روایات، اشاره می شود:

۴۱. روایاتی که قبل از ولادت ایشان، به نام مبارک آن حضرت اشاره کرده است:

۴۱۱. شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین و تمام النعمه از حضرت علی علیه السلام، نقل کرده است: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، نام امامان بعد از حضرت علی علیه السلام را یکی پس از دیگری برای آن حضرت برشمرد، تا اینکه فرمود: «...مَهْدِي أُمَّتِي مُحَمَّدٌ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا...»؛^(۳) «مهدی امتم [در میان ایشان] محمد است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد...»

۴۱۲. حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که ضمن بردن نام ائمه دوازده گانه علیهم السلام، فرمود: «...فَإِذَا حَضَرَ رَتَّهُ (الحسن) الْوَفَاءَ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ...»؛^(۴) «پس هنگام رحلت حسن آن را تسلیم به فرزندش محمد می کند...».

۱- کتاب الغیبه، ص ۳۶۴، ح ۳۳۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

۳- شیخ صدوق رحمه الله؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳۷.

۴- محمد بن حسن طوسی رحمه الله؛ کتاب الغیبه ص ۱۵۰، ح ۱۱۱.

۴۱۳. در الفضائل نیز شبیه این روایت آمده و تصریح به نام «محمد» شده است. (۱)

همچنین در الاحتجاج طبرسی، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: از جبرئیل شنیدم: «... ثُمَّ إِنَّهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِي أُمَّتِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ...»؛ (۲) «... سپس فرزندش قائم به حق، مهدی امتم، محمد بن حسن صاحب الزمان...».

۴۱۴. در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام به این نام، اشاره شده است؛ چنان که شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین و تمام... النعمه آورده است: حضرت علی علیه السلام بر فراز منبر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «... إِنَّهُ إِسْمَانٌ يَخْفَى وَإِسْمٌ يَغْلَسُ، فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَدُ، وَأَمَّا الَّذِي يَغْلَسُ فَمُحَمَّدٌ...»؛ (۳) «برای او دو نام است: یکی نهان و دیگری آشکار؛ اما نهان احمد و نام آشکار محمد است».

۴۱۵. از موارد دیگری که قائلان به جواز نام بردن حضرت، بدان اشاره کرده اند، حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام است. در قسمتی از این لوح که هدیه ای از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا علیها السلام بود آمده است: «... وَأُكْمِلُ ذَلِكَ بِإِنِّي مُحَمَّدٌ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ...»؛ (۴) «... و اوصیا را به وجود فرزندش محمد- رحمت برجهانیان- تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی علیه السلام و بهاء عیسی علیه السلام و صبر ایوب علیه السلام را دارا است...».

۴۱۶. شیخ صدوق رحمه الله، قسمت مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه آورده است: «... أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ...»؛ (۵) «... ابو القاسم همو حجت خداوند متعال بر بندگان است...».

خود جابر نیز در مواردی تصریح کرده که از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن لوح، به عنوان محمد

۱- ابن شاذان، الفضائل، ص ۱۵۸.

۲- شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۱۷؛ ر.ک: اعلام الوری، ص ۴۶۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۴.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۷.

یاد شده است.

۴۱۷. امام باقر علیه السلام نیز در ذیل آیه شریفه: (إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ...) (۱) یک یک نام ائمه را برد تا اینکه فرمود: «...وَالِي إِيَّهِ الْحَسَنُ وَالِي إِيَّهِ مُحَمَّدُ الْهَادِي الْمَهْدِي، إِيْنَا عَشَرَ إِمَامًا...»؛ (۲) «و به فرزندش حسن و به فرزندش محمد هدایت کننده هدایت شده، دوازده امام هستند».

۴۱۸. از امام صادق علیه السلام نیز در مواردی هنگام معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام «محمد» تصریح شده است؛ چنان که می فرماید: «الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِي، إِسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ يُخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُقَالُ لِأُمِّهِ صَقِيلٌ»؛ (۳) «خلف صالح از فرزندانم مهدی است. نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم، در آخر الزمان خروج می کند و مادرش صقیل نامیده می شود».

شیخ صدوق رحمه الله شبیه این روایت را در کمال الدین و تمام النعمه آورده است. (۴)

۴۱۹. امام صادق علیه السلام وقتی خواست در جواب زید شحام نام امامان معصوم علیهم السلام را برشمرد، فرمود:

«نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ - هَكَذَا - حَوْلَ عَرْشِ رَبِّنَا جَلَّ وَعَزَّ فِي مُبْتَدِئِ خَلْقِنَا أَوْلَانَا مُحَمَّدٌ وَأَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَآخِرُنَا مُحَمَّدٌ»؛ (۵) «ما دوازده تن بدین گونه (اشاره با دست به صورت دایره) از آغاز آفرینش گرداگرد عرش پروردگارمان قرار داشته ایم، نام اولین فرد ما محمد و نفر میانه محمد و آخرین فرد ما نیز محمد است».

۴۱۱۰. از امام عسکری علیه السلام در موارد فراوانی نقل شده که به نام آن حضرت تصریح کرده است. زمانی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان حامله شد، امام عسکری علیه السلام به او فرمود:

۱- سوره توبه (۹)، آیه ۳۶.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۹، ح ۱۱۰.

۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۵.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۴.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۸۵، ح ۱۶.

«سَيَتَحْمِلِينَ ذَكَرًا وَاسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي»؛^(۱) «تو حامل پسری هستی که نامش محمد است و او قائم پس از من است.»

همچنین آن حضرت در ضمن حدیثی فرمود: «...إِنِّي مُحَمَّدٌ، هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَيْنُ مَاتَ وَلَعَمَّ يَعْرِفُهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَةً...»؛^(۲) «فرزندم محمد، او است امام و حجت پس از من، هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

۴۲. گروه دوم شامل سخنانی است که پس از ولادت ایشان، از آن حضرت با نام محمد یاد کرده اند:

۴۲۱. ابراهیم کوفی، نقل کرده است که امام عسکری علیه السلام گوسفندی سربرید و برای من فرستاد و فرمود: «هَذَا مِنْ عَقِيْقَةِ ابْنِي مُحَمَّدٍ»؛^(۳) «این بخشی از عقیقه فرزندم محمد است.»

۴۲۲. محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله از احمد بن محمد بن عبدالله، ضمن روایتی نقل کرده است: «...وَوُلِدَ لَهُ (أَبِي مُحَمَّدٍ) وَوُلِدَ سَمَاءُ مُحَمَّدٍ...»؛^(۴) «برای او (امام عسکری علیه السلام) فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نامید.»

۴۲۳. شیخ طوسی رحمه الله، در کتاب الغیبه در بخشی از یک حکایت نقل کرده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «محمد بن الحسن» از خود نام برده است.^(۵)

۴۲۴. از ابی غانم خادم نقل شده است: «وَأُتِدَلَّابِي مُحَمَّدٌ مَوْلُودٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا...»؛^(۶) «برای ابو محمد (امام عسکری علیه السلام) فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نام نهاد و...».

۴۲۵. شیخ صدوق رحمه الله، به نقل از عبدالله سوری، در ضمن داستانی از ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغرا، نوشته است: «...پس دیدم جوانانی را که در برکه، آب بازی

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۱۰.

۴- کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ص ۵۱۴.

۵- ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۲۶۹، ح ۲۳۴.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۳، ح ۲۱۴۶۷.

می کردند. جوانی بر سجاده ای نشسته بود و آستین لباس خود را مقابل دهان قرار داده بود. پس گفتم: این جوان کیست؟ گفتند: محمد بن الحسن است و شبیه پدرش بود...» (۱).

۵۲۶. در کمال الدین و تمام النعمه ضمن بیان سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آمده است: «...وَعَلَى قَبْرِهَا مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ هَذَا قَبْرُ أُمِّ مُحَمَّدٍ»؛ (۲) «و بر آرامگاه او نوشته شده بود، این قبر مادر محمد است».

با توجه به اینکه از ایشان به عنوان «ام محمد» یاد نشده تا گفته شود لقب ایشان بوده است؛ بنابراین دلیل برای جواز نام بردن نام خاص آن حضرت است.

نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه

علاوه بر روایاتی که ذکر شد، عده ای از دانشمندان شیعه، از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان، محمد، محمد المهدی، محمد بن الحسن و محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام، یاد کرده اند. این خود نشانگر آن است که این بزرگان، ذکر نام آن حضرت را جایز می دانسته اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. شیخ مفید رحمه الله در معرفی آن امام همام علیه السلام می نویسد: «...مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَّ الْمَهْدِيَّ الْمُنْتَظَرَ خُرُوجُهُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَأَنَّهُ غَائِبٌ بَعْدَ فِتْرَةٍ مِنْ وِلَادَتِهِ...»؛ (۳) «...محمد فرزند حسن عسکری و او است مهدی؛ همو که خروجش در آخرالزمان انتظار کشیده می شود و مدتی بعد از ولادتش غایب شد».

۲. سید مرتضی قدس سره در بیان اعتقادات شیعه درباره ائمه علیهم السلام می نویسد: «وَيَذْهَبُ الْإِمَامِيُّ بِأَجْمَعِهِمْ إِلَى أَنَّهَا بِالنَّصِ الْجَلِيِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْإِثْنِي عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَآخِرُهُمْ

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، باب ۴۳، ح ۱۳؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۵۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۷.

۳- شیخ مفید، الرسائل فی الغیبه، ج ۱، ص ۴.

محمد بن الحسن المهدي المنتظر...»؛^(۱) «اعتقاد امامیه بنا بر نص آشکار این است که امامان دوازده نفرند؛ نخستین ایشان علی بن ابی طالب و آخرین آنان محمد فرزند حسن، مهدی منتظر است».

۳. شیخ طوسی رحمه الله درباره ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زبان اسماعیل علی نوبختی نوشته است: «...مَوْلِدُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى...».^(۲)

۴. شیخ صدوق رحمه الله آورده است: «...أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ الْقَائِمُ...».^(۳)

۵. علامه حلی قدس سرّه در تحریر الاحکام (ج ۲، ص ۱۰۹) و شرح منهاج الکرامه، (ص ۲۵۲) و الرساله السعديه (ص ۱۹)، از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان محمد بن الحسن العسكري علیهما السلام یاد کرده است.

۶. علی بن یوسف حلی پس از نام بردن از امامان دوازده گانه، نام امام زمان علیه السلام را چنین می نویسد: «...حتی انتهى الی ابی القاسم محمد بن الحسن الحجه القائم...».^(۴)

۷. محقق کرکی رحمه الله می نویسد: «تُعَمُّ الْخَلْفُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِي الْمُسْتَتَرَّ خَوْفًا مِنَ الْأَعْدَاءِ...»؛^(۵) «سپس خلف، حجت، قائم، منتظر، محمد فرزند حسن، مهدی که به جهت ترس از دشمنان پنهان است...»

۸. اربلی رحمه الله نوشته است: «...وَأَمَّا إِسْمُهُ فَمُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ وَلَقَبُهُ الْحُجَّةُ وَالْخَلْفُ الصَّالِحُ وَقِيلَ الْمُنتَظَرُ...»؛^(۶) «اما اسم او محمد و کنیه اش ابوالقاسم و لقبش حجت و خلف صالح و گفته شده منتظر است».

۹. علامه مجلسی قدس سرّه اگر چه قائل به حرمت نام بردن ایشان است؛ ولی در موارد فراوانی با نام مخصوص از ایشان یاد کرده است: «... الْمَهْدِي الَّذِي بَشَّرَ بِخُرُوجِهِ النَّبِيُّ الْمَعْظَمُ -صَلَّى

۱- سید مرتضی، الانتصار، ص ۲۵.

۲- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۷۱.

۳- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۰.

۴- العدد القویه، ص ۷۰.

۵- محقق کرکی، رسائل الکرکی، ج ۱، ص ۶۳.

۶- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۳۷.

الله عليه وآله - في روايات مُتَوَاتِرَةٍ مِنَ الْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ وَهُوَ الْإِمَامُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ...» (۱).

۱۰. شهید اول قدس سرّه می گوید: «الثانی عَشَرَ: الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ الْحُجَّجُ صَاحِبُ الزَّمَانِ أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ...» (۲).

۱۱. حسین عبدالصمد عاملی پدر شیخ بهایی رحمه الله با عنوان محمد بن الحسن العسکری المهدی قائم از آن حضرت یاد کرده است. (۳).

۱۲. قاضی نعمان مغربی نوشته است: «...وَمِنْ الْمُتَوَقَّعِ أَنَّ هَذِهِ الرَّوَايَةَ وَرَدَتْ فِي الْمَهْدِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ...» (۴).

۱۳. طریحی رحمه الله می نویسد: «يَكْنَى بِهِ (القائم) عَنْ صَاحِبِ الْأَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ...» (۵) و (۶).

نام حضرت در دعاها

در دعاهاى فراوانی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان محمد یاد شده است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. مشهور در دعای فرج «اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن» است؛ ولی در منابع اصلی،

۱- بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۸۴، ج ۲۸، ص ۴۶.

۲- شهید اوّل، الدروس، ج ۲، ص ۱۶.

۳- ر. ک: وصول الاخبار الى اصول الاخبار.

۴- نعمان بن محمد تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۶۳.

۵- طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۷۱.

۶- از دیگر کسانی که در نوشتار و یا نقل قول های خود به کلمه محمد، به عنوان نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده اند، می توان از شیخ علی یزدی حایری در الزام الناصب، (ج ۱، صفحه ۱۲۱)، سید هاشم بحرانی در غایه المرام، (ج ۷، صفحه ۱۳۴) و محمد جواد مغنیه در الشیعه فی المیزان، (ص ۲۶۶)، سید علی میلانی در دراسات فی منهاج السنه، (ص ۴۱)، شیخ عباس قمی در منازل الاخره، (ص ۲۸۸) و در الکنی و الالقاب، (ج ۳، صفحه ۱۹)، مولی صالح مازندرانی در شرح اصول کافی، (ج ۶، ص ۲۶)، شیخ جعفر سبحانی در اضواء علی عقاید الشیعه الامامیه، (ص ۲۱۸)، به عنوان نمونه یاد کرد.

(مانند مصباح کفعمی) دعا به گونه ای دیگر نیز آمده است: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْمَهْدِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ...» (۱). سید بن طاووس نیز در اقبال الاعمال همین گونه نقل کرده است. (۲)

۲. در البلد الامین تحت عنوان دعای «کنز العرش» آمده است: «وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالْحُجَّةِ عَلِيَّ عِبَادِكَ...».

۳. علامه مجلسی رحمه الله در دعای پس از زیارت آل یس آورده است: «... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ حَبَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ...».

علامه مجلسی این روایت را از احتجاج طبرسی نقل کرده است؛ هر چند در احتجاج کلمه محمد بن الحسن نیست؛ ولی این احتمال وجود دارد که در نسخه علامه مجلسی، چنین بوده و بعداً این کلمات از احتجاج حذف شده است.

نام حضرت در گفتار اهل سنت

بسیاری از اهل سنت، وقتی در کتاب های خود اعتقاد به مهدویت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقل کرده اند؛ به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده، آن را به شیعه نسبت داده اند. در این بخش تنها به بعضی از این اقوال اشاره می شود:

۱. ابن کثیر در البدایه و النهایه می نویسد: «...يَعْتَقِدُ فِيهِمُ الرَّافِضَةُ الَّذِينَ أَوْلَاهُمْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْمُتَنَزَّرُ بِسَرْدَابِ سَامِرَا وَهُوَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ...» (۳).

وی در جای دیگر (۴) نیز پس از ردّ اعتقادات شیعه، از حضرت مهدی علیه السلام با نام محمد بن الحسن المهدی یاد کرده است.

۱- مصباح کفعمی، ص ۵۸۶؛ ر.ک: اقبال الاعمال، ص ۵۸؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۹۲.

۲- سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۵۸.

۳- البدایه و النهایه، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴- البدایه و النهایه، ج ۱۴، ص ۹۵.

۲. ابن خلدون در تاریخ خود، وقتی از اعتقاد شیعه درباره حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته چنین می نویسد: «...وْخُصُوصاً الْإِثْنَا عَشْرِيهِ مِنْهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَيْمَتِهِمْ وَهُوَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَيَلَقَّبُونَهُ الْمَهْدِيَّ...» (۱).

۳. زرکلی در الاعلام می گوید: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ بِنِ عَلِيِّ بْنِ الْهَادِي أَبُو الْقَاسِمِ آخِرُ الْأَيْمَةِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ عِنْدَ الْإِمَامِيَّةِ...» (۲).

۴. ذهبی در سیر اعلام النبلاء، به دنبال کلمه «المنتظر» نوشته است: «...الشَّرِيفُ أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ بِنِ عَلِيِّ الْهَادِي...» (۳).

۵. در پاورقی سنن ابی داود، آمده است: «وَالشَّيْعَةُ الْإِمَامِيَّةُ الْإِثْنَا عَشْرِيَهُ تَقُولُ إِنَّ إِمَامَهُمُ الثَّانِي عَشَرَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ الَّذِي غَابَ وَسَيُظْهَرُ مِنْ غَيْبَتِهِ...» (۴).

۶. در تحفه احوذی آورده است: «...وَفِيهِ رَدُّ عَلَى الشَّيْعَةِ حَيْثُ يَقُولُونَ الْمَهْدِيَّ الْمَوْعُودَ هُوَ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ هُوَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ...» (۵).

۷. قندوزی در ینابيع الموده نوشته است: «فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَابْنُهُ الْحُجَّةُ مُحَمَّدُ الْمَهْدِيَّ...»؛ «پس آن گاه که [امام] احسن در گذشت، پس فرزند او حجت محمد مهدی...» (۶).

اقوال اهل سنت بر دو چیز دلالت دارد:

الف. این نام کم و بیش نزد شیعیان و علما شهرت داشته و استعمال می شده است.

ب. همه قائل به حرمت، آن نام نبوده اند؛ و گرنه به عنوان نکته ای قابل تأمل از طرف اهل

۱- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲- الاعلام، ج ۶، ص ۸۰، پاورقی.

۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹.

۴- سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۰.

۵- تحفه احوذی، ج ۶، ص ۴۰۳.

۶- ینابيع الموده، ج ۳، ص ۲۸۲ و ص ۳۱۶.

سنت مطرح می شد.

نکته پایانی

برخی از بزرگان معاصر، پس از نقل چهار گروه روایات یاد شده، نوشته اند: «شکی نیست که قول به منع نام بردن از روی تعبد، خالی از تحقیق است؛ اگر چه برخی از بزرگان بدان تصریح کرده اند... ظاهر این است که منع، دایر مدار وجود ملائک تقیه است. بنابراین نام بردن از آن حضرت به این نام در زمان ما هیچ گونه منعی ندارد. به علاوه دسته چهارم روایات که دلالت بر جواز می کرد از دسته های دیگر به مراتب، هم از نظر عدد بیشتر و هم از نظر دلالت اقوا است.

آن گاه ایشان نتیجه می گیرند: «حرمت تنها در هنگام تقیه بوده و تنها راه جمع بین روایات همین قول است، و گرنه باید هر دو دسته روایت را قبول نکنیم و به اصطلاح از اعتبار ساقط بدانیم و یا قائل به تخییر شویم _ اگر بگوییم روایات ظنی هستند _ و حاصل این هم این می شود که قائل به جواز شویم».

در پایان ایشان قوی ترین قرینه بر نظر خود (جواز نام بردن) را همان دسته چهارم از روایات دانسته، احتیاط را نیز لازم نمی دانند: «فتلخص عن جميع ما ذكر جواز التسمية باسمه الشريف و هو (محمد)»^(۱) با توجه به آنچه ذکر شد به نظر می رسد، در زمان غیبت کبرا اگر نام بردن آن حضرت موجب ضرر و زیان نگردد، جایز است.

۱- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، قواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۵۰۴.

خود آزمایی

۱. برخی روایاتی که از آنها حرمت نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده می شود، بیان کنید.
۲. چهار روایتی که در آنها به صراحت نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برده شده، بیان کنید.
۳. به سه نقل از بزرگان شیعه اشاره کنید که در آن به صراحت نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است.
۴. دو دعا را که در آن نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برده شده، بنویسید.
۵. نظر آیت الله مکارم شیرازی را در باره حکم نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.
۶. برخی از کسانی را که اصرار دارند در زمان ما نیز بردن نام حضرت حرام است نام ببرید و دلیل های ایشان را بررسی کنید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. میر داماد، شرعه التسمیه حول حرمه تسمیه صاحب الامر، (مهدیه میر داماد، اصفهان).
۲. ناصر مکارم شیرازی، القواعد الفقهیة، (مدرسه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، قم، ۱۴۱۱ هـ).
۳. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ هـ).

درس سیزدهم: القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

برخی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

۱. بقیة الله

۲. حجت

۳. خاتم الاوصیاء

۴. شرید

۵. صاحب الامر

۶. صاحب الدار

۷. صاحب الزمان

۸. صاحب السیف

۹. صاحب الغیبه

۱۰. غریم

۱۱. غلام

۱۲. فرید

۱۳. قائم

۱۴. مضطر

۱۵. منتظر

۱۶. منتقم

۱۷. منصور

۱۸. مهدی

یکی از اموری که می تواند معرفت و شناخت ما را نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افزایش دهد، آشنایی با القاب آن حضرت و معانی آنها است. با توجه به عنایت معصومین علیهم السلام به استفاده از القاب خاص برای آن حضرت، روشن می شود که برخی از اوصاف و ویژگی های آن حضرت چگونه است.

در این درس تلاش بر این است در حد اختصار، به بعضی از القاب مشهور آن حضرت اشاره گردد. (۱)

۱. بَقِيَةُ اللَّهِ

واژه «بقیه»؛ یعنی، باز مانده و پاینده و آنچه از چیزی باقی گذاشته شود. عبارت «بقیه الله» هم در قرآن مجید و هم در روایات آمده است. در قرآن فقط یک بار در داستان حضرت شعیب علیه السلام ذکر شده است؛ یعنی، آنجا که وی قوم خود را از کم فروشی نهی کرده، می گوید: (بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)؛ (۲) «آنچه را که خداوند [در ازای چشم پوشی از منافع نامشروع دنیوی] برای شما باقی می گذارد، برای شما بهتر است».

در این آیه هر چند مخاطب قوم شعیب هستند و منظور از «بقیه الله»، سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است؛ ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه

۱- گفتنی است با استفاده از روایات و ادعیه مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، القاب فراوانی برای آن حضرت شمرده شده است. علل فراوانی این القاب در کتاب های مربوط مورد اشاره قرار گرفته است. البته برخی نیز در بیان القاب آن حضرت زیاده روی کرده، به هر مناسبتی کلمه ای را به عنوان لقب آن حضرت برشمرده اند!

۲- هود(۱۱)، آیه ۸۶.

خیر و سعادت او گردد «بَقِيهَ اللَّهِ» محسوب می شود. از این رو تمام پیامبران و پیشوایان بزرگ «بَقِيهَ اللَّهِ» اند. تمام رهبران راستین که پس از مبارزه با یک دشمن سرسخت برای یک قوم و ملت باقی می مانند، از این نظر «بَقِيهَ اللَّهِ» هستند...

از آنجایی که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی، پس از قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است؛ یکی از روشن ترین مصادیق «بَقِيهَ اللَّهِ» است. او از دیگران به این لقب شایسته تر است؛ به خصوص که تنها باقی مانده بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام است.

در روایات، دعاها و زیارات، ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان «بقیه‌الله» توصیف شده اند. برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. به دستور هشام بن عبدالملک، امام باقر علیه السلام را به شام بردند. موقع مراجعت به مدینه، هشام فرمان داد بازارها را بر روی آن حضرت و همراهانش ببندند و آنان را از خوراک و آشامیدنی محروم سازند! وقتی به شهر مدینه رسیدند، مردم در شهر را بر رویشان بستند و اصحاب آن حضرت از جهت کمبود آب و غذا به زحمت افتادند و به آن بزرگوار شکایت بردند. امام باقر علیه السلام به بالای کوهی مشرف به شهر رفت و با صدای بلند فرمود: «ای اهل شهری که مردمانش ستمگرند! به خداوند سوگند من بقیه‌الله هستم. خداوند فرمود: بقیه‌الله برایتان بهتر است، اگر ایمان دارید» (۱).

۲. در «زیارت جامعه کبیره»، آمده است: «السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ... وَ بَقِيهَ اللَّهِ...»؛ «سلام بر امامان که... بقیه‌الله هستند...» (۲).

۳. در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ بَقِيهَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيه...»؛ «کجا است آن بقیه‌الله که از عترت هدایتگر بیرون نیست» (۳).

۴. در حدیثی آمده است: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا بر امام قائم می توان با عنوان

۱- شیخ محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۷۱، ح ۵.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹.

۳- سید بن طاووس، الاقبال، ص ۲۹۷.

«امیر مؤمنان» سلام کرد؟ فرمود: «لا ذَاكَ إِسْمٌ سَيَمَى اللَّهُ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَسْمَ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يَتَسَمَى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ»؛ «خیر؛ خداوند این نام را به حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام اختصاص داده است. پیش از او کسی این نام بر خود ننهاد و پس از او نیز مگر کافر این نام را به خود ننهد».

راوی گوید: پرسیدم: فدایت گردم! پس چگونه بر او سلام کنند؟ فرمود: می گویند «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ». سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱).

۵. امام باقر علیه السلام فرمود: «نخستین سخن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور این آیه است که می گوید: بقیه الله برایتان بهتر است اگر ایمان دارید. آن گاه می فرماید: «منم بقیه الله و حجّت و خلیفه او در میان شما». در آن زمان هر کس بر آن حضرت سلام کند، می گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (۲).

۶. روایت شده است. وقتی احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، به محضر امام عسکری علیه السلام شرفیاب شد؛ درباره جانشین آن حضرت سؤال کرد. آن حضرت کودک خردسال، همچون قرص ماه را به او نشان داد. احمد بن اسحاق پرسید: آیا نشانه ای هست تا قلبم اطمینان یابد؟ آن کودک زبان گشود و با زبان عربی فصیح فرمود: «أَنَا بَقِيَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ»؛ (۳) «من بقیه الله بر روی زمین و منتقم از دشمنان او هستم. ای احمد بن اسحاق! بعد از دیدن [این کرامت] نشانه ای طلب نکن».

۲. حَجَّت

«حجّت» از نظر لغت، به معنای برهان و دلیل است که با آن حریف را قانع یا دفع کنند و

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۲؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۹۳، ۲۴۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

جمع آن حجج و حجاج است. (۱)

این کلمه در قرآن مجید در موارد مختلفی به کار رفته است؛ از جمله: «لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (۲) «تا اینکه برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا بهانه و حجتی نباشد و خدا توانا و حکیم است».

و نیز «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ»؛ (۳) «بگو برهان رسا (حجت) ویژه خداوند است و اگر او می خواست، قطعاً همه شما را هدایت می کرد».

امام کاظم علیه السلام فرموده است: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَحُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيْمَةُ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ»؛ (۴) «خداوند را بر مردم دو حجت است: یکی ظاهر که آن عبارت است از پیامبران و رهبران دینی و دیگری باطن که آن عقول مردم است».

پیامبران و اوصیای آنان علیهم السلام از این جهت «حجت» نامیده شده اند که خداوند به وجود ایشان، بر بندگان خود احتجاج کند. آنان همچنین دلیل بر وجود خدا هستند و گفتار و کردارشان دلیل بر نیاز مردم به قانون آسمانی است.

بر اساس روایات فراوانی، هرگز زمین خالی از حجت نیست؛ چنان که از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: آیا زمین از حجت خالی می ماند؟ حضرت فرمود: «لَوْ بَقِيَتْ بَعْدَ إِمَامِ لَسَاخَتْ»؛ (۵) «اگر زمین به اندازه چشم برهم زدن از حجت خالی باشد، اهلش را فرو می برد».

از دیدگاه شیعه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین حجت الهی است؛ از این رو به حجه بن الحسن العسکری علیهما السلام شهرت دارد. (۶)

داود بن قاسم گوید: از امام دهم علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ

۱- ر.ک: لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۶۵.

۳- انعام (۶)، آیه ۱۴۹.

۴- کافی، ج ۱، ص ۱۵.

۵- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۸.

۶- بحار الانوار، ج ۲۵، ح ۶ و ج ۹۷، ص ۳۴۳.

فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ فَقُلْتُ كَيْفَ نَذْكُرُهُ فَقَالَ: قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛^(۱) «جانشین من، پسر من حسن است. شما نسبت به جانشین پس از جانشین من چه حالی خواهید داشت؟ عرض کردم: خداوند مرا قربانت کند؛ چرا؟ فرمود: برای آنکه شخص او را نمی‌توانید ببینید و ذکر او به نام مخصوصش روا نیست. عرض کردم: پس چطور او را یاد کنیم؟ فرمود: بگوئید حجت از خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

در بیشتر روایات این لقب به صورت «الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» به کار رفته است.^(۲)

۳. خاتم الاوصیاء

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خاتم الاوصیا (پایان بخش جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) است. این لقب ابتدا بر زبان خود آن حضرت در کودکی آن گاه که در آن سنین لب به سخن گشود جاری شد. البته این لقب درباره حضرت علی علیه السلام به عنوان پایان بخش اوصیای آخرین پیامبر به کار رفته است.^(۳)

طریف ابونصر گوید: «بر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شدم؛ آن حضرت فرمود: برای من صندل احمر (نوعی چوب خوش بو) بیاور. پس برای ایشان آوردم؛ آن حضرت رو به من کرد و فرمود: آیا مرا می‌شناسی؟ گفتم: بله. سپس فرمود: من کیستم؟ عرض کردم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. پس آن حضرت فرمود: مقصودم این نبود! گفتم: خداوند مرا فدای شما گرداند! بفرمایید مقصودتان چه بود؟ حضرت فرمود: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي»؛^(۴) «من خاتم الاوصیاء هستم که خداوند به وسیله من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می‌سازد».

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۰۲، ح ۱۶۹؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

۲- ر.ک: همان؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۸.

۳- ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۹۳ و ج ۹۷، ص ۳۳۱.

۴- کتاب الغیبه، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

علاوه بر خاتم الاوصیاء از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان «خاتم الائمه» نیز یاد شده است؛ چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ اِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيِّ الْاِ- اِنَّ خَاتَمَ الْاِئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ...»؛^(۱) «ای مردمان! من پیامبرم و علی جانشین من. آگاه باشید که خاتم الائمه، قائم و مهدی از ما است».

۴. شریذ

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «شریذ»، به معنای آواره است. از آنجایی که ایشان در دوران غیبت، منزلی معین و خاص ندارد، به این لقب خوانده شده است.

اصبغ بن نباته گوید: از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب این امر، شریذ (آواره)، طریذ (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است».^(۲)

۵. صاحب الامر

یکی از لقب های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «صاحب الامر» است. امام صادق علیه السلام درباره اتفاقات هنگام ظهور می فرماید: «... يَوْمَئِذٍ مَنْ كَانَ بِالْمَدِينَةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ اِلَى مَكَّةَ فَيَلْحَقُونَ بِصَاحِبِ الْاَمْرِ وَيَقْبِلُ صَاحِبُ الْاَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ...»؛^(۳) «... در این زمان هر کس از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه است، به مکه می گریزد و به صاحب امر می پیوندد و او به سوی عراق روی می آورد...».

اگرچه همه امامان علیهم السلام صاحب امر امامت بوده اند؛ ولی به جهت عظمت امر امامت و قیام آن حضرت، این لقب درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متداول تر است. ریان بن صلت گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: «اَنَا صَاحِبُ هَذَا الْاَمْرِ وَلَكِنِّي لَسْتُ»

۱- فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۹۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۳.

۳- الغیبه، ص ۲۷۰، باب ۱۴، ح ۴۳.

بِالَّذِي أَمْلَاهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا، وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي، وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشَّبَابِ...»؛^(۱) «من صاحب الامر هستم؛ امانه آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد، همان گونه که پر از جور شده باشد و چگونه او باشم، در حالی که ضعف بدن مرا می بینی و قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیام می کند...».

البته آنچه بیشتر در روایات آمده «صاحب هذا الامر» است؛ ولی رفته رفته این ترکیب به «صاحب الامر» تبدیل شده و به عنوان یکی از القاب آن حضرت در آمده است.

۶. صاحب الدار

در برخی از روایات از «صاحب الدار» به عنوان لقب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. مقصود از «دار» (خانه)، خانه پدری و جد آن حضرت است که در آنجا غایب شده است. از آنجایی که ذکر نام آن حضرت، در آن دوران جایز نبود، از انواع کنایه ها استفاده شد که از جمله آنها «صاحب الدار» است.

اسحاق بن یعقوب می گوید: از محمد بن عثمان عمری قدس سرّه خواستم تا نامه ای که در آن پرسش های سختی را مطرح کرده بودم، به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند. پس توقیعی به خط مولایمان «صاحب الدار» صادر شد...».^(۲)

ممکن است این لقب، مانند برخی دیگر از القاب آن حضرت، در موارد تقیه و ترس از دشمنان به کار می رفته است.

۷. صاحب الزمان

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «صاحب الزمان» است. این لقب اگرچه در متن روایات به ندرت ذکر شده است؛ ولی در زبان راویان و اصحاب و شیعیان، فراوان مورد استفاده قرار

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، ح ۸.

۲- کتاب الغیبه، ص ۲۹۰؛ ص ۳۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.

گرفته است. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «... وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ»؛ (۲) «و آخرین آنها قائم به حق، بقیه‌الله در زمین و صاحب الزمان است».

فضل بن شاذان در کتاب فضایل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ وَ حَسُنَ إِسْلَامُهُ فَلْيُوَالِ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْقَائِمَ الْمُتَنَزَّرَ الْمَهْدِيَّ...»؛ (۳) «هر آن کس که دوست دارد خداوند را در حال کمال ایمان و حسن اسلام ملاقات کند، پس باید حجت، صاحب الزمان، قائم، منتظر و مهدی را دوست داشته باشد».

اگرچه هر یک از ائمه علیهم السلام، صاحب زمان خویش اند؛ ولی به اعتبار طول عمر فراوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اینکه مدت زمانی بیشتر از بقیه ائمه علیهم السلام زندگی کرده است، ایشان بیشتر به این لقب شهرت یافته است.

۸. صاحب السیف

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در پاره ای از روایات معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده «صاحب السیف» (صاحب شمشیر) است. درباره سلاح حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، صراحتی وجود ندارد؛ ولی ممکن است، این گونه روایات را حمل بر ظاهر کرد؛ یعنی، آن حضرت با همان سلاح های متداول عصر بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور خواهد فرمود. در این صورت «صاحب السیف» در معنای حقیقی خود به کار می رود؛ اگر چه در مقابل می توان آن را کنایه از «صاحب القدره والعظمه» دانست و «سیف» را در اینجا به معنای ابزار غلبه و قدرت معنا کرد.

در کتاب کافی نقل شده است: وقتی از امام صادق علیه السلام درباره قائم علیه السلام پرسیده شد، آن

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱ و ص ۲۷۱، ح ۲۳۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۳.

۳- شاذان بن جبرئیل، الفضایل، ص ۱۶۶.

حضرت فرمود: «كُنَّا قَائِمًا بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدًا بَعِيدًا وَاحِدًا حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَمَازَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ»؛ (۱) «همه ما قائم به امر خداییم؛ یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید. چون صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده، می آورد (پدرانش مأمور به تقیّه و صبر بودند و او مأمور به جهاد و برانداختن ظلم است)».

گفتنی است این لقب، همانند بسیاری از القاب دیگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اختصاص به آن حضرت ندارد و بقیه ائمه علیهم السلام نیز به این عنوان، ملقب بوده اند. در این باره حکم بن ابی نعیم گوید: در مدینه خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: من بین رکن و مقام نذر کرده و به عهده گرفته ام که اگر شما را ملاقات کنم، از مدینه بیرون نروم تا زمانی که بدانم شما قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستید یا نه؟ حضرت هیچ پاسخی به من نفرمود. من سی روز در مدینه بودم، سپس در بین راهی به من برخورد کرد و فرمود: ای حکم! تو هنوز اینجا ای؟ گفتم آری، من نذر خود را به شما عرض کردم و شما مرا امر و نهی نکرده و پاسخی نفرمودید.

فرمود: فردا صبح زود به منزل من بیا. فردا خدمتش رفتم، فرمود: مطلبت را بپرس. عرض کردم: من بین رکن و مقام، نذر کرده و روزه و صدقه ای برای خدا به عهده گرفته ام که اگر شما را ملاقات کردم، از مدینه بیرون نروم؛ جز آنکه بدانم آیا شما قائم آل محمد هستید یا نه؟ اگر شما هستید، ملازم خدمتتان باشم و اگر نیستید، در روی زمین بگردم و در طلب معاش برآیم. فرمود: ای حکم! همه ما قائم به امر خدا هستیم.

عرض کردم: شما مهدی هستی؟ فرمود: همه ما به سوی خدا هدایت می کنیم. عرض کردم: شما صاحب شمشیری؟ فرمود: همه ما صاحب شمشیر و وارث شمشیریم (شمشیر پیغمبر به ما به ارث رسیده و همراه ما است). عرض کردم: شما هستید آن که دشمنان خدا را می کشد و دوستان خدا به وسیله او عزیز می شود و دین خدا آشکار می گردد؟ فرمود: ای حکم! چگونه من او باشم، در صورتی که به ۴۵ سالگی رسیده ام؛ حال آنکه صاحب این امر از من به دوران شیرخوارگی نزدیک تر و هنگام سواری چالاک تر است» (۲).

۱- کافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۱.

۹. صاحب الغیبه

در برخی روایات از این لقب، برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اثبات غیبت برای ایشان استفاده شده است. امام رضا علیه السلام فرمود: «... وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ»؛ (۱) «و او است صاحب غیبت قبل از ظهورش...».

همچنین از امام حسین علیه السلام نقل شده است: «قَائِمٌ هَذِهِ الْأَمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ...»؛ (۲) «قائم این امت، نهمین از فرزندان من است و او صاحب الغیبه است...»

البته احتمال دارد مقصود از این ترکیب، لقب نباشد؛ بلکه ترجمه آن مقصود باشد؛ یعنی، کسی که دارای غیبت است. احتمال دیگر اینکه این لقب نیز مانند بعضی از القاب، جهت تقیه به کار می رفته است.

۱۰. غریم

این واژه در کتاب های لغت، هم به معنای طلبکار آمده است و هم به معنای بدهکار. (۳) در روایات فراوانی از آن، به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. بیشتر به نظر می رسد مقصود، معنای نخست آن باشد. این لقب نیز، از روی تقیه بوده که هرگاه شیعیان می خواستند مالی را نزد آن حضرت یا وکیلان ایشان بفرستند، یا وصیت کنند و یا از جانب آن حضرت مطالبه کنند، این لقب را به کار می بردند.

شیخ مفید رحمه الله به این نکته تصریح کرده، می نویسد: «کلمه غریم، رمزی بود بین شیعه که وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از روی تقیه یاد می کردند، از آن استفاده می نمودند». (۴)

بنابراین استفاده از این لقب بیشتر در ارتباطات مالی شیعیان با حضرت مهدی علیه السلام آن هم در طول غیبت صغرا بوده است. (۵)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳- مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۲۵؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۳۶.

۴- الارشاد، ص ۳۵۴.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۵.

محمد بن صالح گوید: «وقتی پدرم از دنیا رفت و امر به من رسید، حواله هایی نزد پدرم بود که نشان می داد، مربوط به اموال غریم است»^(۱). اسحاق بن یعقوب گوید: «از شیخ عمری قدس سرّه شنیدم که می گفت: با مردی شهری مصاحبت داشتم و به همراه او مالی برای غریم بود و آن را برای او فرستاد»^(۲). محمد بن هارون گوید: «از اموال غریم، پانصد دینار بر ذمه من بود»^(۳).

۱۱. غلام

«غلام» در لغت به معنای پسر بچه است^(۴). در برخی روایات از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با عنوان «غلام» یاد شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبِهِ» فَقِيلَ لَهُ: وَ لِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «يَخَافُ الْقَتْلَ»؛^(۵) «به ناگزیر برای غلام غیبتی است». گفته شد: ای رسول خدا! برای چه؟ فرمود: «از ترس مرگ».

این لقب نیز، گاهی در معنای لغوی خود به کار می رفته و مقصود همان پسر بچه و جوان بوده است و گاهی به جهت شرایط حاکم بر زمان آن عصر، از روی تقیه گفته می شده و به عنوان لقب به کار می رفته است.

۱۲. فرید

«فرید» در لغت به معنای «تک» است. در روایات به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار رفته است. اصیغ بن نباته می گوید: «از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب این امر شریذ (آواره)، طریذ (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است»^(۶).

۱- کافی، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۱۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۱۷.

۴- طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۲۷.

۵- علل الشرایع، ج ۱ ص ۲۴۳، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵ و ص ۴۴۲، ح ۲۹.

۶- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۳.

با مراجعه به روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، می توان گفت: هیچ لقبی به اندازه «قائم»، برای آن حضرت استعمال نشده است. گویا از آنجایی که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درخشان ترین فصل زندگی ایشان است؛ اتصاف به این صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام مورد تصریح قرار گرفته است.

بنابر این مهم ترین علت اتصاف به این لقب، آن است که وی در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی، بزرگ ترین قیام تاریخ را رهبری خواهد کرد. (۱) البته می توان تمامی ائمه علیهم السلام را قائم دانست؛ اما ویژگی های قیام امام مهدی علیه السلام، آن حضرت را از دیگر امامان ممتاز ساخته است.

درباره وجه نامیده شدن حضرت به «قائم»، می توان به روایات زیر اشاره کرد: ابوحزمه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! آیا همه شما قائم و به پا دارنده حق نیستید؟ فرمود: بلی؛ عرض کردم: چرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را قائم نامیده اند؟ فرمود: هنگامی که جدّ من حضرت سیدالشهدا حسین بن علی علیهما السلام شهید شد، ملائکه به درگاه خداوند ضجه و ناله نموده، نزد او شکایت کردند... پس خدای عزوجل امامان از فرزندان حسین علیه السلام را به آنان نشان داد و ملائکه از دیدن آنان خوشحال شدند. در آن هنگام دیدند که یکی از ایشان در حال قیام است و نماز می خواند. پس خداوند عزّ و جلّ فرمود: به وسیله این قائم (ایستاده) از آنان (قاتلان حسین) انتقام خواهم گرفت. (۲)

از امام جواد علیه السلام پرسیده شد: چرا او را قائم می نامند؟ فرمود: «لَاِنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَيُوتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ»؛ (۳) «چون پس از آن قیام می کند که از یادها رفته است و بیشتر معتقدان به امامتش برگشته اند».

لقب «قائم» اگرچه درباره ای از موارد به تنهایی به کار رفته است؛ ولی در بعضی از موارد، به

۱- الارشاد، ص ۷۰۴، ح ۲.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۳۹.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

کلماتی دیگر اضافه شده که هر کدام گویای معنایی خاص است؛ مانند:

۱-۱۳. «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي» (قیام کننده از فرزندانم)

برخی از معصومان علیهم السلام اصرار داشته اند که آن قیام کننده را از فرزندان خود معرفی کنند تا کسانی که از غیر آنان خود را قائم معرفی می کنند، رسوا شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ فَمَاتَ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ»؛ (۱) «کسی که قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلی مرده است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي يَعْمُرُ عُمُرَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ...»؛ (۲) «قائم از فرزندان من عمر می کند، عمر او به اندازه عمر خلیل الرحمان است...».

۲-۱۳. «قَائِمُهُمْ» (قائم آنان)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که ائمه علیهم السلام را معرفی می کند و سخن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان می آورد بیشتر از آن حضرت با عنوان قیام کننده آنان (اهل بیت) یاد می فرماید؛ چنان که خطاب به حسین بن علی علیهما السلام فرمود: «تو آقا و فرزند آقا هستی. تو امام و فرزند امام هستی. تو حجت، فرزند حجت و پدر حجت های نه گانه هستی که نهمین آنان قائم ایشان است»؛ (۳)

گویا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها قیام کننده (موفق) از فرزندان امام حسین علیه السلام را، آخرین ایشان معرفی کرده و او را از فرزندان آن حضرت دانسته است.

۳-۱۳. «قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا» (قیام کننده برای حق از ما)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی فرمود: «قیامت بر پا نمی شود؛ مگر اینکه قیام کننده ای

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ح ۱۲.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۵۸؛ الغیبه، ص ۱۸۹، ح ۴۴.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۷.

برای حق از ما (اهل بیت) به پا خیزد» (۱).

از این حدیث به دست می آید که تنها قیام برای اقامه حق، مطلوب است. همچنین قیامی که به تمامی صالحان وعده داده شده، تنها به وسیله فردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تحقق خواهد یافت.

۴-۱۳. «قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (قائم ما اهل بیت)

امام باقر علیه السلام فرمود: «بهترین لباس هر زمان، لباس اهل آن زمان است؛ اما آن گاه که قائم ما اهل بیت قیام می کند، لباس علی علیه السلام را بر تن کرده و بر روش او حکومت خواهد نمود» (۲).

۵-۱۳. «قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ» (قیام کننده از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم)

امام رضا علیه السلام فرمود: «تَمَامُ الْأَمْرِ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ»؛ (۳) «تمام امر به دست قائم آل محمد است».

۱۴. مُضْطَرٌ

«مضطّر» در لغت به معنای کسی است که بیماری، فقر و یا سختی های روزگار، او را ناگزیر به تضرع در درگاه خداوند کرده است. (۴) در برخی روایات از این لقب، به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده و در قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»؛ (۵) «ای کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را بر طرف می سازد».

در برخی از روایات، این آیه تفسیر به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «این آیه در مورد مهدی از آل محمد علیهم السلام نازل شده است؛ به خدا سوگند!

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

۲- کافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۳- شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۳۲، ح ۱.

۴- مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۷۳.

۵- نمل (۲۷)، آیه ۶۲.

مضطرب او است؛ هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز به جا می آورد و دست به درگاه خداوند متعال بر می دارد؛ خداوند دعای او را اجابت می کند، ناراحتی ها را بر طرف می سازد و او را خلیفه روی زمین قرار می دهد» (۱).

بدون شک منظور از این تفسیر، منحصر ساختن مفهوم آیه، به وجود مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست؛ بلکه آیه معنای گسترده ای دارد که یکی از مصداق های روشن آن، وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس زمانی که همه جا را فساد می گیرد، درها بسته می شود، کارد به استخوان می رسد، بشریت در بن بست سختی قرار می گیرد و حالت اضطراب در کل عالم نمایان می شود؛ در این هنگام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقدس ترین نقطه روی زمین، دست به دعا بر می دارد و تقاضای کشف سوء می کند. خداوند نیز این دعا را سرآغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار می دهد و به مصداق «يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» او و یارانش را جانشینان روی زمین می کند» (۲).

۱۵. منتظر

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «منتظر» است که در روایات فراوانی به آن اشاره شده است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود نیز همانند دیگر انسان ها، منتظر است تا روزی فرا رسد و اراده خداوند متعال، به برپایی حاکمیت جهانی عدل و قسط تعلق گیرد. اما تنها کسی است که انتظار ظهورش کشیده می شود؛ از این رو «منتظر» نیز نامیده شده است.

از امام جواد علیه السلام پرسیده شد: ای فرزند رسول خدا! مهدی، به چه دلیل منتظر نامیده شده است؟ فرمود: «لَأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَامُهَا وَيَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيَنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ...»؛ (۳) «به این علت که برای او غیبتی است که روزهایش زیاد می شود و مدتش بسیار طول می کشد. پس مخلصان، انتظار ظهورش را می کشند و اهل تردید او را نکار خواهند کرد...».

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۴؛ ر.ک: الغیبه، ص ۱۸۱، ح ۳۰.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۱ و ۵۲۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

زراره بن اعین نیز می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ»؛ «قُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ؟ قَالَ: «يَخَافُ»؛ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ _ ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ وَهُوَ الْمُتَنَتِّرُ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ...»؛ (۱) «به درستی که برای قائم پیش از آنکه قیام کند، غیبتی است. عرض کردم: قربانت شوم! برای چه؟ فرمود: می ترسد و به شکم خود اشاره کرد سپس فرمود: او است منتظری که مردم در تولدش شک کنند...».

۱۶. مُنْتَقِم

«منتقم»، به معنای انتقام گیرنده و یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن حضرت می فرماید: «أَنَا بَقِيَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ»؛ (۲) «من باقی مانده خدا در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «چون حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسید، فرشتگان الهی ضجه سردادند و گفتند: پروردگارا! با حسین چنین شد؛ درحالی که او صفی تو و فرزند پیامبرت است!؟ پس خداوند نور قائم علیه السلام را به آنان نشان داد و فرمود: به وسیله این [شخص] انتقام او را خواهم گرفت». (۳)

البته در پاره ای از روایات نیز گفته شده است: «آن حضرت انتقام گیرنده خون تمامی امامان علیهم السلام و مظلومان است». (۴)

۱۷. مَنْصُور

در احادیث فراوانی رسیده است که حضرت مهدی علیه السلام، «مَنْصُورٌ بِالرَّغْبِ» وَ «مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ» است؛ یعنی، به هنگام ظهور، رعب او در دل های قدرت مندان می افتد و نیروهای

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۶؛ شیخ طوسی، امالی، ج ۲، ص ۳۳.

۴- ر.ک: الغیبه، ص ۱۴۰، ح ۱؛ کافی، ج ۲، ص ۸، ح ۱.

غیبی و نامرئی، به کمک او و یاران او می شتابند. البته آنچه درباره یاری آن حضرت به وسیله نیروهای غیبی گفته شده، منافاتی با لزوم حضور مردم در صحنه ندارد و بایسته است که مردم، آن حضرت را تا رسیدن به اهداف متعالی اش یاری رسانند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «انقلاب مهدی را سه سپاه یاری می کنند و در پیروزی او شرکت دارند: سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب و وحشت»^(۱).

محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ»^(۲) «قائم ما به [افتادن] ترس در دل دشمنان، یاری شده است».

۱۸. مهدی

یکی از مشهورترین القاب قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی است. «مهدی»، اسم مفعول و به معنای هدایت شده است. کلمه «مهدویت» نیز برگرفته از همین ریشه است. این واژه در بین اهل سنت، از شهرت بیشتری برخوردار است؛ به گونه ای که آن حضرت بیشتر با این واژه نزد آنها شناخته می شود.

البته گاهی نیز در معنای فاعلی به معنای «هدایت کننده» به کار رفته است. محمدبن عجلان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «... و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را از آن جهت مهدی گفته اند که مردم را به آیینی که از دست داده اند، هدایت می کند...»^(۳).

اما آنچه بیشتر در روایات آمده، همان معنای نخست است. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «به درستی که مهدی نامیده شد؛ به جهت اینکه به امر مخفی هدایت می شود. او تورات و سایر کتاب های الهی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد»^(۴).

امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ پرسشی فرمود: «لأنَّه يَهْدِي إِلَى كُلِّ أَمْرٍ خَفِيٍّ»^(۵) «به جهت

۱- الغيبة، ص ۱۹۸، ح ۹، ص ۲۴۳، ح ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲.

۴- علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳؛ الغيبة، ص ۲۳۷، ح ۲۶.

۵- کتاب الغيبة، ص ۴۷۱؛ الغيبة، ص ۲۳۷.

اینکه به تمامی امور پنهان هدایت می شود».

گفتنی است لقب «مهدی»، بیشتر درباره آن حضرت بعد از ظهور و قیام و لقب «قائم»، قبل از ظهور و قیام استفاده شده است. امام صادق علیه السلام درباره برخی از وقایع پس از ظهور می فرماید: «... ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيُنَادِي: هَذَا الْمَهْدِيُّ...»؛ ^(۱) «به منادی دستور داده خواهد شد؛ پس ندا در می دهد که این است مهدی».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمود: «پس از ظهور کسی نزد او آمده، می گوید: ای مهدی! به من عطا کن! و آن حضرت می فرماید: بگیر» ^(۲).

لقب مهدی، اگرچه اختصاص به آخرین امام ندارد و بقیه امامان علیهم السلام نیز مهدی هستند؛ ولی تنها از پیشوای دوازدهم، به عنوان «مهدی» یاد شده است.

این لقب از همان آغاز شکل گیری بحث «مهدویت»، بر زبان معصومین علیهم السلام رایج بوده و در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، این لقب بیان شده است. بنابراین در کتاب های اهل سنت نیز فراوان این لقب آمده است ^(۳).

امام حسین علیه السلام فرمود: «دوازده مهدی از ما است: نخستین ایشان امیر مؤمنان علی علیه السلام بود و آخرین ایشان نهمین فرزند از نسل من است...» ^(۴).

محمد بن عمران گفت: من از امام ششم علیه السلام شنیدم که می فرمود: «ما دوازده مهدی هستیم» ^(۵).

۱- الغیبه، ص ۳۱۳، ح ۵.

۲- الغیبه، ص ۹۲.

۳- ر.ک: الصنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۰، ح ۴۰۸۵، ۴۰۸۶، ۴۰۸۷، ۴۰۸۸؛ سنن ابوداود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۲۴۸۵.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴.

خود آزمایی

۱. در باره لقب «بقیه الله» توضیح دهید.
۲. «حجت» به چه معنا است؟ در باره آن توضیح دهید.
۳. «غریم» از نظر لغت به چه معنا است و چرا به حضرت مهدی علیه السلام «غریم» گفته‌اند؟
۴. درباره لقب «قائم» توضیح دهید.
۵. «مهدی» از نظر لغت به چه معنا است و چرا به امام دوازدهم مهدی گفته‌اند؟
۶. علاوه بر القاب یادشده، پنج لقب مهم دیگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. میرزا حسین طبرسی، منجم الثاقب، چ دوم، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۷ ه. ش).
۲. علی سلیمانی بروجردی، شهاب الثاقب در اسماء و القاب امام الغائب، (هم میهن، قم، ۱۳۸۱ ه. ش).
۳. طاهره مسلمی زاده، فراتر از اشتیاق (جستجوی القاب و اوصاف مبارک حضرت ابی‌صالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ادعیه و زیارات)، خانه کتاب ایران، مشهد، ۱۳۷۸ ه. ش.
۴. سید حسین حسینی، نام محبوب (بررسی در نام‌ها و القاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (آفاق، تهران، ۱۳۷۵ ه. ش).
۵. محمد کاظم بهنیا، نام‌نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، (رایحه، تهران، ۱۳۷۶ ه. ش).

درس چهاردهم: شمایل و ویژگیهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

شمایل و ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت.

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور

برخی ویژگی های خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت

۳. روشن شدن چراغی در «بیت الحمد» از ولادت تا هنگام ظهور

۴. خاتم الاوصیا بودن

۵. پنهان زیستی

۶. میراث انبیا نزد ایشان

۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان

۸. طول عمر فراوان آن حضرت

۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت

۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام برای یاری آن حضرت

۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی

۱۲. آکنده شدن زمین از عدل و داد به دست ایشان

پیشوایان معصوم ما علیهم السلام، همگی نور واحد و دارای اشتراکات فراوانی اند؛ اما در بعضی روایات، برای هر یک از ایشان ویژگی‌هایی خاص بیان شده است. این ویژگی‌ها در کنار خصلت‌های مشترک، به عنوان نکات قابل توجه در هر یک از امامان علیهم السلام مطرح است. حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین پیشوای شیعیان، اگر چه بسان دیگر ائمه علیهم السلام دارای صفات و ویژگی‌هایی است؛ اما دارای خصوصیتی است که تنها در باره ایشان گفته شده است.

در این درس ابتدا برخی از ویژگی‌های جسمانی آن حضرت و سپس به پاره‌ای از ویژگی‌های اختصاصی ایشان پرداخته می‌شود.

محدثان معتبر از شیعه و اهل سنت بنا بر احادیث بسیاری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، شمایل و اوصاف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کتاب‌های خویش بیان کرده‌اند. مجموعه این روایات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که شمایل آن حضرت را پس از ولادت و دوران کودکی توصیف کرده است.
۲. حکایاتی که ملاقات کنندگان با آن حضرت در طول دوران غیبت، ذکر کرده‌اند.
۳. احادیثی که به نقل از معصومین، شمایل و ویژگی‌های جسمانی آن حضرت را هنگام ظهور و حکومت ایشان بیان کرده است.

۱. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی

ضوء بن علی از مردی از اهل فارس، حکایتی نقل و در ضمن آن، برخی از اوصاف حضرت را در نوزادی بیان کرده است: «...پسر بچه‌ای سفید و زیبا روی بود... مویی از بالای سینه تا ناف، به

رنگ سبز نه سیاه روییده بود...» (۱).

یعقوب منقوش گوید: «خدمت امام حسن عسکری ۷ وارد شدم. داخل حیاط بر سکویی نشسته بود. سمت راستش اتاقی قرار داشت و بر آن پرده ای آویخته بود. عرض کردم: ای سید من! صاحب امر امامت، بعد از شما کیست؟

فرمود: این پرده را بالا بزن! آن را بالا زدم. پسر بچه ای به قامت پنج و جب که به نظر می آمد هشت الی ده سال داشت بیرون آمد؛ با پیشانی درخشان، روی سفید، دو چشم براق، دو کتف ستبر و دو زانوی برگشته. در گونه راستش خالی و در سرش گیسوانی بود. بر زانوی پدر خود ابی محمد علیه السلام نشست؛ پس به من فرمود: این است صاحب الامر شما» (۲).

۲. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت

این دسته حکایات را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف. حکایاتی که شمایل آن حضرت را در دوران غیبت صغرا توصیف کرده است. (۳) در این گروه، گاهی ویژگی های جسمانی آن حضرت، مانند پدر بزرگوارشان دانسته شده (۴) و در برخی موارد نیز به صورت جزئی تر، مورد اشاره قرار گرفته است.

از اوصاف آن حضرت در این دوران می توان به موارد ذیل اشاره کرد: صورتی گندم گون، (۵) گردنی بسیار زیبا، (۶) دارای قامتی نه بسیار بلند و نه چندان کوتاه، پیشانی بلند، چهار شانه، بینی کشیده، بر روی گونه راستش خالی زیبا و ... (۷).

ب. حکایاتی که سخن از شمایل آن حضرت در دوران غیبت کبرا به میان آورده است. (۸)

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵، باب ۴۳، ح ۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱؛ رک: کافی، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲.

۳- اگر چه این دسته حکایات کم و بیش در دست است؛ اما در کمتر حکایتی به روشنی از ویژگی های آن حضرت صحبت شده است.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

۵- کتاب الغیبه، ص ۲۵۷.

۶- کتاب الغیبه، ص ۳۵۵.

۷- کتاب الغیبه، ص ۲۶۶.

۸- البته قبول این اوصاف منوط به این است که ما اساساً ادعای ملاقات با آن حضرت را در دوران غیبت کبرا بپذیریم. به علاوه در اغلب آن حکایات به روشنی به اوصاف حضرت اشاره ای نشده است.

۳. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور

در بعضی از روایات شمایل حضرت، به هنگام ظهور، قیام و عصر حکومت ذکر شده است. یکی از مهم ترین ویژگی های آن حضرت در این دوران، قوت فوق العاده جسمانی ایشان است.

امام رضا علیه السلام فرمود: «... وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ قَوِيًّا فِي يَدَيْهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّمَدَكَتْ ضِعُورُهَا...»؛ (۱) «... قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که چون ظهور کند، در سن پیران است و سیمای جوان دارد. نیرومند باشد تا جایی که اگر دست به بزرگ ترین درخت زمین اندازد، آن را از جا بکند و اگر میان کوه ها نعره کشد، سنگ های آنها را از هم پاشد».

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره برخی از ویژگی های ظاهری جسمانی ایشان در عصر ظهور فرمود: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَيْضُ اللَّوْنِ مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَةِ مَبْدُحُ الْبَطْنِ عَرِيضُ الْفَحْدَيْنِ عَظِيمُ مَشَاشِ الْمُنْكَبِينَ بَظْهَرِهِ شَامَتَانِ: شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى شَبِيهِ شَامَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ...»؛ (۲) «مردی از فرزندانم در آخر الزمان ظهور می کند. رنگش سفید آمیخته به سرخی و شکمش بر آمده است. دو رانش ستبر و هر دو شانه اش قوی است. در پشتش دو خال است (مانند مهر)؛ یکی به رنگ پوستش و دیگری چون مهر نبوت پیغمبر».

آن حضرت همچنین فرمود: «... وَهُوَ رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبَطْنِ، أَزِيلُ الْفَحْدَيْنِ بِفَحْدِهِ الْيَمْنِيِّ شَامَةٌ، أَفْلَجُ الثَّنَائِيَا، وَيَمَلَا الْأَرْضَ عَيْدَلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا...»؛ (۳) «... او مردی بلند پیشانی و دارای بینی باریکی است که میانش اندک برآمدگی دارد. برآمده شکم و دارای ران های درشت و پهن است. خالی بر ران راست او قرار دارد. میان دو دندان پیشین او، گشاده است...».

امام باقر علیه السلام نیز در وصف آن حضرت فرمود: «... او شخصی سرخ و سفید و دارای چشمانی گرد و فرو رفته است. ابروانی پر پشت و برجسته و شانه ای پهن دارد...»؛ (۴)

۱- رک: کافی، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸، ح ۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۱۷.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۴، ح ۲.

۴- نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۵، ح ۳.

امام علی علیه السلام فرمود: «مهدی دارای چشمانی سیاه و درشت است. موهایی مجعد و خالی بر گونه دارد...» (۱).

ایشان در کمال جوانی ظهور خواهد کرد؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود: «مهدی در حالی قیام خواهد کرد که یک تار موی سفید، در سر و محاسن او دیده نمی شود» (۲).

همین معنا در کلام نورانی امام مجتبی علیه السلام آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سن و سالی کمتر از چهل، ظهور خواهد کرد (۳).

برخی ویژگی‌های خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از ویژگی‌های خاص آن حضرت این است که زمانی که مادر آن حضرت به ایشان باردار بوده، اثری از حمل در آن بانوی بزرگوار مشاهده نمی شد. این موضوع هر چند در برخی از پیامبران علیهم السلام سابقه داشته؛ ولی در باره امامان معصوم علیهم السلام این چنین، گزارش نشده است.

وقتی امام حسن عسکری علیه السلام نوید ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عمه بزرگوار خود (حکیمه خاتون) می‌دهد، آن بانو با کمال شگفتی می‌پرسد: چگونه امشب آن نور پاک از نرجس به دنیا می‌آید؛ در حالی که اثری از بارداری در او مشاهده نمی‌شود؟ (۴)

۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت

از مهم‌ترین ویژگی‌های ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مخفی بودن آن است. سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ می‌گوید: از امام سجاد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «فِي الْقَائِمِ مَنَّا سُنُّنٌ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ... وَ سُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ ... وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اعْتَرَأَ النَّاسَ ...» (۵) «در قائم ما سنت‌هایی از پیامبران وجود دارد ... اما از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره‌گیری از مردم...».

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۴، ح ۱۴.

۲- نعمان بن محمد بن منصور، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۸۰.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

۴- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۹۸؛ دلائل الامامه، ص ۲۶۸.

۵- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۱، ح ۳.

۳. روشن شدن چراغی در بیت الحمد، از ولادت تا هنگام ظهور

«بیت» در لغت به معنای خانه و «حمد» به معنای ستایش و ثنا است. این واژه در بعضی از روایات، به کار رفته و از آن به عنوان جایگاهی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است.

مفضل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ فِيهِ سِرَّاجٌ يَزْهَرُ مُنْذُ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يَطْفَأُ»؛^(۱) «همانا برای صاحب این امر خانه ای است که بدان «بیت الحمد» می گویند. در آن چراغی هست که از هنگام ولادت روشنی می بخشد؛ تا روزی که با شمشیر قیام می کند، خاموش نخواهد شد».

اگر چه به روشنی جایگاه این خانه و چگونگی روشنایی آن، بیان نشده است؛ ولی احتمال می رود مقصود، معنای کنایی باشد که با ولادت آخرین حجت الهی، چراغ هدایت بشر با فروغی هر چه بیشتر، به پرتو افشانی پرداخته و زمین را از نور وجود خود آکنده ساخته است. این روایت با همین مضمون از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.^(۲)

۴. خاتم الاوصیا بودن ایشان

«خاتم الاوصیاء»، به معنای پایان بخش جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. یکی از ویژگی های اختصاصی آن حضرت، آن است که پایان بخش سلسله امامت است. این لقب ابتدا بر زبان خود آن حضرت در کودکی، جاری شد.

طریف ابونصر گوید: «بر صاحب الزمان وارد شدم؛ آن حضرت فرمود: برای من صندل احمر (نوعی چوب خوش بو) بیاور. پس برای ایشان آوردم؛ آن حضرت به من رو کرد و فرمود: آیا مرا می شناسی؟ گفتم: بله سپس فرمود: من کیستم؟ عرض کردم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. پس آن حضرت فرمود: مقصودم این نبود! گفتم: خداوند مرا فدای شما گرداند. بفرمایید مقصودتان چه بود؟»

حضرت فرمود: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَشِيْعَتِي»؛^(۳) «من خاتم الاوصیاء هستم که خداوند به وسیله من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می سازد».

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۹، ح ۳۱.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۴۶۷، ح ۴۸۳.

۳- کتاب الغیبه، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

علاوه بر خاتم الاوصیاء از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الائمه نیز یاد شده است؛ چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ اِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيٍّ اِلَّا اِنَّ خَاتَمَ الْاِئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ...»؛^(۱) «ای مردمان! من پیامبرم و علی جانشین من است. آگاه باشید که خاتم الائمه، قائم مهدی از ما است».

این ویژگی نیز اختصاص به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

۵. پنهان زیستی ایشان

با مراجعه به مجموعه های روایی روشن می شود که شمار بسیاری از احادیثی که درباره وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و از ظهور او نوید داده است؛ از غیبت غمبار او نیز خبر می دهد. غیبت آن حضرت با ویژگی های خاص خود به این صورت نه تنها برای هیچ یک از امامان علیهم السلام رخ نداده، که برای هیچ یک از پیامبران نیز اتفاق نیفتاده است. البته از برخی روایات استفاده می شود که یک نحوه غیبتی، برای برخی از انبیا بوده است.

۶. میراث انبیا نزد ایشان

یکی از ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که هنگام ظهور، بسیاری از میراث های پیامبران را به همراه خواهد داشت. درباره اینکه این امور به چه منظور نزد او جمع شده، سخن صریحی وجود ندارد؛ ولی با توجه به نقش آن حضرت که همان نقش انبیا و اولیا است و او آرزوی همه آنان را تحقق خواهد بخشید می توان نتیجه گرفت که تمامی ابزار آنان، در اختیار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار خواهد گرفت. دیگر اینکه آن حضرت وظیفه دارد تا همه پیروان ادیان را به دین مقبول الهی (اسلام) دعوت کند و این موارث، نشانه هایی از حقانیت آن حضرت است. از این رو همان گونه که در روایات از زنده ماندن حضرت مسیح علیه السلام، به عنوان هدایت مسیحیان و ارجاع ایشان به پیروی از حضرت مهدی علیه السلام یاد شده؛ می توان سایر میراث ها را به عنوان وسیله ای برای اتمام حجت بر آنان دانست.

برخی از آنچه در روایات مورد اشاره قرار گرفته، عبارت است از:

۶۱. پیراهن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که به وی فرمود: «آیا پیراهن قائم را که هنگام قیام می پوشد نشانت ندهم؟ عرض کردم: چرا؛ پس آن حضرت جعبه ای را خواست و آن را گشود و از آن پیراهن کرباسی را بیرون آورد. آن را باز کرد که ناگهان دیدم در آستین چپ آن، آثار خون مشاهده می شود. سپس فرمود: این پیراهن پیامبر گرامی خداوند است؛ در روزی که دندان های پیشین آن حضرت ضربه دید. آن خون را بوسیدم و بر صورت خویش نهادم. سپس امام صادق علیه السلام آن را در هم پیچید و برداشت» (۱).

۲۶. عمامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم،

۳۶. زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، (۲)

۴۶. سلاح حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، (۳)

۵۶. پرچم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، (۴)

۶۶. سنگ حضرت موسی علیه السلام، (۵)

۷۶. عصای حضرت موسی علیه السلام، (۶)

امام صادق علیه السلام فرمود: «عصای موسی چوب آسی از یک نهال بهشتی بود. هنگامی که وی به سوی مدین می رفت، جبرئیل آن را برایش آورد و آن عصا همراه با تابوت آدم، در دریاچه طبریه (در شمال فلسطین) است و هرگز آن دو نمی پوسند و تغییر نمی یابند تا اینکه حضرت قائم هنگام قیام، آن دو را بیرون می آورد».

۸۶. انگشتری سلیمان علیه السلام، (۷)

۹۶. تشتی که حضرت موسی علیه السلام در آن قربانی می کرد. (۸)

۱- الغیبه، ص ۳۵۰، ج ۴۲.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.

۳- الغیبه، ص ۳۴۹، ح ۴۰؛ کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.

۴- الغیبه، ص ۳۴۳، ح ۲۸ و ۴۳۵، ح ۱.

- ٥- كافي، ج ١، ص ٢٣١، ح ٣.
- ٦- كافي، ج ١، ص ٢٣١، ح ١؛ الغيبة، ص ٢٣٨، ح ٢٨، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٧٦، ح ٧.
- ٧- الغيبة، ص ٣٤٣، ح ٢٧؛ كافي، ج ١، ص ٢٣١، ح ١.
- ٨- كافي، ج ١، ص ٢٣٢، ح ١.

امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ، يَأْتِي بِذَخِيرِهِ الْأَنْبِيَاءِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا»؛ (۱) «فرزندم مهدی یک غیبت و حیرتی دارد که امت ها در آن گمراه شوند. او با ذخیره پیغمبران می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گونه که پر از جور و ظلم شده باشد».

همان گونه که اشاره شد، شاید یکی از حکمت های این میراث داری، این است که پیروان تمامی ادیان، با دیدن میراث پیامبر خود، به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان آورند و نیز اهداف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان، در برگیرنده تمامی اهداف پیامبران بزرگ است. از این رو در آن هنگامه عظیم، آن حضرت با در اختیار گرفتن میراث پیامبران بزرگ، هدف خود را که در واقع هدف جمیع آنان بوده است تحقق می بخشد.

۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان

مضمون برخی از روایات این است که آن حضرت با غیبت خود، مجبور به بیعت با طاغوت های زمان نمی شود. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْقَائِمَ مَنَّا إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفَى وَوَلادَتُهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ»؛ (۲) «همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش، مخفی نگه داشته می شود و شخص او غایب است».

همین معنا در کلامی از پیشوای دوم آن هنگام که به جهت مصالح اسلام و مسلمین تن به مصالحه با معاویه داد و مردم زبان به ملامت آن حضرت گشودند انعکاس یافت: «آیا ندانستید که هیچ یک از ما امامان نیست؛ مگر اینکه بیعت با ستمگری بر گردن او قرار می گیرد؛ به جز قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می گزارد. پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی ولادتش را مخفی و شخصش را پنهان می سازد تا هنگام قیام، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد»؛ (۳)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود در توقیعی می فرماید: «در خصوص علت غیبت سؤال کرده بودید،

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۷، ح ۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳؛ امین الاسلام طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۲۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ای اهل ایمان از چیزهایی سؤال نکنید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می شوید». بدانید که هر کدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت های زمان خویش را برگردن داشتند؛ ولی من وقتی قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردن کشان و طاغوت های زمان را برگردن ندارم» (۱).

۸. طول عمر آن حضرت

حضرت مهدی علیه السلام، با قدرت الهی زنده است و در میان مردم، به حیات خود ادامه می دهد. به یقین همان خدایی که آتش را برای ابراهیم سرد و وسیله سلامت قرار می دهد و گِل را برای عیسی علیه السلام تبدیل به پرند می کند و عیسی و خضر را پس از قرن ها زنده نگه می دارد؛ می تواند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز با قدرت الهی خود زنده نگه دارد.

این حقیقت در روایات فراوانی منعکس شده است:

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «ذَاكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ بْنِ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ يَطِيلُ اللَّهُ عُمَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورِهِ شَابُّ ابْنِ دُونِ الْأَرْبَعِينَ سِنَّةً ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (۲) «او نهمین از فرزندان برادرم حسین و فرزند سرور کنیزان است. خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می گرداند. سپس با قدرت خود، او را در سیمای جوانی که کمتر از چهل سال دارد، ظاهر می سازد تا بدانند که خداوند بر هر کاری توانا است».

امام سجاد علیه السلام فرمود: «فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهُوَ طُولُ الْعُمَرِ»؛ (۳) «در قائم سنتی از نوح است که آن طول عمر می باشد».

۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت

از وهب بن جمیع نقل شده است: «از حضرت صادق علیه السلام درباره این گفته ابلیس که «پروردگارا! پس مرا تا روزی که خلاق برانگیخته می شوند، مهلت ده؛ خداوند فرمود: البته تو از

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۹۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵، باب ۲۹، ح ۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲، باب ۳۱، ح ۴.

مهلت داده شده گانی تا وقت معین و معلوم» پرسیدم: این کدام روز خواهد بود؟ فرمود: «یا وَهْبُ أَ تَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ النَّاسَ لَا وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ اللَّهُ قَائِمًا فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عَنْقَهُ فَذَلِكَ الْيَوْمُ هُوَ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ»؛ (۱)

«آیا گمان می کنی آن روز، رستاخیز بزرگ است؟ هرگز! بلکه خداوند او را تا روزی که قائم ما قیام می کند، فرصت داده است. آن گاه [قائم ما] از پیشانی او را گرفته، گردنش را خواهد زد. آن هنگام وقت معلوم است».

بعید نیست مقصود از روایت، این باشد که با روشن شدن حقایق در عصر ظهور و رشد بسیار بالای عقلانی انسان ها در آن عصر، دیگر مجالی برای اغوای شیطان باقی نخواهد ماند و او خلع سلاح و نابود می گردد و این پایان مهلت او است. (۲)

۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا عیسی بن مریم، به هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از دیدگاه همه مسلمانان با وجود اختلاف در مذهب یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. شاید حکمت فرود آمدن آن حضرت در هنگام ظهور، تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گران مایه است. به ویژه آنکه حضرت عیسی، به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اقتدا می کند و به امامت او نماز می گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می کند.

نزول عیسی علیه السلام، از مهم ترین حوادث تاریخ، و بزرگ ترین نشانه ها و دلایل بر حقانیت امام مهدی علیه السلام خواهد بود. آیا شگفت انگیز نیست که انسانی، مدتی در روی زمین زندگی کند؛ آن گاه خداوند به او رفعت بخشیده و بالا برد و در آن حال هزاران سال زندگی کند؛ سپس با قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام، فرود آید و ضمن تصدیق و اقرار به امامت آن حضرت، با او نماز بگزارد و با حرکت نجات بخش و آسمانی او همراه شود؟

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟

۱- دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

۲- ر. ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵؛ الثاقب فی المناقب، ص ۳۱۰؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۶؛ اثبات الوصیه، ص ۱۵.

فرمود: «یا ابا بصیر هو الخامس من ولد ابی موسی، ذلک ابن سیدہ الاماء، یغیب غیبه یرتاب فیها المبطلون، ثم یراه الله عزوجل فیفتح الله علی یده مشارق الارض و مغاربها، وینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه و تشرق الارض بنور ربها...»؛^(۱) «ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است. او فرزند سرور کنیزان است و غیبی کند که باطل جویان در آن تردید کنند. پس خدای تعالی او را آشکار کند و به دست او شرق و غرب عالم را بگشاید و روح الله عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن گردد...».

۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی

ویژگی ها، اختیارات و عملکردهای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، جز با تشکیل حکومت واحد جهانی محقق نخواهد شد. بر اساس روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظلم و جور را از روی زمین بر می اندازد و عدالت و دین حق را در سطح جهان برای همیشه مستقر می سازد. او دارای قدرت و امکانات مطلق و جهانی خواهد بود که نتیجه آن، چیرگی بر عالم و تشکیل حکومت مقتدر جهانی است و ...

امام باقر علیه السلام می فرماید: «القائم منا منصور بالزعب مؤید بالتصیر تطوی له الارض و تظهر له الكنوز ینبع سلطانہ المشرق و المغرب و یراه الله عزوجل به دینه علی الدین کله و لو کره المشرکون فلا ینقی فی الارض خراب الا قد عمیر وینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه»؛^(۲) «قائم ما با افکندن بیم و هراس در دل ستمگران، یاری می شود و با پشتیبانی الهی تأیید می گردد. زمین برایش خاضع و تسلیم می شود و گنج ها برای او نمایان می گردد. حکومت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. خداوند به وسیله او دینش را بر تمامی ادیان چیرگی و غلبه می بخشد؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. در عصر ظهور در زمین خرابی و ویرانی نمی ماند؛ مگر آنکه آباد می شود. عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶.

۱۲. آکنده کردن زمین از عدل و داد

از مهم ترین اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر پایی عدل و قسط در جامعه بشری و بسط و توسعه آن بر کل کره زمین و بین تمام انسان ها است.

بدون تردید، کمتر مسأله ای هست که در اسلام به اهمیت «عدالت» باشد. «عدل» همانند مسأله «توحید»، در تمام اصول و فروع اسلام، ریشه دوانده است؛ یعنی، همان طور که هیچ یک از مسائل عقیدتی، عملی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیست؛ همین طور هیچ یک از آنها خالی از روح «عدل» نمی باشد. بنابراین «عدل» به عنوان یکی از اصول مذهب شیعه و یکی از زیربناهای فکری مسلمانان شناخته می شود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره عظمت عدل فرمود: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»؛ (۱) «آسمان ها و زمین بر اساس عدل استوارند». این تعبیر رساترین تعبیر درباره عدالت است؛ یعنی، نه تنها زندگی محدود بشر در کره خاکی، بدون عدالت بر پا نمی شود؛ بلکه سرتاسر جهان هستی و آسمان ها و زمین، همه در پرتو عدالت و تعادل نیروها و قرار گرفتن هر چیزی در مورد مناسب خود، برقرار است و اگر لحظه ای و به مقدار سرسوزنی، از این اصل منحرف شود، رو به نیستی خواهد گذاشت. از این رو خداوند متعال در آیات فراوانی، انسان ها را به اقامه عدل توصیه و امر فرموده است. (۲)

«عدالت»، عبارت است از اینکه انسان، حق هر کس را پردازد و نقطه مقابلش، آن است که ظلم و ستم کند و حقوق افراد را از آنها دریغ دارد. «قسط» مفهومش آن است که حق کسی را به دیگری ندهد و به تعبیر دیگر «تبعیض» روا ندارد و نقطه مقابلش آن است که حق کسی را به دیگری دهد.

مفهوم وسیع این دو کلمه به خصوص زمانی که جدا از یکدیگر استعمال می شوند تقریباً مساوی است و به معنای رعایت اعتدال در همه چیز و همه کار و قرار دادن هر چیز به جای خویش است. (۳) در روایات فراوانی مهم ترین هدف قیام حضرت مهدی «اقامه عدل و قسط» بیان شده است که تنها به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱۲۱. امام علی علیه السلام فرمود: «...الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا

۱- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۰۲.

۲- مائده (۵)، آیه ۸.

۳- تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۳.

وَقَسِيطًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا وَظُلْمًا؛^(۱) «... یازدهمین از فرزندانم مهدی است که زمین را از عدل و قسط آکنده می سازد؛ آن گونه که پر از جور و ظلم شده باشد».

۱۲۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَتِسْعَ سَنِينَ كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقَسِيطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا؛^(۲) «همانا قائم ۳۰۹ سال به اندازه درنگ اصحاب کهف در غارشان حکومت خواهد کرد. [پس] زمین را پر از عدل و قسط می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

۱۲۳. امام هادی علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قَسِيطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا وَظُلْمًا؛^(۳) «همانا امام پس از من، فرزندانم حسن و پس از او فرزندش قائم است؛ کسی که زمین را از عدل و داد آکنده می سازد همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد».

۱۲۴. عبدالعظیم حسنی می گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشید؛ کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. فرمود: «ای ابوالقاسم! هیچ یک از ما نیست، جز آنکه قائم به امر خداوند و هادی به دین الهی است؛ اما قائمی که خدای تعالی، به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاک می سازد و آن را پر از عدل و داد می کند، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و وجودش از ایشان نهان و بردن نامش حرام است. او هم نام و هم کنیه پیامبر است و...».^(۴)

بنابراین می توان گفت اگر چه بسط و گسترش عدالت بر پهنه زمین، از اهداف مهم و اساسی تمامی اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ اما به جهت ویژگی های حاکم بر شرایط زمان و مکانی اهل بیت علیهم السلام، چنین هدف مقدسی تحقق نیافت. ولی در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام به جهت فراهم آمدن تمامی شرایط لازم این مهم تحقق خواهد یافت.

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷.

۲- کتاب الغیبه، ص ۴۷۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۳، باب ۳۷، ح ۱۰.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۲؛ همچنین ر.ک: طبرانی، المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۴۸؛

کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۰، ح ۳۸۶۸۹، ح ۳۸۷۰۷؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۱۲.

خود آزمایی

۱. در باره اوصاف و شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ولادت و کودکی توضیح دهید.
۲. شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا چگونه بوده است؟
۳. پنج ویژگی جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور را توضیح دهید.
۴. یکی از ویژگی‌های خاص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که بسیاری از میراث‌های پیامبران علیهم السلام نزد ایشان است؛ آنها را نام برده و بنویسید به چه منظور نزد ایشان است؟
۵. درباره نبودن بیعت کسی بر گردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، توضیح دهید.
۶. پس از تحقیق دو ویژگی اختصاصی دیگر در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. علی سعادت پرور، ظهور نور، ترجمه سید محمدجواد وزیری فرد، چ اول، (احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ه. ش).
۲. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ ه. ش).
۳. میرزا حسین طبرسی، نجم الثاقب، چ دوم، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۷ ه. ش).
۴. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، چ شانزدهم، (دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ ه. ش).

درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۱)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب های:

۱. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی.
۲. عصر زندگی، محمد حکیمی.
۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناصر مکارم شیرازی.
۴. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.
۵. در فجر ساحل، محمد حکیمی.
۶. راه مهدی علیه السلام، سید رضا صدر.
۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیت الله، محمد خادمی شیرازی.
۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب، محدث نوری.
۹. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی.
۱۰. رهبری بر فراز قرون، سید محمد باقر صدر.

۱. خورشید مغرب

کتاب خورشید مغرب، نوشته محمد رضا حکیمی (۱) از دانشمندان اسلامی در عصر حاضر است. این کتاب جایگاه ویژه ای در میان کتاب های مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. عنوان فرعی کتاب «غیبت، انتظار و تکلیف» است. مؤلف کوشیده تا مسأله مهدویّت را از زوایای علمی، عقلی، تاریخی، روایی، قرآنی و ملل و نحل مورد بحث و بررسی قرار دهد.

خورشید مغرب، نخستین بار در ۵۱ صفحه در سال ۱۳۴۹ از سوی انتشارات غدیر در تهران به چاپ رسید. در سال ۱۳۶۰ مباحث و نکات دیگری بر آن افزوده شده و در همان قطع به همت دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ شد. مؤلف در سال ۱۳۶۲ آن را در قطع وزیری، با ۳۹۰ صفحه به شکل کنونی درآورد و از آن زمان تاکنون بارها چاپ و منتشر شده است. خورشید مغرب، چهارده فصل (به عدد معصومین علیهم السلام) و یک یادآوری مهم دارد:

۱. میلاد، ۲. شمایل و سیرت، ۳. غیبت، ۴. در کتاب های پشینان، ۵ و ۶. در کتاب های مسلمین، ۷. در «قرآن کریم»، ۸. در «سوره قدر»، ۹. در علوم عقلی، ۱۰. در علوم تجربی، ۱۱. در فلسفه تربیتی و سیاسی، ۱۲. عینیت مقاومت نه عینیت تسلیم، ۱۳. انتظار، ۱۴. در طلب خورشید.

وی در بخشی از کتاب چنین نوشته است: «یکی از ابعاد عظیم تکلیف حساس و بزرگ، در

۱- استاد محمد رضا حکیمی سال ۱۳۱۴ در مشهد مقدس در خانواده ای اهل دین و معرفت زاده شد. حدود دوازده سالگی به مدرسه نواب یکی از مهمترین مدرسه حوزه علمیه مشهد در آن روزگار وارد شد و سال ها از محضر دانشمندان برجسته بهره های علمی و معنوی وافری برد. استاد حکیمی بعد ها بیشتر به پژوهش و نگارش پرداخت و ده ها جلد اثر ارزشمند با نثری زیبا و محتوایی عمیق، پدید آورد.

روزگاران غیبت و انتظار، حفظ دین، نگهبانی مرزهای عقیدتی، و حراست از باروهای باورهای مقدس است. جامعه منتظر، نباید در باره این امر عظیم سستی روا بدارد.

لازم است فروغ ایمان و نور یقین و پرتو عقیده به حق و تشعشع اعتقادات راستین، همواره در دل و جان مردم محفوظ باشد و پیوسته ژرف تر و ژرف تر شود و بارورتر و بارورتر گردد. لازم است جان و دل نوباوگان، نوجوانان و جوانان، هر دم در برابر تابش اعتقادات حقه قرار گیرد و از این تابش و تجلی آکنده گردد. ایمان، جزء وجود آنان و مایه تقویم هویت اصلی آنان باشد؛ تا کم کم، حق و فداکاری در راه اعتلای حق، چون خون، همه وجود آنان را گرم کند و چون روح، جوهر حیات آنان باشد» (۱).

گفتنی است نام کتاب از روایاتی گرفته شده که طلوع خورشید از مغرب را از حوادث مهمی دانسته است که در آستانه قیامت رخ خواهد داد. (۲) شیخ مفید رحمه الله درباره چگونگی این اتفاق نوشته است: «خورشید هنگام ظهر در آسمان راکد می شود و ساعتی چند تا به هنگام عصر پیدا نباشد؛ آن گاه از مغرب آشکار گردد» (۳).

این کتاب علاوه بر نثر زیبا، از استحکام خوبی برخوردار است که می تواند برای عموم علاقه مندان به مباحث مهدویت به ویژه اهل فرهنگ مفید باشد.

۲. عصر زندگی

این کتاب اثر ارزشمندی است از محمد حکیمی که نگاهی بدیع و کاربردی به موضوعات و مسائل مهدویت دارد. نویسنده در این راستا کوشیده مباحث را به صورت تحلیلی، با کمک گرفتن از آیات و روایات، تبیین و تفسیر کند.

مؤلف با بهره گیری از حدود سیصد آیه و روایت، مخاطب را به تأمل بیشتر در آیات و روایات فرا می خواند. عصر زندگی می کوشد با تحلیل های نسبتاً مناسب، به بعضی از بیماری ها و آفت های اخلاقی و مشکلات و لغزش های جریان های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش از ظهور پرداخته و علت

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۷۶.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

پیدایش و راه بر طرف شدن آنها را توضیح دهد. نویسنده به دنبال گشودن دریچه امید برای بشریت گرفتار یأس و سرخوردگی‌ها است که با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت و برای این کار، مطالب ارزشمند و وزینی ارائه می‌دهد.

کتاب مورد نظر ۲۵ بخش دارد که بعضی از آنها بدین قرار است:

۱. عدالت اجتماعی، ۲. در سایه شمشیر، ۳. تدارک جنگ و تربیت جنگاوران، ۴. سازش ناپذیری، ۵. تصحیح انحراف‌های فکری، ۶. وحدت عقیدتی و مرامی، ۷. رفاه اقتصادی، ۸. مساوات، ۹. حاکمیت فراگیر جهانی، ۱۰. حکومت مستضعفان، ۱۱. آیین و روش جدید، ۱۲. رشد عقلی و تکامل علم، ۱۳. امنیت اجتماعی، ۱۴. رشد تربیت انسانی، ۱۵. اصول بیعت و ...

در بخشی از این کتاب این گونه می‌خوانیم: «از اقدامات مهم امام، تصحیح انحراف‌هایی که به مرور ایام در تفسیر احکام و توجیه مبانی دین روی داده و حذف برداشت‌های غیر اسلامی و نادرست است که به نام اسلام به اذهان القا شده و در مبانی دین تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است. کوشش امام و رسالت او، تطبیق درست و دقیق تعالیم قرآن، بر مسائل حیات بشری و مشخص کردن حد و مرزهای واقعی احکام اسلام است؛ به گونه‌ای که توجیه و تأویل بردار نباشد و مانع هر گونه انحراف و کژی و بدآموزی شود. دگروار تفسیر کردن تعالیم اسلامی، منحصر به احکام فرعی و فقهی و مسائل اجتماعی و اقتصادی نیست؛ بلکه اصول دین نیز مشمول این جریان است».

این کتاب با نثری زیبا و روان، می‌تواند مورد استفاده عموم علاقه‌مندان به مباحث مهدویت باشد.

۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته آیت الله ناصر مکارم شیرازی، پژوهشی درباره ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی‌های حکومت جهانی آن حضرت است.

مؤلف در این کتاب، با بهره‌گیری از روایات و منابع تاریخی شیعه و سنی و برخی از پژوهش‌های غربیان، مطالب ارزشمندی ارائه کرده است. ایشان نخست در خصوص آینده جهان و سیر تکاملی جامعه، به بیان نظریات بعضی از ادیان و کتاب‌های

آسمانی (نظیر زرتشتی، هندو، یهود و مسیحیت) و نیز دانشمندان غربی درباره مصلح بزرگ پرداخته است. سپس درباره انواع حکومت ها، فلسفه انتظار و غیبت، مصلح بزرگ جهانی در منابع اسلامی، نشانه های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و روش حکومت آن حضرت بحث کرده، به این پرسش ها پاسخ داده است:

آیا سرنوشت آینده بشریت، صلح، عدالت، امنیت و آزادی انسان ها از چنگال هر گونه ظلم و ستم و تبعیض و استعمار است؟ یا آن گونه که بعضی پیش بینی می کنند، هرج و مرج ها روز افزون، فاصله ها بیشتر، ناهماهنگی ها و نابسامانی ها فراوان تر و سرانجام یک جنگ اتمی یا فوق اتمی عالم گیر، پایه های تمدن انسانی را ویران خواهد ساخت و اگر انسان هایی بر روی کره زمین باقی بمانند، افرادی عقب مانده، معلول، بینوا و درمانده خواهند بود؟

اگر عقیده نخست صحیح است، دلیل آن چیست؟ اگر بنا هست جهان به سوی عدل و صلح و برادری گام بردارد، آیا اجرای این اصول بدون انقلاب ممکن است؟ به تعبیر دیگر آیا اصلاحات تدریجی توانایی دگرگون ساختن چهره عمومی جهان، با این همه ناهنجاری ها را دارند؟ اگر لازم است انقلابی صورت گیرد، آیا تنها از طریق قوانین مادی امکان پذیر است؟ یا بدون استمداد از اصول معنوی و ارزش های اصیل انسانی، ممکن نیست؟

اگر قبول کنیم چنین انقلابی به هر حال رخ خواهد داد، رهبر این انقلاب چه صفاتی باید داشته باشد؟ آیا این انقلاب الزاماً به حکومت واحد جهانی می انجامد؟ آیا آمادگی های خاصی برای چنان حکومتی لازم است؟ این آمادگی ها در دنیای کنونی وجود دارد یا نه؟ و اگر ندارد، آیا در حال حاضر جهان به سوی این آمادگی ها گام بر می دارد، یا بر عکس آن؟

آیا این امور با عقیده عمومی مذاهب جهان، نسبت به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی ارتباطی دارد؟ اعتقاد عمومی مسلمانان به ظهور مهدی علیه السلام چگونه است و پیوند آن با مسائل سرنوشت ساز چیست؟ آیا اعتقاد به چنان ظهوری، ما را به اصلاح عمومی جهان از طریق یک انقلاب همه جانبه نزدیک تر می سازد؟ یا آن چنان که برخی می اندیشند، دور می کند؟

آیا این فکر و عقیده عمومی مذهب، یک واقعیت عینی و مولود دلایل منطقی است و یا یک تخیل برای اشباع کاذب تمایلات سرکوفته انسان ها، در مسیر گمشده عمومی (یعنی صلح و عدالت) است؟

نویسنده در بخشی از کتاب درباره «فلسفه انتظار» بر این باور است که: «اگر اعتقاد و

انتظار به حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ریشه دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه... دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارت است از: ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو و خود سازی و خود یاری و جلب آمادگی های جسمی، روحی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر».

این اثر ارزشمند، دارای محتوای غنی و خوبی است که می تواند برای علاقه مندان به مباحث مهدویت مفید باشد.

۴. دادگستر جهان

کتاب دادگستر جهان نوشته آیت الله ابراهیم امینی (۱)، در ۳۴۴ صفحه رقعی منتشر شده است. نویسنده کتاب، علت تألیف آن را رخنه شبهات در اعتقادات جوانان و دانش آموختگان می داند که از سوی نویسندگان، پاسخی مناسب و شایسته نگرفته اند. از این رو ایشان تصمیم می گیرد چنین کتابی تألیف کند و در سال ۱۳۴۶ توفیق می یابد آن را منتشر سازد. این کتاب نزدیک به بیست بار تجدید چاپ شده و به برخی از زبان ها نیز ترجمه شده است.

دادگستر جهان عمدتاً به صورت پرسش و پاسخ، بین برخی از فرهیختگان تنظیم شده و با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام، مطالب ارزنده ای برای استفاده عموم به ویژه جوانان ارائه کرده است.

نویسنده در دوازده فصل، با استناد به یافته های عقلی و نقلی محدثان، مفسران و مورخان

۱- آیت الله ابراهیم امینی در سال ۱۳۰۴ در شهر نجف آباد متولد شد. پس از پایان دوره ابتدایی، در سال ۱۳۲۱ برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه اصفهان رفت. ادبیات زبان عربی و کتاب های سطح فقه و اصول و منطق را در آنجا خواند و در سال ۱۳۲۶ برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم رفت و برای دروس خارج فقه و اصول در محضر اساتید بزرگ زمان حاضر شد. وی در حوزه علمیه قم و اصفهان به تدریس کتاب های ادبیات، فقه و اصول و فلسفه پرداخت. وی از سال ۱۳۴۴ در باره موضوعاتی چون تعلیم و تربیت، حقوق خانواده، اخلاق و سیره پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام و ... کتابهایی چند طبع رسانیده است. (ر.ک: مشعل جاوید، ص ۵۹۱).

امامیه و عامّه و نیز دستاوردهای علوم تجربی، به تشکیک های گوناگون درباره مهدویت پاسخ داده است. طرح مباحث به شیوه مناظره بوده که بر جذابیت کتاب افزوده است. مؤلف آغاز عقیده به مهدویت را از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می داند و شخصیت و تبار امام را بررسی می کند. او همچنین ادعای مهدی بودن محمد بن حنفیه، اعتقاد زیدیه به مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن و باور واقفیه به عروج امام صادق علیه السلام را رد می کند و این نکته را که منشأ مهدویت از تعالیم یهود و زرتشتی است و عبدالله بن سبا در ایجاد آن نقش داشته، مردود می داند.

عالم غیب و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امامت کودک پنج ساله، فلسفه طولانی شدن غیبت، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب های اهل سنت، نشانه ها و شرایط ظهور، یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چگونگی ظهور و احادیث، منابع، تألیفات و اقوال بزرگان اهل سنت در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، طول عمر، محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جهان در عصر آن حضرت، از مباحث مهم دادگستر جهان است.

تجدید مکرر چاپ کتاب، نشانگر استقبال خوب از این اثر ارزنده است. این کتاب برای علاقه مندان به مباحث مهدویت بسیار مفید است.

۵. در فجر ساحل

کتاب در فجر ساحل به وسیله محمد حکیمی، به رشته تحریر در آمده و تا کنون ده ها مرتبه تجدید چاپ شده است. نویسنده با بهره گیری از قلمی شیوا و ادبی، به پژوهش درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته، دنیای آینده را از نظر مذهب شیعه تصویر کرده است. وی علاوه بر بهره مندی از آیات نورانی قرآن و روایات شیعی، از دیگر کتاب های آسمانی نیز به طور فراوان بهره برده است. مطالب کتاب در پنج بخش ارائه شده است:

۱. مدینه فاضله اسلامی، ۲. نویدها، دوران حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه روایات و بشارت های مذهبی و پیشگویی اجمالی از چگونگی آینده زندگی در نظر شیعه، ۳. حماسه انتظار، ۴. یأس و امید، شکست و پیروزی، ۵. به سوی ساحل.

در آخرین فصل کتاب می خوانیم: کاروان بشریت به سان کشتی گرداب گرفته و در کام موج فرو افتاده است. سرگذشت انسان تا کنون به سرگذشت غریقی همانند است که لحظات

مرارت باری را می گذراند و با همه هستی خویش، تلاش می کند تا خود را به ساحل برساند... عاقبت روزی می رسد که ناخدای بزرگی، کشتی را به مقصود می رساند و در تاریخ نوع بشر، به نام «قهرمان بزرگ بنی نوع بشر» مشهور خواهد گردید...» (۱).

۶. راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته آیت الله سید رضا صدر بوده و به اهتمام سید باقر خسرو شاهی در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

سید رضا صدر برادر بزرگ امام موسی صدر و فرزند مرحوم آیت الله سید صدر الدین صدر است که در سال ۱۳۳۹ هـ در مشهد مقدس به دنیا آمد. خاندان او از جمله پدر، عمو و پدر بزرگش از علمای برجسته و مراجع نامدار بودند.

آیت الله سید رضا صدر در دوران تحصیل در مشهد و قم، همدرس شهید مطهری قدس سرّه و آیت الله مدنی و در دوران تحصیلات عالی از شاگردان برجسته آیت الله بروجردی رحمه الله، آیت الله حجّت رحمه الله و امام خمینی قدس سرّه بوده است. او به سرعت مدارج ترقی را طی کرد و به درجه اجتهاد رسید. و بسیاری از فضلاء حوزه های قم و تهران از جمله سید مصطفی خمینی رحمه الله در محضر او کسب علم و دانش نموده اند.

چهارمی که مساوی است با یک،

وی در بخشی از کتاب (چهارمی که مساوی است با یک) با اثبات اینکه راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان راه محمد صلی الله علیه و آله و سلم و راه علی علیه السلام و راه قرآن است، بیان کرده که راه محمد راه خدا است؛ راه علی علیه السلام راه خدا است، راه قرآن راه خدا است و راه مهدی علیه السلام نیز راه خدا است. چهار راهی است که نظیر ندارد و بی مانند است. این چهار راه، مساوی با یک است.

۱. نظریه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲. عدل عالم گیر، ۳. حکومت الهی در جهان، ۴. شرایط عدل گستر، ۵. دادور و دادگر و دادگستر، ۶. مهدی نوعی و شخصی، ۷. ویژگی ها و خصایص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۸. انتظار فرج، ۹. تعلق اراده ازلی به اقامه عدل جهانی، ۱۰. بشارت ها و اشارات، ۱۱. پدران و نیاکان، ۱۲. سفرای کبار، ۱۳. کراماتی چند از آن حضرت در زمان غیبت صغرا ۱۴. شرفیابی افرادی چند در غیبت صغرا.

وی در باره خصایص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته است: مهدی امید بشر، برگزیده خدا، انجام دهنده هدف انبیا، دادگر کل، بنیان گذار عدل مؤید جهانی، انسانی بزرگ، پاکیزه ترین فرد بشر هنگام قیام و دادگستری زنده و پاینده است که سراپای وجودش، از فضیلت، عدالت و بزرگواری آکنده است.

این کتاب برای استفاده دانشجویان و دانش پژوهان در حوزه معارف مهدوی، بسیار مفید و ارزنده است.

۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله محمد خادمی شیرازی گردآوری شده و همراه با ترجمه ارائه گردیده است. این کتاب مجموعه ای از سخنان و توقیعات صادر شده از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه با دعاهای آن حضرت است.

نگارنده در فصل های کتاب، به نقل سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیش از ولادت تا آغاز غیبت صغرا توقیعات صادره از ناحیه مقدسه در غیبت صغرا و کبرا و گفتارهای ایشان در روزهای آغازین ظهور می پردازد. ارزش این اثر در جمع آوری سخنان امام و ترجمه و شرح آنها در یک مجموعه مستقل است.

مؤلف محترم دو ویژگی مهم این اثر را در مقدمه کتاب این گونه بیان کرده است:

۱. تاکنون مجموعه سخنان در باره حضرت مهدی علیه السلام در یک کتاب جمع آوری نشده است و علمای ما در کتاب های معتبر مشروحاً ولی به صورت پراکنده آن را بیان فرموده اند.

۲. مجموعه کلمات آخرین حجت خداوند و زنده کننده جهان هستی، با ترجمه فارسی و

بعضاً با شرح مختصر و نیز ابعاد پر فروغ زندگی حضرت خاتم الاوصیا عجل الله تعالی فرجه الشریف (به ویژه در مورد برنامه... های دولت کریمه آن حضرت)، در اختیار برادران و خواهرانی که مایه علمی زیادی ندارند قرار نگرفته است»^(۱).

۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب

کتاب نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب علیه السلام نوشته میرزا حسین نوری طبرسی قدس سرّه (محدث نوری) است.

محدث نوری، در یکی از قرای نور، در سال ۱۲۵۴ هـ دیده به جهان گشود. در تهران از محضر شیخ عبدالرحیم بروجردی، دانش فرا گرفت و در سال ۱۲۷۸ هـ به عراق هجرت کرد و از خرمن پرفیض شیخ عبدالحسین تهرانی و شیخ اعظم انصاری بهره جست. به هنگام مهاجرت میرزا حسن شیرازی به سامرا، با وی بدان جا رفت. چند سال در سامرا بود و آن گاه به نجف اشرف، بازگشت و در آنجا اقامت گزید و در همان جا به سال ۱۳۲۰ هـ دیده از جهان فرو بست. وی آثار بسیار دارد.

طبرسی (ره) در باره انگیزه خود از تألیف این اثر می نویسد: «در سال ۱۳۰۳ هـ در خدمت میرزای بزرگ بودم. ایشان فرمود: خوب است، کتابی مستقل درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به زبان فارسی نگاشته شود و شما شایستگی انجام این مهم را دارید.

عرض کردم: مقدمات امر فراهم نیست؛ ولی از آنجا که در سال گذشته، رساله ای درباره کسانی که در غیبت کبرا، به زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شده اند (تحت عنوان جنهالمأوی نگاشته ام)، اگر مصلحت باشد همان رساله را، با افزودن مطالبی بر آن ترجمه کنم. پیشنهاد پذیرفته شد؛ لکن میرزا فرمود: شمه ای از حالات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چند به اختصار بر آن افزوده شود. بر اساس دستور او، به انجام این اثر اقدام شد و با استمداد از

۱- محمد خادمی شیرازی، مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۱.

عسکریین علیهما السلام، بحمدالله در اندک زمانی این خدمت به انجام رسید.

نجم الثاقب مشتمل بر دوازده باب، به شرح زیر تنظیم شده است:

۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (شامل نحوه ولادت آن حضرت شمه ای از احوال شخصی حکیمه خاتون)؛

۲. اسامی، القاب و کنیه های آن حضرت؛

۳. شمایل و توجهات الهی به آن حضرت؛

۴. اختلاف مسلمانان نسبت به امر غیبت، پس از اتفاق بر درستی صدور اخباری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است (کتاب هایی که عالمان اهل سنت، در باب حضرت مهدی موعود علیه السلام، تألیف کرده اند، مطالب مورد اختلاف، نسب، اسم پدر تشخیص و تعیین آن حضرت و دیدگاه های علمای فرقه های اسلامی در مورد هر یک از مباحث فوق و نقد و بررسی هر یک و ارائه دیدگاه مورد قبول خود)؛

۵. حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام؛

۶. نقل کراماتی جهت اثبات اینکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام عسکری علیه السلام است؛

۷ و ۸. کسانی که در عصر غیبت کبرا، به محضر حضرت شرفیاب شده اند، یا بر معجزات حضرت آگاهی یافته اند (و جمع بین روایاتی که می فرماید: «مدعی دیدار با حضرت را باید درغگو خواند» و داستان هایی که بیانگر دیدار بزرگان و اولیا با حضرت هستند و...)

۹. برای هر حاجت، به امامی خاص باید توسل جست و اثبات این نکته که یکی از مناصب خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پناه دل سوختگان است؛

۱۰. در بیان گوشه ای از تکالیف و آداب مسلمانان، نسبت به آن حضرت علیه السلام؛

۱۱. روزهای ویژه آن حضرت و تکلیف پیروان ایشان در آن روزها؛

۱۲. در ذکر اعمال و آدابی است که بتوان به برکت آنها به سعادت دیدار آن حضرت نایل شد.

در پایان گفتنی است که در مطالعه این کتاب، باید کمال دقت و توجه را نشان داد و در پذیرفتن همه مطالب آن (به ویژه حکایت های ملاقات کنندگان)، وسواس داشت.

۹. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور

این کتاب ترجمه کتاب الامام المهدی من المهد الی الظهور اثر ارزشمند سید محمد کاظم قزوینی قدس سرّه (۱) است.

مؤلف در این کتاب، موضوعاتی را در مورد شخصیت والای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد بحث قرار داده که عبارت است از:

۱. امام مهدی علیه السلام کیست؟ ۲. نام و نسب آن حضرت، ۳. قرآن و نوید از آن حضرت، ۴. نویدها در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ۵. نوید از آن حضرت در روایات امامان نور علیهم السلام، ۶. آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را به نور وجودش روشن ساخته است؟ ۷. چگونه از دیدگان نهان گشت؟ ۸. غیبت کوتاه آن حضرت، ۹. سفیران چهارگانه یا چهار نایب خاص، ۱۰. چه کسانی در دوران غیبت کوتاه او، به دیدارش مفتخر شده اند؟ ۱۱. غیبت طولانی او، ۱۲. چه کسانی در غیبت طولانی او به دیدارش نایل شده اند؟ ۱۳. چگونه تا کنون زیسته است؟ ۱۴. چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ ۱۵. ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نشانه های او، ۱۶. نشانه های ظهور آن حضرت، ۱۷. مدعیان دروغین، ۱۸. چگونه و از کجا ظهور می کند؟ ۱۹. پس از ظهور چگونه حکومت خواهد کرد؟ ۲۰. چگونه دولت ها و قدرت ها در برابر او سر فرود خواهند آورد؟ ۲۱. زندگی جامعه در عصر طلایی او، ۲۲. مدت حکومت عادلانه او، ۲۳. چگونه روزگارش به پایان می رسد و...

کلیه مطالب کتاب مستند به احادیث و روایات است. کتاب شامل، چندین فهرست است که کار را برای خوانندگان آسان نموده است.

۱- نویسنده در روز ۱۲ شوال سال ۱۳۴۸ ه. ق. در شهر مقدس کربلا دیده به جهان گشود. تحصیلات سطح و خارج را در نزد اساتید معروف از جمله آیت الله سید هادی میلانی، آیت الله سید محمد حسین قزوینی، آیت الله شیخ جعفر رشتی و شیخ محمد خطیب و... فرا گرفت. او خطیبی توانا و زبر دست بود؛ آثار فراوانی از ایشان نشر یافته است، مهم ترین آنها «موسوعه امام صادق علیه السلام است که تا کنون هفده جلد آن نشر یافته است. بالاخره ایشان پس از عمری تلاش، جهاد و فداکاری در ابعاد گوناگون علمی، دینی و اجتماعی، در سیزدهم جمادی الثانی (۱۴۱۵ه) جهان را بدرود گفت. (ر.ک: مشعل جاوید، ص ۵۸۹).

۱۰. رهبری بر فراز قرون

(پژوهشی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)

کتاب رهبری بر فراز قرون به دست آیت الله شهید سید محمد باقر صدر (۱) تألیف و به قلم مصطفی شفیعی به فارسی برگردان شده است. این کتاب ترجمه کتاب بحث حول المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اگرچه حجم آن به ظاهر اندک است؛ ولی مطالب ارزنده ای را در خود جای داده است. مقدمه و تحقیق دکتر عبد الجبار شراره بر غنای این اثر افزوده است.

در این کتاب به روش عقلی، علمی و دینی، به برخی از پرسش های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به روش عقلی پاسخ داده شده است. محقق، در مقدمه ای طولانی، روش های پژوهش درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دو گونه دانسته است:

۱. روش کسانی که در وجود آن حضرت پیوسته، در صدد شک اندازی و القای شبهه بوده اند!

۲. روش موافقان که از دو روش عقلی و نقلی پیروی می کنند.

وی ضمن بیان فشرده دلایل استفاده کنندگان از روش های یاد شده، روش شهید صدر را در این اثر، دنبال کردن موضوع، به روش عقلی دانسته است.

مؤلف در هشت گفتار، به پرسش هایی در باره، وجود، طول عمر، شایستگی ها، ظهور و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ گفته است.

وی در خصوص طول عمر امام علیه السلام بر این نظر است که این امر امکان علمی، عملی، منطقی و فلسفی دارد. افزون بر آن با توجه به رسالت بزرگ مهدی موعود علیه السلام و پدیده ای آن چنان بزرگ و غیر مأنوس، ایجاد چنین پدیده ای در روند هستی نسبت به خداوند امری طبیعی

۱- ایشان در ۲۵ ذی القعدة ۱۳۵۲ ه. ق در کاظمین و در خانواده ای روحانی و جلیل القدر دیده به جهان گشود. پدرش آیت الله سید حیدر صدر از علمای بزرگ و مادرش دختر آیت الله شیخ عبدالحسین آل یاسین بود. ایشان علاوه بر آثار ارزشمندی که از خود به یادگار گذاشت، زندگی خود را با مبارزه در برابر رژیم بعث عراق و شهادتی سرخ به نیک ترین صورت ممکن به پایان رساند.

است؛ چنان که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر رسالت بزرگ آن حضرت، کاری عادی بود.

به نظر نویسنده، طولانی شدن عمر امام، نوعی اعجاز است. اصرار به رهبری شخصی خاصّ چون امام و چگونگی کمال یافتن شایستگی های رهبر منتظر و وجود خارجی امام؛ علت تأخیر در ظهور، چگونگی تغییر سرنوشت بشریت به دست یک فرد و روش هایی که در روز موعود برای تغییر جهان صورت می گیرد، پرسش های دیگری است که در این اثر به آنها پاسخ داده شده است.

===

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، یک جلد، چ دوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۷ ه. ش.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، هیجده جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ ه. ش.
۵. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللآلی، سید الشهداء، قم: ۱۴۰۵ ه. ش.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، دو جلد، مکتبه بنی هاشمی، تبریز: ۱۳۸۱ ه. ش.
۷. اسفراینی، طاهر بن محمد، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، میراث مکتوب، تهران: ۱۳۷۵ ه. ش.
۸. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۳۷۷ ه. ش.
۹. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چ نوزدهم، شفق، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۰. ایازی، سید محمد علی، شناخت نامه تفاسیر، کتاب مبین، رشت: ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، پنج جلد، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ه. ش.
۱۲. المحججه فیما نزل فی القائم الحججه عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤسسه الوفاء، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۳. سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، چ سوم، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۴. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، شش جلد، دار ابن کثیر، بیروت: ۱۴۰۷ ه. ش.
۱۵. البدری، سید سامی، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ترجمه ناصر ربیعی، انتشارات انوار الهدی، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۶. البرقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چ دوم، دارالکتب الاسلامیه، قم: ۱۳۷۰ ه. ش.

۱۷. برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، مؤسسه فرهنگی طه، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۸. بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، ترجمه محمد جواد مشکور، انتشارات اشراقی.
۱۹. البغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل، پنج جلد، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۵ ه. ش.
۲۰. بنی هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیک معارف، چ ۳، ۱۳۸۳ ه. ش.
۲۱. البیضاوی، ناصرالدین ابو سعید، انوارالتنزیل و اسرار التأویل، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ ه. ش.
۲۲. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، انتشارات مرآتی، بی تا.
۲۳. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم: ۱۳۷۲ ه. ش.
۲۴. الترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، پنج جلد، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۵. التیمی المغربي، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: بی تا.
۲۶. توفیقی، هزاره گرای، در فلسفه تاریخ مسیحیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ه. ش.
۲۷. تهرانی، آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۲۶ جلد، چ دوم، دارالاضواء، بیروت: ۱۴۰۳ ه. ش.
۲۸. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، چ دوم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۷ ه. ش.
۲۹. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ دوم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.
۳۰. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دبیرخانه اجلاس دو سالانه ابعاد وجودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ه. ش.
۳۱. جمعی از نویسندگان، نور مهدی علیه السلام، نشر آفاق، تهران: ۱۴۰۱ ه. ش.
۳۲. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه و ولایت فقاها و عدالت، مرکز نشر اسراء، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۳۳. تفسیر موضوعی قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، قم.
۳۴. الحرائی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، به تصحیح علی اکبر غفاری،

انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۴ ه .

۳۵. حسن زاده آملی، حسن، نهج الولاية، انتشارات قیام، قم: ۱۳۷۹ ه .ش .

۳۶. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، چ ۲۱، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۸ ه .ش .

۳۷. ، عصر زندگی، چ ۲۱، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۸ ه .ش .

۳۸. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۹ ه .ش .

۳۸. حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۴۱۸ ه .
۳۹. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۴۰. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه فرمایشات بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات رسالت، قم: ۱۳۷۷ ه .ش.
۴۱. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم: ۱۴۰۱ ه .
۴۲. خسروشاهی، سید هادی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۷۴ ه .ش.
۴۳. دوانی، علی، دانشمندان عامه و مهدی موعود علیه السلام، چاپ سوم، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۱ ه .ش.
۴۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۳ ه .ش.
۴۶. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، الارشاد القلوب، دو جلد، انتشارات شریف رضی ۱۴۱۲ ه .ش.
۴۷. الرازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، اسلامیه، تهران: ۱۳۴۶ ه .
۴۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چ دوم، دفتر نشر الکتاب.
۴۹. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، سه جلد، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم: ۱۴۰۹ ه .ش.
۵۰. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دار الفکر، بیروت: ۱۴۱۰ ه .
۵۱. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ه .ش.
۵۲. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الحاوی للفتاوی، دار الفکر، بیروت: ۱۴۱۴ ه .
۵۳. شوشتری، محمد تقی و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۰ ه .ش.
۵۴. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل و النحل، دو جلد، دار و مکتبه الهلال، بیروت: ۱۹۹۸ م.
۵۵. شهید اول، الدروس، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۲ ه .
۵۶. الشیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، شش جلد، مؤسسه قرطبه، مصر.

۵۷. صادقی تهرانی، محمد، بشارات عهدین، انتشارات امید فردا، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۲ ه. ش.

۵۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثر، مؤسسه سیده‌المعصومه علیها السلام، قم: ۱۴۱۹ ه. ش.

۵۹. فروغ ولایت در دعای ندبه، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۵۷ ه. ش.

۶۰. امامت و مهدویت، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۷۷ ه. ش.

۶۱. پیرامون معرفت امام، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۷۵ ه. ش.

۶۲. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران: ۱۳۸۱ ه. ش.

۶۳. صدر، سید رضا، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.

۶۴. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، نیک معارف، تهران: ۱۳۷۱ ه. ش.

۶۵. ، تاریخ الغیبه الکبری، مکتبه امیرالمؤمنین، اصفهان: ۱۴۰۲ ه. ش.

۶۶. ، تاریخ ما بعد الظهور، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، اصفهان: بی تا.

۶۷. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، موسسه موعود، تهران: ۱۳۷۹ ه. ش.

۶۸. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، دو جلد، دارالکتب الاسلامیه، قم: ۱۳۹۵ ه. ق.

۶۹. ، عیون اخبار الرضا علیه السلام، دو جلد، انتشارات جهان، تهران: ۱۳۷۸ ه. ق.

۷۰. ، معانی الاخبار، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۳۶۱ ه. ش.

۷۱. ، من لایحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۳ ه. ش.

۷۲. ، ثواب الاعمال، انتشارات شریف رضی، قم: ۱۳۶۴ ه. ش.

۷۳. ، الأمالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ ه. ش.

۷۴. ، الخصال، دو جلد در یک مجلد، چ دوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ه. ق.

۷۵. صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۷۸ ه. ش.

۷۶. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.

۷۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیست جلد، چ یازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۶۱ ه. ش.

۷۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ۲۵ جلد، چ دوم، مکتبه ابن تیمیه، قاهره.

۷۹. ، المعجم الاوسط، نه جلد، دارالحریمین، ۱۴۱۵ ه. ش.

۸۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد مقدس: ۱۴۰۳ ه. ش.

۸۱. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۸۲. طبرسی، میرزا حسین، نجم الثاقب، چ دوم، انتشارات مسجد جمکران، قم: ۱۳۷۷ ه. ش.

۸۳. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، دارالذخائر للمطبوعات، قم.

۸۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، هشت جلد، موسسه الاعلمی، بیروت.

۸۵. طبری، آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، چ دوم، کتابخانه حیدریه، نجف: ۱۳۸۳ ه. ق.
۸۶. طبسی، محمدرضا، شيعه و رجعت، ترجمه محمد میرشاه ولد، انتشارات دارالنشر اسلام.
۸۷. طبسی، محمد جواد، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۸۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ ه. ش.
۸۹. طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه، موسسه معارف اسلامی، قم: ۱۴۱۱ ه. ش.
۹۰. رجال، انتشارات حیدریه، نجف: ۱۳۸۱ ه. ش.
۹۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ده جلد، دار احیاء التراث العربی.
۹۲. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، موسسه فقه شيعه، بیروت: ۱۴۱۰ ه. ش.
۹۳. رساله العقاید الجعفریه، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۹۴. تهذیب الاحکام، ده جلد، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۵ ه. ش.
۹۵. الامالی، انتشارات دارالثقافه، قم: ۱۴۱۴ ه. ش.
۹۶. جمعی از نویسندگان، مشعل جاوید، انتشارات دلیل ما، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.
۹۷. جوینی خراسانی، علی بن محمد، فرائد السمطين، مؤسسه محمودی، قم: ۱۴۰۰ ه. ش. ۹۸. عاملی، جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۷۷ ه. ش.
۹۸. العاملی، محمد بن حسن، الايقاظ من الهجعه فی اثبات الرجعه، ترجمه احمد جنتی، انتشارات نوید، تهران: ۱۳۶۲ ه. ش.
۹۹. وسائل الشيعه، ۲۹ جلد، موسسه آل البيت، قم: ۱۴۰۹ ه. ش.
۱۰۰. العکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، الاختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ ه. ش.
۱۰۱. اربع رسالات فی الغیبه، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ ه. ش.
۱۰۲. الارشاد، دو جلد در یک مجلد، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ ه. ش.

١٠٣. الرسائل في الغيبه، دار المفيد، بيروت: ١٤١٤ هـ .

١٠٤. علم الهدى، سيد مرتضى، جوابات المسائل التبانيات (رسائل الشريف)، دارالقران الكريم، قم.

١٠٥. الانتصار، مؤسسه النشر الاسلامى، قم: ١٤١٥ هـ .

۱۰۶. علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، دارالغدير الجديد المنصوره، مصر: ۱۴۲۵ هـ .
۱۰۷. العمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق، مهدی علیزاده، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، قم: ۱۳۷۵ هـ. ش.
۱۰۸. مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، انتشارات مسجد جمکران، قم: ۱۳۸۰ هـ. ش.
۱۰۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، منشورات اعلمی، بیروت: ۱۴۱۷ هـ. ش.
۱۱۰. غفار زاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات نبوغ، قم: ۱۳۷۵ هـ. ش.
۱۱۱. فقیه ایمانی، مهدی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، چاپ دوم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم: ۱۴۱۸ هـ.
۱۱۲. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، بیست جلد، دارالشعب، قاهره: ۱۳۷۲ هـ .
۱۱۳. قرطبی انصاری، القاب الرسول و عترته علیهم السلام.
۱۱۴. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ هـ. ش.
۱۱۵. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار الفکر، بیروت.
۱۱۶. قشیری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، محمد فؤاد عبدالباقی، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۱۷. قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، انتشارات مرتضویه، نجف: ۱۳۵۶ هـ .
۱۱۸. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، انتشارات پیام آزادی، تهران: ۱۳۷۹ هـ. ش.
۱۱۹. ، تتمه المنتهی، انتشارات پیام آزادی، تهران: ۱۳۷۹ هـ. ش.
۱۲۰. ، سفینه البحار، چ اول، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ هـ .
۱۲۱. قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، چ دوم، انتشارات رضی، قم: ۱۳۶۳ هـ. ش.

۱۲۲. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۳۴۸ ه. ش.

۱۲۳. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، انتشارات رضی، قم: ۱۴۰۵ ه.

۱۲۴. گنجی الشافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، دار المحجه البيضاء، بیروت، ۱۴۲۱ ه.

۱۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، هشت جلد، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۵ ه. ش.

۱۲۶. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۲۷. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، موسسه معارف اسلامی، قم: ۱۴۱۱ ه.
۱۲۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، موسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ ه.
۱۲۹. مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول کافی، بی تا.
۱۳۰. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، ۴ جلد، موسسه انتشارات علامه، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۳۱. المتقی الهندی، علاء الدین علی، کنز العمال، شانزده جلد، موسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۹ ه.
۱۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، موسسه الوفاء، بیروت: ۱۴۰۴ ه.
۱۳۳. ، حق الیقین، انتشارات کانون پژوهش، ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۳۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، پانزده جلد، دارالحدیث قم، ۱۳۷۷ ه. ش.
۱۳۵. مرکز فرهنگ و معارف قران، دایرهالمعارف قران کریم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۸۲ ه. ش.
۱۳۶. المروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر، بیروت: ۱۴۲۴ ه.
۱۳۷. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، موسسه انصاریان، قم: ۱۴۱۷ ه.
۱۳۸. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، چ سوم، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۷۵ ه. ش.
۱۳۹. ، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، چ ششم، انتشارات اشراقی،
۱۴۰. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، انتشارات صدرا، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۴۱. المظفر، محمدرضا، عقاید الامامیه، ترجمه علیرضا مسجد جامعی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۴۲. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم: ۱۳۷۷ ه. ش.

۱۴۳. ، تفسیر و مفسران، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.

۱۴۴. المقدسی الشافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، انتشارات ناصح، قم: ۱۴۱۶ ه.

۱۴۵. مکارم شیرازی ، ناصر، تفسیر نمونه، چ چهلم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۴۶. ، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه امام علی علیه السلام ، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۴۷. ، القواعد الفقهیه، مدرسه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، قم: ۱۴۱۱ ه. ش.

۱۴۸. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، دو جلد، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ه. ش.

۱۴۹. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، دو جلد، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۷ ه. ش.

۱۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران: ۱۳۹۷ ه. ش.

۱۵۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، هیجده جلد، موسسه آل البیت علیهم السلام، قم: ۱۴۰۸ ه. ش.

۱۵۲. نیشابوری، محمد بن حسن فتال، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم.

۱۵۳. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ دوم، پرهیزکار، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۵۴. هلالی کوفی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، انتشارات الهادی، قم: ۱۴۱۵ ه. ش.

بسم الله الرحمن الرحيم

(و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين)

(قصص/۵)

(اللهم اعنا على تاديه حقوقه اليه)

«خدایا! ما را در ادای حقوقی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما دارد یاری فرما»

ضرورت تأسیس: اندیشه «مهدویت» به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد بسیار، یکی از توان‌مندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است. طرح درست و گسترش این فرهنگ نورانی در جامعه، باعث رشد، بالندگی هر چه بیشتر جامعه و حفظ آن از فروغلتیدن در فسادها و تباهی‌ها است.

مهدویت، از مظلوم‌ترین مسائل بوده است، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، پیش از انقلاب اسیر کج فکری برخی گروه‌ها بود و پس از آن نیز ترس از اتهام انتساب به گروه‌های انحرافی، برای بازداشتن و انزوای افراد کافی بود، ولی در چند سال اخیر، با کوشش برخی مراکز و با به میدان آمدن تنی چند از افراد شناخته شده و همراه و هماهنگ با انقلاب اسلامی، این سد غربت شکسته شد و این مسأله از انزوا خارج گردید. البته آن گونه که شایسته است، به آن پرداخته نشد و در نتیجه بیش از دو دهه رکود بر این مباحث سایه انداخت. این رکود، تنها با تلاش مضاعف همه نهادها، مسئولان، پژوهشگران و اندیشمندان جبران می‌شود.

کوتاهی و کم‌کاری در این امر مقدس و خطیر، از یک سو زمینه ساز بروز خرافات و سطحی‌نگری و از سوی دیگر موجب در دست گرفتن این مقوله سترگ به وسیله افرادی ناشایست کم‌دانش و یا بی‌دانش شده است. از این رو بایسته است، حوزه علمیه به عنوان متولی این امر گام‌های جدی‌تری در این راه بردارد و با تقویت مرکز تخصصی و مشارکت و نظارت بر مراکزی که در این جهت فعالیت می‌کنند، به آموزش و پژوهش در این عرصه و سپس ارائه و تبلیغ آن در داخل و خارج کشور همت گمارند، چه اینکه اگر حقیقت تبیین و تقویت نشود، باطل تعزیه گردان می‌شود!!

شب پره بازیگر میدان شود

شمع فروزنده چو پنهان شود

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۱۳۷۹ به پیشنهاد حجه الاسلام و المسلمین محسن قرائتی و با همکاری برخی از شخصیت های علمی و فرهنگی و موافقت مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای - دام ظلّه العالی - تأسیس گردید این بنیاد در سال ۱۳۸۰ با هدف گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در سطح جامعه (به ویژه نسل جوان و فرهیخته) و تربیت مبلغ، پژوهشگر و مدرّس مباحث مهدویت و به منظور پشتوانه علمی و فرهنگی - با کسب مجوز از شورای عالی حوزه علمیه قم - مرکز تخصصی «امامت و مهدویت» را در قم راه اندازی کرد.

محور فعالیت ها:

محور اول: آموزش

۱. آموزش تخصصی ویژه طلاب حوزه علمیه؛ دانش پژوهان پس از قبولی در آزمون کتبی و مصاحبه علمی، طی مدت سه سال و گذراندن ۶۰ واحد درسی تخصصی، ۱۵ واحد عمومی، ۱۸ واحد پیش نیاز، ۸ واحد مطالعاتی، ۸ واحد گرایش و ۴ واحد پایان نامه در مقطع سطح ۳ حوزه (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل می شوند. تا کنون بیش از ۱۴۰ نفر پذیرش و ۷۰ نفر، فارغ التحصیل شده اند. برخی از عناوین آموزشی عبارتند از:

«تاریخ تحلیلی اسلام، امامت عامه و خاصه، مبانی اعتقادی مهدویت، مهدویت در قرآن، تاریخ عصر غیبت، مستشرقین و مهدویت، فرجام شناسی، فرقه ها و جریان های انحرافی، مهدویت و مسائل جدید کلامی، منجی در ادیان، منبع شناسی، حدیث شناسی، جهانی شدن و جهانی سازی، آسیب شناسی، شبهه شناسی و...».

۲. آموزش کوتاه مدت: به منظور گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در میان عموم جامعه و پاسخ گویی به نیازهای فکری و اعتقادی آنها و مقابله با شبهات و افکار انحرافی بخش آموزش کوتاه مدت راه اندازی و مباحث مهم مهدویت در سطوح مختلف آموزش داده شد. تا کنون بیش از ۹۰ مرکز حوزوی، دانشگاهی، نظامی و ... این دوره را گذرانده اند. مرکز آماده ارائه این دوره ها برای عموم علاقه مندان است

۳. آموزش مکاتبه ای: علاقمندان فراگیری مباحث مهدویت، می توانند با این بخش تماس گرفته و تقاضای خود را اعلام کنند. پس از ثبت نام، جزوات و کتاب های آموزشی به همراه نوار کاست یا CD، به نشانی ایشان ارسال می گردد و بعد از گذراندن مباحث، امتحان به عمل می آید.

۴. مرکز آموزش مجازی مهدویت؛ با توجه به گسترش فن آوری اطلاعات و لزوم فراگیری مباحث مهدویت، مدرسه مجازی مهدویت در سه بخش تأسیس گردید:

بخش اول: آموزش در سطوح مختلف عمومی شامل مباحث آموزشی کوتاه مدت؛

بخش دوم: آموزش نیمه تخصصی؛ شامل برخی از عناوین تخصصی مهدویت و پاسخ به شبهات؛

بخش سوم: آموزش تخصصی؛ شامل مباحث سطح ۳ (کارشناسی ارشد)

همچنین دوره های ویژه ای برای اقشار مختلف مانند: دانشجویان، اساتید و... برگزار می گردد. تا کنون بیش از سه هزار نفر در بخش کوتاه مدت ثبت نام کرده و آموزش دیده اند.

علاقه مندان جهت ثبت نام در دوره کوتاه مدت می توانند به نشانی ذیل مراجعه کنند.

www.mahdaviat.net

www.imammahdi-s.com

و مشتاقان مراکز علمی و فرهنگی با تماس با این مرکز، می توانند به صورت گروهی این دوره را بگذرانند. بخش پژوهش مجازی و بهینه سازی و ساماندهی امور پژوهشی، در آینده راه اندازی خواهد شد.

محور دوم: پژوهش

با توجه به اهداف بیناد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت - به منظور ایجاد زمینه مناسب جهت پژوهش در موضوعات گوناگون مهدویت و ساماندهی آن، معاونت پژوهش شکل گرفت.

بعضی از فعالیت های پژوهشی به شرح ذیل است:

۱. پژوهش های کلان نگر در عرصه مهدویت؛

۲. شناسایی و طرح عرصه های جدید پژوهش؛

۳. ارائه مشاوره در زمینه پایان نامه های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا و دیگر تحقیقات حوزوی و دانشگاهی؛

۴. پشتیبانی علمی کانون های فرهنگی؛ دانشگاهی و حوزوی؛

۵. رشد توان مندی علمی دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت؛

۶. گروه های تخصصی پژوهش در عرصه های مختلف (نظیر نقد آثار غرب درباره آخرالزمان و ...)

۷. بررسی و نقد رسانه ها، صدا و سیما و مطبوعات؛ به همراه ارائه پیشنهادها و موضوعات کارشناسی، جهت ارتقای کمی و کیفی برنامه ها و آسیب شناسی ها

۸. انجام پژوهش های میدانی؛ جهت آسیب شناسی و گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت.

پایگاه اطلاع رسانی مهدویت (سایت):

در جهت گسترش فرهنگ مهدویت، با بهره گیری از فن آوری های جدید، «پایگاه اطلاع رسانی مهدویت» با موضوعات متنوع، در سال ۱۳۸۱ راه اندازی گردید. از مهم ترین بخش های این پایگاه

۱- ارائه اطلاعات مربوط به کتاب ها، مقالات و پایان نامه هایی است که در این زمینه نگارش یافته است.

۲- مقالات فصلنامه تخصصی انتظار، در این سایت قابل دسترسی است. در بخش دیگر سایت.

۳- متن کامل کتاب های منتشر شده بنیاد در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

۴- میزگرد از دیگر بخش های این پایگاه است که کاربران علاقمند به موضوعات مهدوی را قادر می سازد تا در این بخش با هم به گفت و گو پردازند.

۵- بخش مسابقه پایگاه نیز فعال بوده و هر ماه به برندگان جوایزی اهدا می گردد.

۶- بخش «مهدیه» که حاوی سخنان استادان کارشناس در عرصه مهدویت بوده و مورد استقبال بسیاری قرار گرفته است.

بانک اطلاعات: شامل ده ها نرم افزار در منابع و متون مهدویت و ..

کتابخانه تخصصی مهدویت: کتابخانه ای غنی شامل صدها عنوان کتاب و نشریات مختلف فارسی و عربی و پایان نامه ها.

کتابخانه الکترونیکی جامع مهدویت: ارائه متن کلیه کتابها و منابع مهدویت با نمایه گذاری موضوعی، از طریق پایگاه اطلاع رسانی مهدویت به همراه ارائه نرم افزار (در دست اقدام).

دانشنامه الکترونیکی: تبیین اعلام، معارف و اماکن و اصطلاحات روز و موضوعات مربوط به مهدویت (به صورت الکترونیکی و ارائه CD)

تدوین و تألیف: بنیاد تا کنون ۳۰ عنوان کتاب و پایان نامه با موضوعات مهدویت برای سطوح مختلف سنی تدوین، تالیف و چاپ نموده است؛ از آن جمله: زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نگاهی دوباره به انتظار، از حسین علیه السلام تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سنت نبوی، حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حدیث ثقلین، فرهنگنامه مهدویت، نگین آفرینش، نینوا و انتظار، انتظار پویا، آینده جهان، دکترین مهدویت، درسنامه مهدویت، ضرورت طرح مباحث مهدویت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات شیعه و سنی، اندیشه مهدویت و آسیب ها، مهدی ستیزان، شمیم و... می باشد. جهت خرید و سفارش با بخش انتشارات تماس حاصل نمایید.

کتاب شناسی جامع، جهت معرفی منشورات مهدویت:

این پروژه به بررسی بیش از ۳۳۰۰ عنوان کتاب، پایان نامه و مقاله با موضوع مهدویت پرداخته است. محصول این کار در اسفند ماه ۱۳۸۳ با عنوان «مرجع مهدویت» به همراه لوح فشرده عرضه گشته است. همچنین در پایگاه اطلاع رسانی انعکاس یافته و به روز می گردد. بررسی نسخه های خطی و آثار جدید، قسمت بعدی این پروژه است.

فصلنامه انتظار:

یکی از دستاوردهای مهم و با برکت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، فصلنامه علمی - تخصصی «انتظار» است این نشریه حاصل تلاش جمعی از فرهیختگان و اساتید حوزه و دانشگاه است و از سوی مرکز تخصصی مهدویت قم تدوین و منتشر می شود.

فصلنامه مزبور عهده دار مباحث و موضوعات مهدویت به طور علمی و دقیق بوده و تا کنون ۱۶ شماره آن منتشر شده است. دو ویژه نامه دکترین مهدویت و عدالت مهدوی نیز از جمله شمارگان فصلنامه می باشد.

بروشور:

بنیاد برای ارائه معارف مهدویت به صورت فراگیر و مختصر تا کنون مبادرت به تدوین و تنظیم چند بروشور کرده است:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رشد تربیت انسان،

۲. انتظار و عاشورا،

۳. در عصر غیبت تکلیف چیست؟

۴. سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۵. چلچراغ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۶. در انتظار خورشید،

۷. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک نگاه،

۸. مهدی یاوران و...،

یاوران افتخاری

جهت انجام فعالیت‌های مهدوی و گسترش فرهنگ مهدویت، بخشی به نام «یاوران افتخاری فرهنگ مهدویت» تشکیل شده است. علاقه‌مندان در زمینه‌هایی که دارای توانمندی هستند مانند: رایانه، امور هنری و... با یاری و راهنمایی اساتید مرکز تخصصی مهدویت، می توانند، به فعالیت بپردازند.

پاسخ به سئوالات

از جمله فعالیت‌های مرکز، پاسخ به پرسش‌ها و شبهات در موضوع مهدویت و مباحث مربوط به آن است و تا کنون به صدها پرسش در این زمینه به صورت مکتوب و تلفنی پاسخ داده شده است. این بخش آمادگی دارد به کلیه پرسش‌ها و شبهات دریافتی، به صورت تلفنی، مکاتبه ای و از طریق اینترنت پاسخ دهد.

در همین راستا مرکز اقدام به انتشار برگه‌های پست جواب قبول نموده است. که علاقه‌مندان می توانند پرسش‌ها و شبهات

خود را مطرح کرده و بدون

پرداخت هزینه ایی به صندوق پستی انداخته و پاسخ های خود را دریافت نمایند.

محور سوم:

تبلیغ و ارتباطات:

جهت گسترش و نشر فرهنگ صحیح مهدویت و تعمیق آن در سطوح مختلف جامعه، «معاونت تبلیغ و ارتباطات» بنیاد فعال بوده و در موارد ذیل فعالیت می کند:

۱. اعزام مبلغ و کارشناس: کارشناسان مرکز تخصصی مهدویت - در حین تحصیل و یا بعد از فراغت از آن- با توجه به نوع مخاطب، به گروه های تخصصی تقسیم شده و به مراکز علمی و فرهنگی اعزام می شوند. تا کنون در بیشتر دانشگاه های کشور، مدارس، حوزه های علمیه، همایش های استانی و بین المللی، صدا و سیما، اردوگاه ها، مراکز نظامی و انتظامی و... در مناسبت های مختلف، اعزام شده و با برپایی جلسات سخنرانی، پرسش و پاسخ، کلاس های کارورزی و کارگاهی، به نشر معارف مهدویت پرداخته اند. رایزنی با مراکز علمی، مساجد، صدا و سیما و... جهت اعزام کارشناس و مشاوره ادامه دارد.

۲. کانون های دانشجویی: به منظور ایجاد فضای معطر «انتظار» در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی، با مشارکت نهاد مقام معظم رهبری، سازمان بسیج دانشجویی، جهاد دانشگاهی و دیگر نهادهای دانشجویی به همت دانشجویان عزیز، «کانون مهدویت» تأسیس شده و در زمینه های زیر فعال بوده است:

برگزاری جلسات سخنرانی، پرسش و پاسخ، نقد فیلم های مرتبط با موضوع مهدویت، آموزش کوتاه مدت حضوری، اینترنتی و کلاس های کارگاهی و پژوهشی معرفی کتاب ها و منابع معتبر و برنامه مدون به همراه سرفصل های مطالعاتی و برپایی اردوی زیارتی به مسجد مقدس جمکران و...

۳. مسابقات: بنیاد و مرکز تخصصی قم جهت ایجاد انگیزه در افراد، برای مطالعه و کسب شناخت و ارتقای سطح معرفت عمومی درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تا کنون اقدام به برگزاری بیش از ده مسابقه سراسری متنوع، برای اقشار مختلف - همراه با جوایز ارزنده - نموده است.

۴. امور هنری: با توجه به اینکه دنیای امروز، دنیای تصویر و رسانه است بنیاد با ارائه موضوعات مناسب و متنوع به هنرمندان، آنان را به فعالیت

در عرصه مهدویت تشویق کرده است و همچنین جلسات متعددی با ارباب هنر و اندیشه داشته و هنرمندان را برای نگارش فیلمنامه و نمایشنامه به سوی موضوعات مهدوی رهنمون ساخته است.

۵. ارتباط با رسانه ها: به منظور ترویج مباحث مهدویت و پاسخ گویی به شبهات مطرح شده، بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت، با تشویق و ترغیب اساتید و دانش پژوهان خود، برای ارائه مقالات در مطبوعات و معرفی کارشناسان به صدا و سیما (در برنامه های متعدد و شبکه های مختلف) و نیز راهنمایی و تشویق سازندگان برنامه های صدا و سیما، گامی دیگر در بسط فرهنگ انتظار برداشته شده است.

۶. تولید ابزار صوتی و تصویری: تولید و پخش کاست و CD برای اقشار مختلف جامعه، از دیگر اقدامات می باشد که گلچین مولودی خوانی مداحان مطرح و مناجات حضرت ولی عصر (عج) به بازار عرضه گردید.

۷. غنا بخشی جشن های نیمه شعبان و نهم ربیع الاول: بنیاد با چاپ پوستر، بروشور و مشارکت در این جشن ها اقدامات مختلفی صورت داده است.

۸. اردوگاه یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: مسجد مقدس جمکران تجلی گاه یاد و نام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مورد توجه عاشقان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و هست، بنیاد جهت ایجاد فرصت و فضای مناسب و ارتقای سطح معرفتی و عاطفی زائران و اسکان آنها، اقدام به احداث اردوگاهی در کنار مسجد مقدس جمکران برای نسل نو- بویژه دانش آموزان و دانشجویان- نموده است.

این بنای عظیم در زمینی به مساحت ده هزار متر مربع در حال احداث است. آرزومندیم با عنایات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و کمک مؤمنان در آینده نه چندان دور شاهد بهره برداری از آن باشیم.

لیست محصولات انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

ردیف

نام کتاب قیمت (ریال) ۱

نگین آفرینش

۲۱۵۰۰۰

مرجع مهدویت با CD

۱۲۰۰۰۰

۳

آینده جهان (کتاب سال حوزه)

۲۸۰۰۰

۴

فرهنگ نامه مهدویت

۲۵۰۰۰

۵

دکترین مهدویت

۹۰۰۰

۶

مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی

۱۴۰۰۰

۷

انتظار پویا

۵۰۰۰

۸

جوانان یاوران مهدی

۴۰۰۰

۹

نینوا و انتظار

۷۰۰۰

۱۰

ضرورت طرح مباحث مهدویت

۲۰۰۰

۱۱

امام زمان در کلام آیت الله بهجت

۶۰۰۰

۱۲

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

۶۰۰۰

۱۳

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث شیعه و سنی

۶۰۰۰

۱۴

زمزمه های انتظار

۶۰۰۰

ردیف

نام کتاب قیمت (ریال) ۱۵

مهدی ستیزان

۲۵۰۰

۱۶

مهدویت و آسیب ها

۳۵۰۰

۱۷

فصلنامه علمی - تخصصی انتظار (۱-۱۷)

۸۰۰۰

۱۸

پژوهشی عقلی پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲۵۰۰

۱۹

طلوع خورشید

۲۵۰۰

۲۰

امام مهدی در حدیث ثقلین

۶۰۰۰

۲۱

زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲۰۰۰

۲۲

شمیم

۳۰۰۰

۲۳

دولت مهدی سیرت مهدی

۴۰۰۰

۲۴

CD نقد فیلم نوستر آداموس

۱۵۰۰۰

۲۵

نگاهی دوباره به انتظار

۵۵۰۰

۲۶

درسنامه مهدویت

کارت بازی انتظار

۶۰۰۰

نحوه تقاضا: وجه کتاب درخواستی را به حساب سیبا (۰۱۰۱۷۸۴۷۶۵۰۰۳) بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با نام و تعداد کتاب های درخواستی به نشانی ذیل از طریق پست یا فکس ارسال نمائید.

نشانی: قم- خیابان شهداء (صفائیه)- کوچه آمار (۲۲)- بن بست شهید علیان- پلاک ۲۴-

تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰- کد پستی: ۱۱۹/۳۷۱۳۵

یادآوری: (۱) هزینه ارسال بعهده این مرکز می باشد. (۲) خریداران عمده از تخفیف ویژه برخوردار می باشند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹